



# کتاب و وقت

شماره آبان ۱۳۶۰، مطبوعه مهر المهر، ۱۳۶۰، مطبوعه  
سازمان انتشارات و نشر، تهران

۴۷

Ketabton.com

در گفت دست تان چیست  
عشق و فان  
صفا صفا میایی

# سپاروون

شماره "چهارم" ماه مرداد ۱۳۷۰ سال چهارم شماره مسلسل ۴۳



چند سال پیش پدر رئیس خانواده بود و حق داشت فرزندانش را به راه مستقیم رهنمایی کند و پدر میتواند کار کند و لقمه نانی که تهیه می کند تن فرزندانش را سیر سازد و در چنین حال فرزندانش از پدر اطاعت داشتند و جوانان پدر و مادر را نمیگرفتند. اما امروز بچه‌ها پدر نمیخوانند در سن سختی روزگاران شکم سورتیهه کند بسیاری شان یا در استان خود عزیزتر- بین جوانان خانواده را دفن کرد و پسران و دختران دیگر در سراق فرزند پسر شدند و حسرت و پندار بر دل هنوز منتظر برگشت آنان اند.

امروز بسیاری از جوانان از پدرها- پشان اطاعت ندارند امروز بسیاری از- برایم های ما از همین امر ناشی میگردد که جوانان نسبت به بزرگان ادب و- احترام قایل نیستند و امروز بسیاری از جوانان به معلمان و استادان- اهمیت قایل نمیشوند امروز بسیاری از خانواده ها شیرازه و و راپنه های سنتی دیروز را از دست داده اند و در نتیجه بد بختی های زیادی داشته اند که شان شده است و این همه هدیه جنگ و مهابه است که پیش از سیزده سال از همران می گذرد میتوان تره ویران شده را آباد کرد میتوان اقتصاد پرباد رفته را رونق داد اما مشکل اصلی انسان های پرباد شده رابه ساده کسی از نو ساخت و درد بزرگ ما همین است و هر روز که جنگ عمر بیشتر کسب می کند این درد بزرگتر میشود.

اداره مجله دوربرایس مطالب دست باز دارد عقاید و نظریات در مضامین نوسنده گان معلق است

# بیماری های ژنتیکی

صفحه ۶۶

# برونی کشور پرتومند

صفحه ۸۲

# عشق و نان

داستان کوتاه

صفحه ۲۸

# سرنوشت شما در کف دست

صفت

صفحه ۳۲

# ملیونا

صفحه ۵۴



فَلَاقِ رُودَا  
صفحه (۲۰)



باغِ دَخْشَنِ کَابُل  
صفحه ۱۱



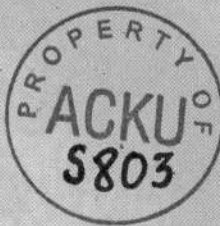
# زمنه ستره نری

صفحه ۱۴



تصویر بریلودی ها معنی رسد

SABAWOON  
Monthly Magazine of  
Journalists Union of  
Afghanistan  
Editor-in-Chief  
Dr. Z. Tanin  
Assistant  
M.A. Mar



حساب بانکي (۲۳۳۰۰۰۰۸) د افغانستان بانک

Add:  
Block 106, 3rd Micro-man  
Kabul — Afghanistan

مدیرمسوول: دوکوردظاهرطنین  
تېلېفون: ۲۴۵۱۰  
معاون: محمد آصف معروف  
تېلېفون: ۶۲۷۵۲  
مکترمسوول: ضیاء عبادی  
نشریه اتحادیه ژورنالهیستان

خطاط: کبیرامیر و محمدنعمین نیکزاد  
مگرافیک: نورمحمد ورزیه  
عکاس: شمعین گل  
نایب: محمدجمععه، خواجه مرزا — و زلمی "بول"  
آمر چاب: عبدالله  
آدرس: مکروریان سوم، بیللا (۱۰۶) کابل — افغانستان

# هند طلا تولید نمی کند اما به فروش می رساند.

کشور هند یکی از بزرگترین کشورهای خریدار طلا در جهان است. در سال ۱۹۸۱ هند ۱۶۶ تن طلا خریداری نمود که این رقم به مراتب بیشتر از سالهای قبل است. ولسی این مقدار طلا نیز برای هند وستان گامی نبود. قاچاقچیان شتافتند و در سال ۱۹۰ مقدار ۱۶۸ تن طلا اضافی را به هند وستان وارد نمودند.

اما تعجب آورینا است نه با وجود نیازند به این کشور به طلا هند در لیلیم زوین ۲۰ تن طلا را به بیرون رسانید، که از دیگر آن ۲۴۰ میلیون دالر بدست آورد.

فروض خارجی هند وستان به بیرون ۷۰ میلیارد دالر بالغ میشود.

به اساس گزارش آژانس نووستی هند وستان برای رفع بحران بولی خود قرار است ۱۰ تن طلا دیگ وجود را بفروش برساند. اما معلوم نیست که هند وستان را رفع خواهد کرد یا خیر.

در خود کشور هند وستان سالانه بینالی دو تن طلا تولید می شود.



### بن چه میشود؟

در گزارش در مدت ۸ الی ۱۰ سال، پارلمان و حکومت آلمان بهرین انتقال باید در پیر از جنگ دوم جهانی که آلمان به دو بخش تقسیم کرد بد روز ران کشور قرار گرفته بود.

بزرگ آلمان شرق برلین و مرکز آلمان فدرال بن تعیین کرد بد اما این که بروسه وحدت آلمان تکمیل کرد بد به مساهله انتقال مجدد پایتخت آلمان واحد به برلین یعنی از سایل د روز ران کشور قرار گرفته بد.

## اشعه آفتاب بهترین وسیله تدایوی

از اثر تجیع تشعشعات نور آفتاب تا تیر معالجوی اشعه نور آفتاب بالای ارتقا بین انسان بلند می رود. نور این آفتاب ای جسم مریض انداخته میشود و عمیق تیره جسم فرو می رود که سایر وسایل معالجه بسا چنین عمق به جسم انسان تاثیر افکنده نمی تواند.

به اساس گزارش آژانس نووستی به اثر استعمال این جسم مریض تحت اشعه قرار می گیرد و این شیوه تدایوی غرض معالجه امراض پراشمیت راد یو کولیت و امراض ساری استفاده می شود.

در نتیجه تحقیقات به اثبات رسیده که از اشعه آفتاب میتوان به حیت بهترین آله تدایوی که از نقطه نظر ایکلوزیکی صاف و قدره تدایوی هر گونه امراض است، استفاده کرد. بعد از تحقیقات همه جانبه، تولید چنین آله تدایوی در قزاقستان شوروی آغاز گردیده است. این آله از است ایینه مقعره قطر ۷۰ سانتی رابرجود می آورد ترتیب یافته است.

## در اکثر کشورهای جهان حقوق بشر نقض شده

سازمان عمومی بین المللی که چگونه می تطبیق حقوق بشر در کشورهای جهان را مورد ایز- بامی قرار میدهد در این اواخر گزارش آزادی را، بهرامون وضع حقوق بشر در کشورهای جهان به نشر سپرده است.

این گزارش آزاد وضع حقوق بشر در سال ۱۹۹۰ در اکثر کشورهای سواره ما مورد بهره سی قرار داده است.

صنوبت بین المللی به مجازات های کلوی در عراق و کوه در هنگام اشغال کوهت توسط عراق نیز تاکید شده است.

در گزارش مذکور همچنان به حادثه قتل سی نفر از ارضی ها که در نتیجه مناقشه مسلمان ارضستان و آذ بهای جهان بوقوع

به اساس اطلاع آژانس اطلاعاتی نووستی که این گزارش سال زمان عمومی بین المللی را راهبر داده است در بعضی از دول جهان زندانها بظاظر داد شتن عقاید مذهبی محسوس کرد بد اند. در ۱۰ کشور جهان حکم اعدام وجود داشته که هشتاد فیصد اعدام شدگان در اتحاد شوروی و چین انجامیها بود است.

وزارت صحت عامه کشور بلانکا برای جلوگیری از تشعشعات در موسسات طبی، گروه های کنترولی را بوجود آورده است که بنام (گروه های پرواز کننده) پاد می گردد.

اعضای این گروه ها بطور ناگهانی از شناخانه ها باز بد می کنند و از وجود پست ودم موجود بت برسول طبی کنترولی حمل می آورند.

آنها همچنان تعمیر و سروطه شناخانه را بکنترول می نمایند که شمارهای طبی مطابقت دارند یا نه.

## گروه های پرواز کننده

### بنای یادگاری اسرای جاپانی

در دهکده لیستونیکا واقع در ساحل جنوبی پاپیال که در ۷۰ کیلومتری ایرنووست اتحاد شوروی قرار ارد بنای یادگاری اسرای جنگی جاپانی افتتاح گرد بد است.

آژانس خبری نووستی گزارش داده که در نخته سنگ این بنا اسرای آن سده جاپانی های که در این منطقه بدون اند و قبل از جنگ اسیر بوده اند، در استاتیا جاپان در جنگ دوم جهانی اسیر شده بودند.

## هنرمندان زودتر از سیاستمداران متحد می شوند

کریا و جمهوری کوریا در شهر ساخالین جنوبی دایوگرد، به مقصد مسکو، مستقرین این فستیوال است. هنرمندان گام دیگری به سوی اتحاد کوریا خواهد بود. جمهوری کوریا این پیشنهاد را بد نوشته اما جمهوری دموکراتیک کوریا تا هنوز بمان باسخی نداد است.

انجمن کوریایی های ساخالین که یک انجمن جانب دار اتحاد مجدد کوریا است پیشنهاد نموده تا در ماه اگست (اگست - سنبله) سال جاری عیسوی فستیوال هنرهای ملی کوریا با شرکت هنرمندان جمهوری دموکراتیک مسرد م

## بیکاری در چین

برای بیکاری یکی از راههای اجتماعی چین است. آنچه که آژانس نووستی گزارش داده بیشتر از ۲ فیصد اهالی مستعد به کارشهرهای مختلف چین بیکاراند.

چین برای رفع بیکاری در سال ۱۹۸۶ سیستم مطابقی ارزیابی های اولی این سیستم نتایج مثبت به بار آورد.

در حال حاضر این سیستم ۴ (۴) میلیون نفر را در وسایعات و ادارات مختلف چین احتوا کرده است.

### توفان بی سابقه در جزیره تاسین

در این اواخر در جزیره تاسین توفان بی سابقه بی توقع بود. سته است. توفان مذکور ملغم کشتی نظامی را با نیروی عظیم به ساحل پرتاب نموده که کشتی مذکور به یک منزل اصابت نمود که منزل مذکور را تخریب کرده اما تلفات جانی به بار نیاورده است.



تعمیر از صفحہ داری

# از زمین و از زمان

از آنسوی در آنسوی



از رواج شہرت سیمینا

الہیازت تاپلور ہنر ہمشہ  
مشہور سیمینا ہالہود اخیرا  
اعلام نموده است کہ برای بار  
ہشتم ازدواج میکند . داما د  
یک کارگر سی و نہ سالہ سا۔  
ختمانی بنام فورتمسکی است  
کہ الہیازت تاپلور اورادریک  
درمانگاہ معتادین مواد مخدرہ  
کہ ہر دو در آن جاتحت  
تداوی قرار داشتند ملاقات  
نمود .

این ہنر ہمشہ پنجاہ و نہ  
سالہ گتہ است : " زندگی  
لذت بخش و شیرین است یا  
سہری شدن ہر روز ہوشتر از

روز دیگر عاشق ہم می شوم .  
مراسم عروسی ہر دو قسرا  
است در ماہ اکتوبر صورت گورد  
آنها در کلنہیک بیٹی فورد کہ  
یک در مانگاہ معتادین مواد  
مخدرہ و الکول در شہر رانچو۔  
مہراز در ایالت کلفورنیا موقعیت  
دارد باہم ملاقات کردہ اند .  
خانم تاپلور در گذشتہ  
ہفت بار ازدواج کردہ کہ دو  
بار آن باہر چارڈ ہسرتسون  
ستارہ نامدار سینمای ہالیوڈ  
بودہ است . فورتمسکی از  
خانمش طلاق گرفتہ است .

نہ روز کشی یک ہنر ہمشہ

خانم دول انور ستارہ مشہور  
سیمینا و تلو یز یون بنگلہ دیش  
با گرفتن مقدار زیاد تابلوہت۔  
ہای خواب آور خود کشی نمود .  
پولیس بنگلہ دیش گتہ : خانم  
دول انور کہ چہل و سہ سال  
عمر داشت قبل از آنکہ دست  
بہ خود کشی بزند پیامی رانو۔  
شہتہ بود کہ در آن گتہ آمد ۔  
است : " هیچ کسی سہو و ل  
مرگ من نیست ہ ولی از شو۔  
ہرش تقاضا کردہ کہ قبل از آن  
کہ اورا بہ خاک بسپارد از وی  
عکس برداری نماید .

زنانی زنا زانی گشتہ

یک زندانی پاکستانی زندا۔  
نی دیگر راکہ ہندو بود در شہر  
کوہتہ بہ روز دوشنبہ ( ۲۲ ) جو۔  
لای صرف بہ خاطر آن گشت کہ  
اودر بسترش برای لحظہ لمبده  
بود .  
اللہ دیتا مرد سی و پنج  
سالہ و تیکہ دید گوہر لال در  
بسترش لمبده فوق العادہ ۔  
خشکیں شدہ و بہ گسو ہر لال  
حمل کرد مازگلویش گرفتہ وسرترتا  
وقتی بہ زمین کوبید کہ جگان  
از تنش برآمد . مقامات زندان  
بعد از آن اللہ دیتا را بمسلول  
یک نفری انتقال دادند . وی  
کہ بہ اتہام قاچاق زندانی شدہ

است اکنون انتظار محاکمہ  
مجدد خود را باخاطر آدم کشی  
می کشد .

تہمین زنا

یک مرد امریکایی کہ در رشتہ  
کمپیوٹر کار می نماید در ایالت  
کونہیکت ایالات متحدہ امر۔  
یکا بہ این اتہام بازداشت شد  
کہ سی ہزار مکالمہ تیلیفونی را  
انجام داد و در جریان آن بہ  
زنان مخاطبش می گتہ کہ اگر  
در برابر منازل شان برہنہ  
ایستادہ نشوند یکی از اعضای  
خانوادہ او کشتہ خواہد شد .  
این شخص کہ انتونی گارا۔  
نستی نام دارد بہ زنانکہ  
بین سنہن سی و چہار تا ہفتاد  
و چہار سال دارد تیلیفون  
نمودہ می گتہ کہ وی اعضای  
خانوادہ شانرا در اسارت دارد  
واگر طبق خواست او عمل نکنند  
او گروگانش را خواہد کشت۔  
پولیس گتہ است کہ وی زنان  
را بطور تصادفی انتخاب می کرد  
ویدریک روز حتی بہ یکصدوسی  
زن تیلیفون کردہ است .  
شخص مذکور بعد از پرداخت  
۴۵۰۰ دالر جریمہ رہا گردید

زنان بہ منزل ولایتی

در حدود صد زن طرفدار  
حمصن محمد ارشاد رئیس  
جمہور مخلوع بنگلہ دیش باجا۔  
روپ ہا بر منزل یک قانون دان  
دولتی کہ دوسوہ ارشاد را در  
محکمہ پیش می برد حملہ نمودند .  
آنها کہ مربوط بہ جناح زنان  
حزب جتایا ارشاد استند بہ  
محلہ دہانماندی کہ اقامتگاہ  
امون الحق مدعی العموم ۔  
بنگلہ دیش است را ہمہمایی نمود۔  
دند . و چاروہا راکہ با خود  
حمل می کردند بہ منزل مدعی۔  
العموم پرتاب کردند .

۶

یک روز نامہ رسمی چاپ ہیکنگہ  
گزارش دادہ است کہ یک خدمتہ  
بہ طور تصادفی کودکی یک سالہ  
را بعد از آنکہ تلاش کرد اورا در  
ماشین رختشویی غسل بدہد  
کشت .

این تراژدی ماہ گذشتہ در  
منطقہ خنچانگہ در خانہ شخصی  
بنام ہیرگوما و ہیرگولی ہمسرش  
کہ ہر دو معلمین مکتب اند  
اتفاق افتاد .

انہا بہ خدما گتہ بودند  
کہ بعد از ختم رختشویی طفل  
را نیز شستشو دہد این خدما  
سادہ کہ فکر میکرد کودک نیز  
مانند لباس در ماشین شستہ  
می شود بعد از ختم شستشو  
لباس طفل را نیز در ماشین  
انداختہ و ساکت ماشین را۔  
روشن نمودہ کہ در نتیجہ کو۔  
دک در ماشین لباسشویی  
غرق گردید و جسدش کسہ  
آغشتہ از خراشیدہ گی ہا و۔  
کیودی ہا بود بدست آمد .  
روزنامہ می افزاید کہ ایمن  
زن و شوہر بعدا بہ خاطر  
استخدام یک خدمتہ سادہ و۔  
بی عقل اظہا تا سف نمود۔  
دند .

زن ہای پستتر از مرد ہا

در فلپین کارمندانی  
روزنامہ " فلپین ستار "۔  
اخیرا نوشتہ است کہ کارمندان  
زن در دستگاہ دولتی خانم  
کورازون آکینو رئیس جمہور  
فلپین نسبت بہ کارمندان مرد  
افزایش یافتہ اما مردان پست  
ہای حساسی پالوسی سا ز را  
احراز کردہ اند .  
این روز نامہ طبق ارقام دفتر  
احصائہ فلپین نوشتہ است  
کہ در فلپین ہشتصد ہزار زن

بحث کارگر در دستگاه حکومت کاری نمایند در حالیکه تعداد مردان کارگر به هفتصد هزار نفر می رسد. خانم کور - ازون اکهنواولین رئیس جمهور زن در فلپین است. اما او سوماتی را اتخاذ نکرده که به استخدام زنان ترجیح داده شود.

فهمیده نشد که آیا اعضای خانواده وی آگاهانه بود رکشده را خورده اند و یا خمر ؟ فلپینانو خسر کابینی گفته است که خانواده دامادش به پرایلم های زیاد پولی مواجه بودند و همیشه دامادش را - نصیحت می کره که باکم بخود گذران نموده و تشویش نکند.

مجازات بخاطری محکوم شدند که دراطاق های شان سگرت دود کرده بودند. اجساد این دوسرودختر که چهارده و شانزده سال عمرداشتند به روز هفت اسد درهک کانتینر - متروک که از طرف این مرکز در هپروشمیا جاپان برای تدا - بیرونظاطلی استفاده میشد درهافت شد.

### در ششوی از دواج زوج

مردان مسلمان سنگاپوری - متاهل به سوی جزایر باتام و نیتان اندو نیز با رجوع می نمایند تا در خفای خانم های شان بار دیگر با زنان اندو - نیز یایی ازدواج نمایند . روز نامه سندی تایمز نوشته است که بسیاری این زنان کما - نی اند که بین - نین بیست الی سی ساله گی قراردا - شته و از شوهران شان طلاق گرفته اند .

این زنان ازدواج با یک مرد مسلمان سنگاپوری رایگانه نجات شان از فقر می دانند . بسیاری مردان سنگاپوری بعد از ازدواج با زنان جواتر اند و نیز یایی همسران و اطفال شان را در - سنگاپور رها کرده اند .

### پولیس با وقت رسیدن

تهران : چندی قبل در قسمت جنوبی شهر تهران هنگام کندن کاری تعداد یک گنج بزرگی ازسکه های طلائی مربوط عصر ساسانی هاسال های ۴۴۹ - ۱۱۱ و عباسی ۸۷۴ - ۱۱۱ و عباسیان سال های ۷۵۰ - ۱۲۵۸ کشف گردید پولیس ناوقت رسید

کارگران ساختمان تارسیدن آنها ۳۶۰ سکه طلائی را بالای زوگران به فروش رسانیده بود که از آن خشت طلائی به وزن ۱۰۲ کیلوگرام بوجود آمد و به تعداد ۸۶۰ سکه را پولیس ضبط نمود .

# قتل به خاطر جنزیه عروسان

دوبارلمان هند به روز پنجشنبه ۲۷ سرطان گفته شد که پولیس هند هشتصد و هفتاد و هشت قضاة قتل هک هزار و چهار صد و هفتاد و نه حاد می خود کشی را در ال ۱۱۱۰ ثبت کرده که به جنزه زنان ارتباط داشته است.

علاوه به آن دو هزار و چهار صد و هفتاد و هشت قضاة مرگ در بخش قانون جزای هند ثبت شده است.

پرداخت جنزه از طرف فانیل مروس به خانواده داماد در سال ۱۹۶۱ در هند غیر قانونی اعلام شد اما این عمل با تقاضاهای صریح تر به شمول پرداخت عموها و تلوپنون ، موتر موتر سایکل علاوه ادا یافته است .

روزنامه های برجسته شعری هند هر روز گزارشات را برامون خود کشی عروسان نشر می نمایند . این خود کشی ها زمانی بر قوع می پیوند که خانم خانه احساس می نمایند که نمی تواند فشار خانواده خسر را بخاطر جنزه تحمل کند و هم نمی تواند از خانواده پدر تقاضای جنزه بیشتر نماید . ارقام نشان میدهد که مرگ های مربوط به جنزه در دهات هند رو به افزایش است .

گروپ های حقوق بشر می گویند که صرف یک بخش کوچک مرگ های مربوط به پرداخت جنزه در دفتر پولیس ثبت میشود

این دو نفر برای چهل و چهار ساعت در داخل کانتینر قتل شدند و آنها اجاز داشتند صرف یک جرعه چای بنوشند با وصف آنکه درجه حرارت هوادر ساه به سی و پنج درجه سانتی گراد میرسد . پولیس آمراین مرکز را که یک موزه شخصی است تحت تحقیق قرار داده است

### صدراعظم این

### هند اجاز میباید

### میرا قتل کرد

چند را شکر صدر اعظم سابق هند درهک فستوال اجاز نیافت مو ام را قطع نماید - نهرا انفرادی امنیتی استفاده از چاقو را در محل منع قرار داده بودند . شکر از نوامبر سال ۱۹۱۰ تا انتخابات یکماه گذشته صدر اعظم هند بود حتی اعضای حزب جناتادال شکر در فستوال سالانه ( منگو ) که در شهر شاهجهان بود برگزار شده بود اجاز نیافتند نزدیک وی قرار گیرند به تعقیب این ادعا که ترتیبات امنیتی بیشتر می توانست از قتل را چوگانندی صدر اعظم سابق هند جلوگیری کند . حفظ شخصیت های بسیار مهم در هند بطور اساسی تشدید یافته است .

### دو نفر زوجهان

### در یک کانتینر

### جان سپردند

پولیس بتاريخ ۱۸ اسد سال جاری در توکیوگت دو تن از زوجوانان جاپانی بعد از آنکه درهک مرکز تریه مجد دنوجوا - نان بخاطر مجازات ، درهک کانتینر قتل شدند ، جان سپردند . زوجوانان مذکور همین

### مردی بخانه خود از راه

یک روز نامه فلپینی نوشته است که یک کارگر کابینی یک نجار فقیر فلپینی بخاطر آنکه نمی توانست برای نفقه خانواده اش پول کافی بدست بیاورد اعضای خانواده خود را زهر داد و خودش نیز خود کشی کرد . روز نامه مانهلا تایمز نوشته است کابینی که بیست و نه سال عمر داشت به تاریخ پنج جولای بعد از آنکه پدر رکشده را به خورد خانواده اش داد و خود نیز آنرا سر کشید با همسر و سه طفلش در شفاخانه جان سپرد .

# فرد روز بزرگ مسیریان

## چرا این همه ازدحام و ترافیک وحشتناک شهری را می توانیم

توافق هر چه عاجلتر کنترل سرعت وسایط را در دست های محین این جاده اعمار نماید و برای کنترل از سرعت در جاده های دیگر شهر نیز ازین نوع موانع عبور یا سرعت ایجاد شود البته این موانع نباید بلند از ده سانتی باشد زیرا بعضی ازین موانع در ایام سرما موجب ایجاد مشکلات میگردد در بسیاری کشور های جهان این موانع را از طریق نصب سنگ ها در فاصله های نزدیک ایجاد میکنند

تاجانیکه دیده میشود بعضی از راننده گان در ایام اجازه نامه در بوری نبودن با برخی شان دارای اجازه نامه هستند اما در بوری رادست بلد نمی باشند این مورد نیز مورد توجه باید قرار گیرد تا کتوبن که دیده شده شرایط مجازاتی برای راننده های که موجب ایجاد حوادث ترافیکی میشوند مخصوصا وسایط دولتی را متضرر می سازند خیلی جدی نبوده و متراست " قوانین موجود یا حداقل در تطبیق آن تجدید نظر شود و برخورد مجازاتی شدید تر وضع شود اداره مجله سبازون در نظر دارد تا در زمینه نظریات شهریان و مسوولین راه نشیر رسانند

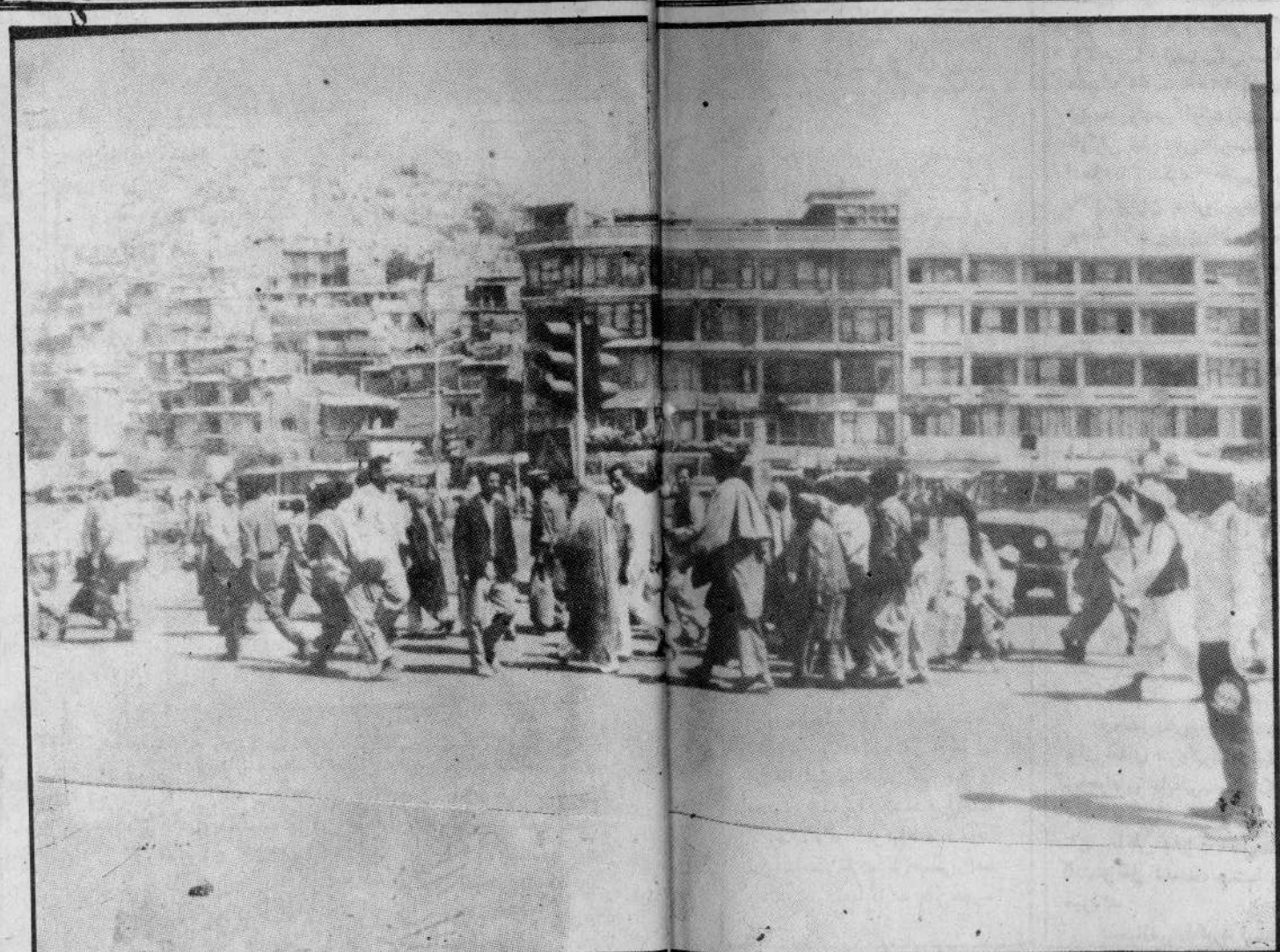
در ورترا مرکز شهر انتقال با بنسلا چنین ازدحام در جاده نالند که وات مقابل وزارت تعلم و ترهه نیز وجود دارد که گاهی موجب ایجاد درد سر زیاد برای راننده گان میگردد

چگونه ممکن خواهد بود که جلو سرعت موترها در شهر گرفته شود و وسایط نقلیه در شهر با معمارها و موازین بین المللی قانون ترافیک را رعایت کنند و جان همشهریان را از خطر محفوظ داریم

بختراست برخورد ترافیک نسبت به تخلفات همه وسایط نقلیه قاطع و جدی باشد در دینور و رعایت و جانبداری خلاف عدالت است

در مورد جاده های مزدحم تجدید نظر شده و برای وسایط نقلیه همشهریان که در شهر ضرورت دارند محلات پارکنگ جستجو شود بهتر خواهد بود در این پارکنگ ها وسایط از طرف یک نگهبان محافظت شود ضمنا از نظریق از وقوع حوادث انفجاری نیز جلوگیری بعمل آید

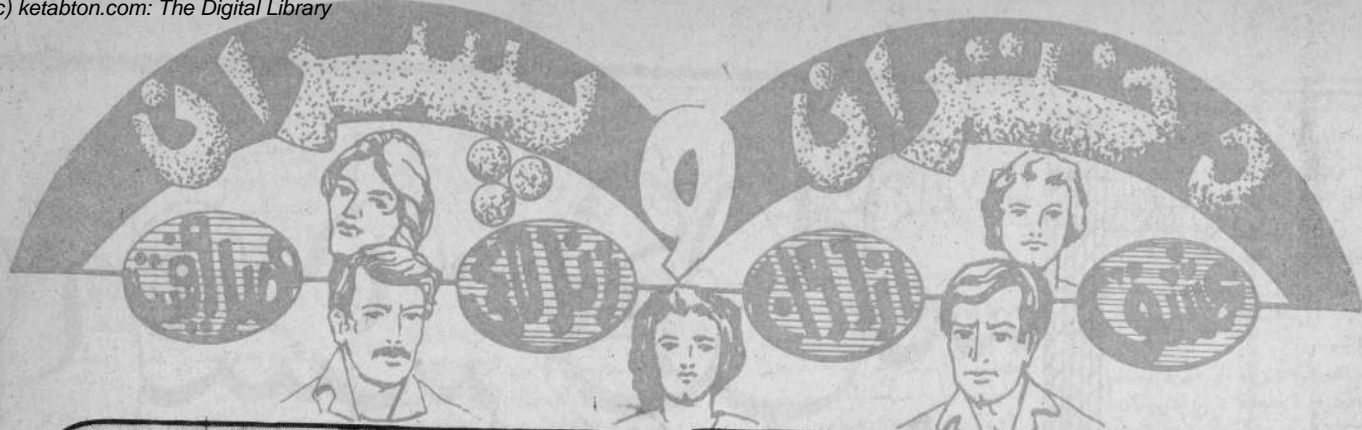
ترافیک بر علاوه جاده های که از آنجا تصادفات رسمی عبور و مرور دارند به نقاط دیگر شهر نیز توظیف شوند مثلا بارها شاهد حادثه های در مسرک جدید مکررون چ هارم بوده ام بختراست رعایت



خود " برخی وسایط تیز رفتار مربوط به فرماندهان های قطعات قوس با سرمایه داران هر روز با چنان سرعت از جاده ها عبور می کنند که گویی طهاره می است که میخواهد در خط رنوی اوچ بگردد و جالب اینست که برخی از ترافیک ها بچسبی متوقف ساختن آنان برایشان سلام و لبخندی نیز اهدا می کنند این وضعیت ها موجب مسر افروختگی و صیانت شهریان میشود گاهی ترافیک کارنیزون شهر کابل در شهر حضور دارد که حداقل برخورد قاطع تر و جدی مخصوصا با وسایط نظامی دارند

پروپلم دیگر مربوط به تقسیم ایستگاه های ملی پس و جاده های یکطرفه و دوطرفه است مثلا جاده کنار راه مقابله فروشگاه بزرگه افغان بر تقسیم آنکه خیلی کوچک است اما چو حالی که در آنجا نیست از همه طرف موترها میروند چندان ایستگاه در آنجا متمرکز شده است گاهی ترافیک رفع مشکل را با این بردن کراچی ها و تینگ های دست فروش چاره می کند اما اینکه ممکن نیست به ایمن علت ازدحام در آنجا ادامه دارد آیا بهتر نخواهد بود که تعداد ایستگاه ها از آنجا کم شود و در نقاط

تقریبا در طول چند سال اخیر و مخصوصا در یکی دو سال اخیر وضع ترافیک شهری بهنا بر ازدحام بیش از حد وسایط نقلیه محدود بودن جاده های شهر افزایش نفوس و عوامل متعدد دیگر خلی وحشتناک شده رقم سالانه و روزانه تلفات ناشی از حوادث ترافیکی بمقایسه نفوس شهر بسیار بلند است قربانان حوادث ترافیکی بیشتر به علت پراکنده گی افکار راننده و تهاپین و عداست به علت سرعت بیشتر و سبقتجوی بوجود می آید ترافیک شهر برغم آنکه در طول روز در کرما و سرما به خدمت مردم قرار دارند و ابتکارات متعددی را بکار می برند تا جلوی حوادث گرفته شود اما به دلایل زیادی تا کتوبن موفق نیستند طوری که ملاحظه میشود وسایط بعضی از خازند و بعضی ترافیک در شهر با قادن هستند که جلو سرعت برخی موترها را بگیرند یا اینکه توانایی آنرا ندارند مثلا بارها دیده شده که یک واسطه نقلیه نظامی با سرعت خیلی زیاد از چراغها عبور کرد و با موترهای باریک کماز و تانکرها با همین سرعت چاده را میسوزاند که هر کس آنرا دیده دلش هول کرده و گفته: " خدایا

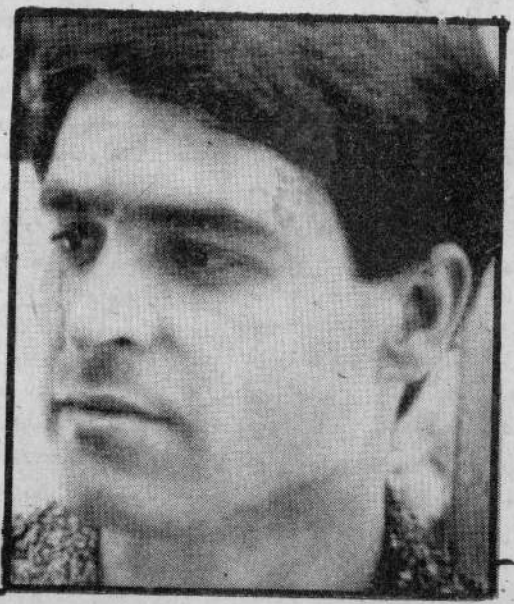


سید عبدالله ستومان منحل در رشته کیمیا و بولویژی در اتحاد شوروی  
 تال حال هیچ آرزویم برآورده نشده و فکر میکنم هیچگاهی هم بخت و طالع با من یاری نخواهد کرد زیرا آرزو اتمم دا کتر شوم به پولیتخنیک کامیاب شدم خواستم بورس بگیرم برای بورس در رشته تخنیک موتر دادند وقتش برای تحصیل رفتم هانجا در رشته کیمیا و بولویژی معرفی ام کردند نمیدانم این رشته را چطور ر بخدمت من به هر صورت امید دارم که بتوانم با هر گونه تلاش و وساطه رشته خود را تغییر داده و به آرزوی اولم برسم.

راحله رحمانی کارمند ریاست تفتیش وزارت تعلیم و تربیه  
 آرزو دارم با پسری پیوند زنده گی بزنم که تحصیل عالی و اخلاق نیکو و خانواده نجیب داشته باشد تا بتوانم در کسار هم و به پای هم زنده گی خانوادگی را با فرزندان خود پراز خوشی و سرور و محبت سپری نمایم تا مریمان خوبی در امور زنده گی باشم.



عبد الطیف سید منحل سال اول  
 لسان خارجی در شهر پتسی  
 گورس شوروی  
 یگانه خواستم این که روزی از ملک دور بم کشور خود بیایم و مادرم با خوشرویی دسترخوان را برایم هموار کند بگوید :- پسرم قیمت کپدا لو و گوشت پانین آمده و ما میتوانیم بادل جمعی و آرامی بیشتر میز پان گوشت باشم مخصوصاً گوشت کو سفند.



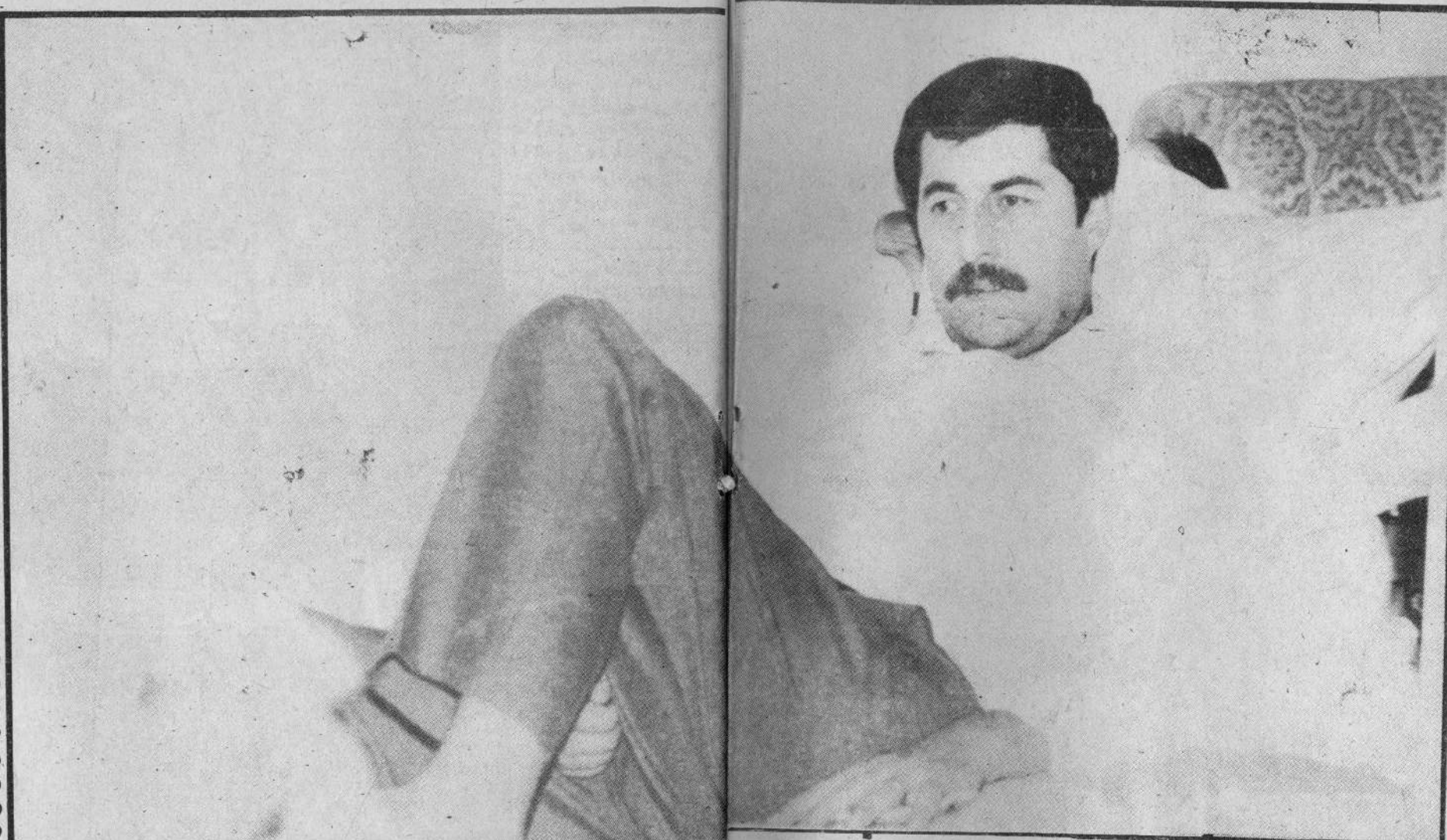
محموده کارمند ریاست تعلیمات عمومی وزارت تعلیم و تربیه  
 در زنده گی یک دختر جوان چی چیزی میتواند وجود داشته باشد به جز این که گاهی پدر میکند دخترم را به فلان کسی میدهم و گاهی هم مادرو گاهی هم غنی میشوند و قیم آرزو دارم عروس خانه شان شود در هر صورت من هم درین کشمش های خانوادگی و خوبی قرار دارم که نمیدانم تقدیر بخت پان چی خواهد کرد ؟





**ذکیره آرایشگری، آرایشگاه کهرابنده |**  
۹ سال است به کار آرایشگری خانم  
ها مشغول هستم . البته هفتاد  
دوست داشتی و مورد علاقه ام است  
خیلی دلم میخواهد زنان و دخترانی  
که برای آرایش صورت خویش میایند  
بدانند که زیبایی شان در آرایش  
ساده است . اما اغلب آنها تقاضا  
میکنند که آرایش صورت شان بسیار  
ظریف باشد . من شخصا طرفدار  
آن نیستم .

تراز پیش شده بودند اما انگار در جستجوی  
 ناپافته می بود که لحظه بی آرامش  
 نهنگ داشت . زیرا او در باطنش چرخان  
 گرمای مهال نهازی را احساس مینمود که  
 نمیتوانست آنرا به کیک مویک و رنگها  
 روی کاغذ بیاورد . به همین جهت بود  
 که گاهگاهی تنگ آمده گی های سینه اش  
 را بانواها و زمزمه های بی سرانجامی  
 فریاد میکرد .  
 وی با هوای نقاشی در سر و وقت مسو-  
 سیقی در دل، آهسته آهسته در جستجوی  
 ایماها و اشارتهای پنهانی درون پرده هلی  
 ساز به سوی ا قلم های جاودانگی هنسر  
 پانهاد .  
 شاید پرهه همین امید های تمامی ناپذیر  
 بود که او را تا سواخیل نامکشوف زند و کسی  
 میرد .  
 ✦ ✦  
 سفر جسی این هنرمند جوان نیز مانند  
 دنیا له واد امخط نقط چین مویک کساره  
 تا بلوهایش یک بعد بالنده را تشکیل میکرد .  
 ذوق - رشار و جوهر های نهفته در روان  
 هنر آفرین وی او را سرانجام پ-  
 دیار تمنت هنر های زیبای پوهند-  
 زبان و ادبیات رسانید . این سه سال  
 تحصیل، الهای دریافت تازه ترولو شنایی  
 بیشتر به ناشناخته گی های ا قلم هنسر  
 برای او بود .  
 انگار این همان نگارگری مویک  
 رسام و غوغای پر شور دنیای رنگها بود  
 که با سحر و اعجاز پرداخت های آواها و  
 آهنگها به هم آمیخت و چونان منادی نا  
 پیدا او را از سوی بسوی میرد و راه ها  
 و راهکوره های دشوار گذاری را برایش  
 شکن شکن چراغنداری میکرد دوستانش  
 در یافتند که نجیب رستگار در همان  
 تار بود چله های هنری در هر رشته  
 بی تاب خورد و زمزمه هرمتی را تشکیل  
 داده است . اما خود شافاده دیگری  
 دارد او زما نی گفته بود : در زنده کسی  
 من هنر رسامی از ریشه با هنر موسیقی دست-  
 به هم داده و در من ذوق شعر آفرینی  
 را ایجاد کرده است .  
 اگر هنر وجود هنرمند چیزهایی  
 را ایجاد کرده است و هنر آفرین نمیز  
 در هنر و قانتیند یهای آن ایما دتازه  
 تری می آفریند . به عقیده وی همانگونه  
 که کمپوز در موسیقی مرکز توجه است  
 کمپوز در تابلو ها و رسم هانوز چنان است  
 یکی از نقطه نظرهای بسیار جالب  
 و ابتکاری نجیب در این اصل نهفته است ،  
 که روان هر تابلو باید آهنگ داشته باشد  
 بغیه در صفحه ( ۲۰ )



نجیب رستگار بعد از یک بیماری شدید در حال صحت یابی است

# شعور و پرورگی ملودی ها

هر با باد و وقتی پایک کوچک بهمه برانسه  
 از باد برش میبرد : امروز پدرم گپ زد -  
 خواهد توانست ؟  
 مادریا امید واری نهرمند تراز در پروز با صبح  
 کوتاهش را تکرار میکند : انشاء الله ...  
 درست سه ماه از لب به همستن و چیز نگفتن  
 و چیز نسرودن هنرمندی میگردد ولسی  
 هنوز هم همزمان با طلوع خورشید سکوت  
 برد رود بیار این خانه میناید .  
 ... و چه درد انگیز است سطره - سکوت  
 و غموف نار بر سر زمین ساز و آوازه تا غما  
 نخستن !  
 ✦ ✦ ✦  
 این غموف خاموش و غموفی همه خروش  
 را می و سه سال آنسو تراز امروز پدر  
 و مادرش - نجیب - نام گذاشتند . در کوب  
 دکوپلا صهای آرام و حصاصی داشت .  
 اما میشد به سهولت در روزی مصممست  
 آرامش ظاهر وی و بیقراری و پهنده کسی  
 روح پر رنگا بیی را خواند که پیوسته  
 او را به تلاش خسته گی نشاناس و میداشت .  
 سالها بیشتر از آنکه راهی مکتب بود ،  
 و معلم خانه راه دست راستش میدهند  
 با کلکهای کوچک و بارکش بیشت عهده های  
 نمازده کلکین های خانه چه کسک  
 سیاهه های زغالی روی دیوارها ،  
 روی خاک و چوب اینجا و آنجا را خط  
 خط میکشید و چیز چیزهایی رسم میکرد .  
 تا اینکه نوبت به ورقه ها هارسید .  
 روزها تا شام کاغذ سیاه میکرد و هر چه راکه  
 به دلش می آمد روی کاغذ میکشید ... و بدو-  
 ن اینکه خسته شود فردا باز هم همین  
 کار را تکرار میکرد .  
 سرانجام روزی نجیب شامل مکتب  
 شد .  
 بهترین سرگرمی همگنان و دوستان  
 کوچکش دیدن کتابچه های نجیب بود .  
 به خاطر اینکه او در تمام کتابچه هایش  
 رسام میکرد و آرزوهای کوچک ( و شاید  
 بزرگ ) خود و همسالانش را با زبان رنگها  
 روی - پدیدهای کاغذ بیان مینمود .  
 و به اینگونه خود نیز در میان پخته گس  
 رنگهای آمیخته با آواها و ضیاء هابه سوی  
 پخته شدن میرفت .  
 ✦  
 نجیب رستگار شانزده سال داشت  
 که شامل کورسهای صنایع مد نظره که  
 در آن هنگام متوسط وزارت اطلاعات و کلتور بود  
 گردید او برای نخستین بار جهت آمو زنی  
 فیه ها و روزنقدهای نزد استاد خورشید  
 باری میانی این هنر را فرا گرفت . دیگری  
 تا بلوهای پکار کرد های او رنگین تر و مستودنی

زموڼيز په لويه نړۍ كې داسې ستوري شته چې كه يوشمېر مكعب د هغه نه د مخكېسې برخه ولويزي همكه له منځه يي ژوندي كولاوسې سر په دې حال كې دې چې البته د هغه دوران ۲۰۰۰ كذا سو د نړۍ په سرعت شپږ مياشتې سفرو كړي، په بيړته راتگ كې به زوكالونه د مخكې له عمر څخه تېر شوي وي.

پسر هسكه ته وكتل اوسه حيرانتيا سره هغو روڼانو ټكو ته چې شپې پرې خپل ناست وو محسوس شوه ۲۰۰۰ څخه شې دې اولي؟ ۲۰۰۰ دغه روڼانه ټكي څه شې دې اولي وجود لري؟ ولي د شپې ناري - سپوږمۍ ( كله لكه زېږن ټكي محسوس كړي اولكه هم لكه ليدنې هلالې شي.

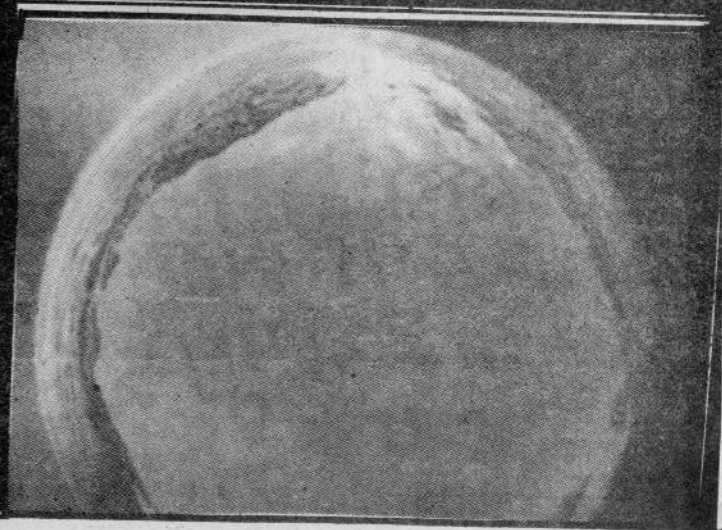
د بشر په وړاندي دغې پوښتنې د ستوري پيژندنې لار پرانستله، هغه لومړني پلټونې كې چې پېسې يا په صحرا كې د ستوري چټ لاندې ناست وو اوله پېسې شپې يې بېلگه ترسهاره د ستورو حركت ته سترگې محسوس كړې وي ناڅاپه يوازې پوه شو.

هغه سرگردانه ستوري چې په مېنيو وختونو او وختونو كې راښكار كيدل دغه راز يې ده ته ونيو. ده د پېرغله - وليدل چه كېم ستوري د پېرغلي په راتلو اول باران په وړيدو د بډۍ په گړس اوله لوله فصل سره سمون لري نوله جان سره يې وويل دا هغه ستوري دي چې د دوي كړنې نه د انسان سرښوښت ټاكي.

دوي فكر كاوه چې ستوري خدايان دي يا خدايانو په لاسه مري چې د هغوي وځاي كې بدلون راځي هغوكالو چې ستوري يې خدايان بللې زهره يا ناهيد يې د مېنيو خداي او مريخ يې د جگړې خداي، لښو لمر خداي گانه اول مېنيو هم د مېنيو پوښتنې كاوه.

پايليان چې د سومر د قوت موندو روڼانه تمدن وارتان ورو لومړني كسان وو چې د ستوري ودرار په پلټونو كې شول، او پايلې منجمينو د ستوري د خوښو ليدو لوري وټاكل، شپه روڼ، مياشت او كال يې محاسبه كړل. خو ستوري پيژندنه

# زموڼيز ستوره نړۍ



د جاد و اوسر ترڅنگ گام پورته كاوه.

مصريان هم په دې لارې له بابليانو سره مخ ته لاړل اياكله چې مصريانو لوي هرم جيزه او د مخكې اولر واټن يې سم ټاكلې وو چې د هرم لوړوالی يې د دغه واټن پيو مليارد مې برخه ونېوله، يا شپاړه نوري لمبې چې د هرمونو د اجزاوو ترمنځ په جغرافيايي نڅومې واټونونو او انډونو ټاكل شوي، له كوسه لاس ته راغلي؟

د ستور راز نڅوم خپلې كړنې ته دوام وركاوه، د فيثاغورث پلويانو پوهانو درنه كړه چې مخكې كړې ده بل يوناني منجم وويل چې همكه خوځنده ده اوله لمر په چاپېر څرخي بل منجم هپارخ د پورتنۍ نظريې پر ضد ټينگار كاوه، همكه يې د عالم مركز اوثابته وگڼله، خو دغه سړي د ستورو په پيرو نورو رازونو پوه شو، بظلمېس په هغه پېسې لار اول بظلمېس م نڅوم د كورنې ترعصره په نړۍ حاكم وو.

كوسيزك په ۱۶۲۲ كال د تورن په ښار كې زېږيدلې اوله زده كړې وروسته يې په كليسا كې د روحاني دنده غوره كړه، دغه مفكر روحاني كليسا د اعتقاد اتو پرځه لارې چې د بظلمېس د هپارخ (نڅوم علم) پر بنسټې همكه كړه، راز لار شو، او د لرغوني هيات اصول يې سره وپاتل او ثابته يې كړه چې همكه خوځنده ده اوله لمر ثابت دي اول يوناني منجم عقیده يې چې له پاره وټلې وه، رازوندي كړه يې لكه دې چې پوهېږي كلونه مخكې هم چا د هغه عقیده يې نه وروته عقیده د لرلوده كور. پرېنك كتاب هغه وخت خپور شو چې دې مړ شوي وو، اوله لمر ونيوای كړي د هغه پر ضد كېم اقدام وکړي، اما د دې پلوي د كليسا د قهر په اور كې راگېر شو، او ايتاليايي پوه يې د فكر په جبر پياوړې وسول او وار كېلر ته ورسيد، هغه د ښار ستر منجم شاگرد وو.

ده د كورنۍ له عقيدې سره د خپل استاد د مخالفت سره سره د (كنيش) روحاني لاره ونيوله، كېلر ته د اسان

قانون ايښودل كې وايي، دې وروچې كشف يې كړه د ستورو مدار بېضوي بڼه لري، په دغه كشف او (نوي نجوم) د كتاب په چاپېرېدو كېلر ليدل شو وو د بظلمېس نجوم مړ شو او د مثبت تفكر او تجسس لاره خلاصه شوه.

د الخ بېنك محاسبي په همدغه وخت كې د اسيا په زړه كې د اسير تيمور كورگان لمسي الخ بېنك وگولاي شول د خپلو منجمينو اوله منجمينو كتابونو لكه عمر خيام او خواجبه بصرالدين طوسي په مرسته لمبې كشفيات وكړي چې اوريايي پوهان د تلسكوب له اختراع څخه بنحوس كاله وروسته په هغه پوه شول.

هېواد شاه د متمصبواو وچو پوهانو د زور زياتي او توطيېو په اثر استعفا ته مجبور شو او وروسته وژل شو، او كه د ستر منجم علي توشيجي مېرانه نه وايي د الخ بېنك اثار هغه له منځه تللي وايي په اولسه بېرې نې كله چې د الخ بېنك كتاب په اروپا كې خپور شو پوهان حيرانتيا كې ووب شول او وروسته تلسكوب ونيو له چر د الخ بېنك اوله دې څاروي د نورو پوهانو محاسبي تركومه سمې وي، تلسكوب په ايتاليا كې اختراع شو، ايتاليايي (پاد وي) د پوهنتون رياضي پوه كاليه، د نيمك جوړونكي (زاجاري پانر) د كشف څخه په استفادې نجومون د وروښن اختراع كړ اول لومړي محل لپاره يې وگولاي شول د سپوږمۍ سطح د خپل د وروښن په واسطه وروښ او متوجه شو چې د سپوږمۍ سطح د پوهانو وويلو برخلاف هوار يا صافه نه ده.

كاليه د پوښتو چې لېروښن پرته نه ليدل كېدل كشف كړل، ده دغه شان هغه څلور قمرينه چې د مشتري په چاپېر څرخي هم كشف كړي د كليسا قيام اول كاليه توبه خوټولو او وړيدلې خو علم اړوه برخه تلونكي وه او متمصبينو مړه د لرلودو چې د پرمختگ مخه ونيو.

د جاد يې قانون اول نور تېوري



## لكه چيري د موجودو موادو د استو تروپه منځ كې واټن له منځه ولاړ شي، همكې كه وياړنچ لارزې تلمه كړي

د كاليه له مرضۍ نه يو كال وروسته نيوتن ونيو په هغه ماشوم چې د خپل وخت ترټولو ستر مفكر مخزور گڼي، داسې خوك چې د سيملي د ستر رياضي پوه ارشميدس تر مړې وروسته لكه ده غوندي ترهغه وخت ته وپيږي اشري.

د جاد يې قانون اول نور تېوري چې د دغه پوه د سلگونو سترو كشفونو څخه وي، د نجوم په علم كې يې زياته اغېزه درلوده اوله نفا د پلټونو كې پوهانو په مخ يې نوي لار پرانستله.

په پاريس كې د نهد خامسي جوړول اړه هغه كې دا پتيا نفاذ اسرار و د كشف په لار كې سترگام وو، كاسې د زحل قمر و كشف كړل او وروسته يې د همكې اولر واټن ۱۳۲ مليون كيلومتره وټاكه، واټن واټن ۱۴۹ مليون او شپږ سره كيلو متره دي.

په دغه لويه اړه يې پايه نړۍ كې داسې كسري وجود لري چې كه يوشمېر مكعب يې د مخكې پر مخ ولويزي، د دې امكان شته چې همكه لخوا د نورو تروپه كړي، همكه د دغو كسري پوهان الكترون او پروتون ترمنځ واټن وجود نلري، د توضيح له پاره بايد وويل شي كه د همكې د توليد وجود مواد و د اتم په منځ كې واټن له منځه لاړ شي د همكې كره په خپل همدې عظمت سره د نارنج اندازې ته رسېږي، دغه اصل په لسو پې نړۍ كې هم سمون لري، همكې كد كسرو او اتمونو واټنونه له منځه لاړ شي زموڼيز نړۍ بيا يې د نوري مليونونو كلونو په واټن د فوتيال د پوه توب په اندازه او وړ شي.

اوس نرسې كړو چې په پيل كې د نړۍ توليد موجودې نړۍ يې واټن و وي، د فوتيال د پوه توب په اندازه او وروسته دغه د فوتيال توب منفجر شو او چاودېد، د چاودېدو په اثر د اتم اوساسي كراتو ترمنځ واټن رامنځ ته شو اوله دې يې پايه نړۍ يې منځ ته راوړي اول كه شاپوښو تپيښته لاهم د هماغه لومړني چاودېدنې په اثر ده.

اوس وځو د نفا اوزمان هكه په څه پوهېږو، نن تا پته شوي چې حركت او خويښت نه د وخت اوزمان د سكون اغيزې والي سبب گومېږي.

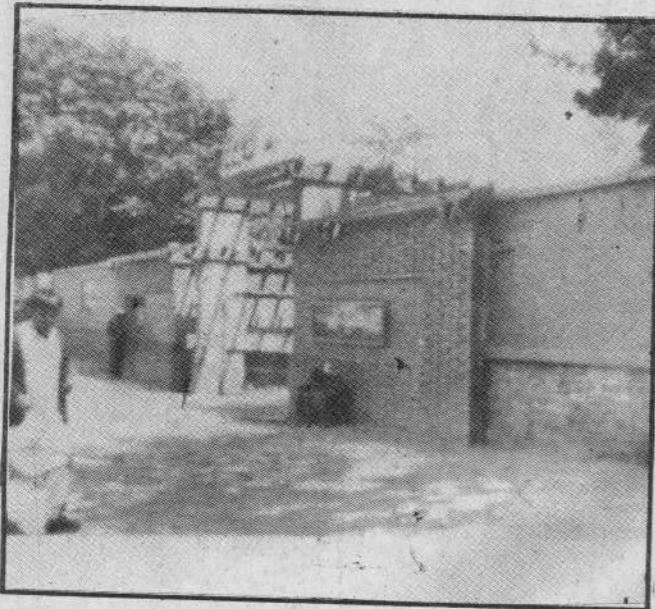
مانا چې كه يوه د سفينه د لمر په سرعت (دري سوه زره كيلو متره په يوه ثانيه كې) وځو، همكې يې اوله د سفينه د همكې د كسري نه د حركت له وخته شپږ مياشتې سفرو كړي او وروسته له شپږ مياشتو پورته راولگړي د همكې له عرض څخه زوكاله تېر شوي دي، په بله عباره كه ۲۰۰۰ ميلادي كال كې نړۍ سفينه د نورو سرعت له همكې نه وځو، همكې يې اوله د ۲۰۰۰ كال پورته همكې ته راځي د سيملي د سترې مېرواني لس كالنېات شوي دي.

د دې محاسبي مطالبو د هغو فضانو له اوسنې چې فضا يې سفر يې په تگ او راتگ كې لمر وروښ ته دوام وكړي، يوازې يوه ثانيه زيات شوي دي، په داسې حال كې چې د هغولو پاتې په (۸۷) منځ كې



چون ماهه روزه ما پدات را به پانک تحویل مینمایم از این سبب از صورت چگونه کسی ما بد و صرف چیزی نمیدانیم و پس فدای حیوانات را کدایم مرجع تهیه مینماید ؟  
- راست کلتوری شاروالی فدای حیوانات را به طوری قرار دادی تهیه و به دستر می مقرر مینماید .

قسمیکه ما اطلاع یافته ایم میگویند ، گوشت حیوانات از این رفته بلخ برای حیوانات گوشتخوار باغ داده میشود آیا واقعا همین طور است ؟  
- من به کلی این گپها را رد مینمایم ، هیچگاه چنین اتفاق نی افتاده ، هیچگاه فدای فیوضی را برای تغذیه حیوانات نمی گذاریم .  
چه گونه که دریافتیم در این جنگل کینک حیوانی وجود ندارد حیوانات مریض را به کجا تداری میکنند ؟  
اگر قابل یادآوری بدانیم بیهوشی برای باغ وحش نفعی از نیازهاست که به آن توجه صورت نگرفته است .  
باشنیدن سخنان امراغ ما به طرف قسمهای مختلف لطفاً صفحه برگردانید



راپورتاژ : ف اتفی

# است!

# تاریک و ترسناک

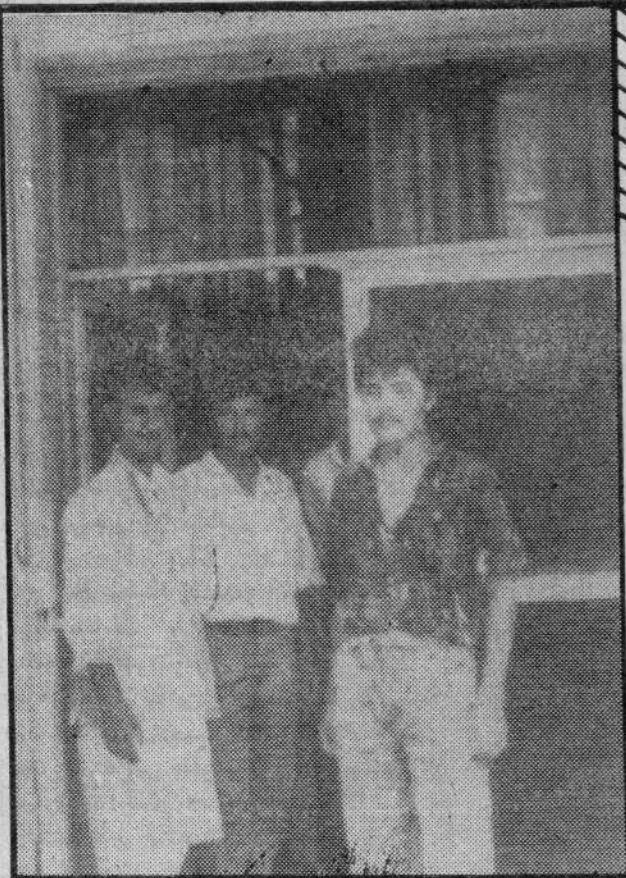
کد داشته و زوی در مورد پاسخ های دریافت کنیم .  
و بسیاری از قسمها از حیوانات خالی اند سبب چیست ؟  
- اکنون که شما بسیاری قسمها را خالی مینماید حیوانات آن ها از این رفته اند و ما بنابه مشکلات که دامنگیر ما بود نتوانسته ایم جای آنها را پر سازیم .  
وقتی ما از کلتوری تقاضای فرستادن حیوانی را که در کشور ما نیست به عمل میآید در برابر آن ها نیز از حیواناتی که در کشور ما پیدا می شوند در این خصوص میخواهند و چون امکانات به دست آوردن و فرستادن آن حیوان برای ما ممکن نیست ، پس طبیعتاً که طرف مقابل نیز حاضر نمیکرد تا بدین تهرهی حیوانی را به ما بفرستد .  
و آیا ما پدات بعد است آمده معارف تان را کاپت میکند ؟

برای ماهیان به شکل زیبایی تزئین گردیده بود اکنون به رستوران تبدیل شده است ای گاش در صورت تبدیل ساختن محل ماهیان به رستوران است آبی را از ماهیان دریخ نمیداشند در نظافت و پاکیزگی صحن باغ تاحدی توجه داشته اند اما چوکیهایی که قبلاً در گوشه و کنار وجود داشت ، یا جای شان خالی شده است و یا هم اگر در جایی به چشم میخیزند شکسته و ناسالم هستند .  
کلینیک حیوانی به منظور تداری حیوانات وجود ندارد انتقال دادن حیوانات از باغ وحش به کلینیک های حیوانی شهری از مشکلات و کمبودهای عمده به شمار میرود .  
بعدتر خواهد بود تا سوالات مان را با عید الطیف شاه نوری امراغ باغ در میان



مختلف جهان آورده شده اند اینجا مینماید تا در مورد نگهداری و پرورش آن ها توجه بدقت زیاد صورت گیرد ، چه در غیر آن تغییر آب و هوا خوراک و حتی محل نگهداری ، سبب تلف شدن آن ها میگردد .  
شداری از خواننده گان عزیز مجله در نامه های شان از چگونگی وضع باغ وحش کابل شکایت های رایج داشت کرده اند که ما را داشت تا خود به آن جا سری زده و بطلسی در مورد تهیه و تعمیم کابینک چشم دید را به خواننده گان عزیز نقل میکنم :  
من که پس از سالها باری از باغ وحش به تماشای آن ام در گوشه های زیادی را میبینم . تعدادی از قسمها خالی اند و بدست که اهل خود را از دست داده اند .  
جاییکه در گذشته ها

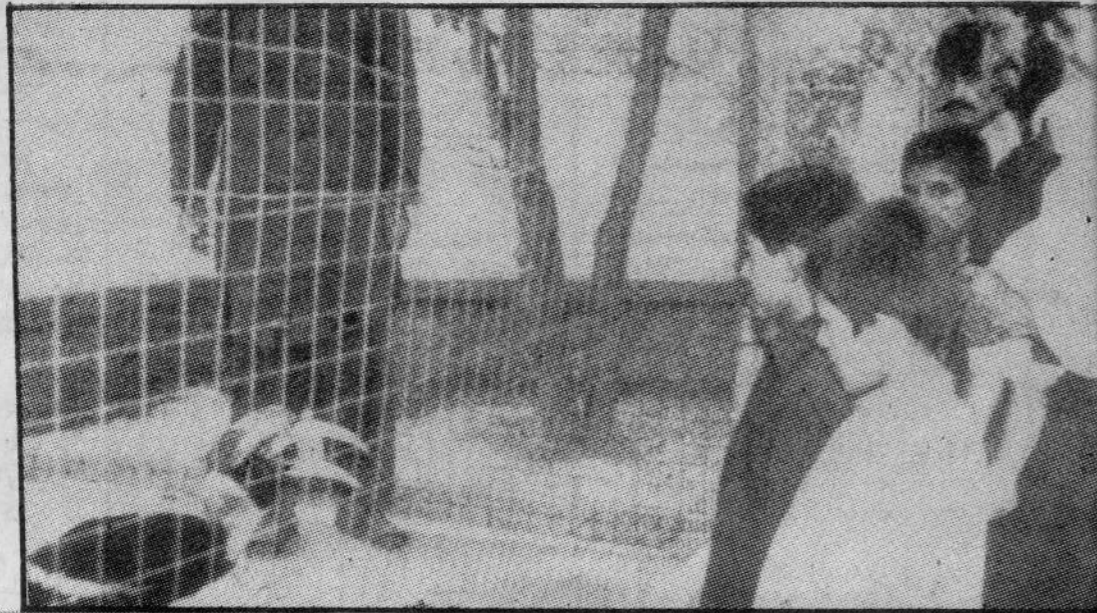
باغ وحش کابل رانیده آید ؟  
حتماً عده بی زیادی از شهریان ما آن را بیلد اند و اگر کسی آن را در گذشته هاد دیده باشند و اکنون بارد بگر به آن جا سری بزنند شاید تعجبی نمایند که چس تغییراتی در آن جا رونما گردیده است .  
ما هم کجنگا و شدیم تا به آن جا سری بزنیم و نگاه کنیم که چی خبر است ؟  
در بعضی کتورهای جهان باغهای وحش ساحنه های وسیعی را در بردارده حیوانات و پرندگان زیادی در آنجا زنده می مینمایند .  
باغ وحش کابل که در ساحنه نه چند آن وسیع در کنار دریای کابل قرار دارد روزانه ده ها تن به منظور سیرون تماشای آن جا سری میزنند .  
چون شماری از حیوانات و مردمان این باغ از ضابطی



# دیگراره ماهیان رنگین باغ وحش

ماهی‌های نماینده است

آهوها اختصاص داده شد  
 خیلی زیباست در آن جاسا  
 تبه گونه بی برای نشان ساخته  
 شده ، بادیدن باهی آهوها  
 تکرمیناسی که زیباترین منطقه  
 باغ وحش همینجا است .  
 پس از تماشای آن ماهیها  
 داخل رستوران رفتیم آن جا  
 با بوی های سیاه رنگ و سبزه های  
 بارش برای تفریح ترین  
 یافته است و رفتنی از آن جا  
 ماری را یک داری مینامند .  
 ماریه خواب عمیقی مورق شده  
 بود هر قدر کوشش نمودیم  
 تا به مابگرد هیچ توجهی  
 نمودیم .  
 اما با تا سف باگته مانند  
 خواننده عزیز هنگامیکه  
 نزدیک قفس میوم هاشد بیوم  
 همه استراحت بودند و از آن  
 جمله یکی هم به طرف ما  
 نندید نه آمد .



به طرف قفس شیر رسیدیم -  
 شیرها هم آمده بودند  
 اما پناه خواهر تماشاچیان  
 آنها را از داخل اتاق نشان  
 بچون نمودند یکی پایال های  
 بلند و آن دیگر کم لایق تر  
 نظر میآمدند هر دو غرزد در  
 چمنزاری که برای نشان اختصا  
 میداده شده است چند قدم  
 گذاشته بعد در گوشه ای لید  
 شد . آن ها هم موجودیت  
 احساسات و لبخند های آسان  
 هارا ناپدید میگرفتند .  
 خانگی در مقابل قفس خود  
 میگفت ( سبیل شوه چطور شد  
 بوی اس) شاید شوهرش  
 خود را نمیدانست و توان بود  
 کرد و گفت : ( خاصیتش هم بطور  
 اس )  
 آهنگها مشغول خوردن  
 علف بودند جایی که برای



رفتیم .  
 نخست از همه توجه ما سرا  
 اد و طاووس که در همین روزها  
 یک محفل آن هارا از آنجا در  
 شوی آورد و برای باغ وحش  
 هدیه نموده است جلب نمود  
 طاووس ها آرام به نظر میخور  
 دند شاید هم با محیط آن جا  
 هنوز آشنایی کامل نیافته  
 بودند ، باترس و هراس نزدیک  
 یک یگر میآستادند .  
 بادیدن آن هاراه مان  
 را دادند و دادیم . چند  
 قفس خالی به نظر میخورند  
 اما نظیف و پاک . پس از طرس  
 مسافه کوتاه رسیدیم مقابل  
 جایگاه فیل قسمیکه از رنگ  
 و رخسارش میآمد خیلی خسته  
 بود انگار زنده گی پارکری بر  
 شانه هایش بینش نیست و فیل  
 سی و دو سال دارد یعنی فیل  
 بیواست ، پهرها هم با طاق های  
 شان فلتید بودند . خیلی  
 سر حال معلوم نمیشدند  
 قدم زدیم و باهمتسه  
 آهسته رسیدیم نزدیک قفس  
 گرگها آن هاجنان تحریف  
 و لاف به نظر میآمدند که گویس  
 از کم خوراگهست ؟ اما نه ، آن  
 ما هم سخی شده اند .

و همه فراز و فرود های يك پارچه اهنك در تابلوها نهمانند ریتم های موسیقایش و برجسته باشند و با گوش چشم شفته شوند و احساس پرتانگیز باشند .

در حقیقت میتوان به هم آمیزی و ترکیب موسیقی و نقاشی را یکی از خدمات غیر قابل فروگذاشت این هنرمندان نام آور دانست . بدون شبهه به چنین پنداری دست یافتن ، زاد و تصادف محض نیست . زیرا پیوست دادن دوروند آفرینشی با همدیگر در يك متن نمیتواند معلول و محصول اتفاق بدون ریاضت و ممارست باشد به ویژه وقتی که شوره چنین آموزه ای ایجاد عرصه سوم آفرینشی ( هنر شاعری ) میکرد .



نجیب رستگار با وجود آنکه از سه جلوه متفاوت ( ولی به گفته خود ش غیر متفاوت ) هنری بهره زیاد دارد اما به طر و رخا ص نقاشی را بر سایر عرصه های پرداخت خوشتر ترجیح میدهد . شاید به خاطر اینکه این هنر تنها بی های آدمست و نهازی به ارکستر و همکاران وجود ندارد . او منتها در د وقتهاش نقاشی را صرف برای خود برگزیده است بلکه درصدد تصویرگری مملودها برآمده است و او میگوید : وقتی طرح اولیه يك تصویر چارچوب بندی میشود ، درست همان وقت بایستی هنرمند در نظر داشته باشد که غیر از سیماها و شمایل و زمانها و مکانها صورتها و آواها را فراموش نکند . به عبارته دیگر وقتی تصویر مناسب خزان در تابلو خود صدای آمیزش برگها را دارد ، صدای خشک شدن و از هم پاشیده شدن هر برگ آوای باد تاراجگر نیز باید ترمیم شده بتواند این داشته و قیست که خزان با کلبتش تصویر شده باشد ، مثلاً ، وقتی تصمیم میگیرم تصویر يك ضفل را در حال گریستن طرح ریزی نمایم ، اگر در کارچنین تصویرگری موفق باشم ، آنگاه بیننده با دیدن رسم طفل در حال گریه ، صدای گریه او را میشنود . این پس منظرهای حقیقی هر بخش هنرمیتواند باشد . پس تصویر صدا تعلق دارد به تصویر حالت .



ایموشتر از یکصد تابلورا که بیشترین بازنتاب دهند ، زنده گی اصول و واقعیتهای عینی جامعه افغانی میباشد ، نقاشی کرده و چندین بار آنها را در داخل و خارج از کشور به نمایش گذاشته است . کما جمله تابلوهای زیرین توانست شهرت زیادی را کمایی

# ملودی ما



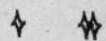
نمایند :

به سوی کشتزار ، چوپان ، کوجه دریا - لای کوه ، برف در کوجه ، دختردهاتی - چوری فروشان ، دختری در لباس محلی .

\* \* \*

نجیب رستگار افزون بر نواختن نغمات دلنواز فلوت و شهنایی که اوج قدرت و توانمندی استعداد او را ثابت میسازد ، آهنگهای زیادی نیز به آواز گرم و گیرایش - روده است که با استقبال شایان و گرمی از جانب شنونده گان مواجه گردیده است . اشعار و تصنیف های آزوی هم به شکل پراکنده در جزایر و نشریه های مختلف و هم از طریق گزینه های شعری به نشر رسیده و نیز برخی از آنها توسط آوازخوانان معروف کشور اجرا شده است .

نجیب رستگار جهت آشنایی و دیدار به هم رسانی با محافل و حلقهات هنری خارج از کشور به کشورهای شوروی ، کوبا ، آلمان ، چکوسلواکیا ، هند و ترکیه سفرهای داشته که به یقین گامی بوده در جهت شناساندن فرهنگ کشور و هنر این هنرمند عزیز .



باد ریخ فراوان آگاه شدیم که وی از مدتی به اینسو و بنا بر هجمه ناگهانی خوشریزی دماغ ، تبادل صحن خود را موقتاً از دست داده است و اینک در خموشی به سرمیبرد . خوشبختانه حالت صحن این هنرمند گران اوج بهسوی بهبود رفت و قرار نظریه دو کشوران معالج احتمالاً به زودی ها صحت کامل خود را باز خواهد یافت .

وی که هم اکنون نیز تحت کورس منظم تداوی و مراقبت طبی قرار دارد و با زبان اشاره از هواخواهان و دستداران با کمال صمیمیت و خلوص ، احساس عمیق مهمان نوازی و تعارف دست گل های سکوت پذیرایی نمود و به روی ناملايمات پیروز ماندانسه لبخند میزند .



سپاوون با ابراز همدردی قلبی برای نجیب رستگار ، این هنرمند گرانسنه قبل از شمه صحت کامل ارزوننده و از درگاه خداوند تمنا دارد تا او بار دیگر با خانواده خوشبخت و کوچکش بخندد ، با زهم بنوازد بخواند و بسراید و باز نیز رستگار را در زیابند .

" سپاوون "

# مرب المملها ورا بده ما در هستی

۱۹) با یک دست نمی‌شود دو تا هندوانه برداشت  
عربی: لا یجمع سیفان فی غمد دو شمشیر در یک غلاف جای نمی‌گیرند  
انگلیسی: *if you choose two horse both will escape you* اگر دو اسب را انتخاب کنی هر دو از دستت می‌گریزند  
ایضاً: *Two watermelons can't be hold in one hand* مشابه مثل فارسی

۲۰) با یک گل بهار نمی‌شود  
عربی: سنونو واحده لا یبشر بقدم والصفید یک چلچله تنها مزده آمدن تابستان نیست  
انگلیسی: *One swallow does not make a summer* مشابه مثل عربی  
ایضاً: *One flower makes no garland* با یک گل تاج گل درست

بخندد تا دنیا برویت بخندد  
عربی: اضحک یضحک العالم معک. بخند دنیا با تو خواهد خندید  
انگلیسی: *Laugh and the world laughs with you, weep, alone* مشابه مثل عربی  
۲۲) بد چو آید، هر چه آید بد شود  
عربی: المصائب لاتانی فرادی بدیختیها تک، تک بسراغ آدم نمی‌آیند  
انگلیسی: *Misfortunes seldom come alone* بدیختیها بندرت تک‌تک می‌آیند

۲۳) بر اثر صبر نوبت ظفر آید همچنین صبر تلخ است و لیکن بر شیرین دارد  
ایضاً: گر صبر کنی زغوره حلوا سازی  
عربی: بشر بنفسک بالظفر بعد الصبر: پس از صبر مزده پیروزی را بخود بده

ایضاً: الصبر مفتاح الفرج (در فارسی نیز رایج است)  
انگلیسی: *Evryting comes to him who waits* کسی که صبر کند همه چیز برایش مهیا می‌شود  
۲۴) بر نیاید ز مردگان آواز  
عربی: لیس للمنیة لسان فینطق مرده زبان ندارد تا صحبت کند  
انگلیسی: *Dead men tell no tales* مردگان افسانه نمی‌سرایند

۲۵) بشنو و باور نکن  
عربی: اسمع ولا تصدق دقیقاً مشابه مثل عربی  
انگلیسی: *Belive not all that you see, nor half you hear* همه آنچه را می‌بینی و نصف آنچه را می‌شنوی باور نکن  
۳۶) به عذر و توبه توان رستن از عذاب الیم  
عربی: الاعتراف (الاعتراف) نصفالمعذره اعتراف به گناه نیمی از معذرت است  
انگلیسی: *Confession of a fault makes half amend* مشابه مثل عربی

۲۷) (ز باران مگو همچو باران بیار):  
(دو صد گفته چون نیم کردار نیست)  
به عمل کار بر آید به سخنرانی نیست  
عربی: الافعال ابلغ من الاقوال اعمال انسان‌ها گویاتر از سخنانشان است  
انگلیسی: *Actions speak louder than words*

عمل رساتر از گتمها است

۲۸) به کلاغ گفتند بچه کی از همه خوشگلتر است گفت «بچه من»  
(هر چند که بچه رشک باشد در چشم پدر بهشت باشد) (ایرج میرزا)  
عربی: القرد فی عین امه عزال: بچه میمون در چشم مادرش آهوست  
انگلیسی: *The monkey thinks his offspring is fearest*  
میمون تصور می‌کند بچه خودش زیباترین است

۲۹) پایت را به اندازه گلیمت دراز کن  
عربی: علی قدر بساطک مدر جلیک مشابه مثل فارسی  
انگلیسی: *As long as the blanket, so far you may stretch* مشابه مثل فارسی و عربی

۳۰) تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد  
عربی: للمرء مخبوة تحت لسانه = مرد در زیر زبانش پنهان است  
انگلیسی: *What the heart thinks, the tonge clings*  
آنچه قلب می‌اندیشد زبان بیان می‌کند  
۳۲) ترس برادر مرگ است

عربی: ان الجبان حثفه من فوقه، آدم ترسو مرگش بالا سرش است  
انگلیسی: *Cowards die often* ترسوها اغلب می‌میرند  
۳۳) تونیکی می‌کن و در دجله انداز، که ایزد در بیابانت دهد باز  
عربی: اصرف ما فی الجیب پاتیک ما فی الفیب  
انگلیسی: *Forgive and forget* بخشش و فراموش کن  
ایضاً: *Do good, and cast it into the sea*

۳۴) چاهی نکن بهر کسی اول خودت دوم کسی  
عربی: من حفر حفرة وقع فیها کسی که چاهی بکند در آن می‌افتد  
انگلیسی: *The arrow often hits the shooter* تیر معمولاً به تیرانداز می‌خورد

۳۵) چو فردا شود فکر فردا کنیم (از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن)  
فردا که نیامدست فریاد مکن- خیام)  
عربی: لاتتهوللفند: غصه فردا را نخورید  
انگلیسی: *Take no thought for tomorrow* مشابه مثل فارسی

۳۶) چون طبل غازی، بلند آواز و میان تهی  
عربی: الصوت العالی، من الجوف الخالی: صدای بلند از محفظه تو خالی  
انگلیسی: *Empty vessels make the most sound*  
ظروف خالی بیشترین صدا را دارند

۳۷) حساب، حساب، حساب، کاکا، برادر  
عربی: تحابوا کالاء خوان و تعاملوا کالاء جانب: مثل برادر همدیگر را دوست بدارید و مثل بیگانگان معامله کنید  
انگلیسی: *Be like brothers, and devide justly*  
مثل برادر باشید و عادلانه تقسیم کنید



امريکا پيمان د کلارک هوايي ابي بپر يښود لويه حال کنی .

گوموده سگلي په ناخا پي سي  
 توگه د فلپين په شمال کسي  
 د زمبال په سيمه کي چي نوي  
 کيلومتره له مانيلا څخه واټن  
 لري د مخکي له زړه څخه د و  
 ونه اوله پري راپورته شوي  
 دغه د وډ اوله پري د جنسي  
 چين تر څو پوري ورسيد ي  
 او بيا وروسته تر هغه د (لوا)  
 دريا چاري شو .

دغه اورغور محول شپږ ورځي  
 وروسته د جاپان د مونت اوترن  
 د اورغور محول څخه پيل شول  
 د اورغور محول دغه سيمه  
 په اسيا کي د متحده ايالاتو  
 يوي ستري نظام ابي ته  
 نژدې پورته ده . په دې توگه  
 امريکا يي مامورانو ټول نظامي  
 پرسونل د کلارک هوايي ابي  
 راپورته شل ابي يي ول او له اعلان  
 وکړ چي ژورناله يي تېرول دي .

سونل سره ټول شي اوډوي د  
 انتقال زمينه دي برابره شي .  
 با پد وويل شي چي يوازي د  
 کلارک په هوايي ابي کي شي .  
 پر سر زره تنه د خدمت پرسونل  
 په گډون کار کوي . د دغی  
 ابي ويندوي په يوه تلويزيوني  
 وينا کي وويل چي د سيمي  
 د خوشي کولو لپاره لازمه ا  
 پورته شوي اور کلارک له  
 هوايي ابي څخه ټولي الوتکي  
 السونل شوي . دې په مانيلا  
 کي د ولکا ټولوي او سيمولوي مرکز  
 ويندوي وويل چي که ابي شون  
 د مونت بنتا تير او غور محول د بر  
 اوستر وي .

په دغه سيمه کي د لومړي  
 محل لپاره د ايرل په مياشت  
 کي د اورغور محول ټپي نښانسي  
 وليدل شوي او با څو مود ورو  
 سته له هغه څخه لږ څه لږ پري  
 او پري باندې راورغور محول دي  
 د زامبل ابلت گورنر وويل چي  
 د ه څخه وکړ تر څو د ولکان خواته  
 ورنژدې شي ، خو د ايرول  
 کبله يي د کارونشوا ي کړ ا ي  
 با پد وويل شي چي د مونت  
 بنتا تير وروستي چا وډ نه په  
 ۱۳۸۰ کال کي وه . همدغه  
 راز په فلپين کي يوريشټ  
 ژوندي ولکانونه همدا او س  
 فعاليت کوي اوډوډه سوه په  
 شاوخوا کي مړه ولکانونه شته .  
 يفلپين کي د وروستي  
 محل لپاره په کال ۱۹۶۵ کي  
 د ولکان يوه ستره چاود پد نه  
 منغ ته راغله . د دې خبري  
 معنی داده چي د (سال)  
 ولکان چي له مانيلا څخه

**په فلپين کي يوريشټ ژوندي ولکانونه همدا اوس فعاليت  
 کوي اوډوډه سوه پد شاوخوا کي مړه ولکانونه شته**



په عکس کي مومونر ليدل کيږي چي ترايرولاندي پت شوي دي  
 د مونت پماناواتشفشان په داس حال کي  
 ليدل کيږي چي لوگي اور پري تير پورته شوي دي .

**په فلپين کي د اورغور محول فعاليت**

د امريکا سيارت  
 د وپيلو د لږو  
 ټولو امريکا سيارتونه  
 کلارک هوايي ابي  
 د وپيلو د لږو  
 د وپيلو د لږو  
 د وپيلو د لږو  
 د وپيلو د لږو  
 د وپيلو د لږو  
 د وپيلو د لږو  
 د وپيلو د لږو  
 د وپيلو د لږو

خو راپورته دي ، دغه راز  
 امريکا يي مقاماتو د هسته پي  
 وسلو غونډ پيل په کلارک کي  
 رد کړل ، لکه يولي اخبا ر  
 والا و د اخبره کړي وه چي  
 که چيري لږ و د رجوتود وځي  
 سه مواد له هسته يي مواد و  
 سره يوځاي شي نو د تشعشع  
 امکانات شته که څه هم د غرونو  
 اورغور محول ستري فاجعه سي  
 منغ ته راپري او د تار منغ  
 په تير وړو وړو کي يي خورا ستر  
 مد نيونه له منځه وړي ، خو  
 داسي ويل کيږي چي په  
 فلپين کي د وجات ټولگي لاس  
 په کار شول او د خلکو  
 زونه يي وژغوره .

اتيا کيلومتره واټن لري په  
 فعاليت پيل وکړ اوډوډه سوه  
 تنه يي وژول . په هر حال  
 کله چي مونت بنتا تير په  
 اورغور محول پيل وکړ ، له  
 ايرو څخه پد د وډو چي سلفر  
 هم ورسره گډ وه خواته پورته  
 شو . ساينسي پوهان په دې  
 عقیده دي چي دغه ولکان ورو  
 سته له شپږ سوه کالو بيا په  
 فعاليت پيل وکړ اوډوډي کار  
 امکانات له پخوا څخه موجود  
 وو . کله چي ولکان په فعاليت  
 پيل وکړ د کلارک ابي يي پيل و  
 څپ وکړ پته کړه .  
 هغه مواد چي د ولکان  
 له خولي څخه حريان وپونښه  
 د سانتي گراد ۱۸۰ درجي  
 تود وڅه د لږو اوهر څخه  
 يي چي مخي ته راتلل هغه  
 ويلي کول . دغه له څنځه څخه  
 ناخه شل زره تشوونه کاوچي  
 ټول له سيمي څخه وليږدول  
 شول . د فلپين خلکو امريکا  
 ثيان ملامت کړل چي د وي خلک



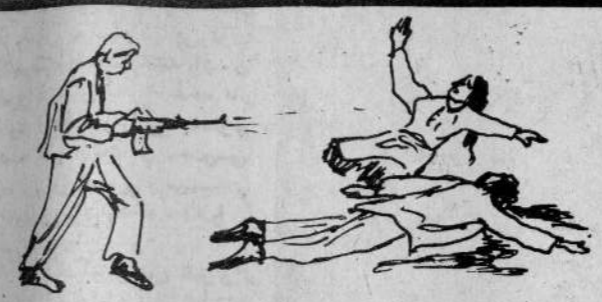
# درد هلیزهای مجاکم چی خیر است

تپه کنده: لطیفه سیدی  
بجای عروسی در توقیف



مسائل طلاق و تفریق و کهر  
از خانه شوهر و فسخ نامز-  
دی همه و همه ارتباط میگرد  
به تصمیم عجلانه فامیلها در  
مورد فرزندان شان که هنوز  
سن قانونی ازدواج و پانامز-  
دی را تکمیل ننموده اند که  
حاقبت این تصامیم درد سرها  
چیت بی حرمتی هایی را ازجا-  
تب فرزندان شان نسبت به  
حشمت و موقف اجتماعی فامیل  
ها به بار میآورد.  
انوس گل دختر پانزده ساله  
با فتنه متاخمه هفتم شهرها پسر ی  
به نام خان محمد سر باز دار-  
یکی از قطعات قوای مسلح با  
رضایت فامیل و مخالفت خودش  
نامزد می شود و چون دختر  
با نامزد خودش روی خوش -  
نشان نمیدهد، با پسر همسایه  
خود ارتباط دوستی قائم میکند  
چون پسر همسایه شان در یک  
حوالی با انوس گل زند و کسی

سایید بنا انوس گل از پسر  
همسایه خواش می کند از اینجا  
به محل دیگری نقل مکان نماید  
تا از عقبش انوس گل فرار نماید  
پسر همسایه حکم را میدهد هر د  
و به محل دیگری نقل مکان  
میکند بعد از گذشت سه روز  
انوس گل به خانه پسر همسایه  
رفته و میخواهد با او ازدواج  
نماید. زمانیکه فامیل نامزد  
انوس گل از بگونی بیساله آگاهی  
پیدا می کند خواهر دوازده -  
ساله انوس گل را به عوض انوس-  
گل با پسر خود نامزد میسازد  
و بدبختی دیگر اینکه پسر  
همسایه انوس گل که اقتصاد  
ضعیفی داشت و نتوانست لوازم  
و سفار عروسی را مهیا نماید  
پناهر جستجوی فامیل انوس گل  
هر دو دستگیر و در توقیف به  
سر میزنند.



## شامزده مری به زن برادر و سه مری برای برادرش

و لحظه بی بعد صحنه بی را-  
پذیرا می شوند که به کام نیستی  
ایمانرا فرو میرود.  
عبدا لعزیز افسر یکی از-  
قطعات و خانمش عین العزرا  
در شب پنجم ماه سرطان به قتل  
میرسند.  
صدای فیر کلا شونکوف -  
همسایه هارا وحشتزده میسازد

همه به سوپ منزل عبدالعزیز  
سرازیر می شوند، در هموسن  
لحظه برادر عبدالعزیز ناشیب  
را در حالت فرار از دیوار منزل  
میرسند. نظر به تحقیق محار-  
نوال موغزف و قضیه طوری  
بود که نامیب قاتل عبدالعزیز  
و خانمش صرافه میان شان به  
اصطلاح "شکر زنجی" موجود  
آمده بود و همسایه هایش نوسز  
نشد که قاتل شخص آنهاست  
ولگرد وید معاشر است و همه همین  
دلیل ابتداء با سلاح دست  
داشته اثر سه فیر مری به جا-  
تب برادر و شانزده فیر مری را  
به سره گردن و سینه و بطن  
خانم برادرش فرو میریزد و وحشت  
ناکتر اینکه اغفال برادرش السی  
سپیده دم با چشمان اشک آلود  
به چمدن های بهجان و درخون  
غلطیده پدر و مادر مینگرند.  
آیا تصور میتوانید آنان چی  
شبی را صبح کرده باشند؟

## بنا تقابله از قلم ادم کشته

تبا شای صحنه های پربا چهره  
قلم های تلویحی و صحنه ها بالآخر  
از قوه برداشت ذهنی اطفال  
است و اغفال صرافه متکی به  
قتل کشتار و زود و خیزد های -  
وحشتناکند استند و اطفال را به  
آن واداشته است تا در کویسه  
و بازار از اکت های هیرو هسا  
وید معاشرن قلمها استفاده برنده  
تبا سفاهت پیامدهای تسل  
هنجار و ما بوس کنند و پسر را  
در قبال داد و بهایه یکس  
از این گونه حوادث را به حوت  
یک واقعه حقیقی بهیچیم کسه  
در سینت خانه واقع در ناحیه  
نهم شهر بخ داده است.  
محمد همین پسر پانزده سا-  
له در یکی از ریزهای مانگ شده  
با پسر همسایه خود که در کویسه

## شور شش اکل کرد



بعضا مرد هابه حدی در-  
مورد خانم هایشان خوشا  
صلاحیت میدنند که حتی باید  
فرو بردن و بهرون آوردن نفس  
زن باید به حکم و اراده آنها  
باشد و کوچکترین اشتباه زن  
برای چنین مردان گناه عظیم  
پنداشته می شود.

با ناشایسته ترین عملی از  
طرف یکی از مردان باشند و-  
ناحیه دهم شهر کابل که از ذکر  
نامش خود داری میکم خانیش  
را به اسم صفا -  
دستان خود موخایش را قطع  
پا بهتر بگردد مینماید.  
که نه تنها یک مرتبه بل سمرتبه  
است که به چنین عملی متوسل  
گردیده است.  
البته بعد از کل کردن مور  
های خانمش عقده های دلی  
را در هر تار و موهای زن محسوس  
رغم شده میباشد شاید سوال  
خلق شود که چرا و به چه علت  
علت همانا اشتهاها که چسک  
خانم در امور منزل بوده است  
که به این دلیل نمیتوان متیقن  
شد شاید شوهرش تکلیف روانی  
و یا عصبی داشته باشد درجا  
لیکه چنین نیست شوهرش گاملا  
شخص نوربال و سرحال است.  
موهای این زن همچاره سمانتی  
پهلو شده بود که باید بدن  
هایش تا شرعیتی برام دست  
دا د.

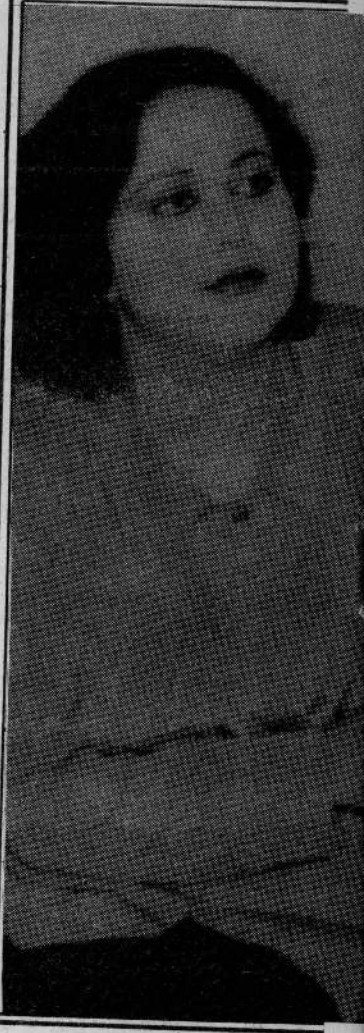
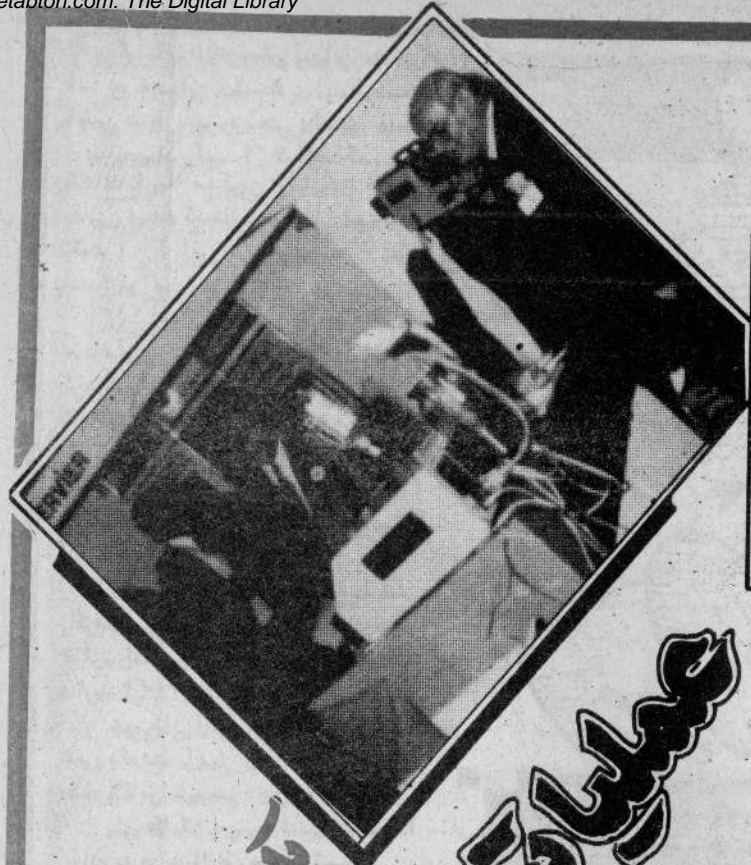
# اینجا خانه فساد است

سردار محمد شخصی که همه  
روزه منزل محل تجمع مردان  
عباش و لگرد و معتاد است.  
این مرد فساد بهیچ کس نیست  
که خانم و خواهر برایش مطرح  
بحث نیست صرف چشمانش به  
طرف دستانی خیره میشود که  
به سوش پول پرتاب می کنند.  
حوالی ظهر یکی از روزهای  
ماه گذشته که ازدحام مردان  
عباش و فساد پیشه فضای اتاق  
های کیف منزلش را به کلبه  
نفرت انگیزی مبدل ساخته بود  
در واژه منزلش درق الباب می  
شود و چون سردار محمد مصر-  
وف گفت و گو و قیمت گذا ری با-  
لای متاع های متحرک خود بود  
به قول از مسولین مبارزه با

## نشانی گفته و ...

شوه های مختلفی پسری  
فریختن اشخاص از جانب در-  
دان و راهگیزان به کار بسته  
می شود و خانواده ها به این  
شوه توجه کنند و زن و دختر  
چوانی در یکی از خانه ها در  
کارت نو میروند و بهانایشان  
خواستگاری دختر جوان خانه  
است و از صاحب خانه آپ  
اهامیدنی طلب میکنند در این  
لحظه نوت هزار افغانیکسی  
نشانی شده را زهر تلویزیون  
شان میگردانند بعد از وده و  
وهدی های بعدی راه خانه شان  
را در پیش میگردند لحظه پس  
بعد موتر تکسی بی در کنار -  
در واژه این منزل میباشد و را-  
نده به مادر خانواده میگوید  
که او را شوهرش فرستاده و گفته  
است که تلویزیون و قالین  
ویدیو و بعضی چیز هارا به

بفیه در صفحه (۸۷)



نویسنده: غلیل نیکنام

# عملیات صنعتگران چگونگی رادربازدید نظام داده است

یادداشت‌ها و گزارشات

... انشای درستی عملیات ...  
 ... جبران خسارت ...  
 ... از سوی ...  
 ... در صورت ...  
 ... در صورت ...  
 ... در صورت ...  
 ... در صورت ...  
 ... در صورت ...  
 ... در صورت ...  
 ... در صورت ...

بشمیر در صفحه ( ۸۵ )



مدالی طرفدار مردم شهلا حیات



# ملالی پیرکنده‌گی و سنگلی در کار راستی سپرد

## شهلا خواشن مهر برنامه رابایشانی باز می پدید

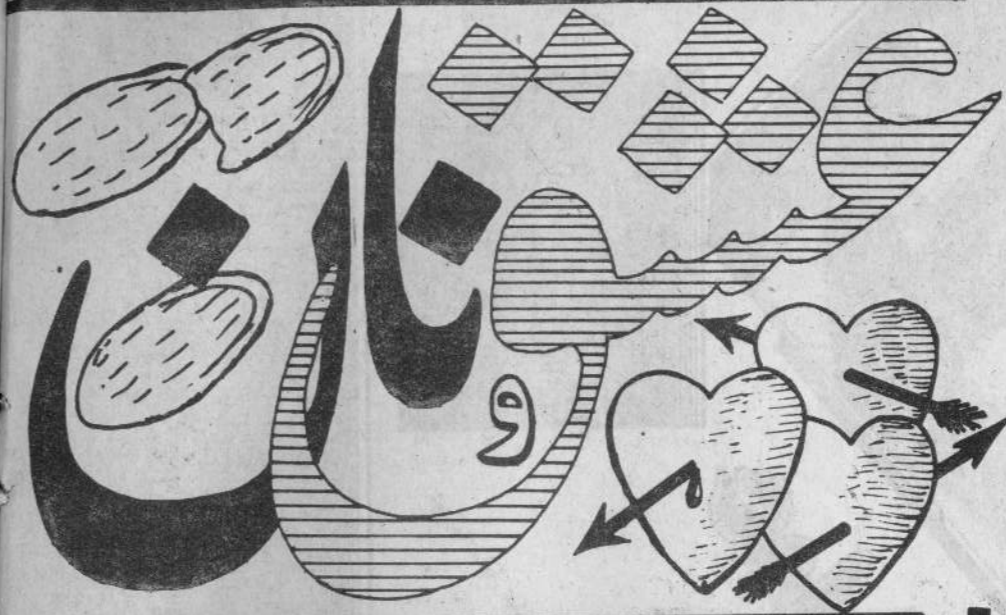
شهلا حیاتى گوینده است  
 مهربان و صمیمی  
 یکی از خصوصیات برجسته و  
 قابل احترام او این است که  
 هیچگاه نمیخواسته تا حرفی  
 که باعث رنجش خاطر طرف  
 میشود در میان بیاورد .  
 خوانش هر برنامه که برایش  
 سپرده میشود با پشیمانی  
 بازو بدون هر نوع خسته‌گی  
 مہدی پرد .  
 موفقیت و پیروزی بیشتر  
 کارگوینده‌گی شهلا در  
 خوانش مطالب سیاسی و  
 اخباری است تا مخالفان

شهلا حیاتى در مورد  
ملالی طرفدار

... حکار و علاقمندی مغبلی روء  
 ... رله‌های پیشرفت را بیساید  
 ملالی پراکنده‌گی و سنگلی در  
 کار را نسی پسندد ه دخترست  
 انتقاد پناهر و به این عقیده که  
 انتقاد با پست به شومہ اسبراز  
 با او سپری کرده ملالی در  
 کار گوینده‌گی تازه گام است  
 و هنوز مدت زیادی از همکاری  
 اش در رادیو و تلو یزیون -  
 نپسندد اما او توانسته با

ملالی در روابط اجتماعی  
 خود دخترست مؤدب و بسا  
 نزاکت و نهایت خوش‌برخورد  
 ضمناً با بذله‌گوئی که دارد  
 میشود ساعت‌ها را بدون کوه  
 چکنین احساس خسته‌گی  
 با او سپری کرده ملالی در  
 کار گوینده‌گی تازه گام است  
 و هنوز مدت زیادی از همکاری  
 اش در رادیو و تلو یزیون -  
 نپسندد اما او توانسته با

# داستان کوتاه



مردان اوگاست استریندبری نویسنده داستانهای کوتاه رمان و نمایشنامه در سال ۱۸۶۹ در استکهلم سوئد به دنیا آمد به سال ۱۹۱۶ از نیارفت دوران کودکی اش در دفتر گذشت پس از تحصیل در دانشگاه مشاغل زیادی را از جمله معلمی بازیگری استریندبری می آرزوی نویسنده گان برجسته دنیا است چنان که در حقش گفته اند: "او در تحلیلهای قوی ای که او از زندگی معاصر ایجاد کرده است بر اساس تفکیرهای روانی و فلسفی و فلسفه خاص است"

وقتی گوستاف فالک جوان و معان و مشاور ادا ره هر سابه خواستگاری لوئیزا رفت اولین سوال پیرمرد محترم از او این بود که: "درآمد چقدر است؟" گوستاف گفت: "زما خانه تقریباً صد کرون اما لوئیزا ۰۰۰" پدر زن آینده گوستاف حرفش را قطع کرد و گفت: (( باقی اش مهم نیست در آمدت کم است )) ( آه اما لوئیزا این همدیگر را دوست داریم ما هر دو واقعا تصهها را گرفته ایم )) پلی احتمالاً اما اجازه بد هوسید بهرسم اما کل درآمدتان سالانه هزارو دصد کرون میشود ؟ گوستاف گفت: (( ما اولش درآمد پنجر با هم آشنا شدیم )) پدر لوئیزا مصرا نه نهاله حرفش را گرفت و پرسید: (( آیا علاوه بر حقوقی که از دولت می گیرید درآمد دیگری هم دارید ؟ )) خوب پلی فکر کنم بتوانم درآمد کافی داشته باشم تازه می دانم علاقه متقابل ما به هم ۰۰۰)) پلی کاملاً درست است اما اجازه بده بد اراکلم صحبت کنم خواستگار هر جور گفت: (( آه ما ما من می توانم با اضافه کاری به از درآمد کافی پول بدست آورم )) ( چه کاری و چقدر ؟ ) گوستاف گفت : خوب می توانم زبان فرانسه بی درسی بد هم و کتاب ترجمه کنم من توانم نمونه های چاپی را تصحیح کنم بهر مرد در حالی که قلم درد دستش بود پرسید: " چقدر ترجمه می کنی ؟ " ( نمی توانم دقیقاً بگویم چقدر اما فصلها یک کتاب فرانسه بی ترجمه می کنم که از هر ورقش آهرون حق الزحمه می گیرم " نام آن چند ورق است ؟ " " به نظرم تقریباً ۲۴ ورق " (( بسیار خوب این هم دصد و پنجاه کرون حق الزحمه دیگر چه ؟ )) (( آه نه دانم مطمئن نیستم )) (( چی مطمئن نیستی ؟ آن وقت میخواهی ازدواج کنی ؟ جوان هکیها تصورات عجیبی از ازدواج داری میدانی که بعد از ازدواج چه دارم و میروی و بامید خوراک و پوشاک شان را تامین و آنها را بزرگ کنی ؟ )) گوستاف اعتراضی کنان گفت: (( اما ما باید زود بچه دار شویم در زمانی ما نقد را طابق همدیگر هستیم )) (( باید احتیاطاً پیش رفتی کرد که به دنیا آمدن بچه ها هیچ خطری

به عمون دلایل هم گوستاف او را روی چوکی می نشاند و چوکی را به پشت میز می کشید شوهر جوان بلر تمام وجود در خدمت همسرش است گوستاف وقتی از شقایب صد ف می خورد و نوشابه اش را می نوشد فکرش کند چه لذتی البته اوقلاً بعدنی موقع تجرد هم زیاد غذا خورده است اما چه لذت و حظی برده است ؟ هیچ ( این مجرد ها چقدر رایله اند که ازدواج نمی کنند و صدف رخود خواهد اند باید همان طور که به سگها مالایا بسته اند از آنها هپا لایا بگیرند اما لوئیزا به اندازه او سختگیر نیست و با مهربانی و ملاحظت تمام می گوید که شاید به چاره های که تجرد را اختیار کرده اند قابل ترحم باشند به نظر او بدون شک اگر آنها استطاعت داشتند از دواج می کردند گوستاف احساس می کند قلبش کمی سرد آمد ما مست مملما خوشبختی را نباید با پول سنجید نه نه اما اما خوب مهم نیست بزودی یک عالم را خواهد کرد و می رسد



توان کوچک را بهتر از ایا زمان بزرگ میشود با اسباب و اثاثیه زینت داد این بود که اپارتمانی را در طبقه اول یاد و اتاق و آشپز خانه به ششصد کرون اجاره کردند البته در ابتدا لوئیزا گفت که بیشتر دوست دارد اپارتمان سه اتاقه آن هم در طبقه بالا داشته باشند اما این در برابر عشق واقعی آنها به یکدیگر چه اهمیتی داشت ؟ بالاخره وسایل و اثاثیه در اتاقها جا گرفت در اطراف خواب تخت خوابیاد و زنگار هم مثل گلدانها با لحافهای آبی رنگ و ملحفه های مثل برف سفید که جلوه بی شاد داشت تزین شد و در اتاق دیگری هم اتاق نشیمن بود و هم غذا خوری و هم مطالعه و پیا نسوی در زار و دصد کرون لوئیزا قرار داشت به علاوه میز تحریر از چوب چها رمیز همیز و چوکی غذا خوری آینه بی با چار چسب طلا بی چوکی و قفسه کتاب همیز گرمی و آرایش فزای این اتاق را دو چنبدان کرده بود مراسم عروسی شنبه شب برگزار شد و صبح یکشنبه زنج جوان تاد بیروقت خواب بودند و بعد اول گوستاف از خواب بیدار شد زن جوان و زیبا با چهره بی راضی مست خواب بود شب خوب خوابیده بود و چون آن روز یکشنبه بود بهاصدا ی تلقی تلقی صبح زود گاهای بازار بیدار نشده بود در همان موقع ناقوس شاد کلمه سابه صدا درآمد که کسی از آفرینش زن مورد تجلیل میکرد گوستاف رفت تا لایا سعایش را ببوسد سپس به آشپزخانه رفت تا سفارش نایبار را بدد چقدر ظروف جدید روی آشپزخانه برق می زد و درخشید ( همه آنها مال او بود مال او همسرش گوستاف به آشپز گفت که به رستوران برود و غذا را سفارش بد هفت تا برای شان بیاورند آشپز همه چیز را می دانست چون گوستاف روز قبل دستورهای لازم را به او داده بود فقط باید بماند او را می کرد که وقتش رسیده است گوستاف میز را خودش چید تا وقتی غذا از رستوران برسد به شقایبها و کار و پنجه و گولاس روی میز می سفید و نوجید شد دسته گل عروس جایبش کنار لوئیزا است و دختر لوئیزا با لباس قشنگش وارد اتاق میشود پرتو آفتاب به او سلام می دهد اما او هنوز کمی احساس خستگی می کند

همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت حالا فقط مهم کیک بریان خ و شمره با چاشنی مخصوص است این تجملات برای لحظه بی رنگه خطر را برای همسر جوان به صدا در می آورد و انگارانی از گوستاف می پرسد آیا می توانند با این ولخرجیها زنده می کنند ؟ اما گوستاف به اوقوت قلب می دهد و از نگرانی های بی موردش می گاهد و می گوید: ( یک روز که هزار روز نمیشود آدم باید تامل تواند از زندگی لذت ببرد آه چه زیباست زندگی )) ساعت شش ناهار می خورند و با سبه زیبایی در جلوی خانه آنها می ایستد و عروس و داماد ماد بگردش می روند لوئیزا همان طور که به راحتی به عقب تکیه داده است وقتی از میان پارک می گذرند و به اسبابها ی پیاده بر می خورند کاشکارا متحیرند و با آنها تعظیم می کنند مسحوری شود حتماً آنها فکر می کنند که گوستاف خوب از دواج کرده و دختری پولداری گرفته است حال آنکه آن چاره ها مجبورند پیاده روی کنند اما سواره رفتن بدین زحمت آن هم در حالی که پشتی نرم گادی تکیه داده باشی چه صفایی دارد و این مظهر ازدواج دلنشین است ما اول بهر شار از خوش بی بود آنها با انواع و اقسام مهمانهای دعوت می شدند و داماد به تئاتر می رفتند با این حال بهترین اوقات آنها اوقات بی بود که در خانه بودند چه قدر وقتی گوستاف شبها لوئیزا را از خانه والدینش به خانه خود می آورد و در زیر سقف خانه شان طوری که دلشان میخواست زنده می می کردند لذت بخش بود وقتی به ابار تان شان می رسیدند شام مختصری می خوردند و بعد روی میبل لیس هادند و شاد بیروقت با هم گپ می زدند گوستاف طرفدار صرفه جویی بود البته در حرف یکروز عروس جوان و خانه دار ماهی دودی و کچالو درست کرد و چقدر هم خوشمزه اما گوستاف از آن ایراد گرفت وقتی باز هفته دیگر نشست غذای ماهی دودی شد گوستاف از بازار یک جفت کیک خرید و چون کیکها را یک کرون خرید بود از این معامله عالی به خود می بالید اما لوئیزا از این کارش راضی نبود خود او یک بار همش تعدا کیک را از زانتر خریده بود و وانگهی خورد دن کوشتیک ولخرجی بود با این حال خوب نبود سر این مسائل جزئی با شوهرش مخالفت کند بعد از دو ماه حال لوئیزا فالک بقیه در صفحه ۸۸

نامه بی اخرا به ما رسید که با  
 حظی برخی کلمات آن لازم -  
 دانستم آنرا نشر نسایم تا  
 ازین سرگذشت جوانان درس  
 بگیرند ؛  
 به ادا ره محترم مجله  
 وزین و دوست داشتی بها -  
 وون ؛  
 بعد از عرض سلام بتماسم  
 دست اندر کاران عزیز مجله  
 سپا وون غم قلبم را به این شرح  
 مهنکام امیدوارم که در صفحه  
 سلام پسران به دختران آنرا  
 نشر نمایند ؛  
 این غم تازه مهبان قلب نا -  
 توانم شده و سنگینی این غم

انقدر زیاد است که تمام لحظه  
 های زنده کی ام را تلخ نموده  
 است ؛  
 فقط چند روز پیش همسری  
 که او را ز یاد تر از جانم  
 دوست داشتم همسری که  
 تمام غمهای زنده گسرام  
 بود بوسن خیانت نمود و من  
 در دهلز محکمه ناحیه ۷ -  
 سند رسوایی و طلاق او را -  
 ایشاء نموده و بدستش دادم  
 و بدست آوردن سند طلاق را  
 برایش تهنیک گفتم ؛  
 درین جا نمیخواهم که تمام  
 خیانت ها و جفا های که او -

کرده بنویسم فقط میخواهم بنویسم  
 بسم که او زن بسیار بی وفا  
 و پر جفا بود او با وجود تمام  
 فداکاری هایم او با وجود تمام  
 انسانیت و شرافتم چرازنده گوی  
 ام را خراب نمود و میخواهم  
 برایش بنویسم که تو راستی دختر  
 بد بودی تا اخلاق فلسفی  
 بود پسکود آشتی تو راستی که نمی  
 توانستی یک همسر خوب برای  
 من شوی و در سینه ای تو قلب  
 زخمی یک زن نه ؛ بلکه قلب  
 شریف یک بدکار بود ز تیش است  
 و میخواهم برای مادرش  
 که ذلیل تر از خودش بود بگویم


که تو انسان نی بلکه یک وحشی  
 بودی و از خداوند عالم آرزو -  
 دادی که برای هیچ زنی چنین  
 مادر و برای هیچ شوهری -  
 چنین غمخویش را نصیب نگردا -  
 نند ؛ همه سخنان تو بادم  
 است که می گفتی برای ما مردم  
 هیچ عیبی ندارد که زن  
 به شوهر خیانت کند ه این  
 گفتار از مقوله های خوشبسم  
 بود که بر رخ کشید و من  
 دانستم که این ها شرافت  
 ندادند ه این ها همه چیز  
 را در پله های پول وزن مس  
 بقیه در صفحه ( ۸۴ )

# قصه خانه خود ما

لری اونسی کولای دختری  
 مستقل چه هکله تمسک  
 زنسی ؛ که غم هم تراوسه  
 ز روز به روز کف خیره نه ده  
 یاده شوی مغزوه داس فکر  
 کم چی زینا ورسته به ده خیره  
 با بیسی اوزه به دختری  
 راتلونکی ژوند به هکله یوک -  
 ل ری تصمم نیسم ؛ مگر مکنسی  
 تردی یزه پلاستکی ماته  
 رانغ ته کیزی چه زه بی  
 خورا جدی کم او هغه  
 زیاد درو با شمانو ژوند اوراتلو -  
 نکی ده ؛ به دی چه پوهیز  
 چی که زه له بل چاسره واد مکنیم  
 زیاد لوسری مسره کوره نیسی  
 به هغه کی مد اخله کوسی  
 اوزیره سخته ورنه اندی تیا -  
 بیسی ؛ به دی مسوره  
 کی به هغوی غیلی اپه کی  
 له ماسره وشلوی اونه تنجه  
 کی داساله زیاد پرد وکوجنهانو  
 باندی سخته اضری کوسی  
 وان چی د هغوی راتلونکی

ژوند به هم لستونزو دک و ی  
 له پلی خوار زاد پلار کوره نیسی  
 ته هم زیاد ووهم کل لپاره  
 پا ده کول ه هغه هم له  
 کم پردی سره مغزوا سخته  
 هم دی ؛ که چیری زنده اخیره  
 رابرسره کم زما د پلار کوره نیسی  
 اوزما د هغور کوره نیسی د پاره زما  
 به خلاف لاسونه سره ورسکی  
 اوزما به تصمم کی خند هکله  
 چی حتی له مستونزو سره  
 به می سخاخ کزی ؛ اوس تو  
 پوره ؛ به یزه دوه لاره کی واقع  
 هم ؛ یوی خواته می دوه کوب  
 چنهان اوزره نی ولایه ده  
 ایللی خواته می دیوان تو ب  
 ژوند چی به سخل وار سره  
 له مستونزو یوک دی ؛ که  
 پوهیز چی به کم یزه نیسی  
 پس کیز دم اوتری تیره  
 هم ؛  
 به دی یول می کیه  
 تا سخته وکوره تر کوستا سونظر به  
 هم تر لاسه کم اوزیره یوک کل

بیا به دغی موضوع بانسی  
 نیه فکر کوره اوتصمم ونسم ؛  
 گرانی خوری ؛  
 ستاسوکسه بولوستله ؛ به  
 ریبتا سره هم ستاسو  
 مستونزه د توجه ورده ؛ زسوز  
 به تولنه کی ستاسی به  
 شان پیری شخی دغه  
 کپا وینه زنی اود یول بی ول  
 مجبوریتونه امله هفوته ظاره  
 ز دی ؛ به هر حال مژ تبه  
 هم سخته ده چه تاته زنده نظر  
 در کوره مگرد یوی خیری کول  
 لای دی او هغه داچیسی  
 ( کونده د خیل خان وانه  
 لری ))  
 ته هم به موضوع بانسی  
 نیه فکر کوره او شلور خواوی سی  
 سونجه تر کونده ای به کسری  
 به داسی مستونزه کی راگه  
 نیسی چی به هغور کله لاس تکوی  
 مگر هخ هس به به لاس نه  
 وکس ؛ ستاد ریختا به  
 اوزما می به هیله ؛

باتی له ۳۴ خ کی  
  
 جسم سل میلارد واره تیر  
 لغره روینانه دی او همدارنگه  
 دوهم قضای جسم دی چی  
 دیمکن له کزی شخه ن پرواتن  
 لری ؛  
 ستورویژندونکو دغه جقم  
 د ایزاز نبوت تلسکوب به  
 برسته د کازی له جزیره شخه  
 و لید ؛ باید وویل نی چی  
 دغه اجسام راد بیس نیس خیر  
 وی او پوهان وایس چی ددغو  
 نول ستوروی به منغ کی کدی  
 لیدل کیزی ؛ دلوری محفل  
 لیاره د شیتو کلو نوبه سرکی  
 دغه نول ستوروی کشف شول  
 ی یوزر اوخلور -  
 ستوری بیژندل  
 وی دی ؛

کف شناسی علم وسع بوده و نظریه اهمیتیه که دارد توجه انسانها را در طول تاریخ به خود جلب نموده است.

یک تن از علمای قدیم توفیق انسانرا بر سایر حیوانات مریهون دست خوانده است و هم چنان دست به نام خد متکا ر بدن یاد گردیده است در عصر حاضر تعداد زیادی از علمای برجسته و نامدار در علم کف شناسی تبارز نموده اند و آثار زیادی در زمینه نوشته شده است.

محمد اکبر هوتکی آفغانا سن کشور که از سالها پسه اینسو دور از نام و شهرت در این مورد به مطالعات و تحقیقات پرداخته هاینک سی سال میشود که با کف شناسی سروکار دارد و او سالها ها و مقاله های مختلف خود پیش را در ژوندون هشتون ریخ و روز نامه کاروان به چاپ رسانده است و اکنون کارنامه علمی رسی آفغان فلم و رادیو تلویزیون میباشد ، سر صحبت را با او چنین آغاز میکنم .

لطفاً در باره خود رفته تان بگوید .

پاسخ : تحصیلات خصوصی به طور مکتب و مجموعی در علوم اجتماعی علم کف شناسی هقیافه شناسی تعبیر خواب ه پیشگویی کردن شناختن و فهمیدن طالع و همچنان تعویذات دارم و تلاش وسیع من برای کسب دانش بیشتر ادا به دارم و از مدت سی سال بدینسو من درین مورد به مطالعه و تحقیق پرداخته ام .

— محترم محمد اکبر هوتکی آیا کف شناسی علم است ؟

— کف شناسی سابقه طولانی دارد که از تجربه های سر نوشت و زنده گی مردم الهام گرفته شده است .

در تمدن قدیم چین باستان ه هند کهن ه یونان و مصر مطالعات خطوط دست انسان رواج داشته است و بابه وجود آوردن کف شناسان ماهستر اصطلاح خرافات و جادو از روی این علم برداشته شد

در مورد کف شناسی میتوان گفت که این علم میتواند رهنمای خوبی برای انسان ها باشد . محترم محمد اکبر هوتکی بیشتر مراجعین شما را چی کسانی تشکیل میدهند ؟

— مراجعین مختلف از اشخاص زیادی به سن و سال متفاوت مراجعه می کنند اکثر آن ها دچار بحران شدید روحی میباشند و متبایق در مورد دانستن آینده ه رهنمایی از طریقی کف شناسی ه تعیین سن ه چانس و خوشبختی در زنده گی آینده بستگی روزگار و حالات روانی ناگوار میباشد که میتوان گفت نود فیصد مرا

جمعین را انانی تشکیل می دهند که از لحاظ روانی تحت فشار شدید قرار دارند .

— لطف نموده در مورد عرصه های کار خویش روشنی بیاورند .

زید .

— الف : در مورد کف شناسی باید گفت که خطوط دست انسانها متفاوت میباشد که توسط آنها سرنوشت انسانرا میتوان از زمان تولد تا هنگام مرگ مشخص نمود .

هر خط دست از خود مشخصاً به خصوصی دارم از روی آن میتوان حتی در مورد تشبیه ه هویت اشخاص استفاده کرد .

در کف شناسی تعیین عمر و



سال خوشبختی و اقبال — منطق ه تبلی ه فسق و فجور ه مصیبت ه جنجال و خشونت ه نرسند ه کسی و سیاست ه علاقمندی به موسیقی آموختن موسیقی ه سرد مزاجی ه زیانجویی ه پرد باری سفرهای کوتاه و دراز بستگی و بندش روزگار ارامی و رنجش دوران زنده گی با جمعی بودن منزوی بودن ه ازدواج معتدد فردی ه تعداد اولاد و تعیین جنسیت آن دختر و یا پسر عیاشی ه تعیین مرضی ه تکالیف نسایی ه جراحات و عملیات خیالپا نی غالب بودن زن و پسا شوهر بالای یکدیگر زندگی و خود خواهی کاملاً امکان دارد . و همچنان باید افزود که ناخن های دست و پا ه کف پا و انگشتان از خود تا نهرات نیز دارم مثلاً : تیز قهسی و کم قهسی ه نمک بختی ه تعداد اولاد ه فسق و فجور ه مصیبت شدید و اصلیت عقل و دولت ه وفات شوهر پیش از زن و یا برعکس آن سر دی مزاج و غیره نیز ارتباط مستقیم با این اعضا دارم .

ب : قیافه شناسی : میتوان از روی قیافه و مشخصات دانست که شخص دا رای چگونه شخصیتی است اشخاص کنجگار و زحمت کش با استعداد ه بی استعداد امروزه ج بون فراموشکار لجاجت فریبکار ه باحیا بی حیا ه سبک سر و غیره را

میتوان از روی علم قیافه شنا سی تعیین نمود و شناخت ناگفته نباید گذاشت که در علم قیافه شناسی موجودیت ابرو و پیش نیز تا نهر به خصوص دارد ه در موضوعات قیافه شنا سی موضوع دهان ه گردن چهره و رنگ ه پوست نیز در نظر گرفته میشود و علاوه آن قد انسان ه آواز خندیدن آن نیز تا نهرات به خصوص دارند . که به طور مثال میتوان قد را به چهار ردیف تقسیم بندی نمود :

قد بلند ه قد کوتاه ه قد در میانه که بهترین قد انسان به حساب انگشتان " ۱۲۰ " میباشد .

در ضمن در قیافه شناسی آواز نیز مطرح بحث است آواز جر ه بلند و باریک آواز سست و ناخوش ه دلیل تکبر و حماقت و بد اصلی میباشد .

بده قهقهه سبب هی جهای و تبسم دلیل حمای شخص میباشد و ضمناً و قار و شکستن شخص را نشان میدهد .

ج : شناخت و فهمیدن طالع هر انسان از خود تمام مشخص دارم و این نام بانام مادرش یکجا به حساب ابجد جمع و طرح ریزی میشود . حساب ابجد امر ضروری محسوب میگردد طالع و سرنوشت انسان به حساب بعضی ستاره ها و صرح ریزی آن می توان دانست که به کدام عناصر

چهارگانه یعنی خاکی — بادی آتشی و آبی وابسته است . هر یک از این عناصر از خود خاصیت های جداگانه دارد — مثلاً بعضی عناصر با هم ضدیت دارند مانند باد با آتش در تضاد همیشه واقع است . در مورد شناختن و فهمیدن طالع مرد وزن همچنان از حساب ابجد کار گرفته میشود و ازجا نی به عناصر چهارگانه نیز تعلق دارد .

همچنان بروج به حساب عناصر هر دسته های ذیل تقسیم می گردد .

حمل — اسد — قوس هر سه بروج آتشی اند .

ثور — سنبله — جدی هر سه بروج خاکی اند .

جوزا — میزان — دلو هر سه بروج بادی اند .

سرطان — عقرب — حوت هر سه بروج آبی اند .

همچنان باید علاوه نمود که بعضی بروج با بعضی دوستی و با بعضی دشمنی دارند و بعضی بروج با هم قیامی اند یعنی نه دوست و نه دشمنی که بدین ترتیب میباشد :

(۱) بروج حمل و اسد با هم دوست بدرجه میالغه .

(۲) ثور و عقرب دوست بدرجه میالغه .

(۳) جوزا و قوس و دلو با هم دوست بسیار .



(۴) سنبله و حوت دوست اوسط .

(۵) میزان و حمل دوست بدرجه اوسط .

(۶) ثور و سنبله دوست بدرجه میالغه .

(۷) جوزا و میزان دوست بسیار بدرجه اوسط .

(۸) سرطان و عقرب دوست بدرجه اوسط .

(۹) اسد و قوس دوست بدرجه میالغه .

(۱۰) سنبله و جدی دوست بدرجه اوسط .

(۱۱) اسد و حوت دوست بدرجه میالغه .

(۱۲) حمل و سنبله دوست بدرجه اوسط .

دوستی و دشمنی کواکب ستاره ها :

(۱) آفتاب و مریخ با هم دوست بدرجه خوب .

(۲) زهره و زحل با هم دوست بدرجه خوب .

(۳) عطارد و افتاب دوست بدرجه اوسط .

(۴) عطارد و مریخ دوست بدرجه اوسط .

(۵) قمر و مریخ دوست بدرجه اوسط .

(۶) شمس و زحل دشمن بدرجه اوسط .

(۷) مشتری و قمر دشمن .

(۸) عطارد و زهره با هم دشمن بدرجه اوسط .

که به این اساس دوستی دشمنی توافق روحی ه همنوعی و غیره خواص مرد وزن فهمیده شده میتواند .

د : پیشگویی ها : هر سال و هر ماه از خود روزهای پسه خصوصاً نخست وسط اصغر ی و اکبری دارد حساب هفته ها مشخصات به خصوصی دارند که تا نهرات مثبت و یا منفی را در سال میداشته باشد . حتی اگر نوروز به یکی از روزهای هفته تصادف می کند در آن سال تا نهرات به خصوصی خود را میداشته باشد . لازم به یاد آورست که حتی تا نهرات روزها در پوشیدن لباس ه عروس ها و گفت و بگو ه در صفحه (۸۶)

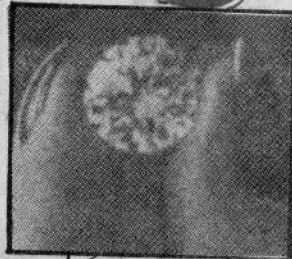
# دکتر محمد اکبر هوتکی

صاحب این کتاب

او این را از امیدواران

# آيا الكاسين نشانه پيوند جاودانه كى است؟

ورنگه آن ۱۰ اين سنگ سخت  
 در سال ۱۴۷۵ به مغز يك  
 گوهرشناس بلژيكي به نسام  
 (لود ويكبركن) خطور كرد  
 و او با تلاش نمودن اين سنگ  
 قيمتى آن را بصورت گوهر  
 درخشان درآورد .  
 اين كه چرا الكاسين سنگ  
 عشق و زناشويى شد و از چه  
 موقع و به چه علت اينگشته  
 و حلقه ازدواج اكثر زنان عالم  
 را نيم هاي كوچك و بزرگى  
 از الكاسين زينت ميدهد به اين  
 سوال و سوال هاي ديگر  
 (فراخوان گول) فرانسوي  
 كه اكثر سال هاي عمر خود را  
 در تجارت اين سنگ و زينت  
 دادن هرجهميشتر صنعت الكاسين  
 گذراننده پاسخ داده است  
 كه ميخوانيد :  
 وي ميگويد : در اروپا  
 الكاسين را چنين توصيف ميشنيد  
 (الكاسين ابدى است) و از آن  
 جاك هرزن و مردى آرزودارند  
 عشق و ازواجشان ابدى باشد



زمين است درخشش و كيايى  
 اين سنگ باعث شده كه لوگس  
 ترين و گرانبهاترين سنگ  
 قيمتى جهان باشد .  
 ارزتر الكاسين بستى به  
 چهار اصل زياد دارد :  
 - پاكي ، وزن ، تراش

جواهره زينت دلخواه و ابدى  
 زن است و با ارزش ترين و نيمه  
 ترين جواهرات در تيار با سنگ  
 الكاسين جلوه ميدهند اين  
 سنگ بدون شك درخشان  
 ترين ، سخت ترين و شفاف  
 ترين سنگ معدنى در زير كره

لذ الكاسين را برايمشترى و حلقه  
 ازدواج خود مينشانند البته  
 در موفقيتهاي ديگر همه زن ها  
 از ريفات اين سنگ و مرد ها  
 از هده كه كردن آن لذت ميبرند  
 حتماً تعجب ميكيد كه چرا  
 مرد ها از هده كه كردن الكاسين  
 لذت ميبرند ؟  
 پاسخ ساده است  
 هر مردى علاقه مند است به  
 زن مورد علاقه اش الكاسين هده به  
 كنه ؟ زيرا اين سنگ نشانه يسى  
 خواهد بود بر موفقيت او هم  
 در زمينه عشق و هم در زمينه  
 كار و ثروت و ميدها نم كه مردى  
 آرزودار در عشق و در كار  
 بجز در موفيق باشد و س از سه  
 دست آوردن اين در موفقيت  
 است كه احساس غرور و رضايست  
 خاطر ميكند .  
 هوي يان نگهداشتن الكاسين  
 - معمولاً كسى صابون در آب  
 گرم حل ميكند و به كمك برس  
 يا مسواك نرم سنگ را در آن  
 ميشويند .

## الكاسين سنگ سختى كه قلبهاى لطيف بخاطرش مى تپد

### دغدغه زود سپري چي دورخي پنجه وليست سنگي خوري

داس نظر وركزي چي ددغه  
 ايمتا كلن سري بدن له دغو  
 خورو سوه عادت موندلسي  
 او كولس موازي به سلوكسي  
 انتر كولمترول جذبه سوي  
 دغه د اكثر زياته كره چي به  
 خيل ديارلس كاله طبابت  
 كي س ددغه سري به شان  
 دصغرا قوي كخوره نه ده -  
 ليدلسي .

بواسه كاسي چي اته ايتا  
 كلن دي دورخي دچركسي  
 پنجه هشت هكي خوري ؛ خو  
 بيا هم تراوسه پوري سسي  
 دوهني كولمترول ندي له سر  
 شوي .  
 دنهوانگنند دطبي ژورنال  
 به حواله ، اروا پوهانو دبنغه  
 و پشت داني هكيو خورل سو  
 اجباري امر بللي دي .  
 ددغه سري كوره ني طبيب



انگلستان درويال گر -  
 ميوچ زهدخاني او كمبرهچ  
 پوهان به دي بهالي شول  
 چي هويلدوتكي شس به  
 نضا كي كشف كزي .

دالمان خبري منابعو روت  
 وركزي چي ستوري پوزندونكسي  
 واي چي ددغه ستوري زناد -  
 لمرنا به پرتله زياته ده .  
 ددغو پوهانوله د لي عغه  
 موهول چي داستوري ته ورته  
 پانتي به ( ۸۱ ) مخ كسي

## خليدونكي سورته ورته لمر كشف شو

## دالمان انگلستان كي استاني سورته راولوپيله

دلندن دطبي تاريخ  
 موزم به دغو ختوكي اعلان ورك  
 چي داوه سووينموس گراسو  
 به وزن يوه تيكه دپوهانیا كلن  
 انگلسي سري به باغچه كسي  
 له اسانه راو ليدده .  
 پانتي به ( ۸۷ ) مخ كي



پونتها: در مورد "استعداد" برای یک آوازخوان فنی و فطری بودن یا اکتسابی بودن آن چه نظر دارید؟

لنا: کیفیت صدای انسان فطری و طبیعتی است و کسی که دارای حد اعلای آهنگ است میباید همانگونه که بیشتر گفتیم مهارت‌های مانندی نمایش آواز طرز آواز را از هفتاد و هشتاد درصد کلمات ترکیبها و تکنیک‌های نفس کشیدن که شخصی یادداشت کرده و نسبتاً خوب میتواند به سعادت آنها را فرا گیرد اکتسابی است. مثلاً توانمندی - تلفظ مفاظ - بخشیدن به آواز هنگام سرافرازی یک پارچه آهنگ چندان است که صرف تکی چند آواز خوانان انگشت شمار به اجرای آن قادرند.

ما تعداد زیادی آواز خوانان را داریم که با وجود داشتن پس منظر خوب و داشتن آموزش از لحاظ فنی بگانه کاری کارشان ناتوانی در همین تلفظ مفاظی بخشیدن است.

البته هدف و منظر دور من هرگز به این معنی نیست که آوازخوان باید هنگام اجرا کردن یک آهنگ غم انگیز حق تعالی و شاک بر سر زد و یا به آواز بلند آنها می گویید که - آخر اینها به هنر صاحب مهارتند - آواز باید با تمام ظرفیت انتقال داده شود همسایه مراعات کلیه ریز و دقایق آن مثلاً وارد آوردن فشار و تکنیکه‌های خفیف یا قوی روی سیلابهای مشخص پایان هر مصرع و به نظر داشتن دقیق و معنای هر حرفه ...

این ها همه بخش از آن چیزی است که من آنرا "تاب" یا "ترو" میخوانم برای سرگرفتن آن باید صرف استعداد داشت زیرا از طریق آموزش در این ساحه چیزی به دست نمی آید. پونتها: پاک داشتن شما به روی هر صده در دهه چهل تمام

فست اول این مجامع در شماره پیشتر به چاپ رسیده است



# تکنیک کوهستانه اما یک خط لا یتناهی

فناوتها و تحلیل هادر باره " آواز قابل پذیرش" را از رهنه تفهیم داده به خاطر اینکه آواز شما درست در نقطه مقابل آواز هنرمندان شناخته شده و بهرگز نمی شود نور جهان هزیره بهایی و شفا - بیکم فرار گرفت آنها همه آوازهای سنگین و به اصطلاح "نچا بی بافت" داشتند در حالیکه حنجره شما از یک نوع ملایمت و لطافت و افزون بر آن از داشتن یک موج بلند بر خوردار است و آیا این را - چیزی جدا از یک تصادف در متن تاریخ میدانند یا چگونه؟

لنا: پاسخ گفتن به چنین پرسشی بسیار دشوار است. فکر میکردم مردم پیوسته خواستار یک دگرگونی و یک دگرگونی پذیر اند. آواز من بسا آن هنرمندان نام آور زمانه شان یک تفاوت عجیب و غریب داشت. آنها اکثراً به گفته شما آواز سنگین مواج داشتند. جالب اینکه آواز شما همگام با در همین توجع و تلاطم یک لبه پونتها: خوب شد از گیتا - دست گفتند و وقتی گیتا دست شروع به آواز خوانی نمود آوازه در میان سنگینی و توجع یک قسم به اصطلاح کشیدار و دیر جنب بود. اما پس آنرا بهبود قابل ملاحظه

حظه بی یافت و باد نظر داشت چنین حالتی در باره - معیار جدید " شما چی حرف های برای گفتن دارید؟ لنا: درست میگویی آواز گیتا دست یک خاصیت استثنایی و بنگالی داشت که من آنرا خصیصه موزون سراسری بنگالی مینامم. آواز او تحت اثر و نفوذ آسوز - شهابی از جانب آهنگسازان چون او بی تروسچین دیو بر - من کاملاً تغییر یافت. سوز انجام آید شوره ویژه سراسری - دست یافت که میتوان گفت به هیچ کس دیگر شهادت نمیدانم. من نیز بگانه دلیل پیروز روی او را به دست آوردن همین سبک میدانم. میدانید که دارای یک سبک ویژه و به منحصربه فرد بودن چقدر با اهمیت است.

کنید اگر آهنگسازان بخواهند مثل " لنا " بخوانند در این صورت به من چی رهنمود های میدهند؟ لنا: قبل از هر چیزی به خاطر اینکه شما گفتید فرض کنیم "مانند لنا" آواز خوانی باید یکم که این به مفهوم "جهودت" همانست. وقتی من تازه واردی بودم نبودم بهیچاز حد به مطالعه در احوال و کارهای نوریجهان و کتدل لعل سهیگل میپرداختم و چیزی را که تلاش داشتم از آنها بهاموزم روزها اختلافات بسیار چیزی آواز خوانی میگریه کسی ظرافت برش میزدند آواز موسیقی و تمبیر و تمبیر موسیقی آنها بودند. من جزئیات و فرمات کسی را مطالعه کردم از جمله مثلاً

اندک به راحتی آواز تمام خوانند و های مشهور بنام رسیده و با مهارت تقلید کرده میتوانند. اگر به آنها بگویی مانند لنا - منگوشکر بخوان - با هنرناهی های شان یک قنات برسان میکنند و این کار چنان موفقانه انجام میدهند که به شکل میتوان آن را از لای اصلی تفکیک کرد اما قضیه صرف زبانی چنین است که آنها آهنگ را میخوانند. و اگر آهنگساز پارچه دیگری را به آنها بدهد در آن صورت همه چیز از هم فروریخته میشود. حتماً متوجه شده اید کسی که به کاپی خوانی مصاب شده باشد. این عملیه بسا یک تقلید محض آغاز و پایانی تقلید خام همان پارچه پایانی

درست است؟ لنا: بلای درست است. من به خاطر احترام زیادی که به نوحاد صاحب داشتم و دارم آن وقت چیزی به روی گفتن نتوانستم. اما در ذهنم در برابر این خواست او یک جواب بلند و صریح داشتم و آن عبارت بود از یک بیت: پونتها: در باره تمبیر کما رید اشغال شان چی میگویی؟ اینها باید چگونه کنند؟ او اقصاء در معارضه مشخص با صد رفیع به جهان هنر آورده شد. به نظر شما تمبیر کما رید چگونه باید راه اصلی خود را پیدا کند؟ لنا: فکر میکنم برای تمبیر کما رید یک مهارت پر شده است. او در همان یک مهارت و در خط موازی محسوس شده است.

# لنا: کیفیت آواز یک نعمت خداداد است اما سبک روش یک پدید شخصی است



این را که لفظ "پس" را چگونه ادامیکنند؟ به فتح "ه" یا به کسر "ه". به هیئتیکه تلفظ واژه " محبت " به فتحه بسا کسره حرف " با " و چکونه کسی بشدد " ب ". در همین حال بسا محتاطانه به آموختن تنها چیزها می میپرداختم که به صدای خودم به نحوی مناسبت داشتند باشند و به این ترتیب وقتی آواز خواندم من لانا منگوشکر بودم و نه نوریجهان و نه کتدل لعل سهیگل. تقلید هیچ انسانی را به سرمزقل نمیرساند و مسرو ز درهندوستان یک گروه جوانان آوازخوان تازه کاری پیدا شد و

میبرد و در همین سبک کوتاه دادند اما آگاهی دارند که کمین هم زمانی میتوانستیم بدون استثناء از تمام آواز خوانان هندوستان تقلید موفقانه نمایم. من قادر بودم به سهولت از خود یک کانتینر یا لای نوریجهان بسازم اما همینکه کمین خوران پارچه های تهیه شده شایسته خودم دادند تصمیم گرفتم از هیچ انسانی پیروی نکنم، با وجود آنکه اینجا و آنجا توسط برخی ها ازین خواسته شد تا مانند نوریجهان بخوانم. پونتها: اگر فقط نشنیده باشم نوحاد صاحب از شما خواسته بود همانند نوریجهان بخوانید آیا این

گرچه من احساس میکنم که اگر او خود میخواست به سبک کما رید باشد به کلی یک قسم دیگر میخواند. و اما محمد رفیع ... با این دید بیم که رفیع رفیع بود. هک هکتس هک هک بیکرانه کن مردم دنیا هرگز او را فراموش نخواهند کرد. پونتها: اگر لطف نموده بگویید که شهرت برای شما به معنی چه است؟ لنا: والله این هم یک پرسش دشوار است. چی بگویم؟ شهرت یک نعمت خدایی است که نمیتواند زمانی عظمت بیشتر نزد داشته باشد. شهرت ارزش خاص خود را دارد نکته بی بقیه در صفحه (۴۳)



# بیمار در میان گندم ها

گزارشگر: دکتر وکتور ظاهری

قبلاً در مجله سیاهون گزارشی به نشر رسیده بود و در باره پروژه تحقیقات انجمن با ری گندم مطالعاتی در آن در شرف بود. ملاحظه کردیم که پیش از آن پروژه کارهای دیگری نیز در این زمینه صورت گرفته که توجه شما را به گزارش در این باره جلب میسازیم.



گندم های میوات قناعت بخش است. ما تصمیم داریم این عمل را چندین بار تکرار کنیم. در صورتی که نتیجه ثابت باشد آنوقت نمونه های بعدی است. رانکتور می نمایم تا به حیات تخم های اصلاح شده از آن در زراعت سراسر کشور عملاً استفاده به عمل آید.

وقابل استفاده به ملاحظه رسید. ملاحظه کردیم که نمونه اصلی ۱۵۰ سانتی متر بود در حالی که از میوات ۱۲۲ سانتی متر رسید. پس در این مورد دیگر چه تصمیم دارید؟  
- عملاً نتایج تحقیقات ما در زمینه کوتاه شدن قد مقدار حاصلات و مقایسه

و در ۱۰۰۰۰ راد ایسنت تغییرات به وجود آمده بود. از نظر قد: اصلی: ۱۲۱ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۷۷ روز میوات: ۱۷۲ روز در شش ماه ۱۵۰۰۰ راد از نظر قد کوتاهی قابل ملاحظه

از جنجال نبود؟ و زیاد ترازی که در ششام این دو هنر آفرین همسایگان به ستره می آید. روزی بالزاک اثر (راهله) را به خانه اش آورد و مطالبی ازین اثر را خواند. لئوسانده که کاسه صبرش لبریز شده بود فریاد زد: ((زود از اینجا بیرون برو مرد بی حیا!)) و لوسی بالزاک بالمقابل او را به قهر مخاطب ساخته گفت: ((همسایار خوب... من میبوسم... اما اینرا فراموش نکنید که شما زن نادان و خرد فروش میسازید که تظاهر به عفت میکنید!))  
اناجین برخاش هاما نعی ان شد که این دو هنرمند بر آوازه برای همیشه از یک پیکر به دور شده اند بلکه هفته نه گذشته دوباره بالزاک با خنده های قهقهه ظرافت های لئوسانده را استقبال میکرد.  
لئوسانده جوانی را با همیشگی رانده در حلقی لوسی ناپلیون ناپلیون سم نیز او را ستایش میکرد. ولی لئوسانده او را ابلهسی و افرا گریز میسازد.  
سالون خانه اش همیشه از نویسنده گان، شاعران، سیاه ستد اران وزیران و سفیران پر میبود. ولی او همه را به ریشخند میگردت به کسی که خیلی علاقمند بود بالزاک بود. او را جامع بقیه در صفحه (۶۹)

رسیده بود. او خانه لئوسانده را چنین معرفی میکند: ((هم بهشت است هم جهنم. درین خانه فرشته ها و ابلهسی ها بهلو بهلول می نشینند و بلند بگراغی میکنند. صرف چیزیکه همیشه بچامیانده خود لئوسانده است که همه را به سخره میگرد این اصعبه زمان درد دوران زندگی خود که ۷۲ سال راد برگر-فت، شصت رومان، بیستونج نمایشنامه، دوازده مجموعه مقالات و بیست و پنج مجلد نامه ها به میراث گذاشت. در شرف پراشویبار صراحت خام زیبا با اولین آمدن خود در زمین شوهرش را طلاق داده گفت: (نمی توان قلم و شوهر را هر دو در اختیار داشت.))  
بعد از آنکه شهرت از خانه او برآمد، در اولین روزها نویسنده نا-تدار آریوز فرانسه (الفرور روسه) و آهنگ ساز بر آوازه (تو-پن) به خانه اش راه یافت و این دو کس بود که از لئوسانده گل شرمسید پارس ساخته اند. باجمن نویسنده گان راه یافت و به شیوه ریاضتیک به نگارش پرداخت. ولی فراموش نمیکرد که سالون خانه اش را نباید از خوشبویی عطر نسترن، شامپاین و دود سگرت به دور نگه دارد.  
او با بالزاک آشنایی درین داشت ولی این دوستی خالصی

۱۰۰۰ آروزه اکادمی علوم کشور سزدم. در آنجا دریافت که با وجود محدودیت های مالی و لا بر اتواری فعالیت های بزرگ و چشمگیر علمی به همت دانشمندان عالیقدر کشور در جریان است و لاسم خواست تا از هنر بخش اکادمی علم کشور گزارش های مفصل و جداگانه تهیه بدان و صحبت های هم یاد اشمندان عرصه های مختلف انجام بد هم و حاله نخستین مطلب را برای خواننده گان گرامی پیشکش مینمایم. اندیشه آن تصمیم هنوز هم با قوت خود در ذهن باقیست.  
به هرحال در نخستین دیدارم از این موسسه علمی وطن، به ریاست عمومی مرکز تحقیقات زراعت، بیولوژی و کیمیا مراجعه کردم در آنجا صحبتی داشتیم با رئیس عمومی این مرکز محترم دکتر سکندر حسینی که جریان گفت و شنود زیاده تقدیم میگردد.  
- شافلی حسینی صاحب تاجاییکه در جریان صحبت با کارمند این موسسه آگاهی حاصل کردم در بخش های مختلف این مرکز، پروژه های علمی زیاد روی دست میسازند برای آینده گذاشته است. تقاضا می کنم که لطفانه در زمینه تحقیقات اتومی که بالای گندم های محلی کشور در این مرکز صورت گرفته معلومات ارایه فرمایید.  
- قبل از همه از شریف

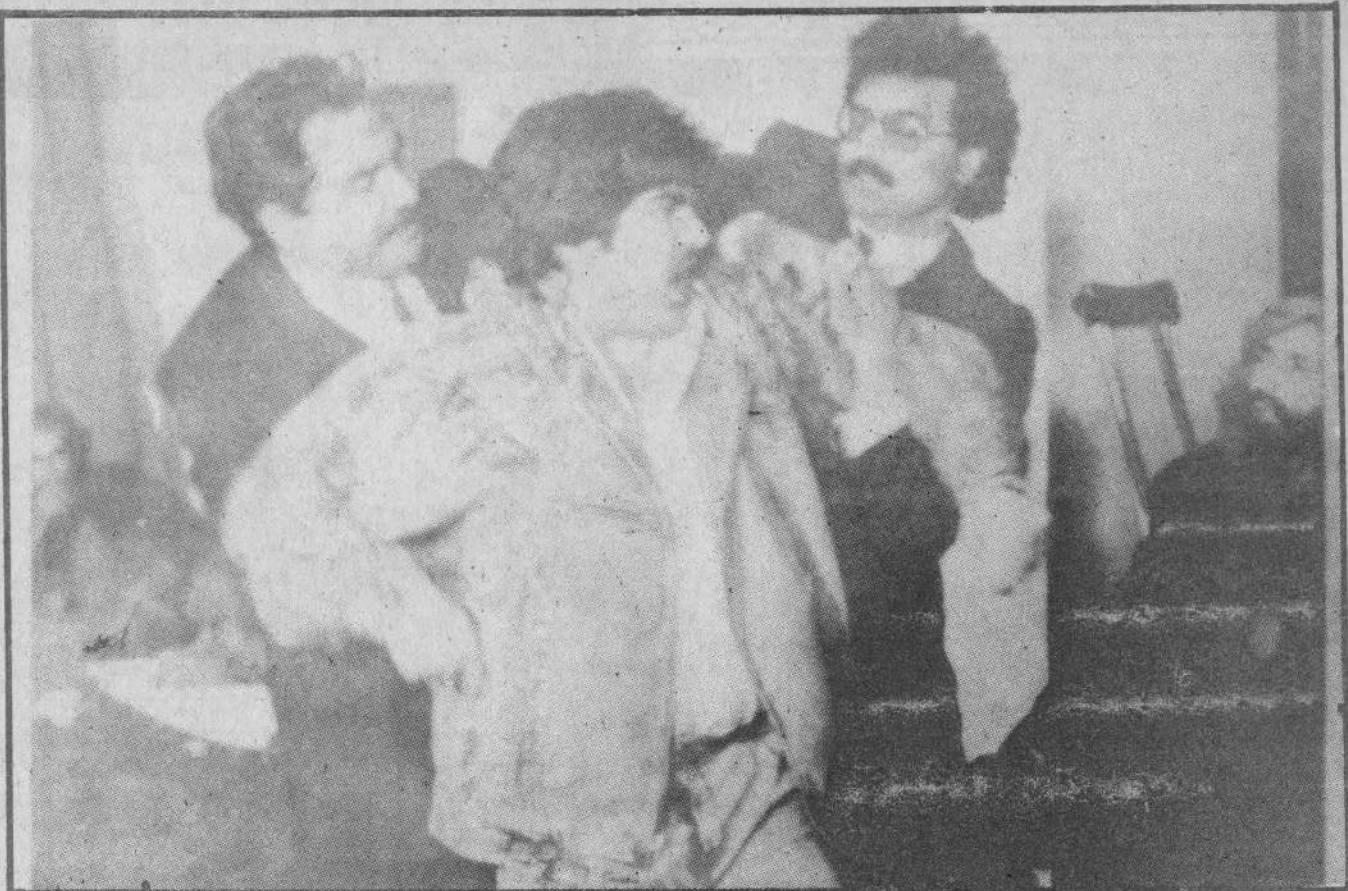
همچنان گندم های میوات در مقابل مرض (سرخس) که یک نوع مرض گندم است نسبت به گندم های اولس فوق العاده مقاومت نشان دادند.  
قابل یاد آوری است که نظریه تطبیق اندازه شعاع نیز تغییرات وارده فرقی داشت. طوری که نمونه های بیمار شده ۵۰۰۰ راد به تغییرات ذیل مواجه شده بودند.  
از نظر قد: اصلی: ۱۴۸ سانتی متر میوات: ۱۱۵ سانتی متر مدت خوشه کشیدن: اصلی: ۱۷۸ روز میوات: ۱۷۱ روز  
مورد مطالعه به خاطر کوتاهی شدن قد از یاد حاصل و ایجاد مقاومت در مقابل امراض نباتی بود. بعداً نمونه های اصلی و نمونه های معروض باشعاع (میوات) در مساحت ۲۰ متر مربع زرع گردید که بعد از ختم شدن نتایج ذیل از آن به دست آمد:  
نونه های که باشعاع بیمار شدند میوات از نظر قد درت نمونه به نونه های اولی قویتر بودند.  
به همینگونه قد گندم های اصلی ۱۲۴ سانتی متر بود در حالیکه از میوات به ۱۲۶ سانتی متر میسازند.

## میراث ادبی لئوسانده

مسد ابراهیم عطاش

آوازه این خانی که عصرش به جمال و کمال اوفتخار میگردت و تخیلات هنر آفرینان را به جنب و جوش می کشاید، بنام لئوسانده شهرت داشت.  
او که در نیمه اول قرن نژده در آستان ادبیات کلاسیک درخشید در نیمه دوم قرن مذکور با آفرینش های خود ماجراهای بزرگی ایجاد نمود.  
او که در یکی از شهرستانهای فرانسه چشم برزیده گسی کشود بهود در جوانی خود روزهای سقوط امپراطوری ناپلیون اول و بعداً بحران های بی دری در زمان شارل رادیده و آنگاه کلو-بی فلیپ تاج فرانسه بر سر گذاشت. خانه لئوسانده به حرکت آمد و لاله زمان به پاریسیان مژه داد که دختری را به آنها ارمان کرده است که تصویرشان را هنرمندانه ترسیم خواهد کرد.  
او به اولین آثار خود پولو فراوان بدست آورد و خانه در پاریس گرفت که نخبه های آریوز در آن به عیش و نوش و حش های پر جنجال سیاسی وادبی میسازد.  
در جمله کلتیک به این خانه رفت و آمد داشت یکی هم د ونوره دیالزاک نویسنده بر آوازه نویسنده اثر کمدی انسانی بود که شهرتش به همه کشورهای اروپا و به آسیای اوقیانوس (امریکا)

# رد پای کجا می رود؟



هنرمند پایت و صرف به  
تمریف و نشان دادن خوا-  
دت بپردازد. بل هنرمند  
و تمسجد پایت در پی انگیزه  
و عوامل حوادث و تحولات  
منطقی آن ها بر خاسته  
دلایل رخداد آن ها را روشن  
بسازد. زیرا تقلید محض  
و نمایش محض وظیفه هنر-  
نمست.

در هنر سبکها بنا بر  
غیبت کارگردان و غرض  
حادثه پردازی و بسته کسی  
حوادث با هم ضرورت تما-  
سازد.

تمام نداد ها و صحنه ها روی  
پرده و در تئاتر با هم قرار  
گیرند.

به روشنی پیداست که  
در روی پرده نه تنها کرکس  
ها حرف میزنند بل رنگها  
اشیای شامل صحنه و حتی  
گاهی کترین حرکت نیز در  
تمریف صحنه ها زبان می-  
گویند. لیک خود را داشته هر یک  
در جای مفهوم بزرگ یا کوچک  
را آرایه مدها. با وضاحت  
این که کرد و کش کرکس ها ه گام  
به گام و تک تک قابل تما-  
سازد.

و وقت میباشند. از همینجا  
ست که در بررسی و نقد یک  
فلم پایت گره بندی و نمایش  
همه مرا حل و جزئیات را مورد  
بحث و نظر قرار داد.

به تاریخ ۱۳ سرطان هتازه  
ترین محصول افغان فلم به نام  
"رد پای" در حضور عده سی  
از مقامات رسمی و علاقه مندان  
سینما نمایش داده شد.

رد پای از بلهارد بازی و  
صحبت دو همشکرمشول و -  
شروعند. در اتاقی آغاز می  
یابد. سپس کش میشود به

روی چهر و جنایت و تجاوز و  
قتل و قتل دیگر باز هم اراده  
قتل سوم اما پیروزی قاتل  
نشد بر جنایتکار و در پایان  
سقوط پید رنگ فلم به دامن  
قانون.

رد پای یک فلم جنایی "قا-  
نون" است. و از آن جفا  
که فلانما به نویس خواسته است  
تا پیروزی قانون را بر جنایت  
و جنایتکار باز تاب دهد.  
پیداست که بیشتر به سطح  
حوادث افتاده است و تامل  
به عمق آن ها و از همین سطح

سنا هست - عظیم چسور  
کارگردان - فقیر نیس  
معاون کارگردان - قادر رفیع  
نویسندگان - سعید مجاهد حسینی  
مونتازور - قدیر رشیدی  
صدابردار - قاسم کریمی  
ساز - ۳۵ ملی مترسب و سفید  
هنرمند ها: قادر رفیع  
ایده آرا: جوانمیر  
خبر داری: فهیمه فرید  
همراه و دیگران

یست که رد پای از قاعده  
کلی و جامع برداشت و تحلیل  
هنری به دور میماند.

چشمید که شریک تجارتخانه  
نذیر خان است. زمینه از -  
دواج دختر جوانی به نام  
سلما را با او میباید مسازد.  
و بهینده زرف کا و از همینجا  
در می یابد که حتما "زیرک -  
سه نهنگ است". زهره  
در غیر آن پایت چشمید شری-  
یک و دوست خود را از میادرت  
و پیوستن به چنان عملی مانع  
میکردید و یادست کم برایش  
مفهمانند که از دواج او در  
این بر ساله کی ه پایت دختر  
جوان هرگز مناسب شخصیت  
او نبوده بل عملیست نادرست  
و قبیح.

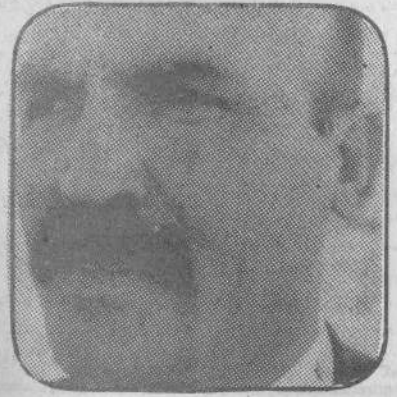
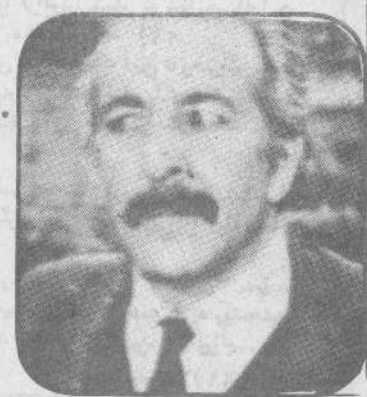
تا این جا هیچگونه اهمیت  
روشنی از کرکس و شخصیت -  
چشمید به دست داده نشده  
است و نزد بیننده فلم همین  
پرسش ها ایجاد میگردد که:  
چشمید کی بوده؟  
چشمید با سلما چی پیوستید

مشروع یا نامشروعی دارد؟  
نذیر خان که مرد شرمنده و  
متمولست و چرا حاضر است  
با دختری که هیچگونه وجه  
مشترکی با هم ندا رند از دواج  
نمایند؟ و ...  
اشرف و پسر نذیر که در کد -  
شته با سلما رابطه نامشروع  
داشته و حتی غفت وی را به  
باد داده است و کرکس منفی  
و هرزه چندانانی ندا رد که  
دال بر مجرمیت قبلی او شده  
بیتواند.

نذیر خان به قتل میورسد  
پولیس به دنبال قاتل میگردد.  
در ابتدا اشرف متهم قتل پدر  
خود قرار گرفته و زیر نظارت  
و شکجه قرار میگردد. اما به  
زودی بیگناهی او ثابت شده  
آزاد میشود. پولیس در اشرف  
تحقیقات و به دست آوردن برگره  
به در یور نذیر خان مشکوک  
میکردد. در یور با آگاهی  
از موضوع "بادستان خالی"  
از جنگ پولیس فرار میکنند  
سپس در ویرانه بی واقع در

در رن جنگل انتظار آمدن -  
چشمید را میبرد. چشمید  
باز مرسد و پس از یک سخن  
"آوردی؟ آوردم" با کارد  
بر او حمله میکند و بعد از زد  
و خوردی در یور را از یاد می  
اندازد. این جا نیز پرسشی  
ایجاد میشود که در یور  
از چشمید چی میخواسته؟  
چرا فرار نکرد؟

حالا نیت سلما است.  
چشمید به خانه سلما میورد  
و از وی میخواهد که باید مظا-  
بق دستور چشمید عمل کند.  
سلما نمیدد و چشمید با  
آن که مورد شک و تعقیب  
پولیس قرار دارد اسرار هر  
دو قتل را که مرتکب گردیده  
است یک یک به سلما تعریف  
میکند. اما آنها این قاعده  
نزد جانی ها وجود دارد؟  
فلم میبایست با صحنه گر-  
نتار شدن چشمید و فرو -  
افتادن الیک به دستهای  
او پایان بیافت اما دیده -  
میشود که فلم چند شات دیگر  
لطفاً صفحه برگردانید



عظیم چسور سنا هست:  
در سنا روی فلم رد پای  
تصرف صورت گرفته است.

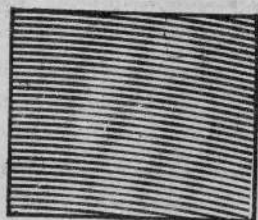
فقیر نیس کارگردان:  
البته فلم کمبودهایی هم دارد.

قادر رفیع معاون کارگردان:  
پانچریمه ناچیز ما در ساختن  
فلم های جنایی فکر میکردیم  
فلم مو فقی باشد.

جوانمیر خبر داری:  
با نقایس و  
کمبودهای فنی و تکنیکی که  
داکتور و تیمگران و هنرمند  
های ماست "رد پای" یک فلم  
موفق است.



# دوپا یک فیلم جنایی 'قانونی' است



نیز به دنبال دارد که ایمن  
کار تکرار است بر تکرار و ناپه  
جا .

در فیلم رد پا هرگز مرکز  
وجود ندارد ، یعنی این که  
فیلم در تمامیت خود عاری از -  
قهرمان است . و باید پرسش  
این، که پرورش چند کرکتر قهر-  
مان نیز در داستان ها و سنا،  
بها ها ممکن است ، این رقم  
را نیز در رد پا در نمی یابیم  
زیادگی سنا روی فیلم در برآگند -  
گی قرار دارد .

فلمبرداری نسبتاً خوب و -  
بازی موفق چند تن از هنر-  
مندان شناخته شده چون  
قادر فرخ ، اسدالله آرام و  
جوانشیر حدیری تاحدی فیلم  
را از خشکی محض بیرون آورده

است .  
باید گفت که آن گونه که  
سینمای متعهد ، هنرمندانه  
در پی تحلیل و حلاجی حوا -  
ثت و قضا یا از سطح به عمق  
گرایش داده و رد پا حرکتیست  
از سطح در سطح و در آنها -  
یت صرف نظر از نواقص و کما -  
ستهای فنی و تخنکی چون  
سستی سوند " آواز " اجرای  
دیا لوکها و غیره برداشتهای  
یاد کرده تا این جا ، رد پا  
تلاشست قابل توجه و درنگ  
به این امیدواری که دست  
اندر کاران سینمای ماه در  
اینده با تجربه های بیشتر  
دست آوردهای بهتر و جالبی  
در زمینه فیلم های جنایی  
داشته باشند .



پایه از (۲۷) را که من میخواهم بنویسم این است که با همت مغلوب نتواند و دیگر از دست نبرد.

پونتا: یعنی که من خودم بودم. صفحه ۳ مجله را بر روی خانه شما (در پاریس) دیدم بودم. بعد از انتظار مورتان کارسره ایستاده بودید و هرگز روان همینکه چشم شان به شما می افتاد به پورتنگه می افتاد می آمدند همه پایهای تان خم میشدند و راه خود را در پیش می گرفتند و بیان آنها حتی بیگانه گان نیز میبودند که به من یک کلمه سخن گفتن به شما تعظیم معنوی میکردند و میفرستند. در این باب چیزی بگویند!

لنا: هرگز نمیتوانم بگویم که چنین کاری مرا خوشحال میسازد. من کجالیهاقت و ما هسته کسی این همه حرمت فراوان از جانب مردم را دارم؟ حتی باور نکنند من این راه نمیدانم که مردم چرا چنین میکنند.

خوب در نظر داشته باشید. اکنون مثلاً غلام علی خان را ملاقات کنم بدون شک به پایا - بخش هم میهمانها هم خواهم شد. اما این پلصیدیده پذیرفته شده مربوط دنیای موسیقی و بنا - سیات در پیش در میان این عرصه است. اما کاری که مردم در برابر من انجام میدهند، از کارهای بسیار فرق دارد. ما برای فلانها میخوایم. و لذا اگر مردم چنین احساس بر خودی در برابر شخص خود چنان هم انجام میدهند من مغرب ناراحت میمهم.

پونتا: آیا اینها همه حقیقت ندارد که شما هنگام اجرای آهنگ آجاری مردیها برای فلم مد هوستی (آواز تانرا - باخته بودید؟

لنا: دقیقه چنان نیست البته من آن زبان (یعنی - ۱۹۶۰ هنگامی که باید آهنگ کهنین و بی جلی کهنین دل برای فلم بیسی سال بعد میخواستند یک پرانم آواز داشتیم در حقیقت از سالهای آغازین دهه پنجاه به بعد من به تکلیف سوزناک

هاد چارشدیم. فکر میکنم یک کتله گلی مانع آواز من میبود. نمیدانم اصطلاح طبع آن چه قسم است. انحراف پرده یعنی با هم چو چیزی.

بعد ها حمله این تکلیف من باعث حرارت و گلوردم میشدید بیشتر یافت من با همه تهرین های مشکل نتوانستم آهنگ کهنین و بی جلی کهنین دل را درست ثبت نام. به خاطر اینکه در آن وقت حتی درست گپ زده نمیتوانستم چه رسد به آواز خوانی هیچ داکتری مرا کمک کرده نتوانست گفتند که باید عملیات صورت گیرد این راهم خوب شدیم که عملیات آواز را اصعب میسراند. باید اعتراف کنم که زیاد ترجمید بودم. همه را که به نظرم می آمد باید برای همه آواز خوانی را ترک کنم عارضه میسردم سرانجام تصمیم نهایی خود را گرفتم. باید نزدیک متخصص به خارج کشور بروم.

و سرانجام روزی از سفر برگشتم و آهنگ کهنین و بی جلی کهنین دل را ثبت کردم. یکبار متوجه شدم که شایعات عجیب و غریب در میان من پخش شده است که کهنین و آواز اصلی خود را باختیم است و آهسته آهسته همین آواز کهنی خود را نیز از دست خواهید داد.

تا اینجا که حتی از هر مرد خوردن روابط من با شما داستانهای دنبال دار ساخته اند که گویا شما به من از فرط حسادت برگ زهر در میان را خوراندند است. جالب اینکه اینها همه در روزنامه های مهم نشر شده و هرگز من و شما هیچتان دوست جدایی ناپذیر بودیم.

پونتا: شما اکثراً از آثار تان مرگ نابه هنگام پدرتان بالای زنده گی و سرنوشت خود یاد کرده اید و اینکه در سیزده ساله گی مجبور بودید اید تا نقی نان آور خانوادگی را به دو شی داشته باشید اما مجبور بودیم چون حوادث شما را به

جهان فلم کفاند؟ و هر شی دیگر این است که اگر فردا چنین نبود. از زندگی شما چه مسیری را میپوشود؟

لنا: هر چند پدرم به من موسیقی کلاسیک تدریس نمیکرد و هر دو مرا به یادداشتن به جهان هنر آواز خوانی تشویق میکردند و هر دو به من یاد دادند که به اصول اساسی جامعه رسیدن از جهان فلم و هنر بازی نرفت. داشت و آزارهایی بود و خوشی بسیار بدش می آمد.



# لنا منگیشکر در یک کلمه معنی موسیقی

آن وقت ها برای فاضل شدن به جهان سینما احتیال میکردم و میلیون نیز میبودند. پونتا: شما میخواهید بگویید که اگر ایشان زنده میبودند ما امروز اعجازی به نام لنا منگیشکر پیدا داشتیم.

لنا: با بودن پدرم و کتاب و نهایی ترین کاری را که من میتوانستم اجرا کنم همراهی نبودن اود و عرصه موسیقی کلاسیک نبود آن هم برای یک مدت معین. زیرا او پونتا: مرا به شوهر میداد.

پونتا: میگویند شما را در و نمیشنوید چندان به تماشا می فلم ها هم نمیبودند و آواز درگیر شدن با معاملات تجار تری

فلس هندی نیز خوش تان نیس آید. از جانب دیگر وقت زهداتان را به سفرهای خارجی سپری میکنید شما پیروز زندگی آهنگهای تان را از روی چی چیزی در میباید؟

لنا: در هفتاد و چند سال من و وی آنقدر مشکل هم نیست. وقتی یک پارچه موفق و مشهور شدم من از طریق وسایل اطلاعاتی گوناگونی با خبر ساخته میمهم. مانند تماس های تلفنی به هم ها کارت ها و یادداشتها و مراسم تهرینی از جانب کمیته های ثبت و ضبط و مواجه شدن در روزهای حضور با مردم در برخی از محافل و مجالس و تقاضای اجرای کنسرتها به همین ترتیب جوایز و مدالهای طلا و نقره. مثلاً وقتی آهنگ تران تهری گنگا - ملی پیروزها میباید را نصب شد همه من از چندین جشن اطلاع داده شد.

تعداد نام ها که در آن شوق ادا و اجرای آهنگ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته بود غیر قابل باور است.

پونتا: آیا شما به زندگی پس از مرگ و معاد دلبخوا و تولد دوباره عقیده دارید؟ آیا استعداد و قریحه کنونی تانرا شوره تلاشهای تانرا زنده گی قبلی خود نمیدانند؟

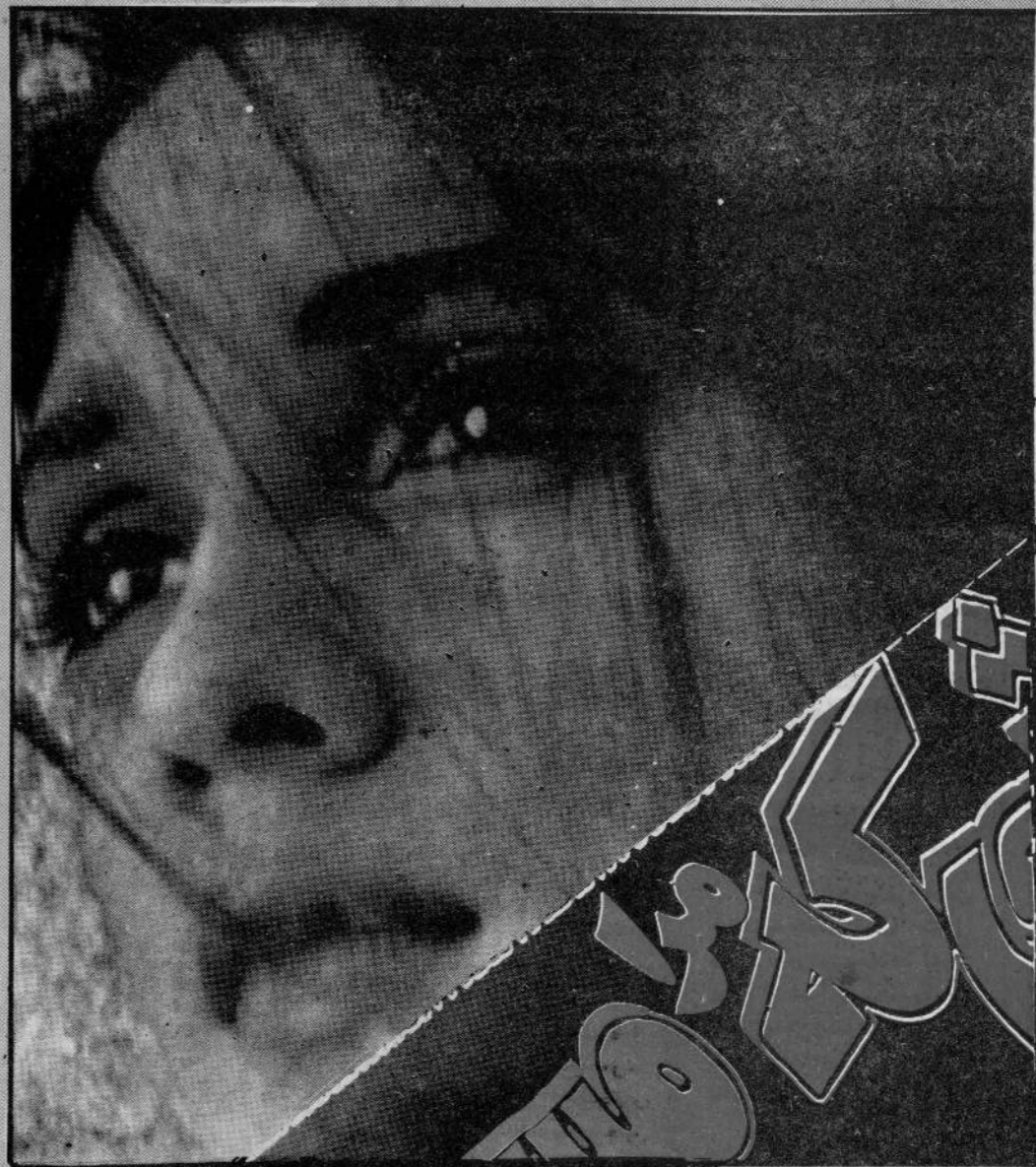
لنا: من به تمام معنی یک انسان مذ هبم استم. از تنه دل به خداوند ایمان دارم و فکر میکنم شاید همینگونه که شما میگویند چنین چیزی حقیقت داشته باشد. زیرا هرگز نمیتواند چیزی از هیچ بوجود آید.

پونتا: در پایان لطیف کرده بگویند خود را در یک کلمه چگونه معرفی میکنید؟

لنا: یک کلمه؟ ... مگر من کلمه باز نمیشم. (وس از خنده ها) خوب بنویسید: لتا در یک کلمه یعنی موسیقی.

### از سلسله آشنای سوغات

آن وقت ها عشق و کشفی که از نگاه های مان منشاء سر گرفت، بر ما سلطنت داشت نگاه های او طوری بود که احساس میکردم در تمام زندگی بنگاه با من دلبسته کی و عشقش من استم. همان بود که پس از روزگاری روزی برایم گفت: "دوست دارم" در آن -



و سالی که من قرار داشتم منی هنگامیکه قلب یک دختر را با نگاه یک مرد مهربان من جوابی جز این نداشتم که چشم راهبه زهن بدوزم و خاموش بمانم. روزهای اول عشق همزودی آرام مقام عشق و صمیمت ما را - پیوندی احاطه کرد و ما نامزد شدیم اما هرگز هر فردایی کسی نمآید صمیمت وصفای دسروز

رادر رابطه ماندا شتد زنده کی پدیده هایی استند که با - سرگرفتن کمال و زیبایی میباشند.

# آشنای سوغات

اما عشق هر نگاهیکه به نقطه وصل میرسد رنگبازد و زجردهنده میشود. مخصوصاً هنگامیکه عناصر خواستن و نیازهای زنده کی با هم جمع میشوند. آرام آرام، ماد یگر تنهاها - شقی نبودیم که از نگاه های هم سیراب شویم و یا با کلمات عاشقانه خود را سیر سازیم او خواست های ما داشت و من در مو قعتهای بودم که باید به خواست های او پاسخ میدادم و نیازها - پیش را جوابگو میبودم. شاید هر زنی برای مرد همین مقدار ارزش داشته باشد و خواست های عادی ما تکرار میشد و ادامه مییافت و سر انجام آنقدر رجدی شد که پیش از مراسم عروسی من ماد ر شدم، وقتی با او مطرح ساختم که فرزند او را مهرورزانی یکبار هم چیز تخمیر کرده صمیمتی نزد او باقی ماند و نه عشقی. میان ما، خدا یا ما او چه میگفت؟ برای من قابل تحمل نبود، چگونه میتوانستم این حقیقت را تحمل کنم؟ چگونه میتوانستم آرام باشم و نگرم؟ چگونه میتوانستم درین رسوایی سباه پوش نباشم؟ او میگفت: طفلی که در بدن داری از من نیست.

من گریه کردم به پاهای من افتادم و از او خواستم باور کند که پای خیانتی در میان نیست از او خواستم که بپذیرد این طفل خون اوست و اشتباه من ... گذشت روز ها روانم را شکنجه میکرد، به خودم نفرین می فرستادم هجی کرده بودم چه گناه عظمی را در پای اعتقاد این پیوند خویشتن انجام دادم، صمیمتی که داشتم نمآند، بود و من مثل یک زبون به پاهای او زانو زدم و و این بار هم - ندی را که ما با عشق من ساختم من بخاطر رهایی از رسوایی با گدایی آرزو کردم بگفتم: فقط مرا عقد کن و بعد رهام کن تا از رسوایی در امان شوم.

او بلاخره حاضر شد مسرا

عروس خود بستازده اما من میدانستم چی سرنوشت شوم در انتظار منست ها و بامن عروسی کرد. نمی گویم ما با هم عروسی کردیم زیرا من این پیوند را از او گدایی کردم. اتفاقی کسه پیش آمد چون شدتا ما مدت سه دراز تری با هم بمانیم. درین مدت من صاحب چهار طفل شدم. فکر میکردم کم کم بهانه ها می شود. از فضای خانوادگی ما دور میشد. آرام آرام من به زنده کی دلبسته شدم و او هم بیشتر کردید. محسوس میکردم برای او خود را وقف کنم. اما باز هم پای یک عشق د بگرد زنده کی شوهر بدارد کردید اول فکر میکردم شاید دومین عشق او باشد. اما بعد ها آگاه شدم که او با چندین دختر، رابطه های داشت و برای آن ها وعده های برای زنده کی مشترک داده است. برخی ازین دختران همبکه آگاه شده اند که با مرد زنده کی و طفل دار طرف استند، شاید دلشان به حال یک موجود مثل خودشان سوخته و نه خواسته اند سرنوشت یک مادر و چند کودک را با یک آرزوی زود گذر و یک هوس زهرنا عشق به سبه بختی بکنند.

این بار فضای خانوادگی ما باز هم تیره شد. او مرا با لست و کوب و شکنجه روانی از خانه بیرون کرد من به خانه؟ پدر و مادرم پناه بردم به راستی اگر آن هارا نمیداشتم، شاید امروز در شمار زنان روسی شهر، یک شماره تازه میبودم. چرا که در کشور ما وقتی برای یک زن چنین بدبختی رخ میدهد هیچ جایی نیست که در آن جا به او پناه بدهند کاش پناهگاهی وجود داشته باشد کوقتی یک زن بد بدبخت مثل من از خانه شوهر راند می شود بتواند عزت و عفت خود را رانجانکند دارد.

برای زنی که شوهر دارد طفل دارد، یک لحظه هم بدون طفل و شوهرش خوش نمگذرد. آسای باو ر کرده میتواند که من در آغوش مادرو در پناه پدرم بنهیا

را برایم مانند دوزخی احساس می کردم و یاد فرزندانی که چه شکنجه بزرگ بود که مرا کوچک ساخت. شبها تانیمه ها خواب بسم نمی آمد. اشک همیشه به چشمانم خانه داشت. برای قلب عاشق پشه او باز نمیدانستم چه اتفاقی افتاده که به خانه پدرم آمد و بهانه آورد که یکی از طفل های من مریض شده و باید به به خانه بروم. این بار او با تضرع و نیاز به سوی من آمده بود. چقدر دلم خوش باور شد. فکر کردم او بلاخره به صداقت و پاکی من باور کرده و حسی اگر گاهی هم داشتم، او به نام کودکمان ما را بخشیده است. دل یک زن اگر سهار هم سخت باشد باز هم همانقدر نرم است که کوچکترین عاطفه او را میتواند شکل دهد. من بسته لبا سها - هم را گرفته آمدم تا در دیدار از کودکمان دل خوشی کنم و گریه سرد هم.

بعد ازین حادثه ما صاحب فرزند دیگر نیز شدیم و مدتی را باز هم زیر یک سقف به سر کردیم. اما او عادتاً به هر دختری ابراز علاقه میکرد. دخترانی که به خانه ما می آمدند و در باره او فکر میکرد و طبعاً که درین مدت من از جانب او اهانت میشدم و مورد لسه و کوب قرار میگرفتم. در خانه بی که پدر همادر را مورد لست و کوب قرار میداد فرزندانشان بیمار و وحشتزده بار میآیند. آن ها از پدر میترسند و فردا بار - گرانی بردوش جامعه خواهند بود. دلم به حال فرزندانی خیلی مسوزد که قربانی هو - سهای یک پدر میشوند. من برای آن که هر نوع سوء ظن و شوش پیش شوهرم را برطرف کرده باشم از مدت ها است که در خانه استم و جایی نمبروم ه کارم را تشرک گفته ام و فقط خود را وقت کودکان و خانواده ام ساخته ام. تنها مصروفیت کار برای آنهاست و عبادت برای خداست.

اما نمیدانم چرا همیشه دم دارد و خداوند

با این حال که نه تفریح دارم و نه خوشی، باز مراد چا رخادته ساخته است. شوهرم بار دیگر عاشق لبت د بگرشده ان دختر که زیبایی چندانی هم ندارد. میخواهد به سینه یک زن و قلب پنج کودک لگد کند و شهراره یک خانواده بدبخت را که بدون آن هم خوشی ندارند، به سیر و زور رشته بدنام طلاق بپوشند. دهد. من باور میکنم مردی - مانند شوهر من که برای پنج فرزندش نتواند عاطفه بدهد و نتواند مهربان باشد، برای هیچ دختر و هیچ زنی مهر - بان نخواهد ماند. آدمهای مثل او بدبختی جاو دانسه دارند و بنا بر همین عقده می خواهند از تمام دختران و زنان خوشبخت خوشبختی گدایی کنند. ولی هر کسیکه با چنین مرد هوس باز همراه شود خودش بدبخت خواهد شد. شاید من ظلم بزرگ را تحمل کرده باشم و شاید هم قربانی سرنوشتی شوم که شوهرم برایم رقم میزند. شاید فرزندانی نیز قربانی این عشق شوند. اما دل من به حال زن دیگری مسوزد که در جای پای من در بستر دوزخی همسرم و در خانه کلان دیوارهای آزار و شکنجه میزند پامیکند. من مانند دخترانیکه خوانندگان درین سلسله در سهاورن خوا - نده اند کشتزار سوخته دیگری استم که سوختنم را میبینم و پیش از آن که تمام هستی ام بسوزد آتش را احساس میکنم و من - مسوزم و بامن پنج کودکم نیز مسوزند و یکجا بامن شوهرم نیز مسوزد. آن دختر بدبخت کسه میخواهد همسر آینده شوهرم شود، او نیز مسوزد این آتش این تنها یک کشتزار نه بلکه یک خون راس مسوزاند.

ابراهیم و علامت رستخیز \*  
مردم بایل در آغوشت خوشی بسر -  
میبردند - و از شاخسار درخت نعمت سایه -  
بان موساختند و ولی در شب د پیچور -  
گمراهی دست و پا میزدند و بتها را بدست  
خود می تراشیدند و آنها را پروردگار خود  
میخواندند و بعنوان خدایان برپامند -  
اشتند و بجای پروردگار جهانها را پرستش  
و نهایت میکردند .

نمرود بن کنعان بن کوثر در شهر  
بایل زمان مملکت را بدست داشت و خسو  
سرانه بر مردم حکومت میکرد : نمرود چون  
د ستگاه عریض و نعمت بسیار قدرت و -  
سطوت سرشار خود را دید و از میزان  
جهل و بخرید مردم آگاه شد و خویش را  
خدا نامند و قوم را بپرستش خد خوانند  
در زمین وسع تنبها و محیط فاسدی  
در مملکت بایل ( ۱ ) ابراهیم متولد شد و  
خدای تعالی او را براه راست و حق هدا -  
یت فرموده و تابا را بی صاحب و فکر ناقص  
و شور وحی الهی دریافت که خدایکی  
است و آن خدای یگانه بر سر اسرجها ن  
سیطره و احاطه دارد و آن بتها و تمثالها  
که مردم آنها را میترسند و میپرستند و  
در برابر اراده الهی عاجز و زبونند ازین  
رو تصمیم گرفت که مردم را بتوحید بخواند  
و قوم خود را از پرستگار شرک و زینت برهیل  
تند .  
ابراهیم دلی لبریز از ایمان و سلوا از -  
اطمینان و یقین بقدرت آفریدگار داشت  
ابراهیم در دعوت آزر ادب و ملامت بکسار  
میبرد \*  
ابراهیم بصورتی پروردگار دعوت میدادند  
و دعوت خود را بانگوشتر معبودات آن قوم  
آغاز مینماید .

آزر ه جد مادری ابراهیم و ازین پر -  
ستان و از ترانند گان و فرزند گان بتها  
است و بنابراین او حکم آنکه بعد از وفات  
پد زود یکسری من مردم با ابراهیم و سزاوارترین  
ایشان بنصیحت و اخلاص است و بسایند  
زودتر از همه براه راست هدایت مه تو -  
عهد دعوت شود . خاصه آنکه او خود از -  
صورتگران بت و دعوت کند گان بهت -  
پرستی و کانون شرک و خلعت و از این  
رو هدایت او در حکم ریشه کن ساختن فساد  
و شر و گمراهی است .  
ابراهیم دعوت و تبلیغ آزر را بتسفی  
و نیکوتر معبودات و شقیه خدایان او آغاز  
نکرد و تا از دعوت تر مید و آزر د نکرد و  
از شنیدن حجرت کونی بر نهند و بلکه بسا  
نیکوترین سبک و اسلوب با او بگفتگوی -  
داخت و بالحن ملایم مودبان با او  
شروع بکار میکرد و نخست از نیت خود با او  
سخن گفت و تا از این راه خاطر او را بخود

توجه سازد و آنگاه علت بت پرستی او را -  
پرسید و گفت : یا اینکه بتها دعا و شفا ی  
ترا نمیشوند و خضوع و خضوعت رانی -  
بهند و هز دفع بلا و بغض و دشمنی  
قادر نیستند و با وجود این چگونه در پیش  
نبا بزانو در می آیی و در پرستش آنها اصرار  
میکوی ؟

ابراهیم آزر را از سو عاقبت کفریم داد  
و از وبال و تبعات بت پرستی بر حذر ساخت  
و آئین ادب برای جلب عواطف او را پد ر  
فطاب کرد و گفت : ای پدر من آزر آن -

# قصص القرآن

زبان بیابان

توجه سازد و آنگاه علت بت پرستی او را -  
پرسید و گفت : یا اینکه بتها دعا و شفا ی  
ترا نمیشوند و خضوع و خضوعت رانی -  
بهند و هز دفع بلا و بغض و دشمنی  
قادر نیستند و با وجود این چگونه در پیش  
نبا بزانو در می آیی و در پرستش آنها اصرار  
میکوی ؟

اشرك و قوم مشرك خود سم ساخت  
بلکه اراده نهر و مندش مانند آهن آبدار  
د رز برضرت پتکهای گران محکمت شد و  
تصمیم گرفت که با کمال سرسختی در برابر  
عقائد فاسد قوم به پیکار پردازد و هر چند  
در این راه پارتجهای گران و آزارهای  
فراوان مواجه شود .

یکی از امتیازات ابراهیم و برهان  
قوی و حجت نیرومندی بود که در برابر خصم  
بنا و میبرد و برهان و قیاس را چنان با مهارت  
تجمیرا هم مساخته و دایره استدلال -  
را چنان بتدریج تنگ و محدود میکرد  
که ناگهان بطور غافلگیر خصم را در دام  
اقلام میکشید و و راه فرار را از هر سو بر او  
مبست .

ابراهیم از قوم پرسید : معبود چیست  
و شما چه چیز را پرستش میکنید ؟

# سنگها را که آرزو

مبترسم که بعد از الهی دچار شوی و در  
زمره یاران و اتباع شیطان در آئی .  
آزر بر عناد و کفر خود بیفزود و از -  
متابعت راهی ابراهیم با کرد . با تر شروی  
و دشمنی با او مواجه شد و او بشفقتش  
را نادیده انگاشت و از سر تحقیر عناد  
بالحنی خاکی از تعجب و تهدید گفت : آیا  
تو از خدایان من روگردانی هز آینه اگر  
از این رویه برنگردی ترا بتهم خواهیم ساخت  
و سنگها را خواهم کرد پس از شدت خشم من  
بهریز و آتش کینه و انتقام را بر منگیز و روز  
گاری در آزر من درو شود .

ابراهیم بتها را در هم می شکند \*  
ابراهیم چون انکار و عناد آزر را دید  
از صداقتش نومید شد و سخت بر او گران  
آمد که خیرخواهی را با خشونت رد کند  
و از دعوت حقتر بیزاری جوید و ولی ایسن  
پشامد تا گوار و بر خورد ناهنجاره او را از  
ادامه دعوت بحق باز نداشت و از بهارزه

گفتند : یا از آنجهت بتها را میپرستیم که  
پدرانمان را در پرستش آنها یافته ایم .  
ایشان اقرار کردند که بتها نمیشوند  
و مالک نفع و ضرری نیستند و ولی اقتدا  
شکلان و تقلید از پیشینیان را مستممک خود  
فرار دادند و قدمت و کمینگی عقائد خود را  
دلایل حقانیت آن شمردند و باین ترتیب  
خویش را از روشنائی نظر صحیح و فکر سلیم  
محروم و محجوب ساختند .

ابراهیم گفت : محقق مسلم است که -  
شما و پدرانتان در گمراهی آشکانه بوداید  
قوم چون در زبیر با حجتها نیرومندی  
ابراهیم بزانو در آمدند و آغاز ماجراجویی  
کردند و فریاد برآوردند که ای ابراهیم  
آیا کار تو بجای رسیده که از شان و مقام  
خدایان مامیکاهی ؟ آیا راستی بتها ی  
مارانگوشتر میتی و یا از راه بازیچه و شوخی  
در آمدی ؟

ابراهیم گفت : من از روی جد سخن  
میکویم و زیرا براه شما دینی محکم و استوار

# شکست

آورده ام و شما را براه راست میخوانم .  
همانا که پروردگار سزاوار پرستش شما  
آفریننده آسمانها و زمین و مدبرشگون  
و قائم بر امور آنها است :

اما این بتها مالک نفع و ضرر خود شان  
هم نیستند و اینها یکمشت سنگهای سخت  
و چوبهای تراشیده و میخکوبند پس باید  
از پرستش آنها اجتناب کنید و خود را از خضوع  
د ر برابرشان برتردارید و از فتنه شیطان  
و اغواء او بپندیشید و بدیده عقل و -  
بصیرت خود را بنگشاید تا ملر هدایت -  
یابید .

گذشته از این حجتها ی قوی باید  
فکر کنید که من پیش از شما ازین بتها دوری  
گزیده و از پرستش آنها اجتناب کرده ام -  
و اگر ایشان قدرت بر سر برداشتن مرا د  
چار ضرر ساختن بودند .  
پس چون حجتها ی نیرومند ابراهیم در  
قوم ترمیقناده و از دعوتش رخ برتاقتند

و ابراهیم دید که گوشهای ایشان کردلها  
شان محجوبست و همچنان بدامن او هام  
خود در آویخته اند و میپرستش بتها اصرار  
میورزند و در کمین بتها شد و قسم یاد کرد  
که کد خود را متوجه آنها سازد و تابص  
وعیان در یابند که آنها قادر بر نفع و ضرر  
و دفع آزار از خود نیستند و قوم را از  
عبادت نفعی و از ترن عبادتشان ضرری  
متوجه نخواهد شد .

قوم ابراهیم را عادت چنان بود که  
هر سال عید و جشنی بر پا میکردند و ایام  
عید را در خارج شهر بسر میبردند و طعام  
فراوانی در معبد فراهم میساختند و تا  
چون بشهر باز آیند با کواچی صرف کنند و  
عقد ده ایشان بر این بود که خدایان شان  
در طول غیبت ایشان آن غذا ها را برکت  
میدهند . هنگامیکه میخواستند از شهر  
بیرون روند از ابراهیم خواهر کردند که  
همرا هشان برود و ولی ابراهیم دعوت -  
ایشان را نپذیرفت و تصمیم گرفت که تخت  
بتها شان را واژگون سازد و برای بهانه  
تاریش کرد و اگر چه بظاهر بیمارشی -  
نداشت ولی رو حتر آنسرده و ملول و دلش  
گرفته و محزون و از گمراهی قوم بسیار متأثر  
و غمگین بود .

قوم از ترس آنکه مبادا بیماری ابراهیم  
بد یگران سرایت کنه او را در شهر تنها -  
گذاشتند و با عسرت و شادمانی بخارج -  
شهر شتافتند .

اینک شهر خلوت و آرام و معبد خاموش  
بخالی از ضجه و غوغاست و حتی خدمه و -  
سده هم معبد نیز از شهر بیرون رفته اند .

ابراهیم که شهر را خلوت و دشمنان  
را غافل یافت و ازین فرصت استفاده کرد  
آهسته آهسته بصوی بتها روان شد و میعبد  
در آمد و دورنمای آن صحنه و منظره بتها  
را تماشا کرد و طعامها را بدک پیش  
روی آنها گسترده اند پس از روی -  
ریشخند و تحقیر ببتها خو شیاش زد و گفت :  
غذا نمیخورد ؟

پس چون سکوت مستمرا ایشان را دید  
بار دیگر لب با ستیزا گشود و گفت : چرا  
سخن نمیگویی ؟  
بدیهی است که سنگها و چوبهای  
بجوان ، یا رای فهم و دان و قدرت -  
سخن گفتند داشتند .

در این هنگام قسمتی از بتها را یادست  
و قسمتی را با پای زمین زد و سرانجام چون  
شعله خشم و انتقام از دلش زبانه کشید  
تیری را برداشت و سراج بتها رفت و سر  
دست بت بود که زیر ضربه های تیر پیش پای  
ابراهیم خاک مافتاد و قطعات سنگ  
و چوب بود که تلی را در معبد تشکیل میداد

بتها همه از ضربت تیر و قوت بازوی -  
قهرمان تو عهد بهره و نصیبی کامل گرفتند  
و تنها بت بزرگ بود که ازین ماجرا ایمن  
مانده بود و زیرا ابراهیم او را باقی گذاشته  
بود تا پایه احتجاج پر شور و هیجان خود  
را بر دست او استوار سازد و چون قوم از  
انجام مراسم عید بشهر باز آیند و از او سپر -  
سند که کدام کن احترام معبد شان را هتک  
کرده و بتها شان را درهم شکسته او را -  
نشان دهد و سرانجام ایشان را با اعتراف  
و اقرار آورد که بتها سخن نمیکویند و عقل  
واراده ندارند و قادر بر نفع و ضرر نیستند  
تا مگر پس از این اعتراف صریح بخود آیند و از  
گمراهی باز گردند .

قوم بشهر باز آمدند و حال تباه  
خدایان خود را مشاهده کردند . هول  
آن منظره چنان عظیم بود که مدتی ایشان  
را مبهوت ساخت و پس از آنکه از حال  
بهت بخود آمدند و عیان اعصاب را بدست  
گرفتند و در جستجوی مرتکبان عمل  
خطر برآمدند و با هم میگفتند : چه  
کسی اینکار را بر سر خدایان ما آورد ؟ هیل  
نا که او از ستکارانست ؟

در این میان یکتن گفت : ما جوانی  
را میشناسیم که بتها را نام میبرد و نام  
آن جوان ابراهیم است او ما را از سر -  
ستیزان بتها سرزشتش میکند و ایشان را  
تحقیر و مضمود پس چنین مینماید که او بر  
این کن رجرات و زرد ده و آنها را در هم  
شکسته است .

ازین راه شکند و بتها را شناختند  
و تصمیم گرفتند که او را بکفتری متناسب با  
گناهش برسانند .  
آتش خشم و انتقام در دلهای قوم زبانه  
کشید و فریاد زنان احضار او را خواستار  
شدند تا محاکمه و کیفرش را تماشا کنند .  
مسلم است که اجتماع قوم در یک سر  
زمین و یکی از آرزوهای ابراهیم بود که  
مدتها در انتظار آن بسر میبرد تا بر ملا  
ود حضور همه افراد قوم حجت خود را  
بر سلطان عقید و ایشان بیان کند .

داستان ابراهیم بصورت برق در همه  
محافل و مجالس و بر سر هر کوی و برزن منتشر  
شد و مردم دسته دسته برای تماشا ی  
ابراهیم و محاکمه و کیفر او فراهم شدند  
تا از دیدن شکجه و عذاب سوزخشم را  
در دلها فرزانند .

سیئت قضات و ابراهیم را در حضور  
جمعیت خصمناک حاضر کردند و محاکمه  
علنی او شروع شد .

کدام آفتاب ه از چه عرضی برآمد ؟  
 که شب در سرای خراسان سرآید  
 کدام آستان دست شیطان گرفته ؟  
 که از خاک ما سوی خون سرآید  
 چه ابری فراز آمد از قمر دوزخ ؟  
 که پیکر سرو پارس اغکسرآید  
 زمین ه از س آماج نهی آوران شد  
 زهر خورشید خونا به نهفتن سرآید  
 نه دهقان رامانده پلوان به خاطر  
 نه از بهل ها ه یاد آهنگر آید  
 چه ترکیده در ترکه تا کزاران ؟  
 که از گرد شان دوده احسرآید  
 کدام آتش آویزه لانه هاسد ؟  
 که با باد پامینه دود سرآید  
 کج افتد قد سایه شمسادهارا  
 ز بس باد چو چو چا و لگ سرآید  
 ز بس سینه ها زخم ناخن بخوردند  
 نفس چون گزاهگر خنجر آید  
 ز بس هیفتد نیکشان هنی کشیدند  
 نسای غم از درزه هر در آید

چه سستی د دیده به رگهای پیمان ؟  
 چه پستی ه که بر قامت باورآید  
 چه دایه سهاست ؟ که هر کاتبش را  
 هوس بر کله داری کفر آید  
 چو با فریبو بند شهر بشرا را  
 به بام پیری دیمو انسو نگر آید  
 نکون آمد این روز گاران که بینی  
 زفن را هول بازی سنج سرآید  
 نه سلطان سلامت رود نس سبهد  
 چو سیلاب خون از چرلفکر آید  
 شهبخونی شمشکن خیز و مگذار  
 که گفتار تاخانه کفر آید  
 چگر کج لولوبه اید صدف را  
 شنیدی مگره کز خرف گو هر آید ؟  
 زمانه بس هرزه بارز بها لود  
 دگر از کدامین زمج زور آید ؟  
 در این دور بی خورد خروار خروار  
 چه از مننی های منگه آور آید ؟  
 جهان راز یک چشم دیدن نه اید  
 که کج خطی از بینش اهور آید

بغندد به رهش خود آن بی تمیزی  
 که لا نکرد پده بر منبر آید  
 هدف هتا به " جمل مرتب " نهی  
 چه خیز دزد پلوان ه چه از دفر آید  
 عروس سخن را ه چو سوزند مصحف  
 دگر با چه آینه را بشکر آید ؟  
 برین به شعوری برین پر شمعا ری  
 درخ از ور هر درخ آور آید  
 نهیند به جز پیش پا هیچ چشمی  
 درخت برین و ادی محفر آید  
 به خشم خدا چشم گرداب خندد  
 چو بر ناخدا کوری لنگر آید  
 دگر از چه راهی ه رمان جویسی ؟  
 چو رهزن به در بانسی داور آید  
 بها ا سوره سبزآ بس بهار هم  
 که آتش بر اندام آتشگر آید  
 بهضم یارب چه روزی ه که روزی  
 تنسی از بس دشت خاکستر آید

کابل سرطان ۱۳۶۷

آسرهین

# رشته خاکنش

ورمی اوغوتی

دلته د ژوند بسرلش وز می  
 چی د سبایه وزودا لوتلی  
 د پوی تاندی زغوشی خانی  
 شکی غوشی تخنوی  
 که د ابیلوتی و مسخری  
 د لیسوانی به هوس  
 او  
 د گلخانگود شوی یا نیرتاشا  
 د غور بدلی غوشی  
 به بنایسته انگو  
 د ی رابریوتی ضلایی ور انگی  
 اوسری د عطرولولیزه دالی  
 نه راه شوی  
 د ژوند ون بسرلشوز موده

دباقی بریال

دوه شعرونه

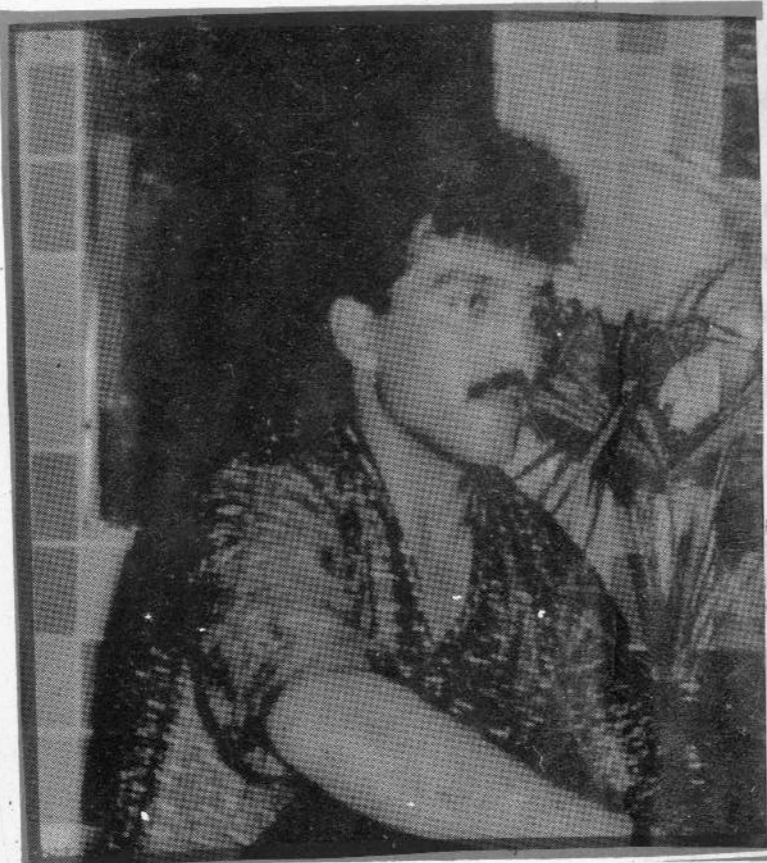
سکلا اوگره می

به زره ورتکوترانیکسی ارازونه  
 بالسه تا اورم دمنی غزلونه  
 له سکلا سره گرمی شمته ورکبا  
 د خوی زی نی نخری اوسکیزونه  
 اوچی ستاره به دیرنگن چمن کی  
 لاس ترلاسه چیری اخلم قد بونه  
 له هرچه نه بهگانه مشونه شاکوم  
 دلته ههله راته خاندی سر بکونه  
 راته ناخی تر نظره کلنونه  
 اوردهن اینه می وی رویتانه  
 ژوندون تبول د خوشالوانگاره می  
 لهیدلی متخهدلی می خالونه  
 جوړزک د شاعران هن به باغچکی  
 ستاد غنود د گلپانیا خورونه  
 ستاد غر په شایسته سکلونغموکسی  
 د شهبلی په شان دمنی پتا رازونه  
 چی زما دارمانوشی هرازه  
 رنگنه وی هاشمی هغه وختونه  
 د سکلا پردی ناپایه تنداروکسی  
 پوتربه برشودی غس سترکی زونه  
 اوزاد شمرناری غوه پسرللی  
 چی داستا په یاد پیکر سینگارونه

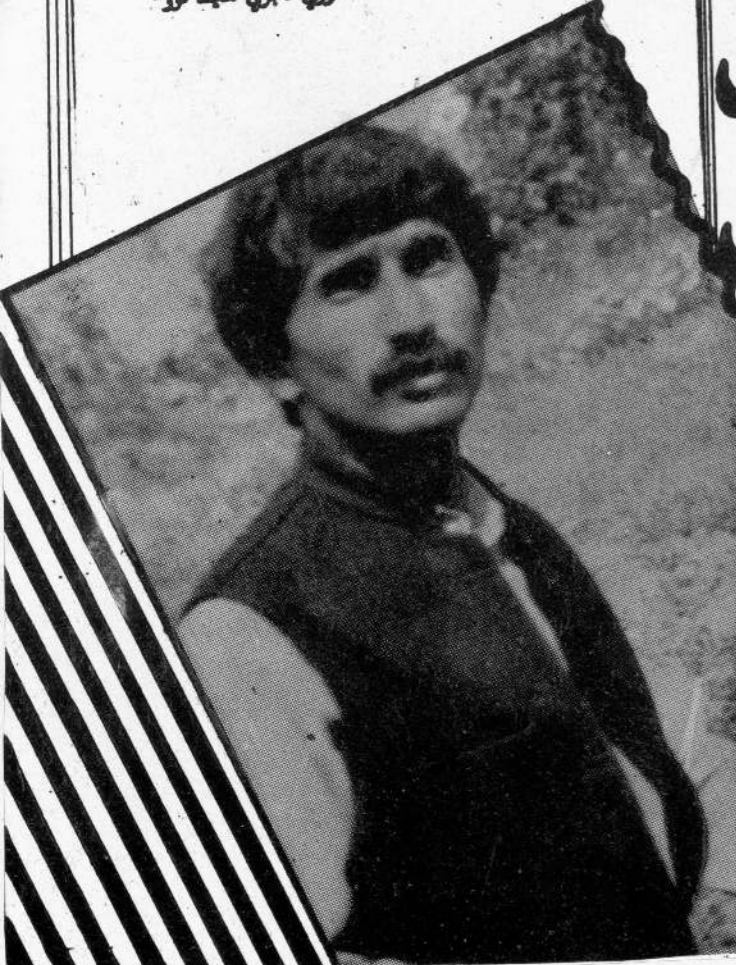
# گل او غزل

پروگرام جو جو شو به دغه پروگرام کی د پښتو موسیقۍ سند رفاړ و ښایسته سند ری وپلی او په پرمهاری یی د دغی فرهنگی ټولنلوپری هنری له په رسمی توگه د هنر خوښوونکو ته وپژغړه له دغی هنری ډلی په ترکیب کی د پښتو خوښی ژی سند رفاړی هماغه ایشان مومند او شامحمد د سند رفاړ و په توگه او کمین گل ، تورپالی ، فاروق او معروف د سازنیز وونکو په توگه په هنری فعالیت بوخت دی د ډلی مشر شامحمد دی او ډلی راتلونکی نغزات امید لري . دوی د پری هیله کوو .

د خوشحال فرهنگی ټولنۍ د پښتو موسیقۍ د ادبیاتو او فرهنگه د روی او پرمختیا د هدف د ترسره کولو په خاطر د خپلو لویو هموندو په څنگه کی د موسیقۍ او په خاصه توگه د پښتو موسیقۍ د پښی د لاینه والی او د هی له پاره هلی علی کوی ، چی لومړنی ښه یی د استاد اولمیر د کلنیز یی نمایندل رو او د ادی د جزا د میاشتی په اته رښته نښه د دغی فرهنگی ټولنی لسه خوا د افغانستان د لاسی ضایعوی په تندارتون کی د گل او غزل ټولنیزو لومړنی



# موسیقی ما اصلا می



ناروا آغاز کرده است . او میگوید : « اولین آهنگی را که ثبت نمودم غزلی بود از حافظ شیوازی به این مطلع : « پامدعی مگویند ، اسرار عشق رستی ، کاهنگه آن را بنیز ، خردم ساختم بودم . » (۱۰) تکرمیکم مکرر است . اترد رمورد د او بهای کیسون آرزو شیبای موسیقی را د ټولنیزون چیز یی ازو ، بتویم . زیبا ، سخن کگوشی برای شنیدنی نیست چه سود از گفتن . صمیم در این بود گفت : « ( آهنگهای زیادی در راه د ټولنیزون یی شروع لسی چرا شده اما از طرف کمیسیون بجهه در صفحه (۸۷) )

پهرسم که ؟ - پس چگونه موسیقی جاز را انتخاب نمودید . گفت : « به خاطر یی که فراگرفتن اسامات موسیقی شرق ، خیلی ها مشکل است و آدم نمیتواند به آسانی حتی یک جزان را بیاموزد . (۱۰) - پس به نظر شما ، موسیقی جاز را در کلیت موسیقی غرب به ساده گی قابل درک و فرا گیریست . لسی ، این طور هم نیست مگر نسبت به موسیقی شرقی تا حد و دی آسانتر است . (۱۰) فرد صمیم ، از سال ۱۳۶۵ به این سو در راه د ټولنیزون

فرد صمیم یکی از جوانان نواحی در هنر موسیقی است که شاید او را در آهنگ ( صفا صفا می ) دیده باشید . صمیم در مورد آغاز کارش میگوید : « در موسیقی استاد مشخص ندانم و نیز تحمیلات آکادمیک نبودم . ام من مانند دیگران ، از کودکی با موسیقی علاقه داشتم . آهنگ های روانشاد استاد سراهنگه غلام علی واحد و لهر را خیلی دوست دارم و زیاد مینویسم و اکثر چیزی آموخته باشم . آن هم مرهون هموست . (۱۰) شنیدن سخنان صمیم برای من ، چیزی شگفتی آور بود . بسبب گنت ، تا از او

گروه های متعدد موسیقی که نام خدا شده است نشان خیلی زیاد شده گفت : خوب است که جوانان هنرمند ما گروه های متعدد را بوجود آورند اما بهتراست در هلو یی آن به آموزش مسلکی نیز پرداخته و موسیقی را تا آنجاییکه لازم است طور فنی و علمی بیاموزند زیرا زمانیکه آنها این هنر را طور اساسی نه نعمتد مشکل خواهد بود که فعالیت هد نمند داشته باشند . شاید چنین فعالیت ها بر جریان موسیقن کشور و لطمه وارد نماید از شما سلیمان پرسیدم چهار روزی در دل دارید . خندیده گفت : میخواهم با خالد آرمان گیتاریست جوان کشورم که فعلا در خارج است ملاقات نمایم .

در ارکستر ستاره های آریانا شامل است ولی اغلبا در کار روح الله روین دیده میشود . یا به این سوال ماکه گیتار چند نوع است و او که ام بک را بکار میگیرد گفت : گیتار انواع مختلف دارد اما اساسی همه را گیتار کلاسیک تشکیل میدهد . بعدا به اسامی پیشرفت علم و تکنیک ( لست گیتار ) و ( جاز گیتار ) به وجود آمد . من تا حد و دی به همه آنها بلدیت پیدا کرده ام اما بیشتر ( لیت گیتار ) مورد علاقه من میباشد . یا سلیمان در مورد فعالیت

یا سلیمان هنرمند جوان نیست که با سرانگشتان گیتار را به صد او رسا و به زخمه دل انگیزی می شنواید . امروز جوانان زیادی در کشور اند که با هنر و با خستن گیتار آشنا شده و اکثر آنها کارشان را مد بین استاد توانا محمد حسین آرمان میدانند . یا سلیمان گیتار نوازی را در کورسی که چند سال پیش در ایر شده بود فرا گرفته و اکیسو ن



# اویتار و سینوازد

مصاحبه از ملالسر





سنجی دست در برابر برادرش  
گفت :  
اگر دزد میبودم سلطان بودم  
نی را با مملوونها شورتش نمیدزد  
پدیده اگر از جمله لوازم خانگی  
میبودم ، دوست داشتم بسک  
چاروب یا شمشیر اکتره در  
دست دخترها میباشند .  
... اما روزی همه ما اینی برام  
پس گفته بود که تو و برخی از  
دوستان " همروزانه هسا  
استیهد .

تلاش  
مان  
میگوید  
او چگونه است



# ملکه آواز

# سوریه

یک زمانی بر سر بناهای دوست داران ورزش بوکس بود. در سال ۱۹۷۷ بعد از شکست تلخ محمد علی کلی با بوکسرخد حافظی کرد. چهار سال قبل تصمیم گرفت که در سار به این ورزش روی آورد. دلیل اساسی روی آوردن او به این رشته عضویت اقتصادي تشکیک شد. او بدین ترتیب با شکست خود روی توانست ۲۰ میلیون دلار بدست آورد و یکمان اغلب با این پول میتواند مدتی را مثل گذشته ها) زندگی کند.

اما بازگشت ورزشکارانی چون نورمن، بوکس، مارن سپینساده بی از دانشمندان را بخود مصروف ساخته آنها از خود می پرسند که آیا برای این عده همه امکانات فنی یکسانی از بین برفته است یا خیر؟ چندین واقعه وجود دارد که ورزشکاران سابقه حتی در سنین ۵۰ سالگی بعد از آنکه با جدیت زیاد به تمرینات ورزشی شروع کردند در نتیجه آن به نتایجی دست یافتند که حتی جوانان سنین ۲۵ نتوانسته اند.

علما و دانشمندان امریکایی اظهار می کنند که هنگامی فیزیکی بدن بصورت ۱۰۰ درصد آن تا سنین پنجاه سالگی حفظ می گردد و نقطه آخری پیروی بدن بعد از سن ۴۰ سالگی تکلیف می گردد که کاهش یا بقیه در صفحه (۸۷)

های وی در یکی دو سال اخیر در این زمینه مورد ستایش ملامتند ان اقرار گرفته است. در این اواخر تلاش بخش داد تا جهر موتیپ هم این موزیو را بهاد هنر وستان زنده بسازد درین راه مدونا پیروز تر از گذشته ها پیدا آمد.

بعضا مدونا را تشویق می کنند که گویا او خصوصیت کلشبه زنانه را می شکند و مدونا او را به دلیل اینکه گویا تمام هوش استعداد خود را صرف ثروتمند شدن می کند مورد سرزنش قرار می دهد. هندیکسن از رویسپوران بزهتین امریکا مدونا را به اندازه مورد ستایش قرار داد که حتی موضوع دکتر و رویسپوری خود را هنرمند و نا انتخاب نمود.

گروهی از دانشمندان اخلاق اجتماع می مدونا و فعالیت هنری وی را مورد سرزنش قرار می دهند اما شامل بودن در خبرها می دست اول همیشه برای همه پردرد سراسر است.

چندی قبل چون نورمن قهرمان ششمین وزن بوکس جهان، پختا طرف بدست آوردن مقام قهرمانی در سن ۴۲ سالگی بیکار بوکس وارد میدان بوکس گردید اما متاسفانه که جوان ۲۸ ساله هموطن او این آرزوی نورمن را برآورد نمود. بعد از این شکست وی دوباره به وظیفه اصلی خود یعنی مدبوکس ورزشی در تکزاس آمد. نام نورمن



کردند. مدونا بخاطر این موضوع سرودهای زیاد بلنسد کرد و سانسور (هنر) را مورد انتقاد قرار داد. این منسج قرارداد ان آهنگ جدیدی وی فروش کست جدیدی را به صورت سرسام آور بالا برد. وی خوب درک نموده که در قرن ویدئو نیما پیش بدن آرزوی خاصی دارد. مدونا توجه خاصی به لباس دارد. هیچگاه با یک نوع لباس دوباره روضه حاضر نمی گردد. نوآوری

جارتی، مدونا با مهارت زیاد توجه تماشاچیان را بخود جلب می کند. اگر در کمرتن متوجه گردد که توجه اجتماع بطور لایس آن به وی نیست این مطلب تا اثبات منفی برآورد می گردد. وی پیوسته در مرکز سرودها ای جهان هنر قرار داشته است. زمانس وی بدون (شیر و حیا) سقط چنین خود در محیطوسات امریکا یاد آوری کرد. بیکار سرودها ی زیاد در باره ارتباط مدونا با هنر پیشه دوست داشتیمی جوانان امریکا (اوپن بیت) ایجاد گردید و بالاخره پختا طراز و اجش با هنر پیشه د پگر (شونایینا) بارد پگر نامش سرزبانها افتاد. بعد ها خواست تا با ازاد و اج د پگر به گمان خود ش خوشبختی را بیابد از ازاد و اج با مانکن زبانی امریکایی بنام تونی پختا طر (مرد کامل) نبودن وی صرف نظر کرد که این حادثه نیز نام مدونا را بیکار بوکس (اورد زبان پیوجوان در امریکا ساخته)

آهنگهای ویدئو مدونا اکثرآ سلکی ثبت گردیده است که تماشاچی را زیاد تحریک می کند. در یکی از آهنگهای اخیر وی خود بنام (عشق سرا برائت بد) استعداد خود را در بدست آوردن سرمایه ثابت ساخت نشرین آهنگ را از طریق تلویزیون امریکا بدلیل بی نهایت سکس بودن آن منع

مدونا را همه به متابسه ستاره مشهور موزیک (پا پ) و سمبول سکس می شناسند. درباره اینکه وی یک تاجر و زنده است خیلی کم اشخاص معلومات دارد. بعد از آنکه در سال ۱۹۸۲ اولین (ریکاره) وی به بازار عرضه گردید در مدت کم در حدود هشتاد میلیون ریکاره وی بفروش رسید که مدونا ازین بابت بیشتر از ۱۳۰ میلیون دلار بدست آورد.

عکس مدونا اغلب اوقات در ریشی مجلات نرقی دیده میشود. بیکار هم یک فوتوی وی در یکی از مجلات مشهور در زمین تاجران امریکایی با این شرح بچاپ رسید: (پا) استوارترین زن کاری امریکا در آند مدونا در سال ۱۹۹۰ به ۳۶ میلیون دلار رسید.

بسی از صاحبه های اخیر خود مدونا بچواب سوال گفت: برای وی لازم می افتد تا یک تعداد مسائل زیاد در تجارتی رانیز مستقلا حل و فصل نماید. این مطلب برای وی غیر منتظر نبود. وی در مورد میگوید: من ملاقات با مردمان (کاری) را خیلی دوست دارم. من وقتیکه با آنها روبرو میشوم میخواهم به اشکال مختلف آنها را سرگرم نمایم زیرا امید آنم که آنها هفتسه سختی را پشت سر گذر نمانند. آند آنها امید آنند که من آنها را سرگرم میسازم و به این دلیل مرادوست دارند. علاوه بر استعداد خارق العاده



من در ماه شوال سال ۲۸ هجری با هفتاد غزار سرباز شهر "تاشکند" را که دارای حصار بود محاصره کردم و بسکه شهر اخطار نمود که علیه "الجا" تهبو محمد قولوق "شورش کنند و او را به قتل برسانند؛ ولی از طرف سکه شمس اقدام برای شورش علیه حاکم تاشکند - نشد. من بعد از اینکه مطمئن شدم شهر "تاشکند" بوسیله دهلغز زیر زمینی راه بخارج ندارد بسر بازان خود دستور دادم که دو نغب حفر کنند که یکی از طرف شمال و دیگری از طرف جنوب منتهی به حصار شهر بود. من میدانستم هنگامی که ما مشغول حفر نغب هستیم و مخصوص در موقع شب مردان "الجاتبو" محمد قولوق "صدای کلنگه و بول نغب زن هارا میشنوند و می فهمند که مشغول حفر نغب می باشیم و هر کس که گوش خود را در موقع شب بزمین بچسباند می تواند صدای کلنگه زدن حفاران را بشنود "الجا" تهبو محمد قولوق "عده ای را مامور کرده بود که تا نغب زن های ما سر از شهر بدر آورند آنها را به قتل برسانند و نغب را ویران و کور کنند.

من فقط بطرف جلو توجه داشتم و از عقب آسوده خاطر بودم زیرا میدانستم که عقب من ه خصم وجود ندارد. در طرف فون من هم سربازانم می جنگند اما سر بازی که در طرف چپ من قرار گرفته بود کشته شد و پیش از این که سر باز دیگری جای او را بگیرد یک صرت شدید تهر زن روی پای چپ من فرود آمد. صرت بت طوری سخت بود که تصور کردم پای چپ من از بدن جدا گردیده و در همین موقع یکی از سربازان ما جای خالی را پر کرد و دیگر من از طرف چپ مورد تهدید قرار نگرفتم وقتی آن صرت تهر زن روی پای چپ من وارد آمد من فریاد نزدی و ننا - لهدم و لذا هیچ يك از سربازان من نفهمیدند که من مجروح شده ام.

بعد از غلبه بر "تاشکند" چون سکه شهر از دستور من پیروی نکردند و علیه محاکم خود نشوریدند فرمان قتل عام وجبا اول را صادر کردم و گفتم تمام مردان شهر را به قتل برسانند و تمام پسران و دختران و زن های جوان را با سارت ببرند تا اینکه بعد طبق قانون جنگلین افسران و سربا - زان تقسیم شوند و سر بازی که دارای پله پسر یا يك دختر جوان گردیده مختار است او را غلام یا کنیز خود کند یا به قتل برساند یا در بازار بفروشد. جنگ "تا - شکند" هنگام عصر روز نوزدهم ماه شوال خاتمه یافت و از آن پس قتل عام و چساول

شروع شد و انوقت من در صد دبرامدم که بدانم که زخم پای چپ من چگونه است اما نتوانستم از اسب فرود بجایم و سربازانم در خارج شهر مرا از اسب فرود آوردند و به خیمه بردند و در آنجا نوکرانم چهار آئینه و مغفرا از من دور کردند و جراح آمد و زخم مرا معاینه کرد و گفت استخوان زانو بشدت مجروح شده و نباید راه بروی و نباید پیوسته دراز بکشی تا

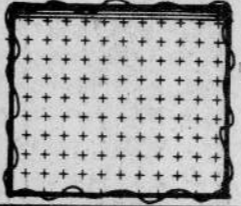
اشکر کرد و درین رفیغی زیاد نسبت بسزن ها بوجود آمدن آن موقع من پیش از دو روز نداشتم و در آن هفت سال دوزن دیگر گفتم ولی فهمیدم که باز خواسان زنهای باشم من که مسلمان هستم نمیتوانم پوش از - چهار زن بگیرم ولی شرع اسلام بمردها اجازه داده که علاوه بر چهار زن عقد هر قدر که میل داشته باشند جاریه انتخاب نمایند و من هم چاره های معیت



تاریخ  
مهرماه

# مینه

# سوره



این که استخوان زانو بهبود یابد.

ای که سر گذشت مرا میخوانی مگو که مردی چون من که فقیه هستم چگونه فرمان قتل عام سکه "تاشکند" را صادر کردم حکومت دارای قوانینی است که از اناژدنها وجود داشته و تا پایان دنیا وجود خواهد داشت و عوض نخواهد شد و یکی از آن - قوانین این است که مردم باید از حاکم بترسند و اگر از وی وحشت نداشته باشند او امرش را بموقع اجرائی گذارد و امر - ارو او باش بر - سکه شهر مسلط میشوند و بجان و مال و ناموس آنها تعرض نمینمایند. من از این جهت فرمان قتل عام سکه "تا - شکند" را صادر کردم تا اینکه برای سکه بلاد دیگر مایه عبرت شود.

بهبود وضع زخمه می هموس و شورتس - شدن و پایان و رفاهت مردم درین نیز -

را انتخاب کردم.

فرزندان و نوه های من آگاه باشید که آفت سلاطین عیش و نوش و زندهای زیبا است و هرگز خود را بدست عیش و نوش و زندهای زیبا نسپارید و برای يك مرد هفت - ای بیکاره زن کافی است و بهر از آن با - عه میشود که مرد تن پرور گردد و نتواند قدرت خویش را حفظ نماید.

فصل هفتم:  
بسی مسلط الراس فردوسی و جنگ نشا -

پدر:  
چنین گفت کای جوشن کار زار  
بر آسودی از جنگه يك روزگار  
کنون کار پیش آمدت - سخت باش  
بهر کار پیر امن بخت باش

اشعار فرودس در گوشم طنین مها - نداخت و نمی توانستم آرام بگیرم. هفت سال خورده و خوابیده بودم و شمشیر و جوشن را کنار گذاشتم ولی موقع آن رسیدم که جوشن بپوشم و مغفر بر سر بگذارم و شمشیر بدست بگیرم و بسوی سرزمینی بروم که آنجا فردوسی سبزد و پنجاه سال قبل از من این اشعار را سروده بود. موم قع آن فرا رسیده بود که برای رسیدن به آرزوهای خود گام بردارم و جهان را مسخر نمایم و تسخیر جهان را از خراسان شروع کنم.

من با این که شتاب کردم که بزودی خود را به نیشابور برسانم و نگذارم که دروازه نا را ببندند بر اثر رفت آمد کاروانهان ستانها ن جاده بقدری شلوغ بود که

بجنگد چون مرد تاد ر جنگه از موده نشود دارای لیاقت نمیکرد.

من بزرگترین هنر مرد را جنگیدن میدا - نس و گریه برای علم و صنعت و ادب قایل بارزش هستم ولی عقیده دارم که خداوند مرد را برای جنگیدن آفریده و مردی که نتواند بجنگد و از مرگه بیم داشته باشد از بنده گان خداست.

حاکم نیشابور که دست بسته گرفتار شده بود گفت ای امیر جهانگشا سکه این شهر گناه ندازند و اگر من با نهاد ستور نمیدا - دم که دروازه هارا ببندند مقابل تو مقاو - مت نمی نمودند و تو می توانستی بسدوزن معطلی و زحمت وارد شهر شوی لذا من گناهکارم و مرابه قتل برسان ولی برجسان سکه این شهر ببخش و زن هارا اطفال - شان را با سارت مهربان و پرسودم چند

# بیتها انگشتر

سال از عمرت میگذرد. جواب داد شصت - سال سوال کردم آیا پسرداری جو ابداد دو پسر جوان من یکی مو سیم به شهر بهرام و دیگری با سم شیرزاد بدست سر - بازان تو کشته شدند.

امیر حسین گفت ای امیر جهانگشا من! برای خود از تو ترحم نمیخواهم ولی پسر جان مردم این شهر ببخش و هر چه از - آنها تا کتون کشته عده کافی است و بگذار که دیگران زند میمانند. گفتم امیر حسین اگر بجای این که من فاتح شوم تو فاتح می شدی آیا بر حال سربازان من می - بخشیدی؟ امیر حسین گفت پدران ما گفته اند که در جنگه باید خشونت و بی - رحمی داشت و بعد از پیروزی باید قنوت بخرج داد و چون تو فاتح شستی قنوت بخرج بده.

گفتم من نمی توانم از اصول جنگه منحرف شوم و طبق اصول جنگه سکه شهری که مقاومت می کنند باید قتل عام شوند. اگر من این روش را تغییر بدهم دیگر نمی توانم مبادرت بجنگه نمایم. چها - نسان باید بدانند که هر کس مقابل من پایدار بماند کشته خواهد شد و بعد

از قتل عام نیشابور شهرهای دیگر خرا - سان تکلیف خود را خواهند دانست و وقتی قشون من به پشت حصار آن شهر هار رسید دروازه ها را نخواهند بست. بعد از این گفته جد را احتضار کردم و هوا و گفتم سراز. بیکر امیر حسین جدا گفتم و حاکم نیشابور به قتل رسید. قتل عام سکه شهر تا ظهر ادامه داشت و بعد از آن ه سر بازان من بر حسب اجازه های که من خود با آنها داشتم شروع به چساول کردند.

مدت يك ماه در نیشابور بودم و دنباله کار ویران کردن حصار شهر را به پسر م جهانگیر واگذاشتم و خود عازر طوس - شدم در طوس کسی مقابل من پایدار نی نکرد و من قدم بشهر نهادم و آزار من به هیچکس نرسید.

در بین دانشمندانی که نزد من آمدند مردی بود مقلب بامام اعظم و من با او مباحثه کردم و از او پرسیدم لاید تو نماز میخوانی؟ امام اعظم گفت این از بد - بیبهاست است. گفتم در سوره "الحمد" یکی از صفاتی که برای خداوند ذکر شده " مالک يوم الدين" است آیا تو میدانی که معنای " مالک يوم الدين" چه میبا - شد.

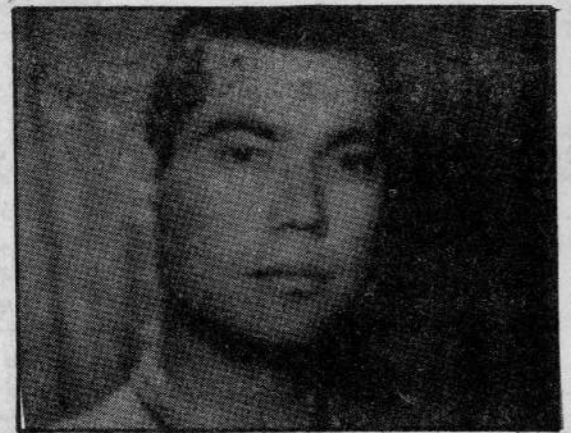
او گفت یعنی " مالک روز دین" گفتم من را مردی عوام تصور کن و برام شرح بده که مالک روز دین چه معنا میدهد. امام اعظم گفت معنای این آیه از سوره " الحمد" روشن است و احتیاج بشرح و تفصیل ندارد. گفتم ولی من معنای آن را نمی فهمم و باید آن را برای من تفسیر کنی. امام اعظم از گفتار باز ماند آن وقت من با او گفتم در این آیه " دین بمعنای جزا می باشد یعنی خداوند صا - حب روز جزا است. روز جزا یعنی روزی که هر کس بفراتر از اعمال خود پاداش یا کیفر می بخند و آن روز که روز جزا میباشد نا - محدود است و شاید هرگز پایان نمی - رسد چون در این آیه کلمه " يوم" یعنی " روز" معنای زمان را میدهد نه معنای يك روز از طلوع تا غروب آفتاب را و چون روز جزا زمانی است نامحدود لاجرم آفتاب در آن زمان طلوع و غروب نمی کند و شاید آفتاب نباشد. هیچکس نمی تواند پیش بینی کند که " روز دین" یا " روز جزا" چه موقع فرا خواهد رسید و هر چه در این خصوص گفته شود جز آنچه در قران هست افسانه میباشد.

امام اعظم با حیرت سخنان مرا شنید و گفت ای امیر تهور تو این همه داناشی را

بفیه در صفحه ۸۹

# کلیج و دراندنیهاست

مصاحبه کننده (سیدی)



— برای موفقیت در مسابقه به چن نکاتی ارجح بهتر قایل هستید؟

— نخست بر همه باید با اعصاب قوی و متحرک وارد صحنه مسابقه شویم و متکی به خوب شدن باشم و از هدایت های ورزشکاران به شکام استفاده نشا — بسته نمایم. فاکت مهم این که یک رژیم خاص غذایی را برای بدست آوردن انرژی بیشتر مراعات نمایم.

## صحبتی با عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم اتلتیک خفیفه کلیج هدایت

— در رشته اتلتیک خفیفه چند نوع تکنیک وجود دارد؟  
— اتلتیک خفیفه تکنیک های خاصی مربوط به خود را دارد — طو مثال در مسابقه های کوتاه (صد متر — دو صد متر) ورزشکار باید سرعت فوق العاده زود داشته باشد که میتوان از دوش سحرخی گامدار و سحرخی وقوی نوعی دوشی است که بنام «کلیج» که از شکل «چارنمسل» اسپ ما خود گرفته شده است. دوش سحرخی جا به جا و — امثال آن در صورت جهاد نموده دن این تکنیک ها میتوان به موفقیت دست یافت و نیز هفت الی هشت نوع دیگر تکنیک در این ورزش وجود دارد که ذکر همه بی آن نظر به گنجایش صفحه مشکل میباشد.

اعظمی نماید تا بتواند به مدالی عالی در رشته خودش برسد.  
— چه گونه اشخاص به رشته اتلتیک خفیفه پذیرفته می شوند؟  
— به صورت عموم تمام ورزشکاران این رشته از نقطه نظر جسمی و فیزیکی تناسب اندام و — جسمات قوی و بلند پر خوردار میباشند به ویژه در رشته اتلتیک خفیفه قد بلند و جسمی عضلات قوی ضروری میباشد و نیز داشتن اعصاب و قلب قوی از شرایط لازم این رشته میباشد زیرا دوش هادر اتلتیک خفیفه از نگاه طبی فشار مستقیم بالای قلب و اعصاب و عضلات دارد به خاطر یکه این ورزش تاج ورزشها نامیده می شود و ورزشکاران باید متصف به همین صفات باشند.

عبدالفتاح «وفا» کپتان تیم ملی اتلتیک خفیفه کلیج هدایت و عضو تیم اتلتیک خفیفه که در زمره ورزشکاران نخبه و مستعد حضور خفیفه را تشبیه نموده است در مورد ورزشی که خودش مصروف آن است در پاسخ به این پرسش که آیا در رشته انتخابی خوشش بود چه به پراپلی شده اند میگوید: — طبیعی است که هر ورزشکار در اوایل وقتی رشته مورد علاقه خود را انتخاب میکند تازه — نیکه با تمام احساسات و تخنیک ها و تکنیک های لازم آن رشته آشنایی کسب نمینماید به سلسله پراپلی های زودگذر مواجه می شود که راز موفقیت یک ورزشکار آن است تا همه مشکلات را با حوصله مندی و متانت متقبل شود و از هدایت و رهنمایی های تهرنر متوسط در جریان ورزش استفاده —

سرم گرفته و در رد صد و هشتاد ساله به مقام درجه اول پیروز شده است.  
شهره پیروزهای چشمگیر او، کلسیزی ازمدال هفت نشاها و اسنادی است که اینک نظم و ترتیب و نگهداری او را سحراب کوچک به دوش گرفته است.

پانزده مدال طلا و صدال نقره و سه نشان ستاره سرخ درجه یک نشان بهترین تهرنر و صدال سکاد به یک دیپلوم معیه نشان ماستر سهرتسی و در حدود بیست و چهار دیپلوم امتیازی و افتخاری.  
سلم شاه بهتران بهست مراتبه جهت نمایشات و مسابقات ورزشی اش به کشورهای مختلف جهان منگولیا هندوستان اتحاد شوروی ایران بلغاریا کوریا هنگری چکوسلواکیا و آلمان سفرها داشته است.

برای اسپورت جززندگی شده بود و بدین استثناء روز یازده ساعت تهرنر های مختلفی را انجام میداد همه روز صبح وقت از خیرخانه تامینان هواپیما ربه دوش می پیوسته و ربه اوقاتش ربه رهمان کشی که تهرنر دی و آبپازی ورشته اصلی اش که پهلوانی بود سهری میکرد.

شش سال مکمل با رهنمایی ها و تشننگ عالی شاگردان زادی ربه تهرنر سحرانید و در حلقه های ورزشی کشور سحر خوب درخشید.  
او اواخر زمستان سال ۱۳۶۶ که سرما بهداد میکرد سلم شاه برای بهستو یکمین بار آماده شده بود تا جهت اشتراک در مسابقه دیگتری بادوستان و همکارانش خارج از کشور برود.  
همه روزه با شور و حرارت خارق العاده بی تهرنر میکرد و در روزها با هم پیروز می تازه می را میدید.  
آنانی که او را از نزدیک میشناختند بهش از تکیه در باره خود می پیوسته بودند به فکر یک مدال دیگتری بودند به پیغم در صفحه (۹۳)

# اسان قصه مانی و سرافجام

سحراب کوچک با اشتیاق تمام الیوم خانواده می اسراورق میزد هر بار با اشاره به عکس فرهاد میزد و میگفت: اینه پدرم. تا تصویهای پدر سحراب حقیقتاً زیاد جالب است بودند جایی در اسابقه دستش را به رسم بزنده شدن بلند نموده بود جایی در حال بدست آوردن کپ قهرمانی وزیانی هم هنگام درسیات مدال بود.

بیشتر تصویهای او را در صحنه های معجب سهرت ها به ویژه در میدان پهلوانی نشان میداد. در آخرین روز این الیوم بزرگ به جای عکس های بزرگ سهرتسی در پلیم و سندی که در کسج آن فوتوی کوچک پدر سحراب دیده میشود گذاشته شده است در آنجا میخوانیم: سلم شاه اقبال ماستر سهرت تهرنر تیم پهلوانی کلوب سهرتسی اردو.

زنده می عجیب شنیدنی دارد چهارده سال قبل شامل بوهنسی زراعت بوهنتون کابل شد اما بنا بر معاند پری فاکولته رانام تمام گذاشته به خدمت مقدس سربازی رفت پس از آن بوهنسی اکادمی تخنیک را خواند.  
از دوران کودکیها پیش علاقه سهرت بود و لوسی از ۱۳۵ به بعد برای تهرنر های ورزشی اش برنامه معینی طرح کرد و به زودی به عضویت تیم ملی پهلوانی کشور پذیرفته شد گوی در آن دوران در همفشار های خوب به رویش لبخند میزدند پیغم شامل مسابقات میگردید و فلها برنده خود شد در بیشتر از سه مسابقه داخلی و خارجی



# خلوريزه

چې کښور او گيلن برسره نه وي  
مامورنه دي که هرغولري کښون  
په دي دوه خيز مامورين ل کښي  
که دانه وي که خوشي انوندي بطلون

د فلک ناد دي

✱ ✱ ✱

د لرگوار بکړو حاجت به خه وي  
مامورين واره لرگي شول و اولک  
هاپستي کولې بي وچي شوي په سپوره  
د کښي کورکي نه لگي درک  
کولې خه چې وينه وچه شوه رگورکي  
له روزگار نه ورته چو شولو خسک  
چې ميوه او شونه خوب کي ليداي نه شي  
د دي ژوند دي په اړوسو شوي تلک  
د الهي اژد هانبار په خوله کي ونسو  
د سل گون متاع په اخلي اوس په لک  
اي (اشپزه) د ايه ياد برسره ساته  
خه ناد دي وي چې ونه کري فلک

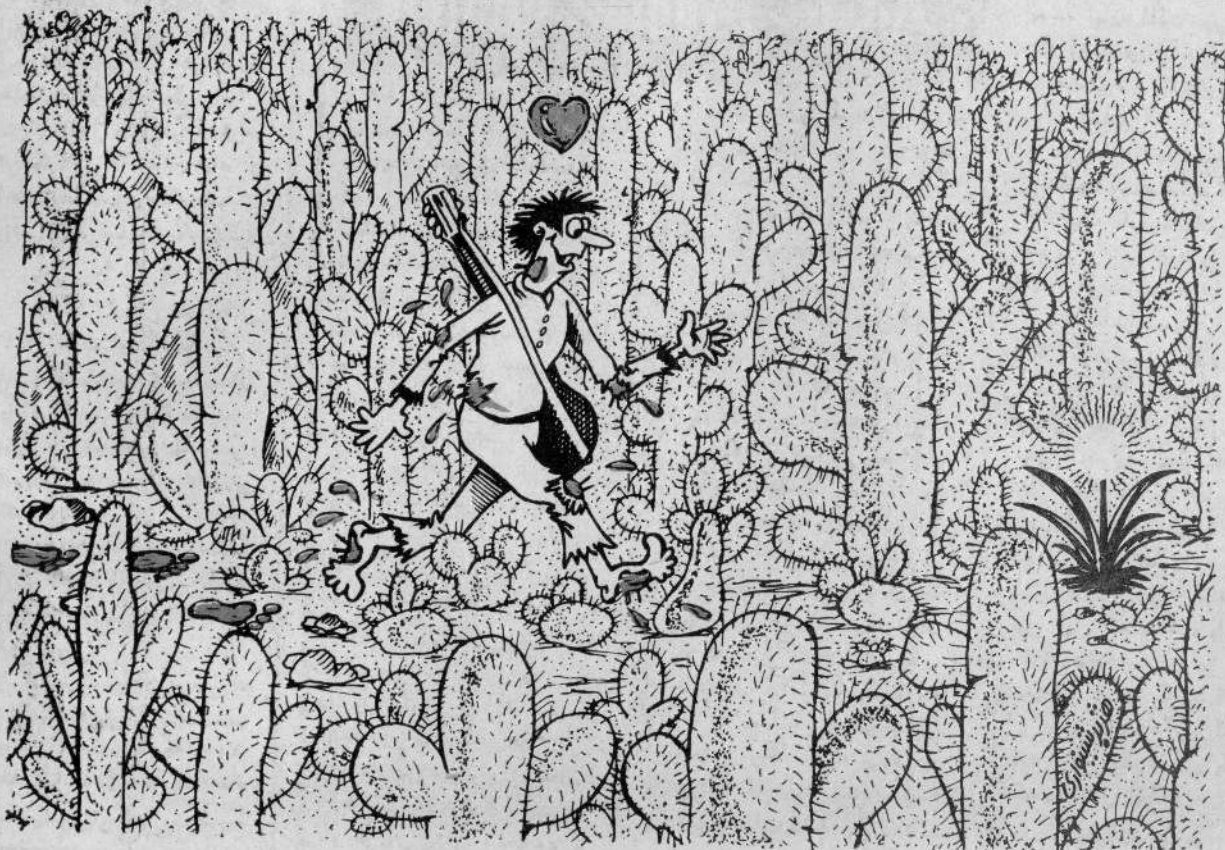
# د ليدنجاړي هڅه

هڅه ليدل: تاخون

## ماش (معاش)

نرخه دروني اود حيوياتو په  
په کورنۍ کي ترډيرو کوچني  
ده . د پورته تعريف له مخي  
ويلاي شوچي ماش (معاش)  
د عوايد و له يوه يوه کوچني  
اندازه ده چې د بازار د پيسو  
په وړاندي دي د پي د اوس  
(مه) ارزنت هم له لري .

که چيرته د معاش په نوم کسي  
د (ع) توري ليري شي ، نو  
يوازي ماش په ياتي شي . ماش  
پخپله دري نوم دي چې په  
پښتو کي (مه) ورته واي . د  
ميوه دانه د خړدوله داني غځه



# نوی مقدری

د کابل ښار د آزاد و نړخونو د کمپون یوسو پوځیو خبرلما ی د بنجاره هتی ته خپور کس چی کله د کابل په ښار کون یوس کچالوله دوه زرو واوینشل لوگند نه د پکړی په پست کس مفره شوه .

# دموښکانه د مطایبی مریزونه

هر انبه د پنازیزې چی پب غرپ کس د هرش له پاره حمایتی سازیا نونه مرکونه شته . اودا کار د پوکراسی لسی مظهر پولسی خو موز هم په دې برخه کس وړمنی کم نه یو . ښکته همد ا اوس د لوړو مرکز وښواو سازیا نو ترخنگ د موز کاندید حمایتی مرکونه هم علش اونکار فعالیت کوی . دغه مرکونه د مرگ مو د د اړو پلورنلی دې چی دمو ز کاندید تکثیر اوجانفید و لپاره د (مرگ موش) په معای (زنده م گ موش) په خلکو لپورې .

د خوله کولو اود اوزې او بجه د پوستکی اچولو طبابت اوس هم په پخینو سیموکسی بشپړ واک لری . که څه هم نن سباد پوستکی طبابت د پسونود قیمتته کیدوله له کبله د متاخه تلویه حال کی دې خو بخوله کولو طریقته بجه په مزه اود ودې بجه حال کی ده . زمونږ د کلی چنار کاکاسوم رخت رانگی وهلی و اوله خولگی کیدلو او خوجوشانده ولسه

(نسخی) په اسام ناروغ سعد ستی د کت له پامه خملاره اودرې پر ستی بی بری واچولی د کت لاندې بی هم ورته سیکاره تازه کرل اودوه درې تنه د ناروغ پسر ، پینوار کیدوه باندې خملاستل . خود خولو په رخت کی پر ستی له محاسه لپورې ته کړې ، او هوا بیس ونه وهی . ناروغ چی هر څومره چیخی ووهلی او بیسی لاسونه بی واچول ترې ستی لاندې بی چی چاچیفته غوز

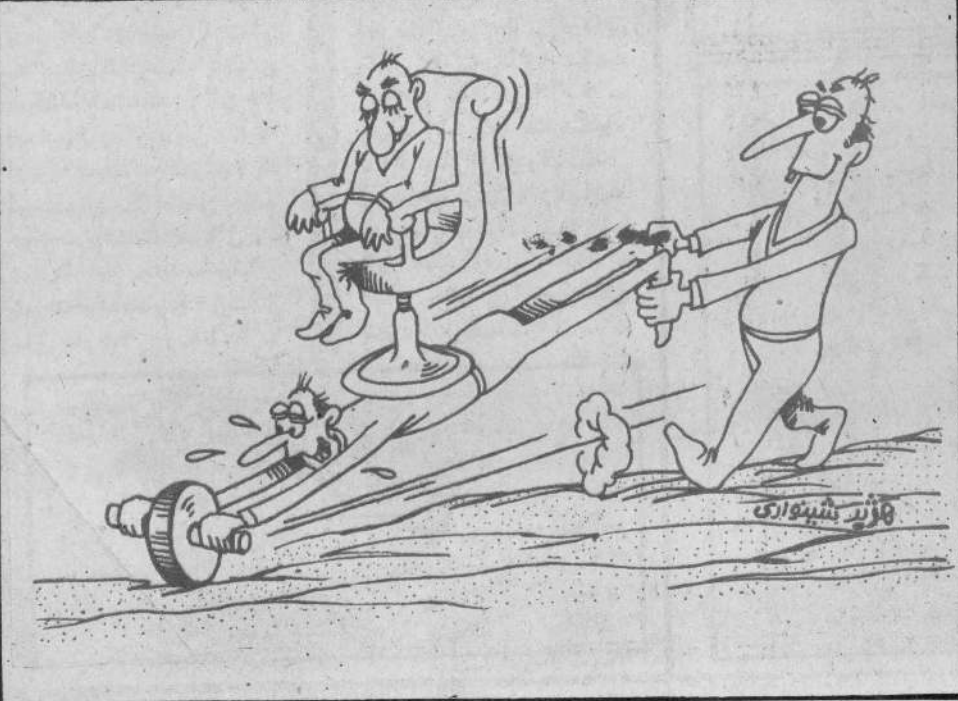
پورته کړې بود خواره کوتی ناروغ د شاپوستکی په لمنی پسر دې نیشی و اوله بیگانی خولسی سره یوهای ساه وړمنی وتلی وه . خو چنار کاکا توله پره د مرحوم په کورنی ورواچوله اود محناز ی بر سر بی وکل : دې خدای پخینله . ته ضرور د خولی په رخت کس د هر ستونخندې پورته شوې . دې اوسه هوا ورتوشلی ده د خولی په رخت کی سره هوا سړی شخون کوی اوزی بیس

# بی علامه شایخی

خینلو وروسته جوم شوی و . له هماغه وروسته به چی په نلسی کورکی خوک ناروغه شو ، کس چنار کاکا په ورته د خوله کیدلو سپارښتنه کوله . حتی کزدې چی د چا په لاس اوبینه هم وین شول ، نود چنار کاکا په لاسونه بی دوه اودرې پر ستی وړباندې اچولی . کم رخت بی ترخنگ کانه ی باندې توده تبه رانگی وه اوجنار کاکا د خیل کانونو پتوب د حق ادا کولو په خاطر کورته د پوښتنی له پاره ووفلس و . د کور ورو چنار کاکا د

ونه نیو . له لیس پناغلس د قهقرو وروسته ناروغ آرام شواو د پسر ستول له پامه درې تنه وړمنی لپورې شول . ناروغ توله شپه آرام و . اود دوه له آرامی سره لورې کورنه هم سباتر لمر خاته پورې آرام او پخنه خوب وکړ . کله بی چی سماز ناروغ ته در پورته کید و غز وکړ ، ناروغ معان ونه پوراوه ، بیای تفری پورې همداسی پریشود خو په خپله راو پین شې ، خو پهی کلمی لور ما سپینین پر ستی وړمنی

خو چی کله چنار کاکا مر نشو نوزه هغه رخت ماشوم چی لوړو کلیو الو پسره وکل : (اخوازه کوتی په خوله کس وړان شو . که نود بیسی له خوز و خوک نه دې مر شوی .)



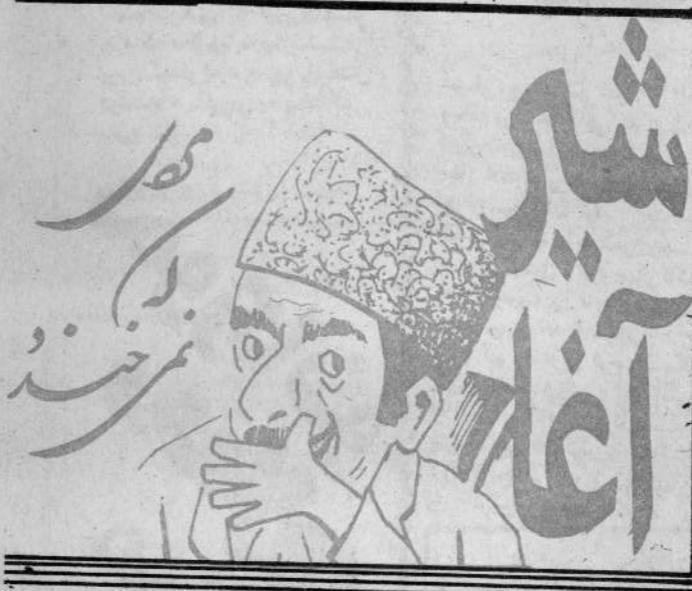
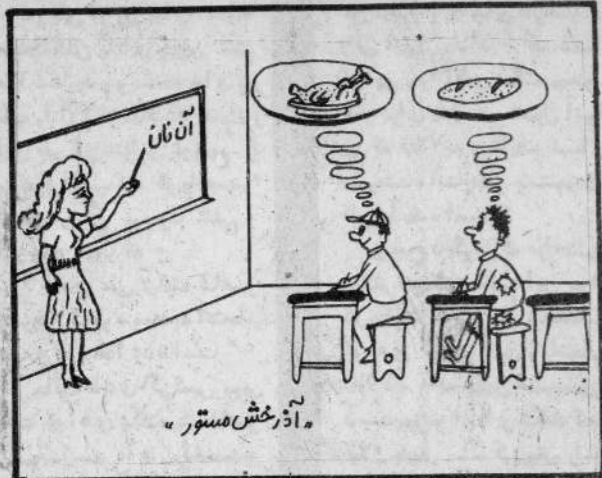
# رهنمای معاملات شیرآقا

شیر آقا مرد هزاره‌هاست با روزی برای زنده گی هزاریل وچال را یاد دارد. در این روز - های آخر، در پهلوی کارهای تجارتی اش مغازه رهنمای معاملات نیز ساخته است. - شیرآقا با ساختن رهنمای معاملات گوشه از مغازه اش را با گذاشتن یک سمت کسوج تزیین نموده و روز تمام روزجای سياه و شهرینی جوهر دارش پاراست. همان که میگویند "پتو برای غذا شال است". رهنمای معاملات بهترین منبع درآمد و ثروتمند شدن شده است. بخاطر آنکه فیصدی کمیشن معاملات او بالا برود عادتاً کرایه خانه و فروش اپارتمانها را خیلی بلند میبرد. هر روز که يك تا دو هزار سه کرایه خانه افزوده می شود. و پنج تا ده به قیمت اپارتمان مثلاً سال گذشته يك اپارتمان در اطاقه رامشده به دروازه هزار افغانی کرایه گرفت ولی حالا از برکت معاملات شهر آقا يك اپارتمان دو اطاقه سی و پنج هزار هم یافت نمیشود چال دیگر شهر آقا این بود که صاحبان پنج اطاقه هارا در وقت وزمان شان نام خدا در مقامات آب



# فرار دیووش

شخصی ارسطورا کبر آورده بود. آنقدر باوی حرف زد که عالم توانا را ناتوان ساخت. در آخر گفت: ای دانشمند! مگر از صحبت من اینقدر رحمت زده و به فکر فرورفته ای که؟ ارسطو گفت: نمبه خود حیران هستم که فکری کم در حالس که دو پا برای فرار داریم و چرا از تو فرار نمی کنم!



# چرا هیبت شیر آقا

روزی يك نرس با يك مریضی که تحت مراقبت وی قرار داشت در دلد میگرد. نرس رویه مریض کرده گفت: به همین زودی ها شما صحت یابید و خواهید شد و بعد از رفتن شما من در این جا چطور زنده گی کنم. مریض گفت: عزیزم هیچ تشو- نش ممکن من هرگز صحت یاب نخواهم شد. زیرا داکتر معالجم من و ترا در حال بودن دیده است. ار سالی عبدالصبور



# میتاورشای طیبی

- بعضی از انسانها در زمستان زنده گی روییده اند.
- بعضیها ساختن خود را پیشه دیگران هدیه کرده اند.
- هیچ عاشقی در یاد معشوقه غریب نخواهد ماند.
- سرمایه هردلی تگتنبهای اوست.
- زمان شریقی است که هر قطره آن طعمی دارد.
- عشقهای واقعی در رحال شکوفایی شوند.
- هیسران همسر در همدیگر زنده گی می کنند.
- بعضی از خلوتها جمعیت آفرین می شوند.
- اختیار برای کسی که توان انتخاب ندارد گذشته است.
- سکوت هزار بنده ابهام است.
- عاشق و معشوق هر چه از هم بنوشند تشنه ترند.
- عاقل غافل نمی شود.
- خنده های زهر لب باور عشوه های پنهانی است.
- در صحن خلوتی از نگاهها برنده هوس بال میزند.
- در خلوت خویش هر کس سلطان کشور خیال است.
- بعضی از مرگها يك عسر طول می کشند.
- بعضیها از آن چه دوست دارند فرار می کنند.
- مسولیت بهتر انسان است.
- انقلابیون هر برادر صحت ها گستاخ اند.
- گاهی خود خواهی چاه صاف کن خود کشی می شود.

# نقاشی

شخصی به دیدن دوست نقاشی خود رفت و نقاشی در حال صحبت گفت: دلم میخواهد اول این اتاق را خوب سفید کنم و روی همه دیوارها نقاشی کنم. دوستش که خیلی شخص حماس بود گفت: بهتر است که اول نقاشی کنی و بعدا دیوارها را سفید کنی. هم به آن اضافه کنی.

# یک پیر و یک کلاه

خاتمی برای خریدن کلاه مغازه کلاه فروشی رفت و کلاهی را انتخاب کرده و بمغازه دار گفت: کلاه من این کلاه را می پسندم اما پری را که بدان نصب کرده اید دوست ندارم. مغازه دار بعد از ادا لیختندی گفت: خانم وقتیکه این کلاه را با همین پریه سر میگذارید حد اقل ده سال جوانتر معلوم میشوید. خانم جواب داد: در وقتیکه چنین است لحناف یک پری دیگر هم به آن اضافه کنی.

در یکی از روزهای شنبه صبحگاهان بالای چوکی لم داده بودم و صفحه های روز نامه را از نظر میگذراندیم در این جریان عنوانی توجهم را به خود جلب کرد که واقعا از دیدن آن مبهور شدم و آن چنین بود که :

معروف اردو دست به اعتصاب نه خوردن غذا زده است . در حالت عادی اگر کسی می گفت که آقای شگفته یک شاعر معروف است ما دم را خنده می گرفت . یک آدمی را تصور کنید که - هم او در ادب - بیشتر از پنج یا شش شمر بی محتوا نباشد و او را شاعر مشهور بگویند . مجموع آنها - کسی که از شاعری چنین افترا دهد کف میگذرد از ده تا دوازده تجاوز نمیکرد . اینکه چی وقت و چگونه او از شهرت برخوردار شده بود ، برای من معمای اسرار آمیزی بود . به هر حال موضوعی که در لحظه کنونی مرا به شگفتی می آورد این بود که چی چیز آقای شگفته را - وادار ساخته تا به اعتصاب غذا دست بزند . شرح خبر مذکور چنین بود :

" آقای محمد علی شگفته ، شاعر معروف زبان اردو در - مقابل خانه صدراعظم - اعتصاب نه خوردن غذا دست زده است . او در مصاحبه می یازد خبرنگار را توضیح کرد که زمانی غذا نخواهد خورد که به همه جوانان هندوستان کار فراهم نگردد . او علاوه کرد که اگر اعتصاب به قیمت زنده گی او هم تمام شود ، به آن ادامه خواهد داد ."

متن کامل موضوع هنوز هم به تخیل آدمی می افزود . نخستین چیزی که باید به زودی معلوم میشد این بود که چگونگی شگفته نتیجه گیری کرد و دریافت که هر جوان هندوستانی می تواند بگریزد . سوال در اینجا - است که اگر همه کار دریافت میگردند باز سبزی فروش را

کی میکرد و یا سایر کارهای را کی انجام میداد . گذشته از این چرا آقای شگفته میخواستند برای همه به شمول آنها - بی که قبلا به وظایف شان مقرر شده اند در جستجوی کار برآمده است ؟

موضوع دیگری که مرا حسی بیشتر کنجگاو ساخت این بود که چگونه آدمی مثل شگفته که هیچ گاهی کاری را انجام نداد ، به چنین عملی دست میزند . آقای شگفته که قبلا چهار ساله گییش را - تکمیل کرده بود ، هیچ گاهی در زنده گی این کاری را انجام نداده بود . مردم میگفتند که او در سن هجده ساله گییش خانه اش را ترک گفت و در - چه متجوی کار برآمد . آنچه را در این زمان انجام داده بود کسی از آن خبر نداشت مگر یک چیز آشکار بود که او هیچ گاهی بعد از آنکه او را در کافی دیدم ، پشت کدام کاری نگشته بود و در عوض راه خوب زنده گی کردن را یافته بود . او کسانی را همراهی می کرد که تمایل به شعر و شاعری نوع او را داشتند که به این طریق ماهوار بیست - رویه را از همه بی هواداران - نش جمع آوری میکرد . البته با گذشت زمان جمع او - همین مبلغ به وظیفه کامل او مبدل شد . او از ضربان قلبش می دانست که اگر به کاری هم گماشته شود ، نمیتواند بیشتر از دو صد رویه را به دست آورد .

باری من برایش وظیفه می دادم و دریافت کردم ، مگر بعد از یک ماه کار به تقاعد سوقش دادند . دلش این بود که آنچه را میتواند از رفقایش جمع آوری کند چو تلافی اضافی برای به دست آوردن آن میگرد . به این ترتیب آرام آرام شیوه زنده گی او شکل دایمی را به خود گرفت . در هر ماه دو صد رویه را از دوستانش جمع آوری میکرد و علاوه بر آن اگر

کسی از او خوشش می آمد او را به سینما و یا نان شب نمیزد دعوت میکرد . گاهی هم بعضیها برایش یک جوره بوت و یا پتلون میخریدند . به این ترتیب آقای شگفته زنده گی آرام خود را ادا می میداد یگانه جهت نامناسب زنده گی او این بود که بعضا رفقای او را به سینما دعوت میکردند ؟ در - حالیکه او کسی میخواست و یا بعضا هم او را به نان شب دعوت میکردند . در حالیکه او به پتلون ضرورت داشت . شگفته هیچ گاهی در این مورد کدام احساس بدی ندا -

دست نخواهد زد . به هر حال علت موضوع باید دریابفت میگردید که چرا او به چنین کاری دست زده بود . در همین فکر بودم که ناخود آگاه با صدای بلند گفتم : " این خبر به کلی دروغ - است ."

خانم که برانروخته کسی یکبارگی ام را دیده بود و آنکه بداند در مورد کدام خبر حرف میزنم ، خاسر نشان - ساخت . در حالیکه قیمت خیر راست و دروغ یکسان است ، پس چرا روزنامه ها خبرهای دروغ را به چاپ میر -

شت و آن را از پیشرفتها پیش به حساب میگرد . بعضا - او حالت فلهوفانه بی اختیار میگرد و با خود میگفت : " آنچه را آدم آرزو دارد ، در زنده گی به دست آورده - نمیتواند . حتی اگر منبع عاید به دست خود آدم هم باشد زنده گی من بهتر از دیگران است . زیرا حد اقل در - خبرها ، روز نامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر

سازند ؟ من در مقابل او چیزی - گفتمی ندا شتم ، مگر ایمن مساله هم حقیقت داشت که روز نامه ها خبر های مجلسی را به چاپ میروانند . کسی در همین جا به پایان نمیرسد بعضا چنان حرفهایی بگوش میروند که از چاپ این نوع خبرها ، روز نامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر



سازند ؟ من در مقابل او چیزی - گفتمی ندا شتم ، مگر ایمن مساله هم حقیقت داشت که روز نامه ها خبر های مجلسی را به چاپ میروانند . کسی در همین جا به پایان نمیرسد بعضا چنان حرفهایی بگوش میروند که از چاپ این نوع خبرها ، روز نامه ها پول اضافی دریافت میدارند و بنا - امکانات آن وجود دارد که قصه مذکور دروغ محض باشد . به هر حال ، برای آنکه خانم خود را فهمانده باشم متن کامل خبر را برایش از سر

خواندم او به خاطر آورد که این همان شگفته است که چندین بار به مناسبت های مختلف در خانه ما نان مفت خورده است . من هم برایش گفتم که این همان شگفته است که جاکت پشمی مرا برای یک روز طلبی گرفته بود ، ولی آن را پس نداد و علقش را آمدن زمستان طاقت فرما وانمود کرد .

مگر حیف که آنچه به خانم گفتم تا نوری بالا پیش نکرد ؛ زیرا از گذشتن از صمیم قلب شگفته را به مثابه رهبر حقیقی خود پذیرفته بود . به نظر من

شگفته خوب نظر بینداز و واقعا آماده است که زنده گی اش را در راه دریافت کار برای هر جوان هندوستانی قربان کند . و باز هم خانم با گرمی شعار را سر داد که : " محمد علی شگفته ! زنده گی آنرا تکمیل کند من فریاد کشیدم : " زنده باد !"

در حالیکه حورت زده بودم دفعتا به خاطر آوردم که بهیچ وجه به یک آدم بیگانه زنده باد گفتم ام . به راستی که عقل احق بعد از وقوع حا -

" سکسنا " نیز مانند من از رفقای شگفته بود که برای پیشی بهست رویه میروادخت . آقای " سکسنا " در چای خانه جوار سون چای می نشستند از او پرسیدم : " چی میکنی ؟ " " من که با خانم بشاچره کر - ده می و در اینجا چای نوش جان میکنی ؟ " " من اینطور نیست . خا - نم در خانه نیست او رفقه تا مراتب احترام خود را به شگفته جان تقدیم دارد ."

دفعتا متوجه شدم که خبر آقای شگفته چقدر زود به اینجا رسیده است " سکسنا " نیز

# بزرگواران

نوشته : ولیپ سنگه  
مترجم : ذبیح الله اسماعیل

زیر خیمه پایش را بالای پای دیگر انداخته و در آن شیشه نرورفته بود . در اطرافش پلاکاردهایی نصب بود که بالای هر کدام شعاری نوشته شده بود .

" قافله ای که خواستهایم برآورده نشود از اعتصاب دست نمی کشیم ."

" ما حق خود را خواهیم گرفت " و غیره و غیره . در حدود بیست تا بیست و پنج زن در قطاری نو بست گرفته بودند تا چشمهایشان از دیدن این مرد بزرگ روشن شود . در لحظه ای که شگفته جان ما را دید از زنان خوا -

هش به عمل آورد تا او را بنگدازد . رند که برای بدنی استراحت کند .

تا که مابه نزدیکی او رسیدیم زنها محل را ترک گفتند و ما به ملات کردنش آغاز کردیم .

" باز به چی نورنگی دست زده ای ؟ تو در تمام زنده گی خود اقله یک کار را انجام نداده ای . مگر اکثرا برای دیگران کار میخواهی ! چنی فکر میکنی که صدراعظم کارها را در جیب خود نگاه داشته است . وقتیکه تو کار میخواهی او برایت میدهد ؟ کدام حزب برایت پول داده که به این کار دست میزنی ؟

برای شگفته مشکل بود ما را خاموش سازد و گفت : " رفقا برای من یک چانس بدهید لطفا گوش کنید که من چنی میگویم ."

من برایش گفتم که بگو چنی میکنی ؟ تا به حال نتوانسته ای که اقله یک پول را بدست آری ؟

یکی برایت نان میدهد یکی برایت لباس میخرد یکی هم تو را به سینما میبرد و دیگری مشروبات الکولی برایت تعام - رف میکند . صدقانه بگو که چرا از روی جعل دست به اعتصاب غذای زنده ای ؟"

بقیه در صفحه ۸۴

دش به سرش می آید . خانم نصحتش را ادامه داد که گفت : " امروز یک انسان دیگری راه مهماتاگاندی را تعقیب میکند . و زنده گی اش را به خاطر کشور قربان میسازد !"

مگر تا جاییکه من میدانستم کدام تشابهی بین مهماتاگاندی و آقای شگفته وجود ندا - شت اکنون که دانستم آقای شگفته در گذشته رفت و آمد های به خانه ما داشته تصمیم گرفتم تا خود را نزدش برسانم .

به این ترتیب راه ما به خانه آقای " سکسنا " رفت . آقای

هر زن آرزو دارد تا دست پیرری بگیرد و مریدش شود مردم خو ناحق نمیگویند که اگر پسر ، مریدان زن داشته باشد هیچ گاهی از غذای - خوب بی بهره نخواهد بود . خانم برایم گفت : " در - دنیا بعضی کسانی هستند که برای خود زنده گی میکنند ولی هستند کسانی که برای خوسی دیگران زنده گی خود را فدا میکنند . از طرف دیگر کسانی هم مانند تو وجود دارند .

پسرت در خانه بیکار نشسته مگر توبه خاطر دریافت کارها - پیش یک قدم هم از خانه بیرون نمیگذازی به افرادی مانند

مانند من کاملا گول خورده بود . او در حالیکه با من اندیشه اش را شریک میساخت گفت : " یا اینکه این شگفته که به اعتصاب غذای دست زده است شگفته مانیت و یا اینکه خبر دروغ است ."

من پیش نهاد کردم که : " چرا به تحقیق موضوع نهر دازیم !"

بلاخره با استفاده از موتور سیکل " سکسنا " هر دو با هم یکجا پیش روی خانه صدراعظم رفتیم و دیدیم که همان شگفته ما نشسته است . او تنش را با روحایی پوشانیده و در



# دستان مقناطیسی

دخترکی را نشان میدادند که قدرت آنرا داشت تا با حرکات دست خود (بدون تماس بر آنها) اجسام فلزی را به حرکت آورد و تصمم گرفت تا این تجربه را با لای اعضای فاسیل خود انجام دهد. با تعجب زیاد متوجه شد که اجسام فلزی در قدرت همبسی مختلف اعضای بدن مارتای پنج ساله جذب می گردید. این تا "تورنیمیتا" ضعیف در وجود پسر چهار ساله آنها نیز دیده شد.

در یکی دو دخترک متعلق صنف چهارم مکتب (تینا چانتوریا) از جمعی از پسران گرجستان، بعد از تماشای همچو پروگرام تلویزیونی خواست تا مطلب را با لای خود تجربه نماید. با کمال تعجب وی متوجه شد که قاشق، کاره و غیره اجسام فلزی بدستش وی جذب می گردید. بعد از نوبت آنورسید، آنرا نیز با قدرت خارق العاده جذب کرد. مادر دخترک میگوید که او بدین هیچگاه متوجه کدام استعداد فوق العاده دخترشان نشده بودند.

نویسنده کتاب (عجایب حیرت انگیز) چنین اظهار می کند: عجایب مورد قبول همگان وجود دارد اما توضیح قابل فهم همگان وجود ندارد. این اظهار نظر کاملاً به زندگی فعلی ما مطابقت دارد در حال حاضر در اکثران روان شناس در جهان مابانداری های مختلف تلویزیونی را در پی می و غیره همه را به تعجب می اندازد دخترک پنج ساله "مارتا ماروتا" اسکوتی در دهکده شورس و کرائین اتحاد شوروی توانایی این را دارد که با تماس دست خود درد سرد خود را رفع کند. ممکن است درباره ایوان کرده که هر طفل میتواند که با مالش (مان) درد سر کسی را آرام سازد فاسیل این طفل مطلب فوق را تا دیروزت. بلکه طلب تصادفی فکری گردید بعد از متوجه شدند که با تماس دست دخترک در زندان نیز آرزو بر می آید. و بعد از تماشای و صحبت با وی به جانب مقابل احساس خوشی و مسرت دست میدهند. یک روز تصادفاً بدین فامیل که متوجه تماشای پروگرام تلویزیون بود در پروگرام



# رژیم غذایی را دور سازید

از ازدواج فاسیلی نمی باشد. از این بجهانها میتوان بستند و این و بستند نیز اشاره کرد.

برداشتن از مطالب که در پاسخ به سوال قبل فرمودید، این است که از مایشات گروهی برای تشخیص بیماری های گروهی است و در ازدواجهای فاسیلی هما نگران ابتلای فرزند به بیماری های ژنتی است و از بیماری های گروهی را در این مورد به شما هشدار می کند. اما در پسر نامه های تلویزیونی توصیه شده است که مردم قبل از ازدواج خود به باورند و بررسی گروهی شوند و سپس به نامی که اغلب مراکز مشاوره ژنتیک نیز برای مشاوره های قبل از ازدواج فامیلی آریا-پسری گروهی توصیه می کنند. آیا به نظر شما این کار صحیح است؟

خبر اصلاح صحیح نیست. همانطور که قبلاً گفتم و شما نیز آن را به درستی با این سوال مطرح کردید، ازدواج فامیلی است. نس ابتلای فرزندان حاصل را به بیماری های تک ژنی مغلوب افزایش می دهد و بیماری های مغلوب تنها در افراد سالم ناقل آنهاست. مثلاً زوجینی که برای مشاوره قبل از ازدواج یا قبل از حاملگی به مشاور ژنتیک مراجعه می کنند، بلکه حتی در افراد مبتلا به بیماری های ژنی نیز با بررسی گروهی تشخیص نمی شود. لذا بررسی گروهی نه تنها در این موارد قدرت تشخیص نداد، بلکه با دادن اطمینان کاذب به بچه در صحنه (۲۸)

# اسباب بیماری های ژنتیکی



اقتباس از مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران

آیا این نظر درست است که ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر عموی با پسر عموی به بیماری های ژنتیکی، بیشتر از خطر در ازدواج های فامیلی دیگر است؟

زن به وجود می آیند و به چهار گروه تقسیم می گردند:

الف - بیماری های اتوزومال غالب.  
ب - بیماری های اتوزومال مغلوب.  
ج - بیماری های متصل به X غالب.  
د - بیماری های متصل به X مغلوب.

از میان این گروهها مجموع بیماری های اتوزومال مغلوب کاملاً متاهل از ازدواجهای فامیلی است و والدین مبتلای معمولاً سالم و ولی حامل ژن بیمار برای نطفه و مغلوب می باشند. به همین دلیل مهم ترین نگرانی مشاور ژنتیک در ازدواج های فامیلی فامیلی فرزندان حاصل از اینگونه ازدواجها بیماری های اتوزومال مغلوب است. مانند برخی از مغلوب لبتی های ذهنی و جسمی و ناهنجاری.

۲- بیماری های چند ژنی: این بیماری ها تحت کنترل چندین ژن قرار دارند و ابتلای افراد به آنها نه تنها از وضعیت ژنتیکی آنهاست مبل به مقدار قابل ملاحظه ای متاهل نیز از عوامل محیطی نیز می باشد و به همین دلیل بهتر از دیگر انواع بیماری های ژنتیکی قابل پیشگیری می باشد. مانند برخی از معلولیت های ذهنی ضعیف.

۳- بیماری ها و ناهنجاری های کروموزومی: این بیماری ها بر اثر تغییر در تعداد و یا ساختمان کروموزومها به وجود می آیند و نسبت به موارد فوق به ندرت تشخیص داده می شود. از بیماری های ژنتیکی را در بیماری های تک ژنی است که در این موارد قدرت تشخیص نداد، بلکه با دادن اطمینان کاذب به بچه در صحنه (۲۸)

بهترین راه برای پیشگیری از تولد کودکان با نقایس ژنتیکی و آگاهی والدین و نسل جوان از چگونگی بروز این نقصها و انجام مشاوره ها و اقدامات لازم قبل از تشکیل چنین و حتی قبل از ازدواج می باشد.

خوشبختانه اخیراً اطلاعات مردم در این زمینه تا حدی افزایش یافته است و ملی متاسفانه اعلام یک سری اطلاعات نادرست در بعضی از رسانه های گروهی از سوی افراد غیر متخصص و موجب ایجاد وحشت کاذب در میان مردم شده است و همین امر منجر به هجوم بی سبب خانوادها به مراکز محدود ژنتیک کشوریان شده است. لذا بر آن هستیم تا تعدادی از سوالاتی را که اغلب از سوی مردم مطرح می شود و متاسفانه پاسخهای نادرست و ناقص به این پرسشها داده شده است و با یکی از متخصصان ژنتیک کشوریان مطرح سازیم تا این شبهات و ابهام های بی مورد از ذهنان عمومی پاک گردد و جوانان بتوانند در مورد تشکیل خانواده به راحتی تصمیم گیری کنند.

مجله زن روز چاپ جمهوری اسلامی ایران این مساله را با یک دوگانه تخصصی مطرح نموده که در زمینه توصیه شما راه پاسخ های دوگانه نورسیدها می شود جلب می نماید. ضمن تشکر از اینکه قدرت ما را برای پاسخگویی به سوالات مردم در زمینه مسائل

مربوط به ژنتیک پذیرفته و خواهش می کنم به عنوان اولین سوال توضیح مختصری در مورد انواع بیماری های ژنتیکی و نقش ازدواجهای فامیلی در آنها بفرمایند.

بیماری های ژنتیکی شامل بیماری های اتوزومال مغلوب است که به طور کامل پایه در جاتی است که در موارد ژنتیکی به وجود می آیند. بیماری های ژنتیکی را می توان به سه دسته بزرگ تقسیم نمود:

۱- بیماری های تک ژنی: این بیماری ها هزاران نژاد و هر کدام تحت کنترل یک

# زنده گی در مکروریا

وحیده از مکروریا می نویسد:

زنده گی در اپارتان های مکروریا ها تقریباً زنده گی مدرن است و از چندین سال بدینسو مردم ما عادت کردندند چس گو نه درین اپارتان ها زیست نمایند اما گاهی عده از ساکنین آن بی مسولانه و بی توجه به این که در منزل پایین همسایه دیگری سکونت دارند کتا فت منازل شان را به پایین مهر میزند و آنها آنان گاهی به این اندیشیده اند که زنده گی در اپارتان مکروریا چنن نیست یا این که تا هنوز ندانسته اند چس گو نه خود را به چنن زندگی عیار سازند در هر صورت از مسولین مجله سبارون میخواهم گزارش جالبی از پرابلم های ساکنین این محل تهیه نمایند

اپارتان ها و دکان های زنده گی زینت یافته و تقریباً محل اساسی ترین فروش اجناس و سر لوجه داکتران و پرو نیرسان و سایر فروشنده گان همه سر لوجه های درشت لایراتوارهای شخصی نیز به چشم میخورند

لایراتوارها یکی همچو گاهی نمیتوانند نتیجه دست داشته خود را به طور دقیق برای مرضی بی بضاعت دهند و آنها وزارت صحت عامه ازین دست مسوولین لایراتوارها آگاهی دارند که با اخذ بلندترین اجرت از مرضی و آن هم نتیجه بالمعکس را کف دست مرضی میکند این خواش میکم مسولین این سطور را بخوانند و یک بار اگر هم شود سری به این لایراتوارها بزنند و ببینند که این ها سند چنن کار را در دست دارند ؟

تالوه معلم لیسه امته فدوی وزارت تعلیم و تربیه در کنگره اول مصلحان که سال پارس تدویر یافت تصاصی منی بسر محلی برای بود و باش زنده گی مصلحان اتخاذ کردند و حتی نام این محل را دهکده محلین نامیدند ولی دو سال از آن کنگره و سرو صدا میگذرد تا امروز از هیچ دهکده خبری نیست و نمیدانم آیا این هم مانند نوشتن روی پنجه و گذاشتن روی آفتاب سوزان بودها خبر ؟

لایراتوار شخصی یعنی چه ؟

جواد از کارته ۴ کابل

در صومر - سرك جاده میونسد



از دهکده خبری  
بیت

میزان افزایش احتمال ابتلای کودکان حاصل از یک ازدواج فامیلی به یک بیماری ژنتیکی اتوزومال مغلوب نسبت به یک بیماری غیر فامیلی به عوامل متفاوتی مانند نسبت میزان خویشاوندی زوجین و سابقه آن بیماری در اقوام زوجین و شیوع آن بیماری در جامعه بستگی دارد و فامیلی توان گفت که ازدواج فامیلی نسبت به ازدواج غیر فامیلی احتمال و در صد ابتلای فرزندان حاصلی را به بیماریهای ژنی اتوزومال مغلوب چند برابر افزایش می دهد و بنابراین بطور کلی احتمال ابتلای فرزند یک زوج خویشاوند نزدیک به بیماریهای ژنتیکی در حدود ۵ درصد است

در یکی دیگر از برنامه های تلویزیونی یکی از متخصصین گفته است که خطر و شدت ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج دختر کاکا - پسر کاکا به بیماریهای ژنتیکی بیشتر از خطر ازدواج و شدت ابتلای فرزندان حاصل از ازدواج ها بعد دخترخاله و پسرخاله است و ممکن است در این مورد نیز نظراتان را بفرمایید

اصلاً چه نین نیست و بطور کلی تا به امروز ازدواجهای فامیلی، دختر کاکا - پسر کاکا دختر خاله - پسر خاله و دختر عمه - پسر ماما و دختر ماما - پسر عمه بر افزایش شیوع بیماریهای اتوزومال مغلوب بر اوست و این اعتقاد که تا شرفی ازدواج دختر کاکا و پسر کاکا بیشتر از تا شرفی دختر خاله و پسر خاله است و ممکن است تا شرفی

یکی از دکتوران گفته اند که ۹۰ درصد فرزندان حاصل از ازدواجهای خویشاوندی نزدیک دچار نقص ژنتیکی می شوند و در برنامه های دیگر یک دکتر دیگر گفته است که ۱۰۰ درصد فرزندان ناشی از ازدواجهای خویشاوندی دیر یا زود به نوعی نقص ژنتیکی مبتلا خواهند شد و نظر شما در مورد این در صدها و ایمنی او راقم چیست ؟

این ارقام اصلاً درست نیست و آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک طبی کافی است که نادرمستی این ارقام بی برد و البته شاید نیازی هم به آشنایی با مبانی و اصول ژنتیک نباشد بلکه تنها توجه به فرزندان اقوام و آشنایان که ازدواج خویشاوندی نزدیک کرده اند کافی است که بی هیچم اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشاوندی سالم می باشند البته برود داد - نستن ارقام فوق و ذکر این واقعیت که اغلب افراد حاصل از ازدواجهای خویشاوندی مبتلا به بیماریهای ژنتیکی نیستند نباید ما را از این واقعیتها قائل کند که اولاً ازدواج خویشاوندی شانس ابتلای فرزندان حاصل را به بیماریهای اتوزومال مغلوب چندین برابر می کند و ثانیاً اغلب مبتلایان به بیماریهای ژنتیکی اتوزومال مغلوب حاصل از ازدواجهای خویشاوندی می باشند

اسباب بیماریهای ۱۰۰  
مجموعه از صفحه (۱۷)

دختر و پسر خویشاوندی که شاید در خواب این اطمنان کاذب با یکدیگر ازدواج نمیکردند موجب تبسم آنها به ازدواج با یکدیگر می شود چون در موارد معدودی از اینگونه ازدواجها ممکن است فرزندان معلول به وجود آید لذا بررسی گروهی ژنوسی را نباید در مواردی که افراد نگران بیماریهای غیر کروموزومی مثلاً بیماریهای تک ژنی هستند به کار گرفت

در موارد زیادی جوانان در واکنش به مطالبی که رادیو و یا تلویزیون در مورد مشوره ژنتیک و آزمایش کروموزوم قبل از ازدواج فامیلی توصیه کرده است به مراکز ژنتیک مراجعه می کنند و فقط به دلیل فوق تقاضای آزمایش کروموزوم می کنند در این موارد مشاورین ژنتیک می بایست طبق علم خود عمل کنند و به خاطر بی اطلاعی یا دلخوشی مردم اندام به بررسی کروموزوم آنها نکنند زیرا این اقدام علاوه بر تحمیل هزینه های کلان بی مورد به خانواده ها موجب اطمنان کاذب آنها به سلامت فرزندانشان خواهد شد و نوشتن در مراکز ژنتیک را طولانی تر می کند

در یکی دیگر از برنامه های تلویزیون

# مباحث شهر

## را توسعه دهید

# سیا وون گون

خود را از دست ندهید  
و این مسوولین با تشکر قیمت  
بجای خواننده خود را واقعی  
سازند.

## قیام های سفید

### را معرفی کنید

خفته هاشمی و کیهانطایی از  
وزارت معارف و اوقاف  
از مدت نسبت که مجله کمتر  
مطالبی زیر عنوان "فرهنگ گناه"  
های طبعی که خوب خواننده  
در کشورها بیشتر یافت می شود  
به نشر می رساند و با فایده هم  
هیچ نشر نمی کند بلکه "ز"  
قران بهایز راه صواب بسیار  
آموزنده و طرف توجه است  
آرزو دارم ادا به بیاید.

خبر محمد از نظارت و کنترل  
پستی وزارت معارف و اوقاف  
من علاقه زیاد به اشعار  
دارم و نظیر این است که  
اشعار کلاسیک صفحه جداگانه  
و اشعار نهای یا نوبه صفحه  
جداگانه اقبال چاپ باید تا  
در بخش صفحه مشخص خود را  
داشته باشد در هر صورت  
فعلات تنها قیمت مجله قابل  
بحث است که خواننده گان مجله  
به طور عام و مخصوصاً  
معلمان و کارمندان دولت  
استند. بلند رفتن قیمت مجله  
مانند نرخ مواد اولیه دلچسپی

— صفحه زیر عنوان "بزرگانی"  
دانشندان و شخصیت های  
برجسته کشور و حادثات زندگی  
کسی شان ایجاد شود و ماه  
نامه سیا وون در آینده به یک  
سالنامه تبدیل شود تاخیراً—  
نواده ها بتوانند از یک بار  
خوانشگر را خواننده دائمی  
آن شوند.

### قیمت مجله قابل بحث است

عبد الحمید نبی زاده مسوول  
شعبه جوانان کتابخانه عامه  
— تناسب حافظ مجله به  
صورت دقیق و منظم در نظر  
گرفته شود.  
— به سلسله نشر گفت و شنود  
های هنر تئاتر، موسیقی و  
شطرنج گفت و شنودی نهی  
در مورد نقاشی و خطاطی و  
مناسبتی با پیش گامان این  
رشته ها تهیه گردد.  
— از آن جای که آگاهی دارم  
تعداد زیاد خواننده گان  
شماره اول سال اول سیا وون  
را ندارند امید شماره اول  
تجدید چاپ شود.

بقیه از صفحه (۳۹)

بها لزا که می گفت (بالزاک ترکیب فرشته و شیطان است صفات  
مردانگی دارد. ولی اخلاقش به حدی است که نمی توان  
لحظه بمقابل آن تحمل کرد او ایجاد گر بزرگ و هنرمند بی مثال  
است. ولی بی مبالاتی اش به هنرش لحظه مزیند من هم عاشق  
او می شامم و هم دشمن او. لحظه می باشد که میخواهم او را در قلب  
خود جای دهم و موقعی برسد که اگر تصاب او را بندازند جدا  
کند من از تسلیخ اولادت خواهم برد (۱۰)  
خانم روز سانه که مانند مهتاب شب چارده برد امن پاریس می برد  
خشیده با پیوسته شدن او مانند فانوسیک در اخوی شب رویه خاموشی  
می رود آهسته آهسته آرام می صدا می خورد بد (۱۰)  
دهه ششم قرن نوزدهم مصادف با روزهای پیری این خانم  
که روزی غمزه را پیش در پاریس ولوله می انداخت مصادف بود  
از آنسوی کرانه های اوقیانوس آوازه های دموکراسی امریکا  
می رسید از ابراهام لیکن قصه می شناسید و از ناز  
و نوازش نویسنده کتاب (کلیه صورت) که رئیس  
جمهور موقع مراسم سوگند ریاست جمهوری در جلوی انجمن  
گذاشته گرفته بود که به ستم های که درین کتاب درج است خاتمه  
خواهد داد. روز سانه را تحریک می کرد تا باقی زندگی خود را  
در آن دنیا بگذراند (امریکا) به سرساند. ولی در پاریس  
او را جان زنجیر می کرده بود تا این آرزوی سرور  
او روزهای پاریس را در سر سفیدی با چشمان پسر  
اشک تماشا کرد. او پیری های پاریس را افشاد از خون جوانان  
به چشم سرد به و این آتشگر بیت شکن روزی که سگرت برگ پسر  
لب می گذاشت چشم از جهان پویند و آن سگرت به منم فرانسه  
انتقال یافت.  
سال مرگ این هنر آفرین ۱۸۷۶ بود و نویسنده پسر  
الیزابت بارت پرونگ در وصفش گفته  
( نخستین زن ناپخته همه ساله و همه قرون و اعمار )

# بها لزا که می گفت

از این تصور اشتباه باشد که مردان زنیهای  
اتو زویال بیشتر یا موثرتری از زنان دارند  
با توجه به مطالب فوق همین سوال پیش  
می آید که چرا از یک رمانت به هم میوسی  
یعنی تلویز بین چنین اطلاعات نادرستی  
به مردم داده می شود؟ و ثمر این پند  
آموزهها چیست؟  
— قسمت اول این سوال را مسوولین تلویز  
بین و دیگران می توانند پاسخ دهند اما  
در مورد قسمت دوم این سوال یعنی نشر  
این پند آموزها همین نقطه به چند مورد که  
مشخصاً زیاد با آنها برخورد کرده ام  
اشاره می کنم.  
۱- نگرانی اضطراب و وحشت زبانی در  
زوجهین خوب خواننده حتی در آنهایی که  
با رای چندین نوزند سالم و با هوای  
هستند و دیگر قصد تولد مثل ندارند  
پیش می آید.  
۲- بعضی افراد اقدام به جدا شدن از  
همسر خود نموده زیرا تصور می کنند مسا  
بهانه می آورند که نوزندان آنها در این  
ازدواج به احتمال ۶۰ درصد با حسی  
۱۰۰ درصد ناقص خواهد شد.  
۳- بعضی خانها اقدام به سقط جنین  
های خود می نمایند زیرا تصور می کنند  
چون با شوهر شان خوب خواننده نزدیک  
هستند همچون آنها حتماً ناقص و معلول  
است.

# ماترنا

## درباره سر نوشت و سرگ

میگویند همانطوریکه ماما شوخک در نوشتن مطالب طنز و تکانی مدین و عصری استعداد خاصی دارد به همان اندازه دپوسه شناسی هم دارای معلومات گاه فی میفاید . بنابراین درین شماره در مورد بوسه که بازاریابی گرم است سوالات خود را ترتیب نموده و از ماما شوخک خواهش کردیم تا سوالات ما را جواب بگویند .

این مساو این ماما شوخک شوخی انهن تان .

س : بوسه چیست ؟ چه وقت و در کجا اختراع شد ؟

اولین بوسه در کجا و توسط کدام شخص صورت گرفت و - پیامت اولیه بوسه چی بود ؟

ج : گرچه دانشندان و پژوهشگران بوسه شناسی در مورد بوسه تعریف های مختلفی نیوده اند که در تعریف نظر به وضع جغرافیایی و شرایط فرهنگ و کلتور هر جامعه فرق میکند اما جامع ترین تعریف بوسه که دیوان شعرا آن را هم تایید میکنند چنین است :



اول روزی سوسه سینه  
زبان را راج سینه

اما " اوید " نویسنده مصر - وف روم باستان درباره اختراع بوسه داستان جالبی دارد که خلاصه آن ذیلا تقدیم میشود .

" در شهر روم باستان سرد پهنه دوزی بود که زن زیبا سوسه داشت مگر زن او اخلاق خوش نداشت و همیشه شوهرش را با زخم زبان هر حرفی و انتقادات نابجا بی جهت سرزنش میکرد . یک شب که پهنه دوز از زخم زبان زنش به ستوه آمد باختم فراوان از جایش برخاست دستهایش را محکم گرفت و لبهایش روی لبانش گذاشت تا دهانش را ببندد . اما نسل گهان زنیش عیوش شد و با کمال حسرت دید که خشمش بکلی از بین رفت .

رتبیکه مرد لبهاش را از زبان زنش برداشت حیرتش چندین برابر شد اخلاق زنش بکلی عوض شد . زن لجاج و پرخاش گسر نبود بلکه به یک زن محسوب و کم حرف و مهربان تغییر کرد . زن با ملامت و مهربانی از شوهرش التماس میکرد که تماس لبهایش را تکرار کند .

بدینوسیله اولین بار بوسه به وجود آمد .

از آن پس مرد پهنه دوز و زنی خود را از خوشبخت ترین زن و مرد دنیا احساس میکردند .

اما این خوشبختی طولی نکشید . پهنه دوز بجز این اختراع به دادگاه کشیده شد و سر انجام بحکم قاضی دادگاه به سیه حال انداخته شد . او هم مانند دیگر مخترعین و مبتکرین به ذلت و فقر و بدبختی جان سپرد .

س : بوسه در کشور ما چه وقت بوجود آمد و اولتر کدام طبقه از آن پیروی کردند ؟

ج : بوسه در کشور ما سابقه طولانی دارد اما نه به این مورد امروزی .

مثلا - دست بوسی پدر و مادر و دیگر بزرگان و استادان نمونه باوری از احترام به بزرگان محسوب شده و بوسیدن روی کودکان در ردیف شفقت به کودکان به شمار می آید که از جایب اخلاق حسنه اسلامی مردم ما یاد میشود اما رهیوسی مروج فعلی با آن متفاوت است .

پیدا کرد .

اولتر روی بوسی یکدیگر بین زنان رایج شد ، و بعد بین جوانان و نوجوانان . سناریوی شیوع بوسه مت مگر با ایجاد تلویزیون و نمایش فیلمهای غریبی این مرض در بین کهن سالان شهری هم سرایت کرد اما اطرافیان بوسه سیدن روی یکدیگر را عمل مخصوص زنانی می بینند .

## گذشت بوسه پاسخ میدهد



ج : هدف آنها از بوسه جلب توجه جوانان است که طرز بوسه مخصوصا " بوسه های غریبی را درک نکرده اند به عقیده بعضی دکتران طب در هر بوسه لب از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ میکروب از یک وجود بوجود دیگر انتقال پذیر است . هرگاه آنها ضرر بوسه را نمیبینند تمام بوسه را در قلم نظرها اندک است .

بوسی آمدن این سه نوع بوسه از وظیفه چاپلوسان محسوب میگردد .

س : بوسه از نظر شما یعنی چه ؟

ج : در برابر کودکان ابراز شفقت و در برابر جوانان ابراز محبت ، در برابر پسران ابراز احترام میباشد .

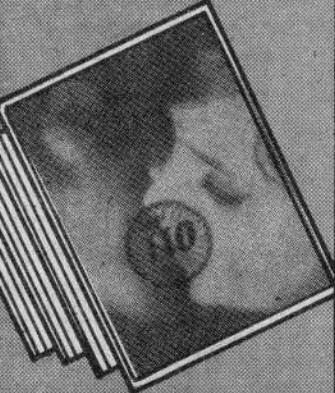
س : برای آن عده از ظم سازان که صحنه های فلم را مطالعه میکنند بوسه میسازند توصیه شما چیست ؟

س : اگر بوسه نیل بود دخترترها و زن ها چی میکردند ؟

ج : در انصورت بمنظور تبارز - صحبت یک دیگر را به چند کلمه بیست دندان گزیدن نوازش میکردند .

س : چه کم که کس ما را بوسد اما مجاز میدانند که در صورت خود پیوسته لطف ما را بوسید ؟

ج : ترک عادت موجب مضر است کسی که به بوسیدن تان عادت کرده باشد محالست که آنرا ترک کند حتی به نوشتن لوحه هم .



بوسه ای که در دست است  
بوسه ای که در لب است  
بوسه ای که در دل است

س : بوسه ها تصور میکنند که بوسیدن روی رئیس مو " مسه چاپلوسی محسوب میگردد نظر شما چیست ؟

ج : به عقیده من بوسیدن روی رئیس به هیچ صورت چاپلوسی نیست زیرا در کتاب چهاربوسه لغزایب ما ماموشک دست بوسی - پای بوسی - چای -

هد و میروند و علت انتقال میکروب آن بوسه های چسبیده لب به لب آنهاست برای مدت طولانی میباشد که در غرب مروج است .

در کشور ما بوسه هم تنها بقی بوده فقط گونه ها چند با آنها هم تماس میکنند که بعضی مردم بنام بوسه های زنانه ای یاد میشود به آنها هم توصیه است من به خواهر زاده های عزیز اینست که توصیه ماما می عزیز شان را در حافظه مناسبت سنجاق نمایند .

۱- اطفال را بوسید که بر علاوه انتقال مرض با اصطلاح " گنده بغل " او به بوسه دادن عادت میکند .

۲- جوانان را بوسید که طراوت و رخسارشان از این مسرود روی شان لکه پیدا میکند .

۳- اگر محل داشته باشید تا بتوانید کهن سالان را بوسید اگر مرض ایدس هم داشته باشید در صورت - فریب آنها کمک میکند .

س : بعضی ها تصور میکنند که بوسیدن روی رئیس مو " مسه چاپلوسی محسوب میگردد نظر شما چیست ؟

ج : به عقیده من بوسیدن روی رئیس به هیچ صورت چاپلوسی نیست زیرا در کتاب چهاربوسه لغزایب ما ماموشک دست بوسی - پای بوسی - چای -

س : در بین روز ها چرا با زار بوسه گرم است با هر کس صافحه کنی رویشان را برای بوسیدن پیش میکنند ، ولو عرق آلود هم باشد ؟

ج : چون تابستان است از بوی گرم نه تنها بازار بوسه بلکه بازار احتکار ، تقلب اختلاس و تزویر و تظاهر سر رشتت و کسمه بری همه چیز گرم است .

چون بوسه اقسام مختلف دارد از قبیل بوسه بی صدا - بوسه صد ادا - بوسه تعفند ان بوسه تسم داره - بوسه ناز داره - بوسه ست و پتامن داره - بوسه سیا - سی و بوسه های بوسه دزدی .

بنابراین بوسه ای که از روی - عرق آلود گرفته میشود بوسه تعفند دار میکنند .

س : میکنند یکی از عوامل صراحت مرض ایدس از طریق بوسیدن مسر است یا به خواهر زاده های خود چه گفتنی دارند ؟

ج : اگرچه خودم با مرض ایدس کدام پیوند و قرابت و خویشاوندی ندارم ولی بعضی دکتران ران طب که بان آشنایی دارند چنین میکنند . ولی تا جاییکه من معلومات دارم مرض ایدس مرض سرمایه دار نیست که بیشتر در - کشورهای سرمایه داری پشما -



### طرز تهیه :

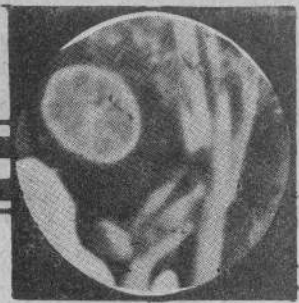
لوبیا را جوش داده و از مابین تهر کنید و پیاز را پخته ریزه کرده و سرخ نمایید یک قاشق آرد بالای پیاز انداخته شور دهید تا خوب بظلمت شود و مدت پنج دقیقه گذاشته تا پنخته شود بالای این مواد لوبیا ها هتخم ه دو قاشق آرد هتک و مچ سیاه هم به آن اضافه کنید و آن را خوب مخلوط نماید .

از مواد آماده شده به انداز سه کلچه های خورد گرفته در بین نان قاق میده شده الوده کنید بعد در روغن آن را سرخ نموده و بعد از آن که آماده شد با سالاد نوش جان نمایید .

## پکوره لوبیا



مواد لازم : روغن ، سرخ پیاز ، تخم ، آرد ترمیده ، نمک ، مچ سیاه ، نان قاق میده شده و لوبیا .



# غذای تخم کوزه و مفید داشته باشید برای خود

## دلمه بادنجان سیاه

طرز تهیه :

گوشت ه پیاز ه دو دانه مچ تازه ه نیم پاد نجان روس را از ماشین بکشید ه مغز پاد نجان هارا خالی نموده پاک بشویید و علیحده بگذا رید . کوفته و مواد مخلوط شده آن را روی آتش ربا منقل بگذا رید تا آب خود را خشک کند پرنج را چند ساعت قبل ترس کرد ه با گوشت مخلوط نموده بگذا رید تا با گوشت بجوشد تا این که به سر روغن آید بعد با قاشق خورد در بین پادنجان ها

۱- دو پاد گوشت سرخی .  
۲- ده دانه پادنجان سیاه .  
۳- سه پاد پادنجان روس .  
۴- نیم خورد پرنج پاد نجان .  
۵- یک قاشق نانخوری مچ سیاه .  
۶- پنج دانه مچ تازه .  
۷- شش دانه سر .  
۸- نیم پاد روغن .  
۹- نمک چیده کی یک گلاس .  
۱۰- نمک به قدر ضرورت .  
۱۱- دو دانه پیاز کلان .



## ملت

شما میتوانید خودتان در منزلتان ماست سالم و صحتی و ارزان تهیه کنید . یک لیتر شیر را روی حرارت ملایم قرار بدهید تا جوش بیاید ولی نگذارید کف کند . ظرف را از روی حرارت بردارید و بگذارید تا درجه حرارت به ۱۰۵ تا ۱۱۰ درجه فارنهایت برسد . درین درجه یک قطره شهر را روی قسمت مچ دست بچکانید تا از مناسب بودن آن برای مایه کردن مطمئن شوید و یا اینکه انگشت کوچکتانرا داخل ظرف شیر فرو برید و تله ده بشمارید در صورتیکه سوزان نباشد آماده است . سپس دو قاشق غذا خوری ماست تازه به شیر اضافه کنید . آنگاه ظرف را بگذارید و حداقل برای پنج تا ده دقیقه آنرا از جای بترکانند هید . بعد از آنرا با پارچه بی بسوزانید تا ماست کاملاً بیند . بعد از حد اقل ۱۲ ساعت ظرف ماست را در محل سرد بگذارید تا آماده خوردن شود .

## گشنیز صرف کنید اما

انواع بیابانی و خود رو و نوع پر و رشن یافته دارد . گشنیز نوع برگه دارد یکس در طول ساقه که منقسم به رشته های یک است و دیگری در قاعده که منقسم به قطعاتی یا بریدگی های کم عمق میباشد ه گل های آن کوچک و چتری مانند به رنگ های سفید یا صورتی است چتر های فیض آن را زاید در پایه خود میباشد ه ولی چتر اصلی چنین زاید ندارد . شهره آن که به غلط آن را تخم گشنیز میگویند کرد بوده و درای دو خانه و دارای دو حبه به هم متصل میباشد . گشنیز دارای ۲/۵ در صد آب ۱۲ درصد پروتئین ۸۴

اگر از بوی بد دهان رنج میبرید از گشنیز استفاده کنید . یکی از سبزی های مفید که در تابستان و هم در زمستان بسیار یافت میشود که مصرف غذایی و هم مصرف درای دارد گشنیز است ه که مورد توجه دانشمندان قدیم بوده و برای امراض قلبی توصیه میشد ه تا با غذای خود کمی گشنیز صرف نمایند . گشنیز از بالا رفتن بخار معده به طرف سر جلوگیری کرده و غذا را مدتی در معده متوقف میسازد و باید از این خاصیت برای معالجه اسهال و سرم شدن امعاء استفاده کرد . گشنیز گیاهی است علفی که

سفیده بی ۱۴ تا ۲۰ گرم صد مواد چربی و یک درصد جوهر میباشد ه جوهری ضد عفونی کننده قوی را در معضاء به مبتلایان ابله دستور میدهد . خوردن گشنیز از رشد میکروب های مسموم کننده روده جلوگیری میکند ه گشنیز و تخم سیاه را نیز گرفته بعد از شستن توسط شکافتن یک قسمت آن بخیالی سازید و درون آنرا با گوشت کوفته شده پر سازید . کدو و مچ و پادنجان سیاه کوچک که برای ترمی استفاده میشود نیز به همین ترتیب خالی شده و با گوشت پر ساخته شود . طرز پختن : میده های کچالو و روس و کدو را در روی دیگ

# چوبک نمکی

لازم :

دو گلاس آرد ترمیده ه یک دانه تخم ه چار قاشق نمک - نخوری روغن یک قاشق چای - بخوری پولی هتک و مچ سیاه به قدر ضرورت .

طرز تهیه :

ابتدا آرد ه روغن و پولی و نمک را خوب مخلوط نمایید بعد از آن تخم را بالای آن بپاندازید و همای آب شهر گرم خمیر کنید . خمیر نه بسیار نرم و نه بسیار سخت باشد ه بعد از خمیر تهیه

## دلمه پیزید

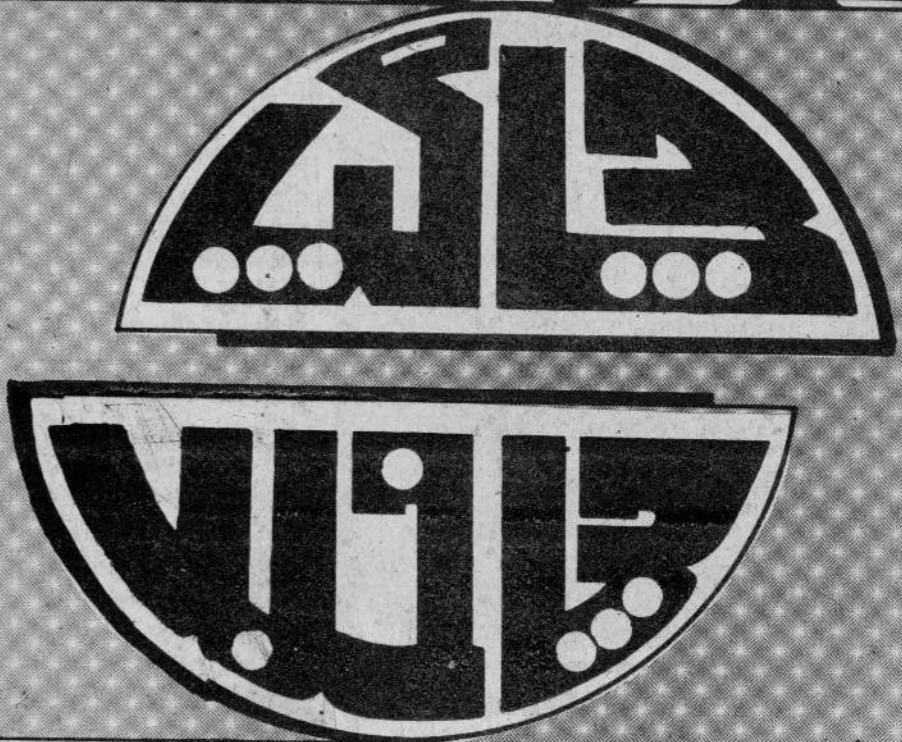
ساخته در باره پختن دلمه معلومات دارید . ما برایتان در باره یک نوع دیگر دلمه که با سبزیجات فصلی آماده میشود معلومات میدهم . البته تناسب مقدار گوشت ه سبزیجات روغن ه آب و نمک را شما میتوانید بر اساس تجارب آشپزی در نظر بگیرید . کچالو را پوست کرده و مغز آنرا توسط یک کارد نوکساز بکاوید و بعد از درون آنرا با گوشت کوفته شده که درای مچ و مساله میباشد پر سازید . پادنجان روس نسبتاً سخت را نیز گرفته بعد از شستن توسط شکافتن یک قسمت آن بخیالی سازید و درون آنرا با گوشت کوفته شده پر سازید . کدو و مچ و پادنجان سیاه کوچک که برای ترمی استفاده میشود نیز به همین ترتیب خالی شده و با گوشت پر ساخته شود . طرز پختن : میده های کچالو و روس و کدو را در روی دیگ

# سری دیوی مراد به سینما کسانند



داشت خوش اند و منو کردم  
که میترام من هم در فلم های  
افغانی کار کنم  
- تا حال هنرمای خود  
را چگونه ارزیابی می کنید ؟  
- هنوز میترام چیزی  
بگویم ولی به آینده امید  
دارم. هر چه شاید بتوانم روزی  
به بریفیت های بزرگی برسم  
در فلم الماس سیاه نقش عده  
دارم و توانستم خوب بازی کنم  
و همین اولین آزمون مرا امید  
دار به آینده میازد  
نقشه در صفحه (۸۴)

سینما را محبت ملت بسرا می  
خردم انتخاب نمایم  
- تا حال در کدام فلما ظاهر  
نده اید ؟  
- در فلم سایه نقش کوچکی  
داشتم در سریال دکویدی زوی  
هم نقش دارم ولی اولین  
فلم من الماس سیاه است که  
تا هنوز زوی بردن نیامده است  
- کدام فلم افغانی مورد توجه  
نما قرار گرفته شما را به کسار  
در سینما تشویق کرد ؟  
- فلم 'مرار' سزوه برداخت  
آن سخت مورد دلچسپی ام قرار  
گرفت از نقش که عادلانه آن بیس



باد پتان چهره بشاسر لیا ن  
پر خنده نسیمه سیاهی یک  
مخاره سینمای راد برابرس  
خودم، با بیم آورد ختر سینما  
و خوش برخورد است یکسال  
میشود که به سینما آورده تا  
صفت هم مکتب درس خوانده  
در رشته سینما تخصصیات سلنر  
ندارد خواستم از زبان خود ش  
بدانید که چگونه به سینما  
رو آورده است ؟  
- شوق و علاقه مراوان به فلم  
های هنری داشتم مخصوصاً  
فلم های سری دیوی را پس  
کیور را زیاد دیدم و خواستم

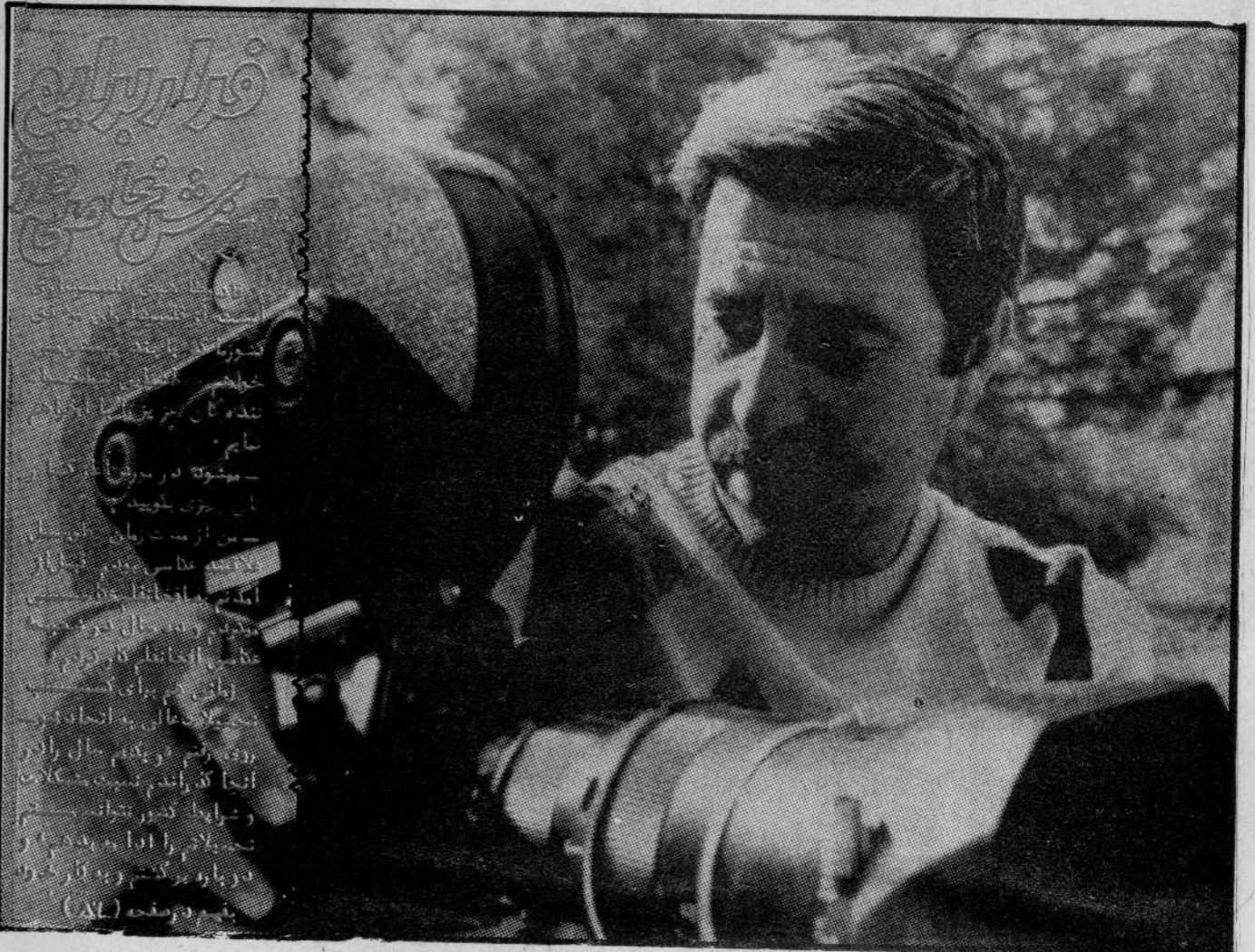


# فواد رامز با آهنگهای جدیدش به تاجکستان میرود

ما برایش موفقیت پس پایان آرزو  
نمود ما امیدواریم اجرا یکسرتهای  
مشهاره آورد های خاص بکنند و  
برگردد  
فراموش نباید نمود که فواد رامز  
در این روزها کسرت جدید  
تلویزیونی را روی دست  
دارد که حاوی پنج پارچه  
آهنگ جدید خواهد بود

سفری داشت ضمن بازگشت  
به کشور مدت یکماه به دعوت  
اتحادیه هنرمندان تاجکستان  
شوروی کسرتی را در آن جا  
اجرا نمود  
قسمتیکه خبر شدیم در این روز  
ها نیز فواد رامز از طرف  
اتحادیه هنرمندان تاجکستان  
اتحاد شوروی به منظور اجرای  
کسرت دعوت گردید

فواد رامز هنرمند جوان  
و خوش صدای کشور که چندی  
پیش به کشور چکو تلوکواکها



فواد رامز  
میرود تاجکستان  
به کشور چکو تلوکواکها  
به دعوت اتحادیه هنرمندان  
تاجکستان شوروی  
فواد رامز در این روزها  
کسرت جدید تلویزیونی  
را روی دست دارد که  
حاوی پنج پارچه آهنگ  
جدید خواهد بود

# تازه گامی دانش

## خوردن صبحانه

نتایج یک پژوهش دانسته دار طبع نشان می دهد که صبحانه خوردن باعث افزایش میزان چربی و گلیکوژن خون و کندی جریان آن و در نتیجه سبکته های قلبی ناگهانی می شود.

مجله اخبار علمی در آخرین شماره خود نوشت تحقیقات دانا مینه در خانم دکتر "ناتا کیتکوا" متخصص کار دیپلومی در مرکز طبی پوهنتون نیوسو فلیندو و دکتر "مهد محمد جمفری" متخصص کار دیپلومی مرکز قلب شفاخانه "هنری فورده" در شهر "دیترویت" نشان داده است میزان پروتئین پتاسیم در خون است.

ساعات شب در خون موجود در رگها کاهش می یابد بلا فاصله بعد از بیدار شدن انسان تا ۳۰ درصد افزایش یافته و باعث چسبندگی و غلظت خون می شود.  
به نوشته این نشریه در صورتی که شخص به صرف صبحانه به قدرت ورزش میزان پروتئین پتاسیم در خون کاهش می یابد و لذا خون با سهولت بیشتری در رگها و در قلب جریان می یابد.  
تحقیقات انجام شده نشان داده است علت اینکه اکثر سبکته های قلبی در ساعات صبح بوقوع می پیوندد به بالا بودن میزان پروتئین پتاسیم در خون است.

### اعضای ارگسترهای موسیقی و پیانو نوازین

نشریه ای طبی چرا پسر از هر دو عضو ارگسترهای موسیقی یک نفر دچار اختلالات شده است. در این مقاله ارگستر سفینی سلطنتی دنمارک در اثر آزمایشاتی که در مورد اختلالات شنوایی تا حدود ۳۰ درصد از این گروه محدود ۱۳۰۰ اشغال در شنوایی هنگام گفتگو اند. پس از آزمایش هنگام گفتگو ارگستر سفینی دنمارک سردرد و سرگیجه و همچنین صدادر گوشان می شوند.



چیدن هر راس آنها ۱/۲ الی ۱/۳ صرف در بر دارد از نظر زمانی نوز یا روش جاری چیدن پشم حداکثر ۱۲۰ راس گو سفند در روز امکان پذیر است در حالیکه با روش جدید به لوزیک می توان آنها پشم ۳۰۰ راس افزایش داد.

جلوگیری می کند و ضعیف الهاف جدید تولید شده را به بهرون می راند.  
گرچه هنوز حیطه اثر بخش این دارو کاملاً مشخص نشده است لیکن در گوسفندان باردار باعث سقط جنین می شود.  
این خبر حاکیست که ۴ تا ۶ هفته پس از تزریق ماده پشم ها از پوست گوسفند جدا و بدن او کاملاً برهنه می شود. استرلها نزدیک به یکصد میلیون راس گو سفند مرینوس دارند و

یک گروه محقق در بخش تولیدات حیوانی در استرالیا موفق شد پروتئین جدیدی کشف کند که به کمک آن پشم گوسفندان را به جای چیدن با تزریق امول از بدن آنها جدا می سازد.  
این ماده تزریقی که به کمک متخصص ژنتیک و به صورت منتز تهیه می شود عامل رشد "ایپدوم" نام دارد که می توان آن را در غدد بزاقی موش ماده یاقت ظرف ۲۴ ساعت از تکثیر سلول های که رشته های پشم را تشکیل می دهند

### پشم گوسفندان را با تزریق جدا می سازد

# حمام سونا و کاهشی فن

## فعالیت در آب انتخاب فشار

فشار ملایمی که آب به بدن وارد می کند، هم در تسهیل گردش خون، هم ماساژ آرام بدن مؤثر بود. و درد های جسمی را رفع می کند. شکی نیست که ورزش های طولانی برای سلامتی بدن مفید بود. اما این ادعا در مورد بعضی ها صدق نمی کند. مثلاً خانم های حامله، افراد مسن و اشخاصی که از آرتروز و یا آسم های بدنی رنج می برند، از این اثرات مفید بهره مند نیستند. پس چاره این گروه که تعدادشان کم هم نیست چیست؟  
توانند باشند؟ پاسخ این سؤال یک کلمه و آن "استخر" است.

آب ۰ فیصد وزن بدن را نگاه میدارد و فشار زیادی به فرد (از نظر وزن) وارد نمیشود. در حالیکه فواید بسیار در ورزش های طولانی نیز، عاید وی می گردد. آب که در بدن را فرا می گیرد، فشار ملایم و ثابتی را به آن وارد می کند. این فشار هم گردش خون را تحریک می کند و هم اینکه مو جبهایی که نقش یک ماساژ ملایم را ایفا میکنند آرام و درد های جسمی را از آن مهزدایند.

لغو - لی - که در نوبت ورود بقیه در صفحه (۸۰)

پوست جریان می یابد که بنویس به خود کار اضافی قلب را می طلبد. خصوصاً تمرین یا ماساژ در این محیط خطرناک است چرا که وظیفه قلب در جریان گردش خون برای رساندن خون به عضلات و پوست دو برابر می شود. ماساژ در سونا در یک ناحیه محدود بوده و به عرق اجازه تیخیر نمی دهد، و بخاطر فشار گرما به میزان زیادی درجه حرارت بدن را بالا می برد. و این به مصلحت افراد چه از نظر قلبی سالم و چه بیماران نیست که تحت چنین فشاری قرار بگیرند. بسیاری از افراد بلا فاصله پس از انجام تمرینات شدید وارد سونا یا حمام بخار می شوند. این به صلاح آنها نیست چون به دنبال تمرین گرما ی زیادی درون بدن جمع می شود و برای اتلاف این گرما و سرد شدن بدن به یک محیط سرد نیاز است.

در سونا و حمام بخار گرما ی درونی بدن این افراد تا سطح خطرناکی بالا می رود. غوطه خوردن در آب سرد یا یخ در طی سونا و دشواری های اسکاندیناوی یک تمرین معروف است. فوراً عمیق خونی پوست منقبض شده و تمرین متوقف می شود که بسیار دلپذیر به نظر می رسد. این عمل نه تنها سودی ندارد بلکه احتمال بروز شوک را برای کسی که این کار را انجام می دهد، بقیه در صفحه (۸۰)

شود. اگر از دست دادن آب به مدت چند روز متوالی ادامه یابد ذخایر بدن کاهش یافته تعادل کیمیاوی خون و اعصاب هم می خورد. نتیجتاً مشکلاتی در قلب و سایر اعضا پیش می آید. بنابراین اگر در آب مصرفی برای کم کردن وزن محدودیت ایجاد نشود در معرض صدمات فوق خواهد بود. برای حفظ سلامتی خود قبل از ورود به سونا یا حمام بخار خود را وزن کنید و بعد به اندازه وزنی که از دست می دهید آب بنوشید. خطر سونا های خشک بیشتر از حمام های بخار یا مرطوب است. چرا که تمرین در سونا محتر بوده و بنابراین بدن در همان مدت آب بیشتری از حمام های بخار به میزان بیشتری وزن را کاهش می دهند. چرا که با افزایش تیخیر کالوری سوزانده می شود. این یک واقعیت است ولی تخمین ذخیره انرژی مشکل است و احتمالاً دقیق نیست. حتی اگر تیخیر رسونایا حمام بخار کالوری زیادی را بسوزاند کاهش وزن با این روش بخاطر از دست دادن زیاد آب عملی به نظر نمی رسد. حمام بخار و سونا به خصوص برای بیماران قلبی بخاطر فشاری که روی قلبشان تحویل می شود خطرناک است. در اکثر موارد خون به میزان قابل ملاحظه ای به طرف

ایستاده تصریق تا حد افراط مفید است یا مضر؟  
مفهوم "تمرین مفراط سلامتی می آورد"

بمفیده ما تا ثورات این تمرین غیرفعال خالی از هرگونه جنبه های مفید است.

بدن انسان را مثل یک مخزن آب تجسم کنید. عرق، از این آب که در نتیجه فعالیت جسمانی یا درجه حرارت بالا تیخیر شده و به حرکت در می آید، تولید می شود. از دست دادن آب از این طریق ممکن است بهش از حد باشد.

فوتبالیست ها و سایر ورزشکارانی که ورزش های سنگین انجام میدهند آب را که در یک روز کم از دست میدهند، آنهن مقدار از دست دادن آب معادل ۶ پوند (۳ کیلوگرم) از وزن بدن است. چنانچه بسیاری از مردم هنوز فکری میکنند که در این موقعیت معادل ۳ کیلوگرم چربی از دست داده اند در حقیقت این کاهش وزن را می توانند بنوشند. ملاحظات جایگزین - کتد. ولی این جایجایی یا جلوگیری از تنظیم حرارت درونی بدن برای فرد وضعیت وخشی را بوجود می آورد. به این ترتیب خستگی زیاد و نهایتاً ممکن است مرک عارض

## سفر فزیکدانان انگلیسی

یک زن فزیکدان انگلیسی با دو فضانورد شوروی به مدت هشت روز راهی مأموریتی در فضا شدند. هین شرمین فزیکدان ۲۲ ساله نخستین انگلیسی است که به فضا سفر کرده است. این فضا نوردان بایک سفینه

"سایوتی ام" سفر خود را آغاز کردند. مراسم پرتاب سفینه توسط تلویزیون شوروی مستقیماً از بایکونور پخش شد. "والنتینا تروشکوا" اولین زن فضانورد جهان در مراسم پرتاب سفینه در پایگاه "بایکونور" حضور داشت.

روز سه شنبه ۳۱ شهریور به ایستگاه فضایی "مر" پیوست. دو سرزمین مقیم ایستگاه "مر" از سه فضا نورد استقبال کردند.



# به مناسبت روز ملی فرانسه



## فرانسه

# فرهنگ و زندگی

حتی يك كتاب هم نخوانده اند  
 بهر كس فروش كتابها يرهناوم  
 سود مند برای زندگي روزمره  
 و فروش مجلات افزایش یافته  
 است. همچنان داستانها ي  
 كارتونی به سرعت از مغازه ها  
 ناپدید میشوند. (۸۳) فیصد  
 جوانان به خوانش داستانهای  
 كارتونی مینگردانند.  
 گوش دادن به موسیقی پدید  
 همست در حال رشد (۵۰) -  
 همچنان فرانسویان حداقل يك  
 روز در میان موسیقی میشوند -  
 در حالی كه جوانان همه روز به  
 شنیدن جاز، روك و آهنگهای  
 ذوق مینگردانند.

تلویزیون در همه جا حضور -  
 دارد. از دو فرانسوی يك نفر  
 هر روز تلویزیون مینماید. دیدن  
 تلویزیون به هیچوجه جای دیگر  
 فعالیتهای فرهنگی را نكرفته -  
 است. مثلاً، پیوندها گان و خادار  
 تلویزیون (آنانی كه بیشتر از ۳۰-

ساعت در هفته در برابر پرده -  
 كوچك به تماشا میشوند) حتماً  
 قل سال ده كتاب میخوانند و -  
 به دیدن جاهای تاریخی مینروند.  
 موزهها و " سنگهای كهن" بیشتر  
 از يك چهارم فرانسویان را به  
 خود جلب میکنند. يكی دیگر از  
 نشانه های گسترش فعالیتهای  
 فرهنگی افزایش هنرمندان آماتور  
 است. (۱۴) فیصد فرانسویان

نقاشی میکنند و (۱۸) فیصد -  
 آبان نواختن يكی از آلات موسیقی  
 را یاد دارند. راه اندازی مرا -  
 سم بزرگ فرهنگی در سالهای اخیر  
 چون " جشنواره موسیقی" -  
 جشنواره كتاب و " درهای باز"

آبدات تاریخی و با استقبالی  
 مردم رو به رو شده اند. علی -  
 الرغم تشویش چنانداران فرهنگ  
 فاصله و هجراتیان گذشته های  
 افتخار آمیز و وضع فرهنگی فرانسه  
 چندان وخیم هم نیست. ازها د  
 نسیمیم كه سه چهارم فرانسویان  
 زندگي را بدون هنر تصور كرده  
 نمیتوانند.

از (۲۵) فیصد به (۱۵) فیصد  
 کاهش یافته است. (۵۵) فیصد  
 فرانسویان اعتراف میکنند كه هیچ  
 گاهي به تئاتر و نمایشگاه نرفته  
 اند. شمار تماشای جهان سنان نیز  
 پایین آمده است و سه چهارم -  
 مردم هیچگاه به كسرت موسیقی  
 كلاسیك و رقص نرفتند. -  
 عرصه كتابخوانی روز: روز تنگ  
 شده مینرود. مثلاً در سال -  
 ۱۹۸۸ يك چهارم فرانسویان

(۱۹۸۸) استوار است.  
 تخمین نتیجه جالب تغییر -  
 رفتار در خورد مصرف كننده گان  
 فرهنگ در حال پدید هاست  
 فرهنگست. از پدید گاه آما -  
 توران كلاسیك هنره فرهنگ و  
 زنده گي هنری فرانسویان سهر  
 نزولی دارد. دیگر از علاقه -  
 مندانی دایمی و با برجای تئاتر  
 اثری نیست. در طی پانزده -  
 سال گذشته شمار تئاتر ریان

آخرین آمار درباره ذوق -  
 های فرهنگی و فعالیتهای و -  
 دلپسته گيهای فرهنگی فرانسوی  
 بان همراه با تحلیل همه جا -  
 تها گرايشها و سایل جدید -  
 زنده گي فرهنگی جامعه مرا -  
 سم از سوی وزارت فرهنگ آن  
 کشور و سال پار به نشر رسيد  
 تحلیل مینهاد اطلاعات سه پروژه  
 تحقیقی جامعه شناختی در -  
 سالهای (۱۹۷۳ تا ۱۹۸۱) و -

بخش ازینطرحه بلند

این ناتوانی

بد تراز نایست

هرگز بر نیاورد

بدتر از خطر چشمان است

و حق در احوال میگذری

بگانه و گریزان

(سرت در جایی دیگر غلبت در رفتن دیگر)

□

رازه تا چقدر مستکن اند

عشق من ]

( دست نیافتنی

تراز اولت )

عشق من ]

تویی که ساعت دیوار برادری شصت سالیم به صدا در می آوری

و الزکامی نفس نفس

گلیم میبرد و میشود

راز بزرگی را برایت میگویم:

سخن بروی لبهایم

تقریب

در بیکار

و بنوعی برای دستانت

سخن بروی لبهایم

چونست که زور چتر تکاشها

خاکه - بشود

بدین گونه است که پیوسته فقط میگویم:

سرت در وقت دار

ترا بلور شفاف جمله می و در اختیارند ام

تا آن را

برگرداند تا چیزی

راز بزرگی را برایت میگویم:

زبان - تویی

زبان - زین است

- نیازند ستایش و پاموس -

زبان - پیراهنست نه باید نام بیشتر را بزرگ

زبان - گویست که هدف خانه میخورد

زبان آنچه نیست که انصافا خیال میگرد

باز

سرت در وقت

زبان تویی

و حق در سینه میخوانی

( هنگامی که من پیدا میروم )

زبان تویی

چون تازی که گفتم را بعد رد

چس تا توام - آه ]

در شبیر شکسته زبانی که این چنین است

چس تا توام - آه ]

در شبیر شکسته - باد که چون خون درون دهانم در سینه است

از گفتار عالمها ام

( که چون آب ساد می روی آتش صدای ناگوار دار

□

از بزرگی را برایت میگویم:

از زبان که هسان تو است

نیتوانم سخن بگویم

از تو

نیتوانم سخن بگویم

از تو میترسم

میترسم از آنچه ماله ترا شصت سال تا پنجره ها همراه میزند

از حرکات میترسم

و از رازه ساین که نشود بر زبان آورد

میترسم

از زبان تند

از زبان صریح

راز بزرگی را برایت میگویم

ساده تر است

مردن

ایمانی بودن

پسندیده است

عشق من ]

که باز میبینی را به پیوسته ام - است

# الزرا



لوی آراگون از شهر  
 ترین شاعران و نویسندگان  
 معاصر فرانسه است.  
 پس از ویکتور هوگو نخستین  
 شاعریست که در زمان حیات  
 به کتابهای درسی مکاتب راه  
 یافت و اشعارش وسیله آموزش  
 نوجوانان فرانسوی قرار گرفتند  
 وی افزون بر شعر رمانهای  
 جالبی نگاشته است. مجموعه  
 آثار او و آثار مشترکش با خانمش  
 "الزتری اولی" به پیش  
 از ۴۵ جلد میرسد. آراگون  
 نوآوری و مبارزه را در درخشان  
 ترین جلوه های آن با هم  
 گره زد.  
 "الزا" "چشمان الزا"  
 "دیوانه الزا" "دلبردی"  
 "ناقوسهای شهر بال" از شمار  
 آثار آراگون اند.

# امریکا در آستانه قرن ۲۱

ایالات متحده آمریکا کشور است در شمال قاره آمریکا که از نظر جمعیت مسکو نی و هم از نظر وسعت درجه چهارم را در دنیا به خود تخصیص داده است. مساحت این کشور ۹۶۳۱۲۳ کیلو متر مربع بوده و ۲۳۴۱۹۳۰۰۰ تن در آن زنده گی دارد.

ایالات متحده یک جمهوری فدرال است که مشتمل از پنجاه و دو ایالت می باشد. مردم این کشور از گروه های گوناگون قومی تشکیل گردیده که اکثریت آن را اروپائیان تشکیل می دهد. و متباقی آن سیاه پوستان، چینی ها، جاپانی ها و امریکاییان هندی اند.

از نظر اقتصادی ایالات متحده آمریکا از جمله بزرگترین کشورهای تولید کننده صنعتی جهان است. منابع سرشار منرال ها و مواد سوخت، این کشور را از جمله بزرگترین تولید کنندگان گاز طبیعی، سرب، مس، آلومینیم و سلفور و انرژی برقی و هسته ای ساخته است. به همین گونه تولیدات عمده این کشور را صنایع فولاد، موتور، مواد کیمیاوی، سامان آلات الکترونیکی و سایر مواد مصرفی تشکیل می دهد. با نسیست علاوه کرده که چهار فیصد نیروی کار در این کشور مصرف زراعت بوده پانزده فیصد صادرات را تولیدات زراعتی تشکیل می دهد. زراعت در این

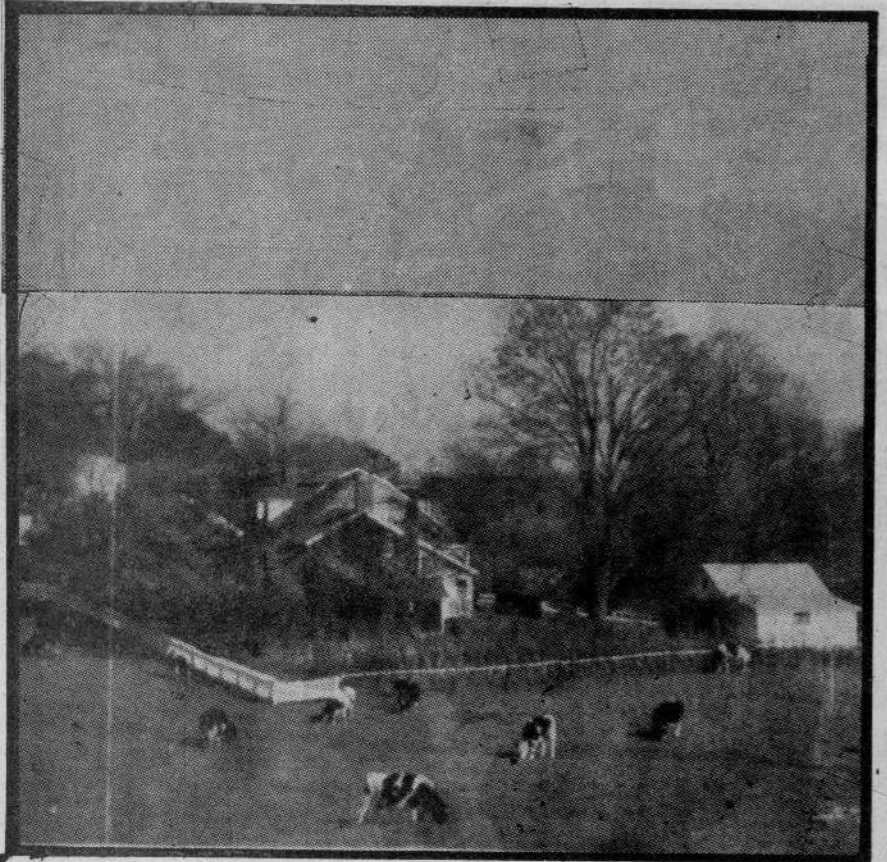
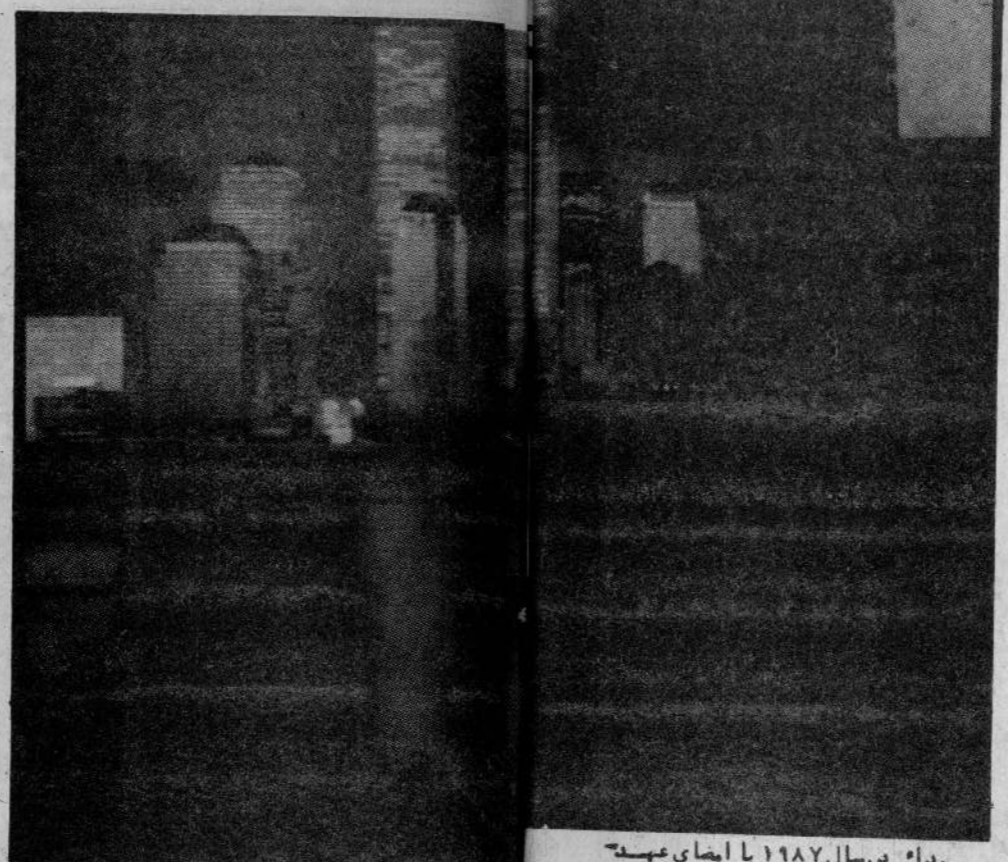
شور خلی ماشینی بوده از امراض زراعتی جدا کنترل به عمل می آید. با آنکه ایالات متحده هم از نظر تولید و هم از نظر صادرات یک کشور بزرگ است و مگر واردات نیز دارد. آمریکا نفت و مشتقات آن، مواد کیمیاوی، فلزات و ماشین آلات را به کشور وارد می کند.

امریکا که در سال ۱۴۹۲ توسط کولومبوس کشف گردید و از سال ۱۵۶۵ به این طرفی عمدتاً توسط فرانسوی ها، اسپانیولی ها و انگلیسی ها کهنتر مسکن در آن اختیار گردید. به هر حال در قرن هجدهم بین اسامیله های محلی بر سر پرداخت مالکات برخورد ها به وجود آمد. در سال ۱۸۶۱ کشور با جنگ داخلی مواجه شد. در مقابله با جنگ این بود که بعد از آن برده داری رافسخ ساخت و کشور به ترقیهای اقتصادی و صنعتی گام گذاشت. به همین ترتیب ایالات متحده آمریکا در هر دو جنگ جهانی سهم داشت و در سال ۱۹۴۵ رول خود را در به وجود آوردن سازمان ملل متحد به سر رسانید.

ایالات متحده بعد از سال ۱۹۱۳ با اتحاد شوروی روابط را محدود کرد. در اصله متراتیک تقویت کرد و هم با کشور چین روابط دیپلماتیک برقرار ساخت. روابط ایالات متحده با اتحاد شوروی

در سال ۱۹۸۲ با امضای عهدنامهی در مورد سلاح هسته تقویت کرد. دید. البته علت دیگر بهبود روابط ایالات متحده و اتحاد شوروی همانا اتحادیه های جدید اتحاد شوروی تحت رهبری میخائیل گرباچف رئیس جمهور آن کشور است. رئیس جمهور ایالات متحده امریکا آقای جورج بوش است و انگلیسی زبان رسمی این کشور را تشکیل می دهد. کلتور مردم ایالات متحده در سطح بلندی قرار دارد. در قرن بیستم ادبیات آمریکا بیشتر ترانوا را فرا گرفته است که نویسندگان همای معروفی دارد. این نویسندگان عبارت اند: ولیم فاولکنر، جان استین بیک، هنری میلر، توماس ولف، نورمن میلر، ساول بیلو، جان اپریک و توماس پنیکون.

ایالات متحده آمریکا در حال در همه عرصه های ساینس و تکنالژی پیشرفت چشمگیر داشته و زنده گی در آن کشور کامیوتر از گذشته است. یعنی همه چیز در همه موارد توسعه یافته. امروز هر امریکایی اداره و رهبری میشود. امروز هر امریکایی شخصی از زنده گی شخصی یا رسمی خودش را توسعه میدهد. کمیونتر کنترل و اداره می کند. امریکایی ها با پیشرفت تمدن خیلی ها عجیب به سوی قرن (۲۱) گام می گذارند.



## بمناسبت روز ملی ایتالیا

# ایتالیا سرزمین هنر

ایتالیا کشوری است که در جنوب اروپا موقعیت دارد. سرزمین ایتالیا باستانی است. بعضی نقاط آن در شمال کوهستان نیست.

در این کشور هنوز هم زراعت از اهمیت خود برخوردار بوده، نباتات زراعتی عمده آن را گندم، جواری، انکوروز، تنون تشکیل می دهد.

صنعت نیز به سهم خود پیشرفت کرده و مخصوصاً بعد از جنگ دوم جهانی به این طرف به سکتور صنایع توجه بیشتر شده است. صنایع عمده این کشور را نساجی، ماشین، موتور، مواد کیمیاوی تشکیل می دهد که همراه با آنها میوه و سبزیجات از صادرات آن است. منابع منرالها در این کشور آنقدر زیاد نیست و از همین سبب ایتالیا وابسته به کشورهای دیگر است. در کشور پلانهای به خاطر رشد و انکشاف انرژی هسته ای وجود دارد و هم توربینهای عمده عایدات این کشور را تشکیل می دهد.

شیره هنر در ایتالیا بعد از سقوط امپراطوری روم اساس گذاشته شد. با

های باستانی هنر در این کشور ادامه دارد و مگر به تدریج تحت تأثیر مسیحیت قرار گرفت. سبک رمانسک در قرن ۱۱ و ۱۲ راهش را به طرف سبک گوتیک باز کرد و مگر هنر حقیقی ایتالی در قرن ۱۳ و ۱۴ هنگامی رشد کرد که اساس رنسانس گذاشته شد و شیوه های آزاد مخصوصاً در فلورانس و ونیس و روم به وجود آمد. علمبرداران رنسانس عبارت بودند از: لئوناردو، میکلانژ و دیگران بعد از قرن هفدهم هنر ایتالیا حرکت خود را به امتدادی ونیس، از دست داد و مگر در آغاز قرن بیستم تحت تأثیر نوسان چهره دوباره احیا گردید. نقاشان برجسته و مدرن ایتالیا عبارت از سوتی، جلمانی و چریکو اند.

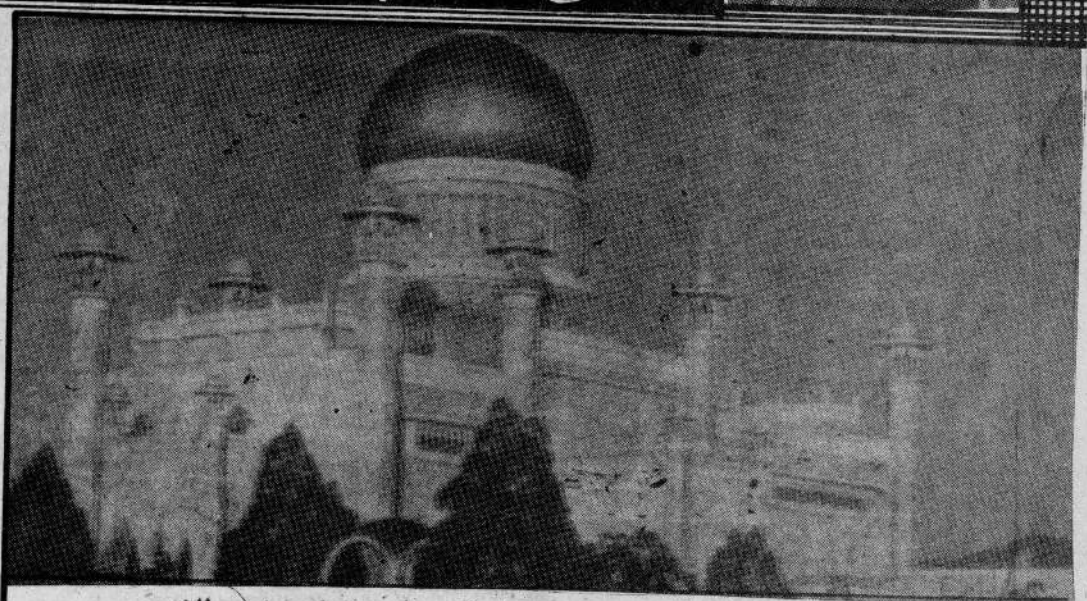
در ایتالیا زبان لاتین، زبان ادبی این کشور را تا قرن سیزدهم تشکیل می داد و آن درست زمانی بود که شاعران در وینسار فیردی یک اولیه تقلید از ایتالیایی اصلی آغاز کردند. عشق شاعران فلورنتین را در قرن چهاردهم، دانسته تمقیب کرد و رشد تدریجی زبان ایتالی را به ایتالیایی و ماشینی و تاسو در رنسانس به او جگر رسانید.

ترجمه: فادریمان

# پروژه و تمندترین کشور



## مجموع ثروت پادشاه برونی ۳۰ میلیارد دلار تخمین شد



مسجد اعمار شده از جانب برونی در پایتخت کشور با محراب طلائی

جنوری سال ۱۹۸۴ آزاد ی -  
 خود را اعلان نمود ، سلطان -  
 برونی بالای تمام مناطق کشور  
 حاکمیت داشته که همزمان پست  
 های صدارت و وزارت دفاع را  
 نیز بدست داده ، اکثریت آنها -  
 لی کشور را مسلمانان تشکیل  
 میدهد . اقارب نزدیک خود را  
 نیز از یاد نبرده یک برادرش -  
 محمد بالکلیخ وزیر خارجه و دیگرش  
 وزیر مالیه کشور تخمین کرده -  
 اند . این کشور عذتا " توسط  
 فرمانبهای شاه اداره می گردد .  
 در رابطه با قاطع بودن شایعیه  
 تردد داشته . در سال ۱۹۸۸  
 رهبری کشور حزب بزرگ کشور  
 را بنام " حزب دموکراتیک ملی "  
 بر دلیل اینکه میخواهد تاسیه  
 حاکمیت ملی لطمه وارد نماید  
 غیر قانونی اعلان نمود . قوای -  
 مسلح کشور با بهترین و مدرن  
 ترین اسلحه جهان مجهز می  
 باشد .

مستمر خدمات اجتماعی -  
 برونی از جمله بهترین ها در -  
 جهان بشمار میرود . مالیات -  
 فواید در کشور وجود ندارد -  
 خدمات صحی و تعلیم و تربیه  
 با سطح عالی آن رایگان است .  
 پول تقاعدی از خزانه پادشاه  
 پرداخت میشود . از هر -  
 چهار نفر اهالی برونی سه نفر  
 آن موزر شخصی دارد . برای  
 جوانانیکه علائقند تحصیل در  
 خارج از کشور هستند هرگونه  
 زمینه مهیا می باشد در کشور  
 یک تشنجات سیاسی وجود  
 بقیه در صفحه ( ۸۵ )

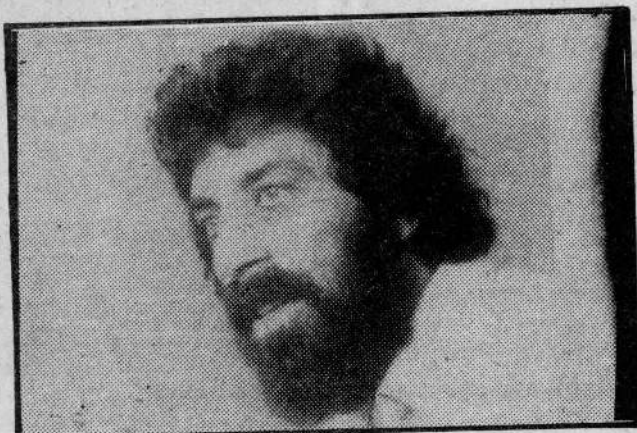
انجلس برسد . برای یک فرد  
 امریکایی عادی بخاطر بدست  
 آوردن همین پول ضرور است  
 تا یک میلیون سال کار نماید .  
 شاه حسن در حال حاضر بزرگ  
 گترین کلکسیون موزر را در جهان  
 دارا می باشد هر علاوه موزر  
 شخصی موزر هوی در کاراج خود  
 در حدود ۳۵۰ موزر مختلف  
 النوع دارد . بدین ترتیب  
 میتواند همروزها موزر جدید  
 رخت و آید نماید . اما بد بختی  
 در این جاست که در کف  
 کوه کمی صرف صد کیلو موزر  
 سرک موزر نورمال دارد .  
 از سال ۱۸۸۸ الی ۱۹۸۴ -  
 برونی تحت سلطه پرتغالی کبیر  
 قرار داشت هه تاریخ اول -

فته در هر ساعت ۲۲۹ دالسر  
 به خزانه این کشور کوچک افزین  
 می گردد . مجموعه ثروت پاد -  
 شاه برونی را ۳۰ میلیارد دالسر  
 محاسبه کرده اند . در حالیکه  
 داری پادشاه می - تان -  
 سمودی به ۲۰ میلیارد دالسر  
 می رسد .  
 نظر به ارقام ارائه شده جمله  
 تجارتی " فسور بس " چاپ  
 امریکا داری پادشاه برونی  
 بیشتر از ثروت کهنی مفسور  
 جهان " جنرال موزر " می باشد  
 این جمله نوشته است که باو -  
 لهای پادشاه برونی " حسن -  
 بالکلیخ " میتوان کاروان موزر  
 این کهنی را خریداری کرد که  
 طول آن از نیویارک تا تونس -

برونی کشور کوچکست که  
 در سواحل شمالی جزایر  
 کالیمانتان وسواحل بحیره چین  
 جنوبی موقعیت داشته که همز -  
 مان با کشور مالیزیا نیز هم سر -  
 حد می باشد ، بعد از آنکه  
 در آغاز قرن حاضر منابع بزرگ  
 نفتی این کشور کشف و استخراج  
 آن آغاز یافت همه یکی از ثرو -  
 تندترین کشورهای جهان  
 محبدل گشت درآمد سرانساله  
 ۲۴۰ هزار نفر اتباع آن در حد -  
 ود ۲۰ هزار دالرسی رسد . این  
 رقم دو هزار دالسر بیشتر از ای -  
 لات متحده امریکا می باشد  
 ۹۹ فیصد درآمد ملی آن را -  
 صادرات نفت و گاز تشکیل میدهد  
 هد . قرار محاسبات انجام

# سلام سنگی دهند

ترجمه از: ...



شیره (پاناروما) (ژورنال  
مطبوعات آزاد روزگوشه)  
چاپ هفت در شماره ماه می  
۱۹۹۰ خود تصویرنگه می  
از سلام سنگی هنرینسه  
ساخته شده. افغانی رابه  
چاپ رسیده است که همراه  
بان گفت و شنودی دوشهمزه  
سمورا با سلام سنگی به انگلیسی  
نظر به نشر رسیده است.

پس از شناسایی مختصر زنده می  
افغانی و برخی جوانب هنری،  
معمی را چنین می نویسد:

وقتی سنگی راهنگام راه  
رفتن بان قد و قامت، موهای  
پنج بیج و پریشان، ریش  
انبوه و چشمان نافذ دیدم  
تمام تصویراتی که در شماره  
پنجمین خون گرم داشتیم  
در نظرم زنده شد.

یک ستاره فلم ؟  
از افغانستان ؟ جاهلیت ؟  
گفت و شنود ادامه دارد. سنگی  
از تاریخ ۲۰ ساله هنرینسه  
از صنعت فلم اردستان  
کاران این عرصه حرف میزند  
و میگوید هر جایی که تصادفی  
از مردم است و برق باشد در آن  
جای تئاتر و سینمای هست  
و پس از فراز سرفراز دلچسپی  
و گزاشیدن از دیدن نخستین  
فلم شروع شد. ۰۰۰ طی ۱۸  
سال سابق در حدود ۱۸ تا  
۲۰ فلم داشته ام. در افغان  
نخستین همه ساله ۶-۷ وگاهی  
تا یک فلم که محتوای آنها غالباً  
مانند فلمهای سایر کشورهاست  
(رقص، موسیقی، زد و خورد  
و درامه) ساخته میشود. سنگی  
در برابر یکی از پرسشها با-  
وانمود ساختن اینکه (من  
صرف یک هنرینسه هستم)  
از ابراز نظر در برامین آمد-  
بولوئی هادر هنر، حوادث  
سیاسی ده سال و تصریح موضع  
گویی های هنرینسان  
خود داری کرد.

و پس از صحبت های  
در باره فلم های خودش گفت:  
در افغانستان مانند هنر  
هنر ها و کترک های منی تعیین  
شده نیستند و به گونه مثال  
از نقش های متفاوت خود از بر  
سریاز، بیگانه، و از نوعی  
تاریخی اثر در برخی از برنامه  
های تلویزیون حرف زد. در  
فلم ...  
هنگامی کار میم که سندر ...

هستم و ترجیح میدهم در نقش  
همه باشم. وی افزود در افغان-  
نستان مکتب آموزشی هنر  
و تخیل فلم وجود ندارد کار  
گردانان بنام رسیده. ما  
انستیتوت (پونه) را خوانده  
اند. در جایی هم تذکر میدهند  
که تکنیک طی ۱۲ سال گذشته  
به خاطر جنگه حال، استثنای  
داشته است. در کابل صرف  
یک لابراتوار تهیه فلم های  
سیاه و سفید وجود دارد. فلم  
های رنگه به منظور تهیه  
و تکمیل به خارج فرستاده  
میشوند.

سنگی از شرکت فلم  
هادرستیوال های جهانی  
و از سفرهایش به مسکو، چکو-  
سلواکیا و کوبا، از محبوبیت  
فلم های هندی، ایرانی، امر-  
یکایی و روس در سینما و تلویزیون  
ن کشور با تکیه بر این تکیه که  
بهند، افغانی به یک داستان  
خوب ارزش بیشتر میدهند  
و تفاوتی میان معیار ات  
هنری نقش هادر کترکسر  
مثبت و منفی در هر دو کشور حر-  
فغانی داشت.  
ارد رساچه زنده می  
شخصی اش گفته است که  
همواره متکی به اصل میباشد

دروغ نگفتن، ضربه از پشت  
نزدن و هیچ کارید نکردن.  
سنگی میگوید فلم های  
چون نشانیات، انجور و بندگتی  
در افغانستان محبوبیت زیاد  
کسب نموده بخاطر این که  
در آنجا زنده گی حقیقی تصویر  
شده بود. فلمهای تجارتی  
نیز بهینه گان خود را دارند.  
این اشاره به فلم (راو صاحب)  
از ساخته های او بود. هتلا  
آفاده نمود که تراشیدن سویی  
سرمیوه زن در یکی از صحنه  
ها تا شناچیان افغانی را به  
تفکر واداشت. و متوجه تفاوت  
بزرگ فرهنگ در رابطه با  
شیوه برخورد با این مساله  
در هر دو کشور ساخت باری سنگی  
با خود داری از ابراهیم قدیم شخص  
و سکوت اش در برابر ذکر نام  
هنرینسه و فلم مشخص از دوستی  
و احساس صمیمانه خود نسبت  
به همه آنها یاد کرد و گفت:  
اگرچه حال همه آنها را میسندم  
آنها سرسرا حرارت ندارند  
استفحال کردند و از تصویر  
های مشترکشان با استابه به چین  
و نسیوالدین شاه، دیوانه  
راج بهر دهل کباب به وان برخورد  
های صمیمانه آنها به قدر  
دانی یاد کرد!

## تغزنی سنگی

پانی له (۸۷) خ کی  
شوی دی اوخیره ارزینسه  
لسری ...

نن پوه شوچی توله لری  
دده له پاره نه دمله دی امله  
دغیر له شوکی کونجی اوایی  
هیچ نه م ... پوه کوچیسی  
ذره م ... لیری نه بلکسه  
حتی ده چی لکه مافزید ی  
به په دی نری کی ...  
کی ولوبه دی، د نوری طرف  
تجزی ثابت کریده چه  
موجود مواد به تولوستورکی  
شان دی، لوهین دلایل  
نه لری چی دملبارد و  
ستوریه منع کی به ملیون  
هاور دژوند خاوند نه وید  
هرکی بشرد غور لختورکی کپت  
شووسی کپت و آچاره اوپه  
شوچی هیچ شی نه دی. اما  
ناخبا به خیلو مافزود ته متوجه شو  
هنه مافزه چی دی پایسه  
نری به راز پوه شولوبه  
انسان د قدرت به شوکی کپت  
ست، بلکه همان بی دکاپاتسو  
کاشف وگانه ... همان  
د قدرت به لیر تپاک ولبند  
لوی لیدل چی نری به خیل  
تول عقلت ددی خاوس  
رنگی اوگولمی مادی به وسیده  
پژوندل شوئی اوپژوندل کپت ی  
ایادانه نیسی چی دانسان  
عظمت او ارزنت تر تبولوبی او  
ارزینتاک دی ؟

# قصه خانه خودما

بچه از صفحه (۲۰) کنند فقط پول همه چستز شان است.

سخن را بعد از آن کشیدم من خواهم بنویسم که همسری را که در یک شب پر از ستاره گرفته بودم در روز روشن دورا طلاق کردم و برای او بی وفا من نویسم که خوب بنویسم با آن که من بدون تو هم میتوانم خوب تر و بهتر زنده کسی کم من میتوانم درین تلسب سخت کسی دیگر را که به صد هارتره بهتر و خوشتر از تو باشد پرورش دهسم زنده کی هیتگاه ختم نسی شود تا وقتی که انسان خوب

دش ختم نمود \*  
توساری و فابودی شو  
آنقدر بی وفا بودی که من  
در هیچ کتابی نخوانده و  
نشسته بودم تو که نتوا  
نتی خانه مرا آباد سازی  
خانه هیچ کسی دیگر را نس  
توانی آباد بسازی تو در هر  
یا زود در لجن زار کفالت  
غرق و نابودی می شوی تسو  
بسیار بی وفا بودی و برای  
تمام حیوانات که میخواهند  
همسرتی که نصیحت بسزاد کرده  
می کم که اگر شمام مثل  
من بدون شناخت قبلی زن  
بگویند بعد از روس به زود  
ترین فرصت به سر نوشت بنده  
گرفتار می شوید اگر مثل من  
اشتباه کنید عوض همسرت کسی  
می گویند و آنوقت پشیمانی  
هیچ سودی ندا رد آنوقت  
مثل من شیشه های شقای  
قلب تان از هم می پاشد و  
ما بوس می شویم \*

# بچه با کلاس

بچه از صفحه (۶۵)

این بار آقای شکفته در  
کلهای من مداخله کرد و گفت:  
" من میبذیرم که این شما  
مردم هستند که همه بی کار  
هارا برایم انجام میدهند مگر  
به خاطر دارید که همه بی  
این کار هارا شما به خاطر  
بر آورده شدن آرزو های خود  
انجام میدهند ؟  
شما برایم یک جوزه بوت موخرید  
در حالیکه من به پطاون نیاز  
دارم شما این کار را به خا  
طری انجام میدهند که بسا  
خداوند عهد میکند که اگر  
از تقای نصیبتان شود به  
کدام آدم به چاره بوت خواهید  
خرید . باز شما مرا به نان چا  
شت دعوت میکنید که اقلا  
در آن وقت من میخواهم سینما  
بروم . چنین هم اتفاق افتا  
ده از خاطر شما سه بار نان  
چاشت خورده ام و یا همین  
فلم را چهار یا پنج مرتبه به  
خاطر خوشی شما تماشا کرده  
ام ."

" سکسنا " پرسید :  
مگر همه بی این کلهها به  
اعتصاب نه خوردن غذا چی  
رابطه دارد ؟  
" البته که رابطه دارد من  
خو که ام آدم بی زبان  
نویسم . من هم میدانم که  
هیچ صدر اعظم در هندو  
ستان نتوانسته که به همه بی  
مردم کار را در یافت کند ؟ مگر  
آنچه را من میدانم شما مردم  
نمیدانید . من میدانم که هیچ  
صدراعظم آدم احمق مثل من  
را نمیکند ارد که با مرگش نام  
شهمد را کما می کند . از همین  
سبب است که او خدمتگاران

را خواهد فرستاد تا به اعتصاب  
خاتمه دم و از بر آورده شدن  
خواستهایم مرا متفق خواهد  
ساخت . رفقا ! به من باوردا  
شته باشید . هر لحظه بی که  
نفر او با پیشنهادش نزد ام آمد  
به زودی آن راهوا هم پذیرفت  
در همین لحظه من بالا پیش  
صداکردم که :

" باز چی ؟"  
" دوست عزیز بعد نغسر  
مذکور یک گلاس کلان آب نار  
نیج را به من تعارف خواهد کرد  
البته میدانم که این شیوه قبول  
شده پایان دادن به اعتصاب  
نه خوردن غذاست ."  
" مگر آقای شکفته من هنوز  
هم نفهمیده ام که چرا دست  
به اعتصاب نه خوردن غذا زده  
بی ؟"  
" این خوبسار کپ ما ده  
است . امروز خواستم یک  
گلاس آب نار نیج بنوشم از این  
سبب دست به اعتصاب نه خوردن  
غذا زدم . فهمیدم که هیچ  
کدام از رفقایم مطابق میل من  
رفتار نمیکند و آن را برایم نمی  
خرده . بنا به خود فکر کردم  
باید آرزویم را به این طریق  
آورده سازم

شنودن این حقایق  
دی به لپهایم نقش بست  
شگفتی که :  
کر همین اکنون از طرف  
ما به نشودن یک گلاس آب  
میوه دعوت شوی ، چطور ؟"  
شکفته به یکباره گی برجایش  
ایستاده شد چهلکهایش را  
رست کرد و روی جایی را از  
خود دور داد و گفت :  
" مهربانی کنده ، در  
صورتیکه هدفم قبلا بر آورده  
شود پس چرا اینجا بیبوده  
وقت ضایع کردی ."  
و تیکه با آقای شکفته به  
طرف دو کان آب میوه میرفت  
یک فکر بر سر آمد که چرا  
از این مردم که در مقابل خانه  
صدراعظم بوت کلب و مسا  
محل رام لولا تجمع میکنند  
کسی نمی پرسد که چرا جمع  
شده اند و خواستههای تان  
چوست \*

ورزشی فلم را در نکتد مسلمان  
تا شیر جنبه های مثبت بالای  
او بیشتر است و در عکس قصبه  
بیننده چیزی را می آموزد که  
نمیاید از فلم هندی بیاموزد .  
- فلم های افغانی از نظر  
شناخت و راست ؟



## بچه از صفحه ۲۵ سدری دیوی

سزده های خوبی برای فلم  
های افغانی در نظر گرفته  
میشود ولی سینمای ما هنوز  
به پخته گی نه رسیده فلم  
های خوب افغانی در حال  
تکمیل شدن هستند مانند  
گماشته و الماس سیاه که میتوان  
برای جامعه مفید واقع شوند .  
- در مورد زنده گی شخصی  
تان چه گفته میتوانید .  
- میخواهم زیاد بگویم  
صرف همینکه عروسی کرده ام  
و در دختر دارم \*

- شما که علاقمند فلم هندی  
هستید چه فکر میکنید فلم  
هندی چه تاثیری بالای بیننده  
افغانی دارد ؟  
فلم هندی برای جوانان  
میتواند هم گمراه کننده باشد  
و هم تربیت دهنده ، اگر  
بیننده آگاه باشد خوبن

## ارتیک حقیقه ...

بچه از صفحه (۵۹)  
دیدهام ورزشی و سهیل های  
ورزشی و تعداد زیادی از  
نشان های ورزشی را در مساب  
بقات مختلف به دست آورده ام  
نمیباشد که در این زمینه  
از همکاری استاد خوم محترم  
عبدالکریم عزیز کپتان تهم  
انتلیک حقیقه بسیار سگدا ر میباشم \*

- عاری از دلچسپی نخواهد  
بود تا در مورد دستاورد های  
ورزشی تان چیز های بگویند ؟  
دستاورد های ورزشی ام  
که در مسابقات مختلف به آن  
ها مفتخر گردیده ام دو مدال  
طلا سه مدال نقره و دو آزرده -

# برونزی ترومند ترین کشور

## حمام سونا

بقیه از صفحه (۷۷)

تشدید می‌کند. پاکیزه کردن پوست از فواید دیگر برای سلامتی است که به سونا و حمام بخارنسبت داده می‌شود. این نظر منطقی است که تهریق موثقاله مواد زائد را از فرد عرق‌دور کند ولی در تون سونا و حمام بخارنسبت که پوست را بطور قوی پاک کنند.

## فکالت سونا

بقیه از صفحه (۷۷)

برنامه ورزشهای آبی را پیاده کرده یک ساعت فعالیت در آب را معادل دو ساعت فعالیت در خشکی می‌داند و معتقد است که در این یک ساعت معادل دو ساعت فعالیت در خشکی به اصطلاح از بدن کاری کشد. دلیل این ادعا هم مقایسه است که در آب ۱۲ برابر خشکی در برابر بدن قرار دارد. بنابراین عقیده عامه تهریق و فعالیت ورزشی نه‌ب‌نه آماده‌گی قبلی دارد.

بقیه از صفحه (۸۲)

تخصص داد.

در سال گذشته سلطان بروزی خواست تا در جشن تولد لیدی دختر یازده ساله خودش بوی تحفه بدهد. وی مدانست که دخترکش تا چه اندازه علاقه‌مند افسانه‌های قدیمی بخصوص افسانه "السادر سرزمین جادو" شدیده. علاقه دارد سلطان خواست تا در این سالگرد دخترش تحفه افسانوی بدهد. بر اساس امر شاه انجمنسرا و دبیران وزیر و زبده انگلستان بخاطر اعمار قصر افسانوی دست بکار شدند در مدت خیلی کم تمام "پرسونل" شامل افسانه تهیه گردیده و محلها ر شده اصلا تقاضی با همان محل افسانوی نداشت. تمام مصارف جشن تولد دختر سلطان بر روی به میلیون دلار می‌رسد روزنامه انگلیسی در مورد نوشت که در جهان میلیونسرها زیاد اند اما هیچ یک از آنها دست به هیچو اعمالی نمی‌زند. جرئت اینکار را صرف سلطان بروزی دارد و پس.

قصر جدیدی با شکل بهتر آن اعمار کرد. بر علاوه سلطان بروزی بهترین ویلاهای را در آمریکا انگلستان و سوئیس و غیره کشورها دارد. وی از همه کشورهای دنیا علاقه‌مند استراحت در انگلستان می‌باشد. در هر حال کشور بروزی نیز خالی از پراکندگیهای اقتصادی نیست. به دلیل پایین آمدن نفت در بازارهای جهانی بروزی ضربه شدیدی را از این ناحیه متقبل گردید. در سال ۱۹۶۰ - از فروش نفت صرف ۶۴ درصد بودجه اسما را کشور تأمین کرد. در حالیکه در سال ۱۹۷۶ این رقم را ۸۸ درصد تشکیل می‌دهد. سلطان بروزی نیز این مطلب را مدتی است که درک نموده است. به همین دلیل در سال ۱۹۸۷ پلان جدید اقتصادی را روی دست گرفت. برای حل این پلان شاه کشور امر نمود تا در ظرف چند سال محدود بخش دیگری صنعت کشور را به سوی عالی ارتقا دهند. برای اینکار دولت بروزی ۲ میلیارد دلار

نداشته باشد. اختلافات مذهبی و نژادی دیده نمود بناه شکایت در هیچو مسایل نیز وجود نخواهد داشت. جوانان کشور بعضا شایسته می‌کنند که گویا در پایتخت کشور زنده گی خیلی خسته کن است. اما برای اکثریت اهالی کشور این پراکندگی به سود ده کی حل می‌گردد. در روزهای رخصتی آنها ذریعه طیاره و یا کشتی جهت تفریح بکشورهای همسایه سنگاپور و یا با تلوک می‌روند. اما پادشاه کشور ضرورت ندارد تا جهت تفریح قصر مجلل خود را ترک گوید. این قصر با عظمت که در کتاب "پرنکار" های گونس نیست گسرد. پده است دارای ۱۷۸۸ اتاق بوده که مساحت عمومی آنرا ۲۰۵ هزار متر مربع تشکیل می‌دهد. بر علاوه در قصر کور گاراج برای صدها عراد موتور وجود دارد. سلطان بعد از آنکه با خانم دوس خود از دوایج کرد لازم دید تا مساحت قصر را زیاد کند. به همین دلیل

ومن بتوانم به کمک هموطنان خود بشتابم و بتوانم این تکلیف لوی جدید را در افغانستان عزیزم را بیج بسازم من تاسرهای دایمی یا مومسات خیره این جا دارم تا زمینه های را مساعد بسازم که کیک های طبی را برای مردم افغانستان جلب نمایم و مصدر خدمتی به همسپهان خود گردم هیچ وقت در افغانستان به زور کسی نمی‌تواند بالای مردم حکومت کند تاریخ این را به اثبات رسانیده است از زمان اسکندر تا انگلیس ها و بعد شوروی این به اثبات رسیده است مسئله افغانستان هیچ‌گاهی به زور و نظامی گیری و شیوه های جنگی حل نمی‌شود بلکه یگانه راه حل مسئله از طریق سیاسی است.

## عملیات سرطان جگر

مجروحین جنگ در کشور ما است؟ جواب: متأسفانه در افغانستان جنگ جریان دارد تا زمانیکه قوای خارجی در کشور وجود داشته باشد جنگ موجه بود محالاً هیچ مجرمی ندارد و من منحیث یک افغان شخصیت متأسفانه که جنگ در ام دارد و برادران ما یکدیگر را به قتل می‌رسانند. این یگانه آرزوی من است که صلح در افغانستان بویابد.

بوده اند. جواب: تاکنون چندین عملیات توپورهای سایر نقاط وجود انسان را موقفانه انجام داده و چون درین نوع تدایر که ها و رشته های عصبی قطع نمی‌شود بصورت مطمئن امکانات فلج و یا خونریزی مغزی وجود ندارد در حالیکه در تدایر های قبلی چنین امراض (۹۵) فیصد امکانات فلج قسمی وجود انسان - عملیات های مغزی متصور بود. سوال: قسمی که اطلاع دارید در افغانستان جنگ جریان دارد و مجروحین زیاد اند نظر شما در مورد جنگ در افغانستان چیست و آیا امکان کم‌شما به

از صفحه (۸۲) زن و بچه اش را می‌باید. اما هر وقت نمی‌تواند شت آنها را هم تنها باشد روشی فریب‌دهنده به اندازه روزنامه می‌رست. اما تادم در خانه او را همراهی می‌کردند و او را سخت تمام از آنجا جدا می‌شد. شاید بیست سال طول می‌کشید تا کشف بتواند همه قرضهایش را تمام و کمال بپردازد و بعد چه ۹۰ یا از آن به بعد دیگر می‌توانست خرج زن و بچه اش را بدهد. نه احتمالاً نه و اگر در این بین پدرش می‌مرد آنها بی‌خانه می‌شدند. به همین دلیل او را پدید آوردن سنگ لاش می‌نمون هم باشد که آنها را با ریسمانی از هم جدا کرد. او - پلی زندگی آدامس واقعا سخت و بی رحم است. چاربا با زمین به راحتی قوت خود را به دست می‌آورد. اما فقط آدمی است که با درج ببرد شرف آرزوست آری، تیره آرزوست که در این زنگه کسی همه می‌تواند مجانی کیک و سوسیس زمینی تهیه کند.

### درف و دست (از صفحه ۲۳)

۱ زراعت و امور روزمره روزهای - هفت تا نیز از خود خاصیت به خصوصی دارد .

از جمله سالهای جا لب یکی هم سال کبسه می باشد در - سالهای کبسه واقعاتی رخ میدهد که اکثره در ذهن انسان هم خطور نمیکند مانند زلزله ها ، بادها ، طوفانها ، ظهور آتش فشانها ، قتل و وفات رجال برجسته تولدات انسانی و حیوانی عجیب و غریب و امثال آن . به طور مثال سال جاری " ۱۳۲۰ " از جمله سالهای کبسه میباشد در سال جاری روزهای نیک زیادتر بوده و امیدواری درخشانی به مردم پیشبینی می گردد . البته امیدواری آرامش ادامه خواهد داد .

تعمیذات : پس از دانستن - احوال شخص و مشخص شدن ستاره و طالع او تعمیذ داده میشود که نوشتن آن نیز از - خود وقت و زمان مناسب دارد و نوشتن تعمیذ اکثره از مشک و زعفران و سیاهی رنگ سرخ و آبی کار گرفته میشود .

شرط اساسی در تعمیذات - تشخیص درست شخص است در هر مورد کسانی که حسن مراجعه نموده اند تشخیص از طرف من تثبیت شده و بعد از نوشتن تعمیذات نتیجه مثبت داده و مورد تأیید قرار گرفته است چگونگی همه اینها از قرآن مجید گرفته شده حتی در قرآن مجید از تسخیر سهارات توسط انسانها تذکر داده شده است پس علاج بشر هم ممکن است .

و قرآن مجید هنرهای و هنرهای جامع برای همه بشر است .

- محترم هوتکی صاحب در - اخیر اگر گفتنی برای خواننده - کان مجله داشته باشد .

- میخواهم بگویم که کک های من اختتامی نبوده بلکه برای همگان است آنچه خداوند بزرگ برام اعطا فرموده است من حتی الوسع می گویم در خلدت مردم باشم .

هارا میتوانند نام ببرید ؟

- فلم های مستند نهاد ساخته ام و فلم مستندی ساختم از - پرواز مشترک کبھانی افغان شوروی که ارزش تاریخی و فرهنگی هنگی دارد ، این فلم را خودم دایرکت و فلمبرداری کردم چون این فلم رنگ بود لذا امکان شستن آن در کابل موجود نبود ولی وقتی برای شستن به اتحاد شوروی رفت دیگر سراغی از آن ندا .

فلمی همین اکنون روید است از فعالیت های صدیق افغان ، این فلم را در حدود سی دقیقه دایرکت و فلمبرداری کرده ام و به شکل سیاه و سفید تهیه میشود .

- کدام جهات کار صدیق افغان را در فلم انعکاس داده اید ؟

- کشف معادلات و فورمولها و پیشگویی های او به اساس ریاضی فلسفی به سطح کشور و جهان .

- خوب در مورد زنده کسی شخصی تان هم چیزی بگویند .

- عروسی کرده ام پنج طفل دارم پسر بزرگ پانزده سال دارد و تا حال هیچکونه علاقه ای به پیشه پدر ندارد .

- خوب از شما یک چشمان صفاست و کمالی برای تان آرزو میکنم .

مسافره پرنده های مهاجر سفره آرمان و فلم های هم تا تمام است مانند الماس سیاه خاکستر که کار فلمبرداری آن تمام شده است .

- کدام فلم تا نرا از نگاه فلم برداری برتری میدهد ؟

تمام کارهایم را دوست دارم اولین کار که فلم " فرار " بود هیچ فلم دیگری برام جایش را گرفته نمیتواند ، در آن با اعلامیندی زیاده و انرژی - بیشتر کار کرده ام .

فلمبرداری پرنده های مهاجر که در فستیوال سال ۱۳۱۶ - مسکو شرکت کرده بود مورد توجه قرار گرفت و نقدی نیز بالای آن صورت گرفت .

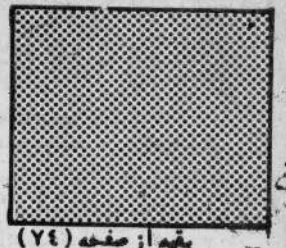
- تفاوت فلمبرداری فلم های مستند و هنری در چیست ؟

- فلم هنری به طور دقیق قیلا صحنه آرایی میشود و فلمبردار حتی ده بار یک صحنه را تیک میکند اما در فلم مستند زمان ارزش خاص دارد فلمبردار باید صحنه را طوری فلمبرداری کند که لحظه فوت نشود .

- چه وقت در یک فلم هنری تصویر زیبا بدست می آید ؟

- تصویر سینما هر قدر بهال باشد به همان اندازه زیباتر است .

- از فلم های مستند تان کدام



### قرار بر لیس (بهم از صفحه ۷۴)

در افغان فلم ادامه دادیم . شما که تحصیلات مسلکی ندارید چگونه کار را آموختید ؟

- مکتب تخنیک عالی را در سال ۱۳۵۱ به پایان رسانیده ام من گفتم که قیلا عکاسی میگردم تجدیداب فلمبرداری هم عکاسی است در مدت یکم سال که در قیلا شوروی بودم به استنادان مجرب کار کردم و قیلا در افغان فلم مشاوره میدادی - شتم از او نیز تجارسی اندوخته ام .

- پس اولین کار سینمایی تان کدام است ؟

- اولین کار سینمایی فلم رنگ افغانی بنام فرار است که انجینئر لطیف مرزا یاد دیکه کرد .

- کدام فلم های دیگر سینمایی را کار کرده اید ؟

- اکثر فلم های رنگ سینمایی را فلمبرداری کرده ام مانند مرد هاره قول اس و صبور سهاز

گشنیز را اگر روی زخم های جلدی بگذارید از شدت حرارت آن میکاهد . و باعث التیام آن میشود . کوبیده تخم گشنیز با نمک و مویح حافظ گوشت و - سالن و سایر قدا ها در برابر عفونت است . با تخم بامید گفته شود که گشنیز با همه این خصوصیات اگر زیاد خورده شود باعث سمومیت و گنگسی میگردد . هرگز در خوردن آن زیاده روی نکنید ، اگر در اثر خوردن آن مسموم شدید به هر نوعی که شده استفسار کرده و بعد مقداری تخم مرغ را در شهر حل نماید و صرف کنید . برگ گشنیز مسومیت کثرت دارد

شمره گشنیز هم میگویند شمره گشنیز که از خوردن ساقه و برگ آن به دست می آید دارای انواع ویتامین ها بوده و سود آن از تخم و خود گشنیز زیادتر است . دود کردن تخم گشنیز مجرای تنفسی را ضد عفونی میسازد و سردردی را تسکین میدهد و زخم های جلدی و بواسیر را درمان میکند . برای کسانی که نسبت به آن حساسیت دارند خوب نیست . برگ گشنیز ممکن التهاب صفرا و معده بوده و تشنگی را بر طرف میکند . کسو که عطشی کاذب دارد میتواند از حسن خاصیت استفاده نماید . برگ

### گشنیز (بهم از صفحه ۷۲)

گشنیز تفویح کننده قلب و مغز میباشد ، عرقان را از بدن میبرد و تشنه را کم میسازد .

بهست در صد تخم گشنیز - بهترین دوا برای امراض معده و قولنج است و جوهر گشنیز از راه ادرار دفع میشود و مجرای آن را ضد عفونی میکند و زخم سوزاک و سایر زخم های مجاری ادرار را درمان مینماید برای معالجه اسهال خونی که با دوا های دیگر معالجه نشود بهترین دوا آب گشنیز است که به آن



عمری لرورسی زیات شویدي  
د اد خلقت د جیو رازولـ  
خځه یواز دې  
د فضا پوله ( سرحد ) چیري  
دې ؟

# زمونیز سسټرې

پاتې له ( ۱۰ ) مخ کې

که یوه سفینه د نور په  
سرعت حرکت وکړي ( باید پوه  
شوچې هېڅ یو جسم له اجرامو  
خځه د دې وس ته لري چې د نور  
په سرعت حرکت وکړي لکه  
په هغه صورت کې تجربـ  
کوي اوسنۍ په لور بدل شي )  
یوازې دوه سوه کاله لاندې د  
چې وکولای شي له عمک خځه  
نمان د شمسی نظام سرحد ته  
ورسي او دغه شمسی نظام له  
لر او ستوریزو قرونو او میلیاردي  
اجرامو سره د هغه کهکشان  
یوه برخه ده چې منځ یې یوه  
برخه هرښه د انسان په  
پراخه غټې کې د شید په رڼک  
وینو

اودغه کهکشان له خپلو  
میلیارديو ستورو سره د هغو  
زرگونو کهکشانونو له دې خځه  
دې چې په یې باید نړي کې  
په سرعت سره په حرکت کې دې  
شمسی نظام ته تر یو لویږدې  
کهکشان ۸۰۰ زره لویي کاله  
زمن سره واټن لري او تر یو لویو  
لویي کهکشان چې پشـ

د یوه لویو نوري نوري دورون  
په واسطه لیدلای زموږ خځه  
یو میلیون نوري کاله واټن لري.  
په بل عبارت دغه کهکشان  
زموږ د لیدنې د نظره د فضا  
په سرحد کې واقع دي پر داسې  
حال کې چې پوهنیز وفضاحـ  
او موزونه لري اود هغه کهکشاني  
ترشا نور کهکشانونه هم وجود  
لري.

باید پوهنیزو چې زموږ  
کهکشان د خلو ستورمیلاردونه  
حدود وکې ستوري لري چې  
زموږ د لرغون پراخو نوري او دا  
سی محاسبه شوي چې د دغو  
خلو ستورمیلارد و ستورونو ۱۶۰  
میلیارد لږلې له لر خځه زیات  
دي او باید پوهنیزو چې  
زموږ کهکشان د ژوندې د تنځي  
په شان په خپل شاوخوا اخرن  
اود هرې خرځیدنې وخت  
دوه سوه ملیونه نوري کاله دې  
اما د تود و ستورو وخت چې  
د دغو کهکشانونو کسې دې  
داسې وه

پاتې پورتنی لنډې پاشا  
ري بریږي چې پوهنیزو پلټنو  
نکې او مغرور انسان د دغه  
پراخې نړي په لویي والي کې  
خپره قدر لري.  
زموږ د ملګري کړه د نړي  
د عظمت په وړاندې حتی د لږ  
د ونو د هغو زړونه هم کوچنې  
ده چې منځ یې د لمر په رڼا  
کې په کوزه کې وینو. اما دغه  
کوچنې او ګرډه لږه لږه د انسان  
لرونکي ده او انسان د ملغزو لور  
نکې ۰۰ مافزه د ژوند تر ټولو  
حیاتي بد پدې ده اودغه  
بد پدې کولای شي ستورنيزي  
او مجهول شیان کشف کړي  
هغسې چې کشف کړي هغسې  
هم دي.  
ایا زموږ نړي په لویو کورنه  
کهکشان کې انسان وجود لري.

ولی وجود لري ؟  
ځانګه امکان لري داسې پوهنیزو  
چې لږ تر لږه ۲۵ فیصد ته ممکن غوږ  
نډې شرا پلورلې متفکر موجودات  
وجود ولېږي.  
ولی پشور د نړه زمان غوښتونکي  
وو چې تصور یې ګاوه هرڅه  
دده له پاره دي اوهغه  
څه چې پاس دي دده د خوږ  
نډې اختیلاو په خاطر اینډول  
شویدي امان یې یوه شوې څه  
پاتې په ( ۸۲ ) مخ کې

هر ستوري په پیل کې د یو  
لوی دې په مخصوص لښو وزن  
سره ، بعدغه وخت کې یې  
رنگ سور دي ، ستوري وروږ و  
تغیبات کوي او ستوري مخصوص  
وزن لږ کوي رنگ یې هم  
تغیبات کوي ، یعنی لمره نه  
وړسته ، روښانه سور وروسته  
سپین ته ژدي زېر او پاشین  
شي . او دې وخت کې یې  
حرارت خپل وروستی حد ته  
رسېږي او پورته د ستوري رنگ  
زېر ، روښانه سور ، تنځي  
ترڅو سره رنگ ته ورسې او پاشا  
سور شي .

زموږ لمر او سرد توریجن  
سور رنگ په حال کې دي او  
د سرد و خواته یې چې البته  
دغه دوران ملیونه کلونه  
په پورې نیسي .  
پلټونکي او مغرور انسان

## پاتې له ( ۲۴ ) مخ کې په افغانستان ...

د ډاکټر راپرت هاجمین  
په نظره ، چې په دغو نوم  
نې یو کار پوه دي ، له شپږ  
وخت کلو راپه دخوا د لور  
په پیل دي چې یو ټکه له  
اسانه را لویږي . دغه اسانه  
نږتګ یې له ټکه له مېنځ  
غځولای او غلورنې لور  
پاتې سره ګاه هر لري .



## ملیونا

بقیه از صفحه ( ۵۵ )  
متن ان خپلې آرام انجام مېګور  
برده باري و تحمل اعظمی در  
سین ۲۰ سالګه د پده مېشود  
که د از تکمیل ۲۰ سالګه  
این خصوصیت انسان ګاه ش  
س باید ولی خپلې کم ا نمېد  
در سالی

## صفا، صفا... بقیه از صفحه ( ۵۱ )

از نیا یې پاس مېشود ، که په  
نظر من در این مورد مثال ها  
زیاد است و من نمیخواهم پاس  
کسی طرف قرار بگیرم مگر تقاضا  
از کمیسیون اینست که کسی  
پاسوریت قضاوت نمایند  
و نگذارند که انگهای بی سر  
و بی لای اجازه نشر یابند ( ۱ )  
آزود ارم . فرید صمبها  
صمیمیتی که مویسبی دارند  
عشق بیشتر بپوزند و انگهای  
خوبتری به هنر و دستهای  
مرضه بدارند

## بقیه از صفحه ( ۲۵ ) تاریخچه

بگدا رد یا نهضت خانم و  
د خورش هغس پاننده را اگر  
په پنده هغسنا ستم لطف بعد  
باز هم دوازه ان خانم صدق آلیاب  
میشود و همان واننده مایه و  
میگوید که او و سایل را که گویا  
کس توسط مو ترا و پوده است  
ګهر او زده و باید کسی از خانه  
انها به دفتر پولیس مراجعه  
کند به این ترتیب خانم و  
د ختر جوان ان مرد نظیر و د  
س موده ، ما این قضیه را هغه  
م اما نفس این حادثه متواتر  
هغه داری باید به خانواده ها  
که از هر نوع نمانی ګسری و  
احقاد به دزدان اجتناب ورزده

# عشق و عشاق

بیت از سنه (۲۱)

به طرز عجیب بد شد . آیا سرما خورد و بود ؟  
یا شاید به خاطر استفاد ما ز ظروف فلزی آشپز  
خانه ، سمی شد بود . با کتری که با -  
لاسرش آمده بود ، فقط خندید و گفت : که  
مسلمان تشنجی عجیبی بود . چون حال  
زن جوان وخیم بود ، شاید هم کافند  
د یواری ها آرسنیک داشت . گوشتاف  
تکه ای از کافند یواری را پیش پیک  
کمیاد آن برد و از او خواست که آن را در قفسه  
آزمایش کند . گزارش کمیاد آن حاکی از آن  
بود که کافند یواری ها حاوی هیچ ماده  
مضری نیست .

درد همسر گوشتاف کاهش نیافت . به  
همین دلیل هم خود گوشتاف شروع به  
تحقیق کرد . که مطالعاتش در کتاب  
طبی منجم با طبیعتش نسبت به  
نوع بیماری همسرش شد . بعد همسرش  
را با پاپ گن باشویی می کرد و یک ماه بعد  
افلام کردند که حالش کاملاً رضایتبخش  
است .

و این خیلی ناگهانی بود ، یعنی  
انتظار نداشتند به این زودی باشکند .  
با این حال چقدر ریو ریو در شدن شوهر  
بود مسلماً چه پس بود . شکی در این نحوه  
فقط باید فکری راجع به امش می کردند .  
در این میان لوئیزا شوهرش را کنار کشید  
و به او یاد آوری کرد که از بوقی که با هم  
از دواج کرده اند ، درآمدی غیر از حقوق  
قشند داشته است و چنان که پیدا است  
اصلاً کفاف زندگیشان را نمی دهد خوب  
درست است . آنها تا آن موقع تا اندازی  
در رفاه زندگی کرده بودند و حالا باید  
روشان را تضرع می دادند و بعد دیگر  
همه چیز مطابق میلشان می شد .

روز بعد گوشتاف به دیدن دوستی  
که وکیل بود رفت و از او خواست کرد که  
سندی را برایش نوشته کند ، و برایش  
توضیح داد که می خواهد با آن ، پولی را  
که احتیاج دارد قرض کند و برخی از مخارج  
اجتناب ناید بپردازد . این نزد یک  
تامین کند .

و دوست وکیل او هم تصدیق کنان  
گفت : ( پولی از دواج و راه انداختن امور  
خانواده ، مشغله پرخرجی است . خود  
من که تا حالا نتوانسته ام از همه اش سر  
بیاورم )

گوشتاف از درخواستی که کرده بود -  
حیالیت کشید و وقتی دست خالی به  
خانه برتست ، به او خبر دادند که در دلت  
بیگانه به در خانه اش آمده بودند و سراغ او را  
می گرفتند .

گوشتاف هم فکر کرد محتاجند تا  
از دوستانش افسران نظامی بپوشد  
ایه آمد بود نه پولی گفتند ( نه آنها می توانستند  
افسر باشند ) و او گفت : ( او پس حتماً  
از دوستان سابق در پسا آمده اند ) -  
( شاید شنیده اند که از دواج کرده ام و  
آمده اند مرا ببینند ) ( فقط مستخدم  
بود کاپریا رفت : ( نه آنها پسا پس  
نمودند ، استکفامی بودند و -  
دستهاشان بود . گوشتاف گفت : ( -

گوشتاف دیگر برای به دست آوردن -  
بول راحتی نداشت . اکنون خوار با زفروض  
مردی که اسب کرایه میداد نسیه میدادند  
چون آنها هم می خواستند به زن و بچه ها  
پشان نان بدهند .

و بالاخره روزی که فرامی رسد . گوشتاف -  
ف مجبور است اجرت پرستار همسرش را تامین  
کند و وقتی دختر نوزادش در بخلش  
است ، صدایش می زند تا طلبکارها پیش  
را آرام کند . صدایشهای جدید خبلی  
برایش سنگین است و تقریباً زرفنسا ر  
از یاد آورده است . درست است که او موفق  
شده سفارش ترجمه بگیرد . اما چگونه می -  
تواند وقتی هر لحظه باید دنبال کاری برود  
ترجمه کند . به این حال وضع است که  
او به بد رزیش متصل میشود . پیوسرود  
بمسردی او را بد برامشود می گوید : ( این  
بار به تو کمک می کم ، اما فقط به بار چو ن  
در آمد خود من به زور کفاف زندگی ام را می  
دهد . و تو هم بچه من نیستی ) گوشتاف  
ف باید برای ماد رجه غذاهای لذیذ  
کباب و مواد گرانقیمت تهیه کند باید اجرت  
پرستار را نیز بدهد .

خوشبختانه همسرش بزودی روی دیبا -  
پش ایستاده مثل دختر بی بار یک و قلمسی  
میشود و رنگ پریشگی چهره اش جایی  
خود را بمسرخ می دهد . اما پدر لوئیزا  
به طور جدی با دادا تن صحبت میکند .

( لطف کنید و دیگر بچه دار نشوید -  
مگر اینکه بخواهید بد بخت بشوید ) ( خا -  
نواده کوچک گوشتاف همچنان برای مدت  
کوتاه د پکری به زندگی خوش بر پایه عشق  
قرضهای روز افزون ، ادامه داد . اما  
بالاخره یک روز روشکستی در خانه شان را  
به صد آورید . خبر دادند که اسباب  
و اثاثیه منزلشان توقیف شده است و بعد  
پیوسرود آمد و لوئیزا را چه اش بر آورد . وقتی  
انها با گادی می رفتند پیوسرود با اسرگی  
فکر کرد دخترش را به جوانی داده که حالا  
پس از یک سال با بی ابروی بی فرستاده -  
است . البته لوئیزا حاضر بود با کمال میل  
بمب گوشتاف بماند ؛ اما چیزی برایشان  
باقی نمانده بود تا با آن زندگی کند و -  
انها گوشتاف را در حالی که مامورین ضبط  
اموال چوب بدست کد داشتند ابارتاشرا  
از بیل و تخت خواب و ظروف سفالی و قاشق و سنج  
و ظروف آشپزخانه خالی می کردند . نگاه  
می کرد ، پشت سرگردانند و رفتند تا اینکه  
ابارتاشرا خالی شد .

اینک زندگی واقعی گوشتاف شروع شده  
بود گوشتاف موفق شد شغلی به عنوان  
مصحح در روزنامه صبح برای خودش بدست  
ویا کند . به همین دلیل هم مجبور بود  
هر شب چند ساعتی را بابت میزبانی کار کند .  
و چون در واقع روشکستی او را اعلام نکرده  
بودند ، اجازه داشت مقامش را هم در اد -  
اره دولتی حفظ کند . اگر چه دیگر نمی توان  
نست امیدی به ترفیع داشته باشد ، بعدر  
زنش موافقت کرده بود که او روزهای یکشنبه  
بقیه در صفحه ( ۸۵ )

عجیب است . خیلی عجیب است ) اما  
بی شک آنها بر می گشتند .  
دو باره شوهر جوان برای خرید پیوسر  
رفت و توت زمینی به قیمت ارزان خریده  
و سپس پیوسرود آن به همسرش گرفت ؛  
( فکرش را بکن ، توت زمینی خریدیم یک  
کرون و نیم ، آن هم این موقع سال )  
همسرش گفت : ( آه ، اما گوشتاف  
منم ، مای توانم از این مخارج چیزها  
بر آیم )  
( هم نیست ، قبلاً برنامه اش را  
ریخته ام ، کمی اضافه کاری می کم )  
( اما قرضهایمان چه ؟ )  
( قرضها ؟ چطور مگر ؟ یک وام کلان  
می گیرم و همه را یک جاسی دم )  
لوئیزا اعتراض کنان گفت : ( آه ، اما  
مگر خود این هم یک قرضد بگرنیست ) -  
( خوب باشد ، مهم نیست . می دانسی  
که خودش یک مهلت دوباره است -  
اصلاً چرا ما راجع به این چیزها بحث  
می کم ؟ چه توت زمینی است ؟ )  
آن روز لوئیزا وقتی بی از خواب بعد از  
ظهور بیداری میل ، بیدار شد ، از اینکه  
دو باره می خواست راجع به موضوع قس  
ضمانت صحبت کند ، از شوهرش بماند  
ت خواست گفت : کامید از راست شوهرش  
از چیزهای کارسجور است بگوید ، صعبانی  
نشود . صعبانی ؟ نه ، البته که نمیشود .  
اما موضوع چیست ؟ آیا پولی برای خرج -  
خانه می خواهد ؟  
لوئیزا گفت : ( هنوز پول خوارسار  
را نداده ام . قصاب مارا تهدید میکند  
و آن مرد هم که اسب کرایه می دهد اضرار  
دارد که حسابان را تصفیه کنم )  
و گوشتاف گفت : ( همین ؟ همه را فردا  
یک جا تا تران آخرش می دم ، اصلاً بیجا  
به یک چیز دیگر فکر کم . دوست داری  
با گادی بیوم بارک ؟ چه ؟ بهتر  
است با گادی بیوم . خیلی خوب تر است  
اما هم هست ، بر با ترا موی روس )  
و به بارک رفتند و در اتاق خصوصی رستوران  
شام خوردند . ضمن اینکه سرگرمی خوشی  
هم بود . چون آنها می در سالن عمومی  
رستوران غذا می خوردند . فکر کردند که  
آن دو عاشق و معشوق شاد و پر نشاط هستند  
و این فکر باعث تفریح گوشتاف شد ؛ اما  
لوئیزا اصرارده بود . به خصوصی و قس  
صورت حساب فذارد بد . چون پسا ن  
پول می توانستند در خانه فذای بیشتر  
بخورند .  
چند ماه گذشت و حالا نوبت تدارک  
واقعی ، تهیه گواره ، لباس بچه و غیره

از کجا فرا گرفته ای و آستادان تو کسی بودند که تو را این چنین پروراندند؟ گفتم من چند استاد در ماوراء النهر داشتم ولی بزرگترین استاد من قرآن بود من قرآن را خواندم و حفظ کردم ولی نه آن طور که دیگران میخوانند و حفظ میکنند. من هنگام خواندن و حفظ کردن قرآن کوشیدم که از هیچ آیه نفهمیده نگذرم و معنای تمام آیات قرآن را دریافتم. امام اعظم گفت: ای امیر بزرگوار! آیا ممکن است مرا بشاگردی خود بپذیری و من را معلم بدی؟ گفتم من فرصت تعلیم ندارم و زندگی من تا پایان عمر زندگی یک مرد جنگی است و من وقت ندارم در جنگها بخواهد گذشت اما اعظم گفت افسوس که تو فرصت نداری مرا تعلیم بدی و گرنه من با کمال خشنودی شاگردی تو را می پذیرفتم.



همه دستار بر سر داشتند که سر پویش عمومی سکنه شهرهای خراسان است آن عده و مقابل اسب من توقف کردند و یکی از آنها که ریش سفید بود با صدای بلند شروع به خواندن شعر کرد و اشعاری بدین مضمون خواند: ای امیری که خورشید و ماه و فلک در اختیار تو است و جز با اراده تو گردش نمیکنند قدم تیره بشوید مبارک باد و ما سکنه مکه این شهر تا آنجا که توانائی داشته باشیم ازین برای تو گواهی می دهیم.

وقتی که اشعارش تمام شد از وی پرسیدم امیر این شهر رکوست آن مرد گفت این شهر را امیر ندارد گفتم چگونه ممکن است شهری امیر نداشته باشد و بدون امیر چگونه امنیت و این شهر حفظ می شود و احکام شرع و عرف را کجا اجرا می کند؟ امیر گفت ای امیر بزرگوار! مادر ما این شهر امیر ندارد و احکام شرع و عرف را خود ما اجرا می کنیم گفتم من وضعت چیز شما را شنیده بودم ولی تصور نمی کردم که بشوید امیر و حاکم نداشته باشید با وجود آن مرد گفت ای امیر بزرگوار! برای اینکه بدانی شهر ما امیر و حاکم ندارد خوب است قدم رتبه نمانی و وارد شهر شوی و وضع شهر ما را ببینی.

در آن موقع به یک کارگاه نماجی رسیدم و دیدم که درون کارگاه چهار نفر مشغول پارچه بافتن هستند. حسین بن اسحاق گفت ای امیر! هرگز هاشی که مردم این شهر جمع آورده اند نمایند صرف بافتن این پارچه کرکی که مو سوم به برك است می شود. آنگاه دستور داد که طاقه از آن پارچه را برای من آورند تا ببینم و پارچه مزبور که با کرک بافته می شد از پارچه های ابریشمین چین که بخصوص در سرسره قد فراوان است نرم تر و لطیف تر بود و من تا آن روز پارچه ای بان لطافت و نرمی ندیده بودم از حسین بن اسحاق پرسیدم که بهای یک طاقه از این پارچه چقدر است جواب داد نیم دینار. بهای پارچه بسیار ارزان بود و هنگامیکه خواستم از کارگاه هاج شوم دست در جیب کردم که بهر یک از نماجان که در آنجا

## غزیت به جنوب خراسان

من می دانستم که زورمندترین حریف من در خراسان علی - سوف الدین بود. امیر سبزواری بود که به قتل رسید. بعد از وی در خاک خراسان کسی وجود نداشت که آن اندازه قدرت داشته باشد که من و جنوب خراسان چند امیر بودند که هر کدام یک تشون داشتند و من می خواستم آن ها را نیز مطیع خود کنم من میدانستم که خبر قتل عام سبزواری و بران شدن آن شهر با اطلاع تمام شهرهای خراسان رسیده و امرای آن سرزمین حساب کار خود را کرده اند معینا بهترین بود که از جنوب خراسان اطلاع حاصل نمایم. چند روز بعد نزدیک شهر پشور - ریه رسیدم که می گفتم تمام سکنه آن دان نشنیده هستند همینکه سواد شهر نمایان شد دیدم که عده ای پناه به سوی من می آیند و معلوم شد که از سکنه شهر هستند من حدس زدم که آنان از بزرگان شهر می باشند و آمدند تا ما را مورد استقبال قرار دهند.

ولی وقتی بنزدیک من رسیدند مشاهده نمودم که همه از نوع روستائیان می باشند و جامه همه آنها کرباسی است و چون هوا خنک سرد شده بود قباها از پشم روی آن پوشیده اند تمام جامه ها آبسی و تمام قباها خاکستری بود و گویی که در شهر آنها غیر از کرباسی رنگ و پارچه پشمین خاکستری پارچه دیگر وجود ندارد.

کار میکردند چند - که زود بهم ولسی همد یک از آنها عطیه مرا نذر گرفتند و گفتند ای امیر بزرگوار دیدار جمال تو ما را کافی است و ما پانجه از راه کار بدست می آوریم قانع هستیم بهش از آن احتیاج نداریم.

از کارگاه خارج شدم و بعد از طی ده قدم به یک دکان بقالی رسیدم و مشاهده کردم که زنی مشغول خریدن چیزی است و مرد بقال قبل از این که دست چتراز - ببرد گفت: "هل للمطفین المرفوع اذا کانت لوجه الناس یستوفون" من از شنیدن کلام مزبور که آیات سوره "المطفین" در قرآن بود متعجب شدم چون انتظار نداشتم که آن مرد بقال قرآن بداند و آیات گفتم ای نیک مرد! آنها که در کودکی آموزگار من بودند نمیتوانستند مثل تو و با من خوی قرآن را مخفی کنند ولی تو برای چه در این موقع این آیات را بخوانی و بقال گفت ای امیر! امراء هر وقت که من بخوام دست چتراز بهم این آیات را میخوانند تا این که خدا را ناظر بدانم و کم نفروشم.

من با اتفاق شیخ از خانه خارج شدم و مشاهده نمودم که دکاندارها جامه خود را عوض می کنند و هر کسی که جامه را عوض می کرد و لباس بهتری پوشیده را مسجد را پیش میگردید بدین این که در دکان خود را ببندد زیرا در شهر پشور - ریه سارق وجود نداشت تا این که کسی از سرقت اجناس دکان خود بهم داده باشد.

از یک دکاندار که جامه پوشیده و از آن کان خود خارج می شد تا مسجد بروم پرسیدم برای چه جامه خود را عوض کردی و او بعد رنگ این آیه از قرآن را که یکی از آیات سوره اعراب است برای من خواند: "یا نبی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلووا و شرابوا و لا تبسوا و لا یحب العسر العین" به شیخ حسین بن اسحاق گفتم من تا امروز هرگز ندیده ام که کسی حافظ قرآن هستم و اینک می بینم که تمام سکنه این شهر حافظ القرآن هستند بعد از آن مرد پرسیدم آیا معنای این آیه را بدانی؟ او گفت خداوند میگوید ای فرزندان آدم هنگامی که می خواستید عبادت کنید زینت خود را بپوشید و بخورید و بنوشید اما اسراف نکنید زیرا خداوند کسانی را که اسراف می کنند دوست ندارد.

# یوگا

۲- بلند شوید و به حالت اولی برگردید • دستها را  
تکان دهید و استراحت کنید •  
هدف عمده :

سینه • بازوها و شانه را تقویت مینماید •

- ۲ -

فوتوی شماره (۳۷)



## فصل هفدهم تمرینات زیبایی اندام برای تمام بدن

در سلسله تمرینات فیزیکی یوگا تمرینات بسیار موثر و مفیدی برای زیبایی اندام وجود دارد که زیبایی اندام را به سطح خیلی عالی تاء مینماید • برای هر قسمت بدن یک یا چند تمرین وجود دارد و آن چه که در زمینه مورد توجه بیشتر قرار میگیرد این است که هر پوز به صورت کل بالای تمام قسمت های بدن اثر میگذارد درست مانند فیته را بری که با وارد ساختن قوه در یک طرف آن تمام قسمت های آن به اهتزاز در میاید • بنابراین یک پوز شاید بالای یک قسمت مشخص بدن متمرکز باشد ولی تاء ثیر آن را بالای تمام قسمت های بدن نمیتوان نسا دیده گرفت • درین فصل تمریناتی پیشکش میگردد که در تقویت و زیبایی اندام شما از سرتابه پا کنگ شایانی خواهد کرد •

تمرین قسمت علیای بدن

### هدایات :

- ۱- بالای دستها وزانهای تان انکاء کنید طوری که دستهای تان در حدود دو انچ بیشتر از عرض شانه هسا از هم فاصله داشته باشد •
- ۲- ساقهای پاها صوری قرار داشته باشد که در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع نمایند • طوری به پیشرو خم شوید که وزن بدن تان بالای زانوهای تان قرار داشته باشد • تنفس کنید •
- ۳- نفس بیرون بکشید • کمرو سر را راست نگه دارید و آهسته آهسته بدن تان را به طرف پایین بیاورید • و این حالت آرنجهای تان باید به طرف بیرون قرار داشته باشد •

- ۴- هنگامیکه بدن تان نموی از ارتفاع قبلی بدن وسط فرس رسیده این حالت را برای (۱۰) ثانیه حفظ کنید • نگذارید که قسمت بالای تنه تان بر سطح فرس تماس کند •
- ۵- بصورت کل یکبار به سطح فرس بچسبید • حالات شمارش چهار استراحت کنید •
- ۶- نفس بکشید • بدن را با فشار بر فرس بچسبانید و بعد تا نیم ارتفاع قبلی بر خیزید • این حالت را باز هم تا (۱۰) ثانیه نگه دارید •

### تبصره :

صعی کنید در جریان اجرای این تمرین کمرو را صست نگه دارید •

تمرین خرد ساختن بطن

### هدایات :

- ۱- پشت بر زمین هموار دراز بکشید و هوله را زیر قسمت سفلی کمر تان قرار دهید • دستهای تان را در حالیکه انگشتان تان با هم بسته باشند زیر سیر قرار دهید •
- ۲- ساقهای تان در قسمت بجلک ها یکدیگر را قطع کنید • زانو ها را فات و پاها را بلند کنید • قسمت سفلی کمر را خوب بر فرس بچسبانید • تنفس کنید •
- ۳- نفس بکشید و در عین زمان قسمت علیای تنه و لگن خاصره را از فرس بلند کنید طوری که آرنجهای تان به زانوهای تان بچسبید •
- ۴- تنفس عمیق اجرا کنید و این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید •
- ۵- آهسته آهسته به حالت اول برگردید و استراحت کنید •

# فروشگاه ولی حاجی

ناب ترین فلمهای ویدیویی گلچین  
 پشتو، دری، هندی، عربی و غربی آماده  
 فروش دارد، همچنین فلمبرداری متعلق  
 خوشی شما را با شرایط سهل میپذیرد.  
 آدرس، چارراهی انصاری، شهر نو



گفردنی بسین  
 تازه رسیده  
 کفشهای متنوع  
 و زیاده از حد  
 در فروشگاه  
 کفشهای متنوع  
 و زیاده از حد  
 در فروشگاه



# آریانا مارکیت

## تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و

لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بچگي

تلویزیون و غیره اجناس را طور عمده و پرچون برای مشتریان

محترم عرضه میدارد.

آدرس: ایستگاه و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلا



# هفت سال...

سالم شاه به خاطر فکستوی چندمهره، متون نفقات و فلج قسم هردو را همکار کم برای یکسال در هفاخانه داخل بستریباند.

یکسال هفاخانه هم سوری شد اما سلم شاه چیزی را که از دست داده بود به دست آورد نتوانست.

سلم شاه مدتهای را در چکوسلواکیا و هندوستان نیز به خاطر تداوی خود (به پول شخصی) سرگردان هفاخانه ها بود اما او که هم اکنون نیز در هفاخانه وزیر اکبرخان تحت تداوی منظم قرار دارد، مردیست موقر و آرام و مهابت، در وجود او از دل شکسته گی و ناامیدی چیزی وجود ندارد.

در سال ۱۳۶۰ از دواج نموده و هفت پسر دارد.

رویاها روی منزلش می براید و اتاگاه درستان نیرومندی در فنان و آب خانوادگی مختصرش را تهیه میکند، از زنده گی شکایت ندارد و به روی همه تاایلات امیدوارانه لبخند میزند.

در اوقات فراغت به افکار راحت و همت بلند به کسورس لمان انگلیسی میبرد و میباید هنوز جوانه این آرزودار و هست که باردیگر جهت تداوی بد خارج از کشور برود.

که بزودی زینت بخش سینه این ورزشکار افغانی خواهد شد.

دیگر به شروع مسابقه صرف پوست و چهار ساعت با قفس مانده است.

روز و شنبه دو بار در هم دلو ۶۶ بود، عقبه های صامت دوازده ظهر نشان میدادند و ناگهانی در مورد سلم شاه مسافرت و اشتراک در مسابقه همه چیز در گریب شد.

در محل تمرین (کمیته ملی - المپیک) ناگهان سرور صدای عجیبی به راه افتاد، همه از یکدیگر میپرسیدند: سلم شاه؟ آیا باز اتفاقا شده است؟

تعدادی از حاضرین به سوی سلم شاه که در وسط میدان بهوش افتاده بود و تعدادی دیگر نیز دستهاچه اینصورت نمودند.

باید داکتر را خبر کنیم.

باید او را به هفاخانه ببریم تا سلم شاه سالم باشد.

جرات برانگیزه بی به هم می آمیختند هر کس چیزی میگفت و کسی که از گفتن مانده بود سلم شاه بود.

داکترهای معالج در اتاقی کفرانس در حالیکه به عکسهای بیمارشان اشاره میکردند نظرنهایی شان را راهی کردند: در اثر ضربه وارد درجه شان ترمیمات صورتی و ورزشکار

## چیت دوستی و استعدادهای فوق العاده با هم را بیله دارند

# ایمانتان چیست؟

اموزان مقایسه کردند ۱۰ آنها در هزاره پیش نمره کثرتی آورده بودند (۱۰ یا کمتر) ولی در امتحانات مکتب نمرات خوبی داشتند اعضای یکی از این دو گروه را به طور تصادفی انتخاب کرده بودند و گروه دیگر از لحاظ نسبت مطابق با گروه مورد بررسی بود.

در مورد اینکه چرا تعداد پسر هائیکه که استعداد فوق العاده از خود نشان میدهند پیش از دختران است، وایلی و گلشتین معتقدند که پسر ها در ریاض به استعداد بیشتری برخوردارند، آنها به تحقیقی در یگزار بعضی محققان اشاره می کنند که دختران در تستهایی که زمان در آنها دخالت نداشته باشند، نتایج مشابه پسران، به دست آورده اند. این دو محقق در پایان اظهار می دارند:

((وایلی و گلشتین) میساکه نتیجه تأثیرات ناشناخته خانوادگی و مدرسه ای باشد.))

به گفته وایلی و گلشتین، امید از دانش آموزان هر گروه چیدست بود، در صد چیدستی در بین پسران هر گروه ۱۶ نفر بود. تحقیقات نشان می دهند که به طور کلی ۱۵ نیمی از چه ها و نوجوانان چیدست هستند. وایلی چیدستی ثابت که تا بزرگسالی ادامه پیدا کند حد در هفت نیمی است.

یک سوم دانش آموزان گروه مورد بررسی و گروه های مقایسه آزرگی یا کم داشتند معنی این آمار چندان روشن نیست. چون آمار از نیمی کسانی که در کل جامعه آزرگی دارند در دست نیست.

پاراست دست و مثلاً اسباب بازی را با دست راست میگیرند یا چپ؟ بدینوسیله میتوان از میزان صحت یا نادرستی نتیجه گیریهای مزبور آگاهی به دست آورد و بالاخر احتمالاً تا بیدای قلمی بر نظر به وراثتی بودن چیدستی پاراست دست در اختیار داشته است.

چند سال پیش تحقیقی در مورد موفقیت های تحصیلی عالی به عمل آمد و چنین موفقیت هایی در نوجوانان ۱۲ و ۱۳ ساله یاد نشان ببولیونیک مرتبط شناخته شد: یکی چپ دست بودن و دیگری الیونها. محققین این فرضیه را مطرح کردند که اگر چنین پیش از آنکه در معرض هورمون مردانه تستوسترون Testosterone قرار گیرد یا نسبت به آن حساس باشد، این نشانه های ببولیونیک در او تشدید و تثبیت میشود و در پسر ها به استعداد ریاضی و زبانی زودرس می انجامد ولی تحقیق دیگری که به تازگی انجام شد معلوم شد که در نوجوانان ۱۲ ساله با موفقیت های فوق العاده، چیدستی یا الیونها پیش از نوجوانان همان آنها که موفقیت های تحصیلی نیز دارند، نیست.

جنیفر وایلی (Jennifer Wiley) و دیوید گلشتین (D. Gold) از دانشگاه استاتین (Stein) در کلدرد در هام ۱۶ مه ۱۹۷۰ (۲۷ پسر و دختر) را که استعداد فوق العاده از خود نشان داده بودند (در آزمایش ریاضی نمره ۷۰۰ آورده و در آزمایش استعداد زبانی لااقل ۶۳۰ آورده بودند)، با دیگر گروه به همین تعداد و همین سن از این

(ماورا، صورت)، ایمانات یا تکرانهای بسیار ری اندران واداران بر طرف شده است. پاشیوه ((سونوگرافی)) میزان فهمید که چنین پسر است یا دختر اما جالب توجه اینکه با همین شیوه ممکن است چیدستی بودن یا راست دست بودن بچه را نیز حدی زد.

پهتر هپر (P.G. Hepper) روانشناسی از دانشگاه کولینز (در بلقاست) و همکارانش ۲۶۶ چنین را سونوگرافی کردند و متوجه شدند که ۱۶۸ فهمید از آنها انگشت شصت دست راستشان را می کشد و فقط ۱۲ چنین با ۱ / فهمید از آنها انگشت دست چپ خود را می کشد. به گفته هپر ((ما شواهد روشنی در مورد چیدستی پاراست دست چپ در بین پسر ها و در بین زنان می افزاید که این نتایج بر نظریه وراثتی بودن چیدستی نسبت به نظریه اکسایش بودن آن تأکید بیشتری میکند زیرا نظریه دیگری هم وجود دارد و آن این است که طفل به دست پدر یا مادر نگاه میکند و کار کردن با دست چپ پاراست را فرا می گیرد. اگر تجربیات مزبور را قاعدتاً لالت بر چیدستی پاراست دست چپ هادر بر هم داشته باشند، این نظریه ((آموزش اکسایش چیدستی)) قطعاً رد میشود.

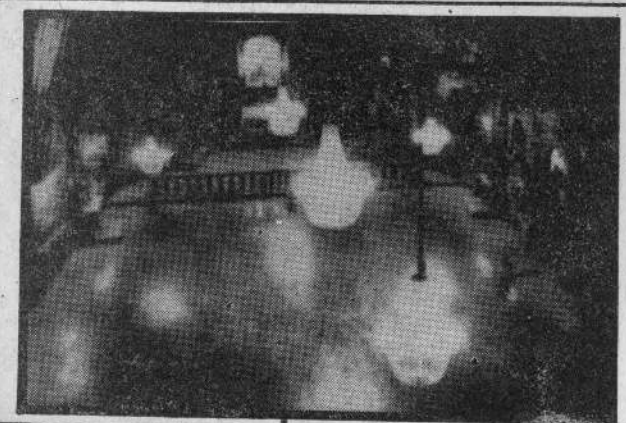
جنبه های چیدستی، بعد از تولد و در دوران نوزادی بیشتر سرشان را به سمت چپ بر می گردانند و گفته هپر این یکی از علائم اولیه چیدستی است. محققان مزبور، در صد نه تا وضعیت بچه های آزمایش شده را تعقیب کنند تا ببینند که آنها در آینده چیدستی میشوند

شماره های از کوبکان در فرهنگ  
نوزادی سر همایشان را به  
سوی چیت دوستی کردند  
که این یکی از نشانه های  
چیت دوستیست

تحقیقات نشان میدهند که به طور کلی فهمید از کودکان و نوجوانان چیدست هستند. ولی (چیدستی ثابت) که تا بزرگسالی هم ادامه پیدا کند، تنها حدود هفت نیمی است.

چیدستی چیدستی، پس از تولد و در دوران نوزادی، بیشتر سرشان را به سمت چپ بر می گردانند، که به گفته دانشمندان این یکی از علائم اولیه چیدستی است.

برای بچه ای که فراراست به دنیا بیاید چه لباس تهیه کنیم؟ دخترانه یا پسرانه؟ امروز با امواج صوتی غیر سموع



رایه خود جلب میکند، بهیچت موزم همگروه تداوی و اموزش استفاده به عمل می آید.

سایتی در آنها از بدی به این طرف و سرچهای در این منطقه به راه انداخته اند که در نتیجه امراضی چون روسا، تنب، حاسنهان معضی از امراض جلدي و ضربه سر در تداوی قرار میگیرد. مملو و بر آن در این انواع اقسام حکهای کیمیاوی و صنعتی و لابراتواری تولید میشود.

از یاد به عمل آمد، چنانچه در سال ۱۹۷۵ هشت صد هزارتن از آن دیدن کردند. از قرن سیزدهم تا قرن بیستم هنگامیکه استفاد ما ز معین مذکور صورت گرفته، همه اش بر مبنای میتود های استفاد از معادن استوار بوده است. به این ترتیب مقدار نمک حاصله از آن در جریان هفتصد سال به بیست و پنج میلیون تن می رسید. به هر حال از بخش معدن که کن توجه تورستها

زیرزمینی آن بیابانزنده گسی معنوی، عقاید، رسوم و عفته های مردم آن میباشند از همین سبب متخصصان یونکو در سال ۱۹۷۰ معدن کبود را در دست انتخارات کلتوری جهان شامل ساختند.

باید گفت که تا چند سال اول جهانی بیشتر دانشمندان و هنرمندان از آن دیدن میکردند بعد از جنگ دوم جهانی در تعداد تورستها که به خاطر دیدن معدن مذکور می آمدند

در اینجا وجود دارد البته در اروپا دیگر ساحه ای وجود ندارد که از نظر موجودیست سامان آلات چنین غنی باشد. یکی از گرانیهاترین آنها وسیله ای است که به قرن هفدهم مربوط میشود، وسایل گدن کاری، چراغها، وسایل ترانسپورتی و غیره خدلی دلچسپهاست.

معدن ویلزسکا از نظر هنری نیز غنای لازم را دارد. این معنی که عباد نگاه

# معدن فلزات

در روزند تا حیه بی کهنای فلزسکا یاد میبرد و در ارایه معدن حک است که از نظر تاریخی خیل

# آریا پامیر لمتد

## یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

در فاقر و منازل شما همیشه ترمی افزاید.

اگر میخواهید اتاق های نماز از زیبایی خاص بخشیده آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پابر تیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنک وات منزل اول آریا ناماگیت تیفون ۲۳۷۴۷



### فروشگاه جواد

این فروشگاه نمیکترین پتلو نهایی کادوبای مردان ، درشی های طفلان ، جپر کادوبای مردان ، جاکت دامن ، اقسام بوت زنانه ، سبیر مردانه و نس ، تمام لباس های مورد نیاز را تازه وارد و قیمت نازل برای مشتریان عرض میدارد .

آدرس : فاریاب ، ماگیت زرغون میدان تیفون ۲۳۹۱۲



سوپرا تلویزیونی که از روی داشتن اترا بدل دا اعتماد ه  
 سوپرا تلویزیون مقبول مطابق خواست شما با با چه تعداد اجناس از این  
 ۱- دارای دوش پشه بوده کشفه اولی بویلاوه محافظت شیشه اصلی تصویر رابطه مجسم  
 و تصویر را بهتر نکمیدارد  
 ۲- بطور اتوماتیک در ولتاژ های ۱۶۰ تا ۲۶۰ ولت عیار گردیده و فعال میشود  
 ۳- به سیستم Pal B/G Secam BGDK بوده و ازین نظر دارای امتیاز  
 خوب است  
 ۴- در ۳۰ کانال کار میکند  
 ۵- قیمت آن نسبت به همه تلویزیون های جاپانی نازل بوده و خیلی اقتصادی است  
 شما میتوانید از دوستان تان اگر ازین تلویزیون داشته باشند اطمینان خاطر حاصل کنید  
 تلویزیون سوپرا را از فروشگاه مسکا مقابل شاروالی بل پهلوی فروشگاه دیپلایت بدست  
 آورید . تعداد آن کم است . فراموش نکنید سوپرا بادوش پشه و محافظت شیشه دارای قیمت  
 کنترل



# تایر تیوپ لیس

شما که بخاطر تایر های جدید انتظار می کشید به مطمئن ترین تایر را جستجو می نمودید حال می توانید  
 مطمئن شوید این تایر ها که از شهر ترین کمپنی تازه وارد گردیده در خدمت شما قرار دارد .  
 این تایر های تیوپ لیس ضد سخری و دفع کننده فشار و ضربه میباشد . تایر های تازه وارد از سایر تایر ها ارزانتر  
 بوده و به اقتصاد شما کمک میکند . این تایر ها چندین برابر تایر های بادی عمر دارد مطابق استاندارد بین المللی  
 ساخته شده . ازین تایر ها برای کراچی های خاک ریز و کراچی های حمل و نقل اموال و ماشین های سیار استفاده میشود .  
 این تایر ها برای شهر ها و قصبات کشور یک محصول مطمئن است  
 ازین تایر استفاده نماید و برابر همیشه از پنجه شدن و هواگیری راحت باشید .  
 آدرس فروش :- کابل حصه اول جاده نادرینتون محمدی مارکیت دوکان غلام رضا  
 سالنگ واپ چهارراهی قوای مرکز سرای حاجی محمد عطا دوکان محمد رضا ، ریبا  
 تلفون ۳۴۹۸۱





# عمال بیخوابی و رفع آن

(۵) سردرد شدید (۶) بیماری های عفونی و غیره.

رفع بیخوابی: (۱) یک ساعت قبل از صرف طعام در هوای آزاد گردش کردن. (۲) برطرف کردن هوای نامساعد و مرصدهای زیاد از اتاق خواب. (۳) مطالعه کتاب فحش بخش قبل از خواب (۴) بیرون کردن تمام افکار ناراحت کننده با زسر. ارسالی: عبدالمجید مشفق

از میان د معامل بیخوابی میتوان ازین عوامل نام برد: (۱) ناراحتی فکری (۲) سرو مدای زیاد در اطراف محل خواب (۳) هیجانات روحی (۴) تری (۵) هوای نامساعد اتاق خواب (۶) خوردن غذای نامناسب قبل از خفتن و بالاخره مبتلا به یکی از بیماری های زیر: (۱) بیماری های معدده ووده (۲) سل ریه (سرفه-تپ) (۳) پرخونی یا کمخونی مغز (۴) درد های همی

محترم محمد قبی (اسمه پوشا) مطلب راجع به روز مادر، روز پدر برای ما رسید، یعنی پنج - شش ماه بعد از روزها در آینده اگر این گونه مطالب میداشته باشید، لطفاً آنرا - شش ماه قبل بفرستید.

از شما تشکر! رنگه پوشا باشید. - همکار خوشذوق مرحوم کیوم اصغری از خصه دوم خیرخانه از دستکارت زیبای تان تشکر ولی ندانستم، که نوروزکدام سال را تبریک گفته اید؟ به هر صورت از شما یک عالم ممنون! ماهم عید سال آینده را از صم (دل) برای تان تعین عرض میدارم.

- همکار خوب میثاقیه دوستدارا بهتر است خود شما تشرف آورده، سرگذشت تان را برای ما قصه کنید؟ زیرا خواندن کی بود مانند نشنیدن.

- محترم با صبره حامد زاده از نامه طولیل تان پسک نکته ریک حکایت کوتاه را انتخاب کرده ام:

- تحمل بهترین صفت است اما زنده گی آن قدر کوتاه است که مجال تحمل را نمیدهد. - همکار عزیز کاره سلجوقی از لیمه استقلال.

ما منتظر مطالب جالبی و بلاستیک بیچ تان هستیم - محترم بهران ابدالی.

از شما نامرزیهای را ملاحظه کردیم، شما هم بکشید همیشه اشعار زیباراهه مطالعه کنید (منتظر اشعار د پگرتان هستیم. - همکار خوب شازیه نوا.

سروده (رخت سفر) تان بالاخره برای ما رسید از این که امکان نشرش جوانان را نداریم، خدا کند که رخت همگاری تان را از مجله برنجینید.

محترم احمد جانید شعری از خیرخانه.

به پاسخ سوال تان نزدیک یک بین عرض میدارم. ازین که تیل نیست گزارشگران ما نمیتوانند توسط پایسکل، به خارج رفته هنرمندان و روزشکاران مشهور دنیا را ملاقات و همرایشان مباحثه نمایند از شما تشکر.

# از یاد نماند

## پروانه عاشق چرا شمع السلت

عشق پروانه به شمع که الهام بسیاری از شعرا مشرق زمین است، یک توضیح علمی بسوار ساده دارد. قاعدتاً پروانه ها هنگام پرواز در روز از نور خورشید به عنوان رهنما استفاده میکنند، پس پرواز آنها طوری است که همیشه اشعه خورشید یا زاویه ثابت و یکواخت به چشمشان برخورد مینماید. البته چون فاصله خورشید با پرواز بسوار زیاد و تقریباً در حکم بی نهایت است، حشره وون آن که مشکلی برایش

عشق پروانه به شمع که الهام بسیاری از شعرا مشرق زمین است، یک توضیح علمی بسوار ساده دارد. قاعدتاً پروانه ها هنگام پرواز در روز از نور خورشید به عنوان رهنما استفاده میکنند، پس پرواز آنها طوری است که همیشه اشعه خورشید یا زاویه ثابت و یکواخت به چشمشان برخورد مینماید. البته چون فاصله خورشید با پرواز بسوار زیاد و تقریباً در حکم بی نهایت است، حشره وون آن که مشکلی برایش

- همکاران خوب مجله نجایی و صوفیا نجایی از نورمحمد ناصینجا. از سخنان طلایی، دیوانی و نشر میکیم. منتظر سخنان العالی تان هستیم. - در تن نحیف میتوانید اندیشه های هنرزی مسکن گردید. - یک ساعت زنده گی با افتخار و شکوه به یک قرن گمنام زیستن می آرزید. - دوستدار مجله مرسم غیبی کارمند وزارت آب و برق! میکوشم تمام نظریات شمارا یک صد و یک فیصد عملی سازم. - محترم سلطانه از زنگر زبانی! این هم از نامه شما: - اگر میخواهی به دروغ گردی بدی، همیشه راست بگو. هر وقت تصمیم گرفتید، درهای تردید را ببندید. - همکار دایمی عشیق الله سخن زاده.

شما حال این نهاد کردید ما قبل از پیشنهاد تان آنرا - زنگر گرفتیم و اینک صفحه سلام بچه ها و سلام دخترها همانست که میخواهید از شما تشکر. منتظر نظریات سازنده تان هستیم. - محترم علی محمد احمد یار محصل بولیتخنیک کابل! ای کاش لطف و مهر بانی کرده اند که میدادید کما این منزل زبانه نژادیه ذهن کینت!

- دوستدار مجله فوزه سادات از لیمه محمود هوتکی: اگر از نزدیک بین پاسخهای جالب را انتظار دارم در نامه های آینده تان لطفاً سوالات جالب بطرحید. - محترم مریم عبیدی کارمند وزارت آب و برق.

شعر بهاریه تان درستان برای ما رسید. نزدیک بین به شما مشوره میدهد که بعد از خواندن این سطور لطفاً آستین هارا بالا بزنید. مطالب زیستانی نوشته بفرستید، آن گاه بدون بهانه بی نشر خواهد شد. - همکار عزیز هنر فرم حاصل استیتوت طب کابل. فال تان را به فالبین مجله سپردیم، فال ببینید که نشر میشود یا خیر.

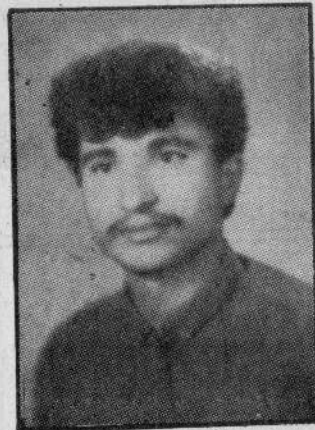
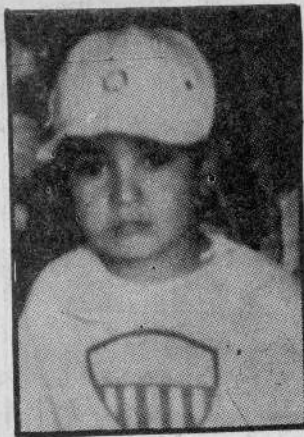
ارسالی: عبد القاسم سنکمن

# چرا هنگام صحبت تلفونی هار میگزیند؟

چرا هنگام صحبت تلفونی  
(هلو) میگویند ؟

نخستین کسی که به  
فرستادن یک پیام تلفونی  
توفیق حاصل کرد ، یک مرد  
مجارستانی به نام شیواد اربوش-  
کاش (در زبان مجاری ( هالو)  
یعنی آیا میشنوی ؟ گفت . و  
همین کلمه بود که به تدریج  
به (هالو) و بالاخره به  
(الو) تبدیل گردید . برای  
همیشه در صحبت تلفونی به  
کار رفت

ارسالی : حیات الله زر-  
ش دولت زری



فرهاد جان علاقمند  
مجله سپا و ون

قیام الدین غوثی از جنگلک  
کابل از همکاران خوب و  
دایمی سپا و ون

— همکاران دایمی ظاهره  
قلندری و ناهید قلندری از شهر  
بلخمری !

دوستان عزیز ! قابل  
تشکر نیست . این وظیفه  
دورهین است . به همه حال  
از این نامه تان این نکته ها  
را برمیگزینم .

— نفرت و کینه هرگز به  
وسیله خود شرف نمی شود بلکه  
باعشق زوده میشود .  
(پورا)

— از دشمنی که با توجه و  
ستیز میکند ، هرگز هراس  
مکن از دوستانی که به تو  
تعلق میکنند سخت رحمت  
کن  
(ژانبل اوبرگون)

و در همین صفحه قلمای  
در مورد خواب دارم . از-  
شما به اندازه گله های تان  
تفکر و خواب شما خوش  
هنگام همیشه کی محبوب الله  
کوهستانی از ولایت پروان ازین  
که از راه دوری ، نامه ارسال  
کرده اید ، اینک از آن یک  
بیت را انتخاب کرده ، نشر  
میکم .

از وطن گنتم مسافر  
بی دایره راه بین  
سکم روانه اند این  
بی وقاری راه بین  
همکاران ایی مجله عادل  
نروپ از شهر مزار شریف  
افسوس افسوس ، شما که استعداد  
خوبی در مورد شعر دارید  
سالها گات خوبی در شعرید  
شغردارم . به هرحال  
استعداد تان قابل آفرین  
پاد است ، آفتاب زنده کسی  
تان همیشه در وطن بهاد  
همکار حتی ضروری مجله  
لیلا سمات از بوختن بلخ  
از نامه ها پتان دورهین به  
اندازه سلیقه تان تشکر  
میکند مگر شرط آن که نامه  
های آینده ، تان خالص  
از وطن و وطنز باشد .

# از دور

— محترم عبدالله باختروال  
محصل تخنیک نفت و گاز  
مزار شریف  
گله های تان سر چقم دور  
بین . اما به سر گله های سرخ  
وسپز تان قسم که ما همیشه در-  
این صفحه از شما یاد کرده-  
ام . ولی این که شما متواتر  
شماره هارا تعقیب نکرده اید  
گناه نود یک بین و دورهین  
نست همین لحظه بالای سبز  
دورهین سه نامه شما چار  
زبانو نوشته است که در یکی  
آن گله در یکی آن عکس و  
در سوس هم مطلبی در مورد  
" خواب " نوشته اید . و پس  
تا ه صف باید عرض به دارم که  
این مطلب تان در همین شماره  
قابل چاپ نیست . زیرا در-  
صورت نشر صفحه خواب السود  
مشود یعنی در همین شماره

همکار خوب ما ناخوشه  
چین از سوالی اند خور و  
امید وارم در نامه های آینده  
تان چیزی برای جیدن وجود  
داشته باشد .  
— محترم روحگل افشار  
از بلخمری !  
دورهین به سرزند یک  
بین قسم خورد که نامه تان  
نرسیده و اگر رسیده ، مطلب  
تان تکراری بوده ، در غیر آن  
ما به اساس نیت از تمام عزیزان  
و دوستان مجله را که لطف  
کرده مطلب میفرستند ، به نشر  
میوسانیم ، اگر باورند ارسال  
امتحان شرط است .  
محترم محمد حسین هنر  
بازار حصه دم خیر خان ولایت  
چوزجان نامه تان جالب بود  
ادرتان جالب بود ، سو-  
الات تان هم جالب بود .  
ولی افسوس افسوس که دورهین  
خط خوانای تان را خوانده  
نتوانست .

# بهرینه روز

وقاحت گفت مرا با شاه  
و اشتیاقات بیارید  
ردالت گفت مرا با خلمست  
فضیلت افشارید  
خیالت گفت نتاج امانت بر  
سرس نهید  
ظلمت گفت از جور عدالت بر در  
سرام باورید  
تکر گفت : برای بهر تراصم  
سها کسی که  
حق درین میان گفت : مرا برهنه  
گدا رید و سوزای بی برهن  
میته بد من از ره کسی  
شرمسار نیست  
ارسالی :  
رحمت الله رضایان بلخمری

# حل کنید و جایزه بگیرید

گردآوری و تنظیم از لطیفه (سیدی)

سبک‌دلان

شا



پندرسین

ها

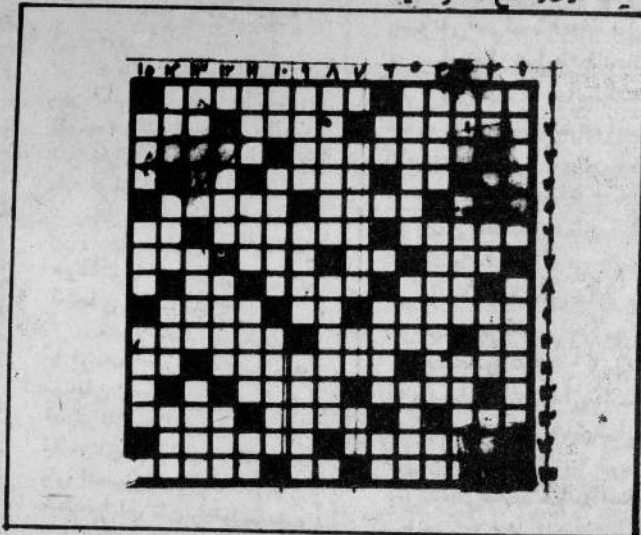
میروی :

- ۱- کاشف گردش زمین - ترک کردن است و در جنگ آتش بس را گویند .
- ۲- همان عشق است - ایضا پاهوروت - پایتخت اروپا می عمله ایست در حساب .
- ۳- ضعیف و ناتوان - برای مهت می خوانند - آرزوست و کمال مطلوب .
- ۴- مردی سوار بر اسب مجله ایست در شهر کهنه چهار و اشیا .
- ۵- خوگان را عرب گویند قرض که در ازترین شب سال .
- ۶- از بازمانده گان هتلمی که زندانی شد - السنه جمع آنست - حرف دهم الفبای آلمانی .
- ۷- بنای عشق درهندستان پایه حیات مقدار عمر .
- ۸- امر خارق العاده ایکه از کسی دیده شود - مقنا طیس .
- ۹- حمام آن معروف است نصیب و بهره و هم قسمت کننده را گویند - می آموزاند
- ۱۰- حرص و طبع - در را

به ان اشترین می گویند - منزل برای آنست .

- ۱۱- مادر اصطلاهی - اگر "ها" میداشت نام یکس از اشد ما رفروغ فرخزاد میشد .
  - ساده است و خلاف مرکب حرارت غیر عادی بدن .
  - ۱۲- مقصود و خواسته شده از قهرمانان شاهنامه - و سهله کار همزم شن .
  - ۱۳- مداین جمع آنست پایتخت چکوسلواکیا - علف و نبات .
  - ۱۴- اولین پادشاه افغان - نستان - از مالک عربی دارایی و کالا - از انطرف خورشید است .
  - ۱۵- خو گرفتن - از فلزات پشت آب آن بیل بگیر .
- افقی :

- ۱- میله آن معروف است علم طبقه بندی اجسام حیه .
- ۲- داستان وقسه را گویند که رچه - خونها .
- ۳- اولی تنهات و دو می درگاه را گویند "دو کلمه" خر بظه که دران پولس میزند



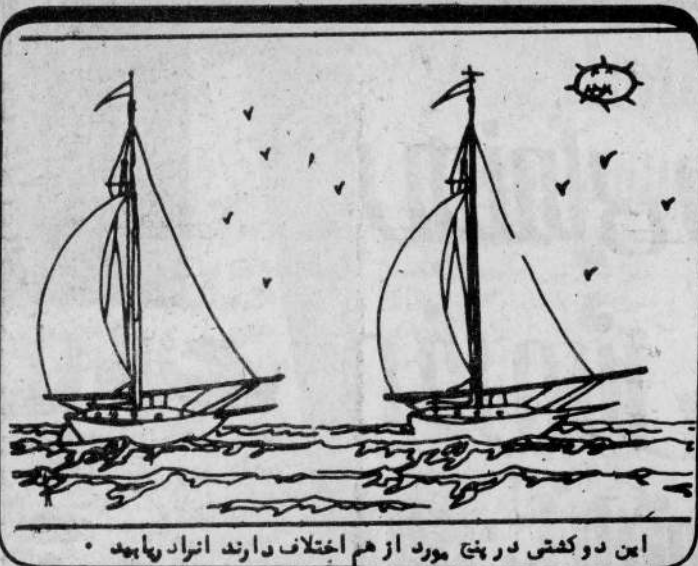
- ۴- شما به لسان بیگانه فیلسوف حیوانات - روم و پندیده گی - نصف رندی .
- ۵- همنشن صابون - جدا جدا نیست - قصاد است و فنا .
- ۶- بلبل داستان آنست با تکرار حرف آخر - قناعت کرد است .
- از خنرات ناقل مکروب در - پختو .
- ۷- رسوا کردن و دریدن پرده رحمت الله علیه - گرم نیست بصحت و اندرز .
- ۸- تیز ورنده - همنشمن آستر - تکرار یک حرف .
- ۹- از پیشاوند ها است خندان و خنده روز را گویند .
- ۱۰- شخص سوم بفرد - شوخ در روز با چراغ بدنالش بود نجات یافته است و تخلص یکی از هنرمندان گروه گل سخ .
- ۱۱- داستان و افسانه پها میریکه پسرش چاه زمزم را پدید آورد - عشق به لسان بیگانه .
- ۱۲- مرهون و گروگنداشته شده - هر چیز گمتر ندسی را گویند .
- ۱۳- وظیفه معده - رفیق و دوست در اردو - مکرر .
- ۱۴- خلفای آن معروف است تکرار آن را گناه پنداشته اند .
- ۱۵- جمع شهره تخم مسکه و امثال آنرا گویند - ازجا - لات دریا - هم صحبت رای در کلیله و دمنه .

طرح جدول از : بیگانه

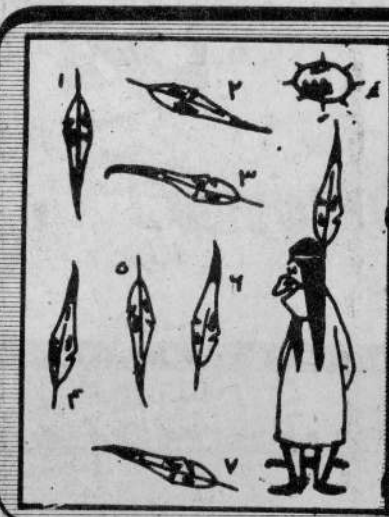
# پایخ بدهید و جایزه بگیرید

شماره مطالعه فراوانی

- خربکس اثر کدام نویسنده است و محتوای آن از کدام موضوع بحث می کند ؟
- شب چراغ اثر کدام نویسنده است ؟
- نویسنده کتاب و موش ها کوش دارند کوش و مطالب آن روی کدام موضوع مچرخد ؟
- جلوه های زیبایی در هنر مربوط به کدام نویسنده کشور است و پیرامون کدام موضوعات معلومات آرایه میدارد ؟
- مر برای مچ مجموعه طنزی کدام طنز نویس کشور است ؟
- داستان درز دیوار روی کدام موضوع نگاشته شده است و در ضمن نویسنده آن کیست ؟
- و افتاب نمیرود مجموعه شعری کدام شاعر معاصر کشور است ؟
- گزارنده مجموعه قصه های اسطوره شهادت به دری مر- بوط به کدام چهره کشور است ؟



این دو کشتی در پنج مورد از هم اختلاف دارند انفرادی باشد .



در میان این برگها  
کدام پرمانند است  
که بر سر این شخص  
دیدار شود ؟

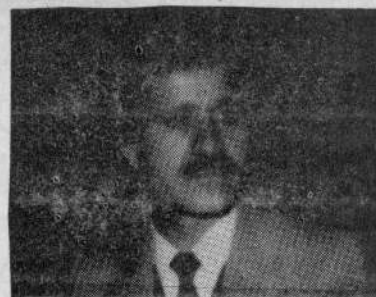
مصراع اشعار  
شاعر توانا مولانا  
بلخ را تکمیل نمایند

- تو هنوز ناپیدی توجمال -  
خوندیدی  
سحری چو ..... برای
- حق ترا از جهت .....  
آوردت  
فتنه و ثور قیامت نکسی به -  
چو کسی
- باله که شهر به تو مراحس می -  
شود  
..... و بهایانم ارزوست
- چو غلام ..... به طریقه  
ترجمانی  
به نهان از او بهرم به شما -  
جواب گویم
- ..... فلك زهر به آورد شب -  
و روز  
من شکراندر و شکراندر  
شکرم

اداره مجله سبادون برای برنده گان این صفحه  
جایزه های عالی در نظر دارد .  
در هر شماره برای سه برنده تحلیف متمناز داده میشود جایزه  
های این شماره کتابچه های پس انداز بانک ملی فغان  
در نظر گرفته شده که ریاست بانک ملی باصمیمیت  
ببسترش مقرر داده است .

## برنده این شماره

محترم ژلا نوری محصل سال اول پوهنشی حقوق و علوم سیاسی پوهنتون نابل ، که همیشه با مجله دوست داشتی خوشش -  
سباوون همکاری دارد ، باحل جدول سرگرمهای مجله تو -  
نست جایزه می این صفحه را که یک جلد کتابچه پس انداز  
بانک ملی است نصیب کرد . که ما با صمیمیت این تحفه را  
به وی تقدیم نمود و اظهار سپاس مینماییم .



# رهنمایی در خرید و فروش خانه زمین آپارتمان و موتور

## رهنمای مساعلات

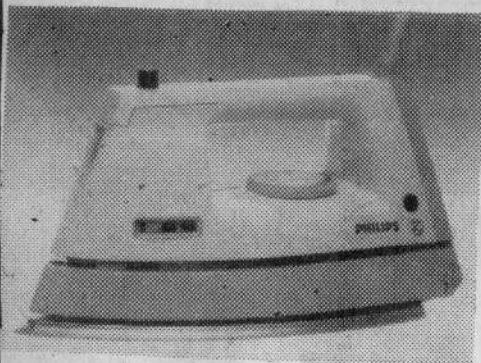
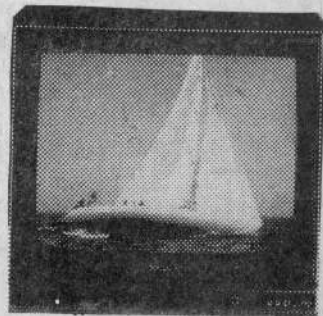
## روح الله تقیری

### آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب  
متصل مسجد جامع شیرپور  
تلفون ۳۲۵۲۹

## فروشگاه فلیس دلیات

فروشگاه دلیات شیک ترین اجناس  
را از مشهورترین کمپنی های جهان با تنوع و دورد  
نوده و بهار شتر باغ عرضه میگردند.



توزیع کننده فلیس اتوماتیک ریپورت کنترل دلد - سایز های مختلف با یکسال  
گارانتی، دیر دوکت شارپ چاپر مدل VC-M730E اتوماتیک دلد از قیمت عالی سیستم  
ریپورت کنترل دلد، اقام رادیو کت، اتوموبیل اتوماتیک فلیس، بادبک سرسبز، توزیع کننده اسلایدر  
۱۱۵۲۰ رنج سیاه سفید منت اتحاد شمدر. آدرس: مقابل نبادالی کابل محمد جان خان ۱۱

# دستورات محبت



فاندر دوشهر شنبه و شيرى خوار وغيره مى فرمايد تا اول در دستورات محبت بگزارد  
 تا نيد . دستورات محبت با محبت با هم در شرط نهمين مورد از خوب  
 رقيت اندك در بهما ناسخ اولين مورد از ناسخ  
 همچنان دستورات محبت هم روزه از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۲ ظهر  
 بجا مى آيد و ناسخ چاشت در خدمت هم شهر ناسخ است  
 در كنسرس حادول جاده ميوند تقابل با ناسخ تصدق پرچم شيرى ت ۲۵۷۶۶

اگر قصد سفر داريد  
 در بسته هاي خيسه آرام  
 دسترسي ۳۰۳ سفر  
 كنيد .



بازار كپنجشير برس شمارا  
 از كابل به بخري بستمنگان  
 و هزار شريف مع الخيز ميرمانه  
 آدرس :  
 كابل - ساحه واقفانان و پل شيرى

سفر  
 بازار كپنجشير

تيلفون ۲۱۷۸۴

ضرورت نیست هر کار را بجز در  
خوش انجام دهید . در زندگی  
کی باید این حقیقت را در نظر  
بگیرید که خوبی و بدی ، زشتی  
و زیبایی مانند روشنی و تاریکی  
وجود پیدا می کند و لذا شما درین  
میان به ارزش نیکی ها پی برید  
درین روزها ملاقات مهمی در  
پیش دارید که در سرنوشت  
عشقیشان تاثیر دارد . از  
خود مواظبت داشته باشید .

تور

میگویند برد باری در آسمان  
پش را باز میکند . توجه داشته  
باشید ، مقاومت شما موجب میشود  
که شما در برابر دشوار تر شدن  
مشکلات زندگی پیروز شوید .  
به عشق باورتان رانگهدارید  
به زودی یکی از بزرگترین آرزو  
هایتان برآورده میگردد .

چون

توانایی در دانایی است  
ازین سبب سعی کنید در باره  
آنچه که با آن سروکار دارید  
گاهی داشته باشید . قضا  
وت عجلانه برایتان درد سر  
های زیاد خلق میکند مخصوص  
صا از نظر وجدانی ناراحتی  
هایی شما را سرگچه خواهد  
ساخت . بگذارید شما را دوست  
داشته باشند این احساس  
خوبی است .



میگویند قول مردان چنان  
دارد . سعی کنید به قول  
خوب ایستاده باشید همچنانکه  
شما از آدم های دور و فریبگر  
خوشتان نمی آید دیگران نیز  
این صفت را در شما دوستی  
ندارند . به ملاقات دوستی  
مروید که برایتان خیلی خوب  
شایند است . توجه کنید که  
درین روز مواظب صحت تن  
باشید .

سبزه

هر وقت نسبت به کسی بی  
حرمتی روا میدارید در حقیقت  
تخم کینه و نفرت را در دل او  
زور می کنید . انسانیت مفهوم  
بزرگیست که در آن احترام متقابل  
بل جای ولایتی دارد از عجله  
در تصمیم خود داری کنید  
اگر تصمیم از دواج دارید خیلی  
مناسب است که پیش از زمستان  
عمل کنید .

عاقل آنچه را میداند میگوید  
و نادان آنچه را نمیداند میگوید  
ید ، ازین سبب از اطراف انسانی  
که شما را با حرف های جور و  
ناجور ناراحت می سازند آزرده  
نباشید بلکه فکر کنید هر کس  
نظر خود را در  
نامه بی به شما میرسد که  
میتواند در سرنوشت عشق شما  
اثر بگذارد . به دیدار عزیزان  
تان بروید چون آنها به شما  
نیاز دارند .

اگر دوستی عمل است او را

نخور ، ضرورت نیست که محبت  
و صمیمیت دوستان تا نرا مورد  
استفاده سوء قرار دهید یا  
تا مل در مورد سرنوشت خود بسا  
اعضای خانواده تان تصمیم  
بگیرید مخصوصا در تصمیم برای  
از دواج خود را با مشغولیت  
های ناراحت کننده بیشتر ازین  
ناراحت نسازید . موسیقی  
میتواند شما را راحت نگهدارد

میگویند مصیبت دم دارد و  
یک بدبختی به بدبختی دیگر  
دست میدهد اما با این هم  
سلسله بدبختی ها بس یار دراز  
نیست شجاعت شما میتواند آنرا  
کوتاه سازد اعتماد کنید و نسبت  
به آنکه باور دارید مظنون نباشید  
شاید . او نیز علاقمند و عاشق  
شماست فقط باید او را درک  
کنید .

بسیاری هادر جستجوی عشق  
بودند اما خود را کم کردند  
و آنچه را که میخواستند نیافتند  
زیرا اراده شان قوی نبود . شما  
میتوانید عاقلانه تر بیاندیشید  
ممکن است درک شما احساساتی  
باشد . در وستان خوب راد  
روز های بد آزمایش کنید .  
کینه نسبت به عزیزان تان در  
درا نگیرید .

میگویند نگذار زیانت گسوی  
ترا قطع کنده انمان میتواند  
خیلی تند و خیلی زشت حرف  
بزند اما زشت صحبت کردن  
مفید نیست . با صمیمیت به  
دیدار کسی بروید که همیشه  
منتظر شماست . مواظب باشید  
که در دام فریب و اغوای ذهن  
خود نیفتید .

چرا از روی صمیمیت نمی پند  
یرید که او شما را دوست دارد .  
اعتماد او را جلب کنید و خود  
را از افکار باطل برهانید  
انتظار تلخ است اما میتواند  
برای شما اهمیت آنچه را آرزو  
دارید برجسته سازد از دوری  
او ناراحت نباشید به زودی  
خوشحالی بزرگ به سراغ شما  
میرسد .

# موتورهای انصاری وات



آه شما هم حفظ کنید، هر وقت یک در موتور هستی.  
 آیا ما قصد داریم شما را، الگا، ماسکیوچ مدل ۱۹۹۰ را حاضر کنیم؟  
 موتورهای الگا، ماسکیوچ ۹۰ و موتورهای انصاری وات تازه وارد نموده است.

شما از نمایندگی این موتورها در چهارراه انصاری شهرنودین کنید  
 و موتوردهنده را با رنگ مورد پسند انتخاب کنید. همچنین موتورهای  
 انصاری موتورهایی مدل جدید ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ بنز تویوتا و یک هیای  
 مختلف النوع را بدستور دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط  
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند.

که سر لا بار دیگر بخاطر داشته باشد.

تلفون ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین



ADKU  
سلسل  
OS  
350  
220  
v4 1 n4



پیک شکر بزرگ  
درویشگاه بزرگ

# فروشگاه بزرگ افغان

معافلی خوشی ناندار رستوران  
فروشگاه بزرگ افغان بزرگ  
نمایید تا خاطره آن همیشه باشد  
بماند  
وقت را بزرگ کنید

شما می توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان را تولید کنید  
تولید کننده انواع پوشاک و لوازم خانگی با قیمت مناسب خرید کنید

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)  
Ketabton.com: The Digital Library**